تفسیر و بیان کلمات قرآن

**مؤلف:**

**شيخ حسنين محمد مخلوف**

**مترجم:**

**عبد الكريم ارشد**

**پاورقی‌ها:**

**برگرفته از مقاله‌ «التعقيبات المفيدة على كتاب كلمات القرآن...»   
نوشتۀ: دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم |
| **عنوان اصلی:** | كلمات القرآن تفسير وبيان |
| **نویسنده:** | شیخ حسنین محمد مخلوف |
| **مترجم:** | عبدالکریم ارشد |
| **موضوع:** | ترجمه معانی قرآن کریم |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) |
| **تاریخ انتشار:** | شهریور (سنبله) 1394شمسی، ذوالقعده 1436 هجری |



**این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**

**www.aqeedeh.com**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[مقدمۀ مترجم 9](#_Toc428494038)

[سورۀ فاتحه 11](#_Toc428494039)

[سورۀ بقره 11](#_Toc428494040)

[سورۀ آل‌عمران 28](#_Toc428494041)

[سورۀ نِساء 37](#_Toc428494042)

[سورۀ مائده 46](#_Toc428494043)

[سورۀ انْعَام 55](#_Toc428494044)

[سورۀ اعراف 64](#_Toc428494045)

[سورۀ اَنفَال 75](#_Toc428494046)

[سورۀ تَوبَه 78](#_Toc428494047)

[سورۀ يونس 85](#_Toc428494048)

[سورۀ هود 89](#_Toc428494049)

[سورۀ يوسف 95](#_Toc428494050)

[سورۀ رعد 101](#_Toc428494051)

[سورۀ ابراهيم 103](#_Toc428494052)

[سورۀ حِجْر 106](#_Toc428494053)

[سورۀ نحل 109](#_Toc428494054)

[سورۀ اسراء 115](#_Toc428494055)

[سورۀ كهف 121](#_Toc428494056)

[سورۀ مَريَم 127](#_Toc428494057)

[سورۀ طه 131](#_Toc428494058)

[سورۀ انبياء 137](#_Toc428494059)

[سورۀ حَجّ 141](#_Toc428494060)

[سورۀ مؤمنون 145](#_Toc428494061)

[سورۀ نُور 149](#_Toc428494062)

[سورۀ فرقان 152](#_Toc428494063)

[سورۀ شُعَرَاء 156](#_Toc428494064)

[سورۀ نمل 159](#_Toc428494065)

[سورۀ قَصَص 163](#_Toc428494066)

[سورۀ عَنكبُوت 167](#_Toc428494067)

[سورۀ روم 169](#_Toc428494068)

[سورۀ لقمان 171](#_Toc428494069)

[سورۀ سجده 173](#_Toc428494070)

[سورۀ احزاب 174](#_Toc428494071)

[سورۀ سبأ 179](#_Toc428494072)

[سورۀ فاطر 182](#_Toc428494073)

[سورۀ يس 186](#_Toc428494074)

[سورۀ صافات 188](#_Toc428494075)

[سورۀ ص 192](#_Toc428494076)

[سورۀ زمر 197](#_Toc428494077)

[سورۀ غافر 201](#_Toc428494078)

[سورۀ فصلت 204](#_Toc428494079)

[سورۀ شوری 207](#_Toc428494080)

[سورۀ زخرف 210](#_Toc428494081)

[سورۀ دخان 213](#_Toc428494082)

[سورۀ جاثيه 215](#_Toc428494083)

[سورۀ احقاف 216](#_Toc428494084)

[سورۀ محمد 218](#_Toc428494085)

[سورۀ فتح 220](#_Toc428494086)

[سورۀ حجرات 222](#_Toc428494087)

[سورۀ ق 223](#_Toc428494088)

[سورۀ ذَارِيَات 225](#_Toc428494089)

[سورۀ طور 227](#_Toc428494090)

[سورۀ نجم 229](#_Toc428494091)

[سورۀ قمر 231](#_Toc428494092)

[سورۀ رحمان 234](#_Toc428494093)

[سورۀ وَاقِعَه 237](#_Toc428494094)

[سورۀ حَدِيد 240](#_Toc428494095)

[سورۀ مُجَادَلَه 242](#_Toc428494096)

[سورۀ حَشْر‏ 245](#_Toc428494097)

[سورۀ مُمْتَحِنَه 246](#_Toc428494098)

[سورۀ صَف 247](#_Toc428494099)

[سورۀ جُمُعَه 248](#_Toc428494100)

[سورۀ مُنَافِقُون 249](#_Toc428494101)

[سورۀ تَغَابُن 250](#_Toc428494102)

[سورۀ طلاق 250](#_Toc428494103)

[سورۀ تَحْرِيم 252](#_Toc428494104)

[سورۀ مُلْک 253](#_Toc428494105)

[سورۀ قلم 255](#_Toc428494106)

[سورۀ حَاقَّه 258](#_Toc428494107)

[سورۀ معارج 261](#_Toc428494108)

[سورۀ نوح 262](#_Toc428494109)

[سورۀ جن 263](#_Toc428494110)

[سورۀ مُزَّمَّل 265](#_Toc428494111)

[سورۀ مُدَّثِّر 266](#_Toc428494112)

[سورۀ قِيَامَت 269](#_Toc428494113)

[سورۀ انسان 270](#_Toc428494114)

[سورۀ مُرْسَلاَت 272](#_Toc428494115)

[سورۀ نبأ 273](#_Toc428494116)

[سورۀ نَازِعَات 275](#_Toc428494117)

[سورۀ عَبَسَ 277](#_Toc428494118)

[سورۀ تَكْوِيْر 278](#_Toc428494119)

[سورۀ انفطار 279](#_Toc428494120)

[سورۀ مُطَفِّفِين 280](#_Toc428494121)

[سورۀ انشقاق 281](#_Toc428494122)

[سورۀ بُرُوج 282](#_Toc428494123)

[سورۀ طارِق 283](#_Toc428494124)

[سورۀ اعلی 284](#_Toc428494125)

[سورۀ غاشيه 285](#_Toc428494126)

[سورۀ فجر 285](#_Toc428494127)

[سورۀ بلد 287](#_Toc428494128)

[سورۀ شمس 288](#_Toc428494129)

[سورۀ ليل 289](#_Toc428494130)

[سورۀ ضُحَی 289](#_Toc428494131)

[سورۀ شرح 290](#_Toc428494132)

[سورۀ تين 290](#_Toc428494133)

[سورۀ عَلَق 291](#_Toc428494134)

[سورۀ قَدْر 291](#_Toc428494135)

[سورۀ بَيِّنَه 292](#_Toc428494136)

[سورۀ زَلْزَلَه 293](#_Toc428494137)

[سورۀ عَادِيات 293](#_Toc428494138)

[سورۀ قَارِعَه 294](#_Toc428494139)

[سورۀ تَكاثُر 294](#_Toc428494140)

[سورۀ عَصر 294](#_Toc428494141)

[سورۀ هُمَزَه 295](#_Toc428494142)

[سورۀ فِيْل 295](#_Toc428494143)

[سورۀ قُرَيْش 296](#_Toc428494144)

[سورۀ مَاعُون 296](#_Toc428494145)

[سورۀ كَوثَر 296](#_Toc428494146)

[سورۀ كَافِرُون 297](#_Toc428494147)

[سورۀ نَصْر 297](#_Toc428494148)

[سورۀ مَسَد 297](#_Toc428494149)

[سورۀ اِخْلاص 299](#_Toc428494150)

[سورۀ فَلَق 299](#_Toc428494151)

[سورۀ نَاس 299](#_Toc428494152)

[منابع مورد استفاده مترجم 301](#_Toc428494153)

مقدمۀ مترجم

قرآن کریم این کتاب بزرگ آسمانی و قانون کامل و تام از آغاز نزول تا این دوران انسان را از زنجیر اسارت و بردگی رها ساخت، از گمراهی‌ها نجاتش داد و به سوی دانش و روشنایی هدایتش کرد، خوشبختی و سعادت دارین او را فراهم نمود، بدون شک مکتب انسان ساز قرآن برای بشریت عدالت خواهی، امانت داری، شجاعت، ایثارگری و دلسوزی آموخت و برایش فهماند که جهان و هستی بدون هدف و بدون حساب و کتاب نیست، بلکه همه اعمال انسان از خوب و بد محاسبه و باز پرس خواهند شد.

پیش از نزول این راز خلقت جامعه بشری گرفتار ظلم، بی‌داد، جهل و تارکی بود، زورمندان بد اندیش و استبدادگران کور دل با آشامیدن خون انسان روزگار بشر را تیره و تار می‌ساختند. در جاهلیت آن دوران خانواده‌ها روز به دنیا آمدن دختران خود را روز سیاه و ماتم می‌دانستند اشک حسرت می‌ریختند و آنها را زنده به گور می‌نمودند، قرآن این چشمۀ جوشان زندگی دستور داد: فرزندان خود را زنده بگور نکنید. پیام‌آور گنجینۀ علم و معرفت و مشعل دار راه نجات اعلام داشت روز ولادت هر نوزادی شادی نمایند و گوسفند سرببرند و به شخصی‌که دو دختر و یا دو خواهر خود را بخوبی تربیت و بزرگ نماید وعدۀ بهشت برین داد.

قرآن معجزۀ پیامبر اسلام و دلیل زنده و روشن حقانیت راه او انسان را به تفکر در آفرینش آسمانها، خورشید، ماه، ستارگان، زمین، کوهها دریاها، نباتات، حیوانات و انسان دعوت می‌کند و نظام شگفت آوری را که در هر یک از انواع موجودات حکم فرماست گوشزد می‌نماید، تا با مطالعه و اندیشیدن در باره این موجودات برای بشر حقانیت وجود الهی آشکار شود و در عین حال از عالم هستی به نیکویی بهره بگیرند و آنها را مورد استفاده و در خدمت انسان قرار بدهند.

علمای بزرگ اسلام در همه عصرها و قرن‌ها برای درک مفاهیم عالی و رسیدن به عمق معانی قرآن به تفسیر و تشریح آن پرداختند تا مسلمانان مقصد و مراد آن را بخوبی دریابند و از این نعمت با ارزش الهی بهره‌ور شوند و به اوج سعادت و آرامش دست یابند و با درک این انـدیشۀ کامل که هستی انسان را ارزش و تکامل می‌دهد به سوی هدف نهائی بالا بروند. به تأسی از این هدف نیک شیخ حسنین محمد مخلوف از دانشمندان بزرگ جهان اسلام که سال 1307 هـ به قاهره به دنیا آمد و بعد از فراغت از دانشگاۀ ازهر آنجا به تدریس پرداخت و سال [1410 هـ](file:///C:\wiki\1410_%D9%87%D9%80) از جهان رفت. هنگام تدریس متوجه گردید که علاقه‌مندان قرآن از معانی بعض آیات آن بسیار سوال می‌کنند پس «تفسیر و بیان کلمات قرآن» را نگاشت که مورد استقبال قرار گرفت و بارها به شیوه‌های گوناگون چاپ و نشر شد، این دانشمند «صفوة البیان لمعانی القرآن» و چند کتب دیگر را نیز نوشته است. برای استفاده بیشتر از این کتاب آن را به شکل شیوا و رسا به زبان فارسی ترجمه کردم تا کسانی‌که به زبان عربی آشنایی ندارند از آن بهرۀ کامل و تمام بگیرند.

والسلام

عبد الکریم «ارشد»

بسم الله الرحمن الرحیم

سورۀ فاتحه

1- ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ﴾: ثنا و ستایش خاصه خداست.

1- ﴿رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾: مربی و تربیت کننده موجودات، مالک و چاره‌ساز امور ایشان.

4- ﴿يَوۡمِ ٱلدِّينِ﴾: روز جزاء.

6- ﴿ٱهۡدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ٦﴾: ما را موفق گردان تا به راه روشن و آشکار اسلام که هیچ کجی و نادرستی در آن نیست ثابت قدم و استوار باشیم.

7- ﴿ٱلۡمَغۡضُوبِ عَلَيۡهِمۡ﴾: یهود.

7- ﴿ٱلضَّآلِّينَ﴾: نصاری، همچنان امثال ایشان در ضلالت و گمراهی.

سورۀ بقره

2- ﴿ذَٰلِكَ ٱلۡكِتَٰبُ﴾: قرآن‌کریم.

2- ﴿لَا رَيۡبَۛ فِيهِۛ﴾: بدون شک این قرآن حق و از جانب پروردگار نازل شده است.

2- ﴿هُدٗى﴾: از گمراهی و ضلالت به راه راست هدایت می‌کند.

2- ﴿لِّلۡمُتَّقِينَ﴾: برای آنهایی‌که از گناه اجتناب و اوامر او تعالی را به جا کردند و خود را از عذاب آخرت نگاه داشتند.

5- ﴿عَلَىٰ هُدٗى﴾: با قلب مطمئن به راه راست و روشن قرار دارند.

7- ﴿خَتَمَ ٱللَّهُ﴾: خدا مهر نهاده است.

7- ﴿غِشَٰوَةٞ﴾: پوشش و پرده‌ای است.

9- ﴿يُخَٰدِعُونَ﴾: منافقان مکارانه با فریب و نیرنگ رفتار می‌کنند.

10- ﴿مَّرَضٞ﴾: شک و نفاق یا تکذیب و انکار است.

14- ﴿خَلَوۡاْ إِلَىٰ شَيَٰطِينِهِمۡ﴾: اهل نفاق نزد بزرگانشان بروند يا با آنها تنها شوند.

15- ﴿يَمُدُّهُمۡ﴾: خدا آنها را زیادت می‌بخشد یا مهلت می‌دهد.

15- ﴿طُغۡيَٰنِهِم﴾: پافشاری در کفر و تجاوز از حد خویش.

15- ﴿يَعۡمَهُونَ﴾: منافقان در جهالت باقی می‌مانند و راه راست را نمی‌یابند یا متحیر و سرگردان می‌شوند.

17- ﴿مَثَلُهُم﴾: حالت شگفت‌انگیز یا صفت آنها.

17- ﴿ٱسۡتَوۡقَدَ نَارٗا﴾: آتش افروخت.

18- ﴿بُكۡمٌ﴾: از بیان حق گنگ هستند.

19- ﴿كَصَيِّب﴾: مانند کسانی هستند که بارانی تند و شدید بر آنها ببارد. صیب: باران در حال باریدن از آسمان، یا ابر بارنده است.

20- ﴿يَخۡطَفُ أَبۡصَٰرَهُمۡ﴾: نور برق بینایی آنها را به سرعت ببرد.

20- ﴿قَامُواْ﴾: متحیر و سرگردان در جای خود متوقف شوند.

22- ﴿ٱلۡأَرۡضَ فِرَٰشٗا﴾: زمین را بستر و فرش جهت استقرار در آن.

22- ﴿ٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ﴾: آسمان را سقف برافراشته یا مانند گنبد مستحکم.

22- ﴿أَندَادٗا﴾: امثال و همتا، از بتها که پرستش می‌کنید.

23- ﴿ٱدۡعُواْ شُهَدَآءَكُم﴾: خدایان یا یاران و یاوران خود را حاضر کنید.

25- ﴿مُتَشَٰبِهٗا﴾: مانند هم، در رنگ و ظاهر با هم شباهت دارند نه در طعم و لذت.

29- ﴿ٱسۡتَوَىٰٓ إِلَى ٱلسَّمَآءِ﴾: خدا قصد و اراده آفرینش آسمان را کرد، قصد راست و درست.

29- ﴿فَسَوَّىٰهُنَّ﴾: پس خلقت آسمان‌ها را به اتمام رساند و آنها را استوار و مستحکم ساخت.

30- ﴿يَسۡفِكُ ٱلدِّمَآءَ﴾: از دشمنی و عداوت دست به خونریزی و ستم می‌زند.

30- ﴿نُسَبِّحُ بِحَمۡدِكَ﴾: تو را از همه بدی‌ها پاک و پاکیزه می‌شماریم و تو را ثنا و ستایش می‌کنیم.

30- ﴿نُقَدِّسُ لَكَ﴾: تو را به بزرگی یاد می‌کنیم و یاد تو را از آنچه سزاوار عظمت و شرفت نیست پاک می‌دانیم.

34- ﴿ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ﴾: به آدم فروتنی کنید، یا سجده تعظیم و احترام نمایید.

35- ﴿رَغَدًا﴾: غذای فراوان یا گوارا و بی‌زحمت.

36- ﴿فَأَزَلَّهُمَا ٱلشَّيۡطَٰنُ﴾: شیطان آدم و همسرش را فریب داد و از آن مقام رفیع دور ساخت.

40- ﴿إِسۡرَٰٓءِيلَ﴾: لقب یعقوب.

40- ﴿فَٱرۡهَبُونِ﴾: در پیمان شکنی‌هاتان تنها از من بترسید.

42- ﴿لَا تَلۡبِسُواْ﴾: مخلوط ننمایید یا پنهان نکنید.

44- ﴿بِٱلۡبِرِّ﴾: به طاعت و عبادت بسیار و کارهای نیک.

45- ﴿إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ﴾: به درستی نماز خیلی دشوار، سخت و سنگین است.

45- ﴿ٱلۡخَٰشِعِينَ﴾: انسانهای متواضع و با تمکین.

46- ﴿يَظُنُّونَ﴾: یقین می‌دانند.

47- ﴿ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾: جهانیان دوران خود شما.

48- ﴿لَّا تَجۡزِي نَفۡسٌ عَن نَّفۡسٖ شَيۡ‍ٔٗا﴾: هیچ کس نمی‌تواند برای دیگری کاری انجام دهد.

48- ﴿عَدۡلٞ﴾: بدیل و جای‌گزین.

49- ﴿يَسُومُونَكُمۡ﴾: به شما می‌چشاندند و شما را به کارهای دشوار می‌گماشتند. ﴿يَسۡتَحۡيُونَ نِسَآءَكُمۡ﴾: دختران شما را بخاطر خدمت زنده می‌گذاشتند.

49- ﴿بَلَآءٞ﴾: آزمون و امتحانی بود با اعطای نعمت‌ها و گرفتاری به شکنجه و عذاب.

50- ﴿فَرَقۡنَا﴾: شکافتیم.

51- ﴿ٱتَّخَذۡتُمُ ٱلۡعِجۡلَ﴾: گوساله را خدا و معبود قرار دادید.

53- ﴿ٱلۡفُرۡقَان﴾: شریعت را که ممیز حلال و حرام است.

54- ﴿بَارِئِكُمۡ﴾: خالقتان.

54- ﴿فَٱقۡتُلُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ﴾: در میان خود شما نیکوکار باید گناهکار را بکشند.

55- ﴿جَهۡرَةٗ﴾: آشکار.

55- ﴿ٱلصَّٰعِقَةُ﴾: آتش و یا آواز شدید که از سوی آسمان آمد.

57- ﴿ٱلۡغَمَام﴾: ابر سفید نازک.

57- ﴿ٱلۡمَنَّ﴾: ماده صمغی‌که مثل عسل شیرین است.

57- ﴿وَٱلسَّلۡوَىٰ﴾: مرغ مشهور به سمانی.

58- ﴿رَغَدٗا﴾: غذای فراوان یا گوارا و بی‌زحمت.

58- ﴿قُولُواْ حِطَّةٞ﴾: بگویید: پروردگارا، گناهان ما را ببخش.

59- ﴿رِجۡزٗا﴾: عذابی را، گفته شده طاعون است.

60- ﴿فَٱنفَجَرَت﴾: شکافت و فوران کرد.

60- ﴿مَّشۡرَبَهُمۡ﴾: جای آشامیدن خود را.

60- ﴿لَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾: در زمین دست به فساد نزنید.

60- ﴿مُفۡسِدِينَ﴾: فساد همیشگی.

61- ﴿فُومِهَا﴾: گندم و یا سیر.

61- ﴿ضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ﴾: آنها را احاطه کرده یا به آنها چسبیده است.

61- ﴿ٱلذِّلَّةُ﴾: خواری، بی‌عزتی و پستی.

61- ﴿ٱلۡمَسۡكَنَةُ﴾: ناداری و بخل ذاتی.

61- ﴿بَآءُو بِغَضَبٖ﴾: باز هم به قهر و غضب خدا دچار شدند که مستحق آن بودند.

62- ﴿هَادُواْ﴾: یهودی شدند.

62- ﴿ٱلصَّٰبِ‍ِٔينَ﴾: پرستندگان فرشته‌ها یا ستاره پرستان.

63- ﴿مِيثَٰقَكُمۡ﴾: عهد و پیمان شما را به این‌که به تورات عمل می‌کنید.

65- ﴿خَٰسِ‍ِٔينَ﴾: رانده شدگان پست و بی‌ارزش.

66- ﴿فَجَعَلۡنَٰهَا نَكَٰلٗا﴾: این کیفر را شکنجه و عذاب قرار دادیم.

67- ﴿هُزُوٗا﴾: مسخره و ریشخند.

68- ﴿لَّا فَارِضٞ وَلَا بِكۡرٌ﴾: نه کلان سال است و نه جوان نورس.

68- ﴿عَوَانُۢ بَيۡنَ ذَٰلِكَ﴾: میانه سال است.

69- ﴿فَاقِعٞ لَّوۡنُهَا﴾: رنگ آن گاو بسیار زرد است.

71- ﴿لَّا ذَلُولٞ﴾: رام نیست.

71- ﴿تُثِيرُ ٱلۡأَرۡضَ﴾: تا زمین را شخم زند.

71- ﴿ٱلۡحَرۡثَ﴾: کشت یا زمین آماده برای زراعت را.

71- ﴿مُسَلَّمَةٞ﴾: بی‌عیب است.

71- ﴿لَّا شِيَةَ فِيهَا﴾: رنگ دیگری غیر از رنگ زرد در آن وجود ندارد.

72- ﴿فَٱدَّٰرَٰٔتُمۡ فِيهَا﴾: و در باره او به دشمنی و ستیز پرداختید.

74- ﴿يَتَفَجَّرُ﴾: به وفرت جاری می‌شود.

74- ﴿يَشَّقَّقُ﴾: شکاف می‌شود به طول و یا عرض.

75- ﴿يُحَرِّفُونَهُ﴾: گروهی از یهودیان تورات را تحریف یا به باطل تأویل می‌کنند.

76- ﴿خَلَا بَعۡضُهُم...﴾: نزد بزرگانشان بروند یا با آنها تنها بنشینند.

76- ﴿فَتَحَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ﴾: خدا بر شما حکم کرده است یا آن را به شما بیان داشته است.

78- ﴿أُمِّيُّونَ﴾: جاهلند، نمی‌توانند تورات را بخوانند.

78- ﴿أَمَانِيَّ﴾: دروغ‌های‌که از دانشمندان خود آموختند.

79- ﴿فَوَيۡلٞ﴾: نابودی یا حسرت، یا عذاب شدید، یا وادی است در جهنم.

81- ﴿كَسَبَ سَيِّئَةٗ﴾: کفر ورزید.

81- ﴿أَحَٰطَتۡ بِهِ﴾: گناه او را محاصره کرد و بر حسناتش چیره شد.

85- ﴿تَظَٰهَرُونَ عَلَيۡهِم﴾: در ظلم و ستم به آنها، با یکدیگر همکاری می‌کنید.

85- ﴿أُسَٰرَىٰ﴾ : اسیران.

85- ﴿تُفَٰدُوهُمۡ﴾: فدیه آنها را می‌دهید و از اسارت رهاشان می‌سازید.

85- ﴿خِزۡيٞ﴾: ذلت، فضیحت، عذاب و شکنجه.

87- ﴿قَفَّيۡنَا مِنۢ بَعۡدِهِۦ بِٱلرُّسُلِ﴾: پس از او پیامبرانی را پی‌درپی فرستادیم که به شریعت او حکم می‌کردند.

87- ﴿بِرُوحِ ٱلۡقُدُسِ﴾: به روح پاکیزه، جبرئیل÷

88- ﴿قُلُوبُنَا غُلۡفُ﴾: دلهای ما از آفرینش در پرده است.

89- ﴿يَسۡتَفۡتِحُون﴾: به وسیله بعثت او ج یاری و کمک می‌خواستند.

90- ﴿ٱشۡتَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡ﴾: خود را به آن فروختند.

90- ﴿بَغۡيًا﴾: از حسادت.

90- ﴿فَبَآءُو بِغَضَبٍ﴾: به غضب دیگر خدا گرفتار شدند که مستحق آن بودند.

92- ﴿ٱتَّخَذۡتُمُ ٱلۡعِجۡلَ﴾: به پرستش گوساله‌ پرداختید.

93- ﴿ٱلۡعِجۡل﴾: محبت گوساله‌ای‌که پرستش کردند.

96- ﴿لَوۡ يُعَمَّرُ﴾: کاش عمرش دراز می‌شد.

100- ﴿نَّبَذَهُ﴾: عهد را نقض کرد و بدور انداخت.

102- ﴿تَتۡلُواْ ٱلشَّيَٰطِينُ﴾: شیطان‌ها سحر و جادو را می‌خواندند، یا به دروغ می‌گفتند.

100- ﴿نَحۡنُ فِتۡنَةٞ﴾: ما از جانب پروردگار برای امتحان شما هستیم.

100- ﴿خَلَٰقٖ﴾: بهره از خیر یا قدر و مرتبت.

100- ﴿شَرَوۡاْ بِهِ﴾: خود را به آن فروختند.

104- ﴿لَا تَقُولُواْ رَٰعِنَا﴾: شما مسلمانان «راعنا» نگویید، این کلمه در زبان یهود دشنام زشت و تحقیر است.

104- ﴿قُولُواْ ٱنظُرۡنَا﴾: بگویید: به سوی ما بنگر یا بر ما مهلت بده و به تأنی سخن بگو تا معانی آیات را درک نماییم.

106- ﴿مَا نَنسَخۡ مِنۡ ءَايَةٍ﴾: حکم هر آیه یا تعبد به تلاوت آن را که بر داریم.

106- ﴿نُنسِهَا﴾: آن را از دل‌ها و حافظه‌ها محو کنیم.

107- ﴿وَلِيّٖ﴾: مالک یا سرپرست و ناظر کارهای شما.

108- ﴿سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ﴾: راه مستقیم.

111- ﴿أَمَانِيُّهُمۡ﴾: خیالات و آرزوهای باطل آنهاست.

112- ﴿أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ﴾: به خلوص نیت، خود و طاعت و عباداتش را به خدا تسلیم نماید.

114- ﴿خِزۡيٞ﴾: خفت، پستی، مرگ و اسارت.

115- ﴿فَثَمَّ وَجۡهُ ٱللَّهِ﴾: همان جهت قبله مورد رضای اوست که شما را به آن امر کرده.

116- ﴿سُبۡحَٰنَهُ﴾: خدا از انتخاب فرزند پاک و منزه است.

116- ﴿لَّهُۥ قَٰنِتُونَ﴾: فرمانبردار او هستند.

117- ﴿بَدِيعُ...﴾: ایجاد کننده.

117- ﴿قَضَىٰٓ أَمۡرٗا﴾: اراده ایجاد چیزی را بخواهد یا حتمی و قطعی گرداند.

117- ﴿كُن فَيَكُون﴾: ایجاد شو، او فوراً ایجاد می‌‌شود.

122- ﴿ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾: ملت‌های دوران خودتان.

123- ﴿لَّا تَجۡزِي نَفۡسٌ﴾: هیچ کس انجام نمی‌دهد.123- عَدْلٌ: بدل و فدیه‌ای.

124- ﴿ٱبۡتَلَىٰٓ﴾ : آزمود.

124- ﴿بِكَلِمَٰتٖ﴾: تکالیف شرعی، اوامر و نواهی.

124- ﴿فَأَتَمَّهُنَّ﴾: و او خاص برای خدا همه را انجام داد.

125- ﴿مَثَابَةٗ لِّلنَّاسِ﴾: پناهگاه یا محل اجتماع یا موضع کسب ثواب انسان.

125- ﴿عَهِدۡنَآ﴾: سفارش کردیم یا امر کردیم یا وحی فرستادیم.

125- ﴿بَيۡتِيَ﴾: کعبه شریف به مکه.

126- ﴿أَضۡطَرُّهُۥ﴾: او را روانه می‌کنیم.

128- ﴿مُسۡلِمَيۡنِ لَكَ﴾: فرمانبردار، فروتن و مخلص به خودت.

128- ﴿أَرِنَا مَنَاسِكَنَا﴾: مقررات اعمال و افعال حج را به ما بیاموز.

129- ﴿يُزَكِّيهِمۡ﴾: آنها را از ناپاکی شرک و گناه پاک نماید.

130- ﴿مَن يَرۡغَبُ عَن مِّلَّةِ إِبۡرَٰهِ‍ۧمَ﴾: کیست که از دین روشن ابراهیم روگردان ‌شود.

130- ﴿سَفِهَ نَفۡسَهُ﴾: خود را به جهالت افکنده یا سبک و خوار کرده یا خود را تباه نموده است.

131- ﴿أَسۡلِمۡ﴾: فرمانبردار باش یا خالص و بی‌ریا مرا عبادت کن.

132- ﴿ٱلدِّينَ﴾: اسلام، برگزیده ادیان را.

134- ﴿خَلَت﴾: گذشتند و رفتند.

135- ﴿حَنِيفٗا﴾: از باطل روگردان مایل به دین حق.

136- ﴿ٱلۡأَسۡبَاطِ﴾: فرزندان یا نبیرگان یعقوب ÷.

138- ﴿صِبۡغَةَ ٱللَّهِ﴾: از دین یا فطرت خدا حتماً پیروی کنید.

142- ﴿ٱلسُّفَهَآءُ﴾: افراد کم عقل، یهود و امثال ایشان در انکار از تحویل قبله.

142- ﴿مَا وَلَّىٰهُمۡ﴾: چه چیز آنها را برگردانید؟

142- ﴿عَن قِبۡلَتِهِمُ﴾: از بیت المقدس.

143- ﴿أُمَّةٗ وَسَطٗا﴾: ملت برگزیده یا ملت عادل.

143- ﴿يَنقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِ﴾: هنگام تحویل قبله به‌سوی کعبه، از اسلام بر می‌گردد.

143- ﴿لَكَبِيرَةً﴾: بر اشخاص سخت و دشوار است.

143- ﴿لِيُضِيعَ إِيمَٰنَكُمۡ﴾: خدا هرگز نمازهای شما را که به سوی بیت المقدس ادا کرده‌اید، باطل نمی‌کند.

144- ﴿شَطۡرَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ﴾: به‌سوی کعبه.

147- ﴿ٱلۡمُمۡتَرِينَ﴾: شک کنندگانی‌که با آگاهی از حق آن را می‌پوشانند.

151- ﴿يُزَكِّيكُم﴾: شما را از شرک و گناه پاک می‌سازد.

151- ﴿ٱلۡكِتَٰبَ وَٱلۡحِكۡمَةَ﴾: قرآن، سنت و دانش در امور دین را.

155- ﴿لَنَبۡلُوَنَّكُم﴾: شما را آزمايش می‌كنيم با اين که از همه احوال‌تان آگاهيم.

157- ﴿صَلَوَٰتٞ مِّن رَّبِّهِمۡ﴾: رحمت یا مغفرت و ‌آمرزش از سوی پروردگارشان.

158- ﴿شَعَآئِرِ ٱللَّهِ﴾: نشانه‌های دین خداست در حج و عمره.

158- ﴿ٱعۡتَمَرَ﴾: کعبه معظمه را به وجه مشروع زیارت کند.

158- ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِ﴾: هیچ گناهی بر او نیست.

158- ﴿يَطَّوَّفَ بِهِمَاۚ﴾: سعی بین آن دو را انجام دهد.

159- ﴿يَلۡعَنُهُمُ ٱللَّهُ﴾: پروردگار آنها را از رحمت خود دور می‌کند.

162- ﴿لَا هُمۡ يُنظَرُونَ﴾: عذاب آنها به تأخیر نمی‌افتد.

164- ﴿بَثَّ فِيهَا﴾: با تولید مثل در زمین پراکنده ساخت.

164- ﴿تَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ﴾: در تغيير جهت دادن وزش و احوال بادها از سردی، گرمی، تندی و ملايمت.

165- ﴿أَندَادٗا﴾: همتا که او را پرستش می‌کنند.

166- ﴿تَقَطَّعَتۡ بِهِمُ ٱلۡأَسۡبَابُ﴾: پیوند‌های نژادی، دوستی و تعهداتی‌که در دنیا بین آنها وجود داشت از هم بپاشد.

167- ﴿كَرَّةٗ﴾: باز گشتی به دنیا.

167- ﴿حَسَرَٰت﴾: پشیمانی‌های شدید.

168- ﴿خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِ﴾: راه‌های شیطان، آثار و اعمال او.

169- ﴿يَأۡمُرُكُم بِٱلسُّوٓءِ﴾: شیطان شما را به گناه دستور می‌دهد.

169-﴿ٱلۡفَحۡشَآء﴾: گناه بسیار زشت.

170- ﴿أَلۡفَيۡنَا﴾: یافتیم.

171- ﴿يَنۡعِقُ﴾: صدا می‌کند. ﴿بُكۡمٌ﴾: از بیان حق گنگ هستند.

173- ﴿أُهِلَّ بِهِۦ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ﴾: حیوانی‌که هنگام ذبح آن نام غیر خدا ذکر شود.

173- ﴿ٱضۡطُرَّ﴾: نیازمندی او را ناچار ساخت تا از چیزهای حرام بخورد.

173- ﴿غَيۡرَ بَاغٖ﴾: برای کسب لذت در پی حرام نباشد و حالت اضطرار را بارها اختیار نکند.

173- ﴿لَا عَادٖ﴾: از حدی که مانع مرگ است تجاوز نکند.

174- ﴿ثَمَنٗا قَلِيلًا﴾: بهای اندک.

174- ﴿لَا يُزَكِّيهِمۡ﴾: آنها را از پلیدی گناه پاک نمی‌کند.

176- ﴿لَفِي شِقَاقِۢ بَعِيدٖ﴾: در نزاع و اختلاف دور از حقیقت قرار دارند.

177- ﴿ٱلۡبِرّ﴾: طاعت و کارهای نیک گسترده.

177- ﴿وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِ﴾: مسافری‌که از خانواده‌اش جدا و توان رسیدن به مال خود را نداشته باشد.

177- ﴿فِي ٱلرِّقَابِ﴾: در آزاد کردن بردگان و اسراء.

177- ﴿ٱلصَّٰبِرِينَ﴾: اشخاص شکیبا تخصیص صابرین جهت فضیلت بیشتر آنهاست.

177- ﴿ٱلۡبَأۡسَآءِ﴾: سختی، بلا، بیماری و رنج.

177- ﴿حِينَ ٱلۡبَأۡسِ﴾: وقت شدت جنگ با دشمن.

178- ﴿كُتِبَ عَلَيۡكُمُ﴾: بر شما فرض شده است.

178- ﴿عُفِيَ لَهُۥ مِنۡ أَخِيهِ﴾: ولی مقتول قصاص را رها کند.

180- ﴿تَرَكَ خَيۡرًا﴾: مال فراوان بجا گذاشت.

182- ﴿جَنَفًا﴾: عدول از حق ناآگاهانه.

182- ﴿إِثۡمٗا﴾: آگاهانه ستمی را مرتکب شده است.

184- ﴿يُطِيقُونَه﴾: توانش را دارند، این حکم به اثر آیه 185 بقره منسوخ است.

184﴿تَطَوَّعَ خَيۡرٗا﴾: به دلخواه خویش خیری افزون انجام دهد، یعنی به فدیه بیفزاید.

185- ﴿لِتُكَبِّرُواْ ٱللَّهَ﴾: تا خدا را حمد و ستایش کنید.

187- ﴿ٱلرَّفَثُ﴾: آمیزیش جنسی.

187- ﴿هُنَّ لِبَاسٞ لَّكُمۡ﴾: زنها برای شما مایه آرامش یا مانع از حرامند.

187- ﴿حُدُودُ ٱللَّهِ﴾: ممنوعات و محرمات الهی است.

191- ﴿ثَقِفۡتُمُوهُم﴾: مشرکان را یافتید.

191- ﴿ٱلۡفِتۡنَةُ﴾: شرک به خدا در حالی‌که در حرم قرار دارند.

191- ﴿عِندَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ﴾: در همه جای حرم.

194- ﴿ٱلۡحُرُمَٰتُ﴾: آنچه حفظ حرمتش واجب است.

195- ﴿ٱلتَّهۡلُكَة﴾: ترک جهاد و عدم مصرف مال در آن راه مایه هلاکت و تباهی است.

196- ﴿أُحۡصِرۡتُمۡ﴾: بعد از احرام مانعی شما را از اتمام حج جلو گیری کرد.

196- ﴿فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ﴾: آنچه به آسانی آماده شود.

196- ﴿مِنَ ٱلۡهَدۡيِ﴾: چارپایی‌که برای قربانی به کعبه برند.

196- ﴿لَا تَحۡلِقُواْ رُءُوسَكُمۡ﴾: با تراشیدن سر از احرام خارج نشوید.

196- ﴿يَبۡلُغَ ٱلۡهَدۡيُ مَحِلَّهُ﴾: قربانی به جای وجوب ذبحش، حرم برسد یا هر جا که از رفتن به کعبه منع شوید، حرم یا بیرون حرم.

196- ﴿فَفِدۡيَةٞ﴾: هرکه سر خود را بتراشد باید فدیه بدهد.

196- ﴿نُسُكٖ﴾: قربانی و اینجا گوسفند مراد است.

196- ﴿مِنَ ٱلۡهَدۡيِ﴾: مراد قربانی حج تمتع است.

197- ﴿فَرَضَ﴾: با گرفتن احرام بر خود فرض کرد.

197- ﴿فَلَا رَفَثَ﴾: آمیزش جنسی یا گفتار زشت جایز نیست.

197- ﴿لَا جِدَالَ فِي ٱلۡحَجِّ﴾: خصومت، ستیز و جدال در حج جایز نیست.

198- ﴿جُنَاحٌ﴾: گناهی.

198- ﴿فَضۡلٗا﴾: منافع تجارتی و کسب در موسم حج.

198- ﴿أَفَضۡتُم﴾: دسته جمعی کوچ کردید و رفتید.

198- ﴿ٱلۡمَشۡعَرِ ٱلۡحَرَامِ﴾: همه جای مزدلفه یا کوه قزح.

200﴿مَّنَٰسِكَكُمۡ﴾: اعمال حج را.

200- ﴿خَلَٰق﴾: سهمی از خیر یا قدر و عزت.

200- ﴿فِي ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٗ﴾: نعمت، عافیت و توفیق در دنیا.

200- ﴿فِي ٱلۡأٓخِرَةِ حَسَنَةٗ﴾: رحمت، احسان و نجات در آخرت.

204- ﴿أَلَدُّ ٱلۡخِصَامِ﴾: سرسخت‌ترین دشمنان، در راه باطل مجادله می‌کند.

205- ﴿ٱلۡحَرۡثَ﴾: کشت را.

206- ﴿أَخَذَتۡهُ ٱلۡعِزَّةُ بِٱلۡإِثۡمِ﴾: تکبر و نخوت او را به گناه می‌کشاند.

206- ﴿فَحَسۡبُهُۥ جَهَنَّمُ﴾: دوزخ برای او جزای کافی است.

206- ﴿لَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ﴾: جهنم جایگاه بدی است.

207- ﴿يَشۡرِي نَفۡسَهُ﴾: با بذل جان در طاعت و عبادت خود را به خدا فروخته‌اند.

208- ﴿فِي ٱلسِّلۡمِ كَآفَّةٗ﴾: در اسلام و همه احکام آن.

208- ﴿خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِ﴾: راه‌ها، آثار و کارهای شیطان.

209- ﴿زَلَلۡتُم﴾: منحرف شدید و حقیقت را گم کردید.

210- ﴿ظُلَلٖ مِّنَ ٱلۡغَمَامِ﴾: سایه بانهایی از ابرهای سفید نازک.

212- ﴿بِغَيۡرِ حِسَابٖ﴾: آنچه او تعالی می‌بخشد پایان ناپذیر و سخاوت‌مندانه است.

213- ﴿بَغۡيَۢا﴾: از حسادت، حرص به دنیا و انحراف از حق.

214- ﴿مَّثَلُ ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ﴾: حالت مؤمنانی‌که درگذشته‌اند.

214- ﴿ٱلۡبَأۡسَآءُ وَٱلضَّرَّآءُ﴾: سختی، بلا، تنگدستی، بیماری و رنج.

214- ﴿زُلۡزِلُواْ﴾: از بسیاریی بلاها شدیداً مضطرب شدند.

216- ﴿كُرۡهٞ لَّكُمۡ﴾: در حالی‌که بر شما دشوار است.

217- ﴿كَبِيرٞ﴾: گناهی بزرگ است.

217- ﴿ٱلۡفِتۡنَةُ﴾: تشویق مردم به کفر و شرک به خدا.

217- ﴿حَبِطَتۡ﴾: باطل و بر باد می‌رود.

219- ﴿ٱلۡمَيۡسِرِ﴾: قمار.

219- ﴿ٱلۡعَفۡوَ﴾: آنچه افزون بر نیاز شماست.

220- ﴿لَأَعۡنَتَكُمۡ﴾: همانا کارهای دشوار را به شما می‌سپرد.

222- ﴿أَذٗى﴾: آلوده و زیان‌آور است.

223- ﴿حَرۡثٞ لَّكُمۡ﴾: محل کشت نسل شما هستند.

223- ﴿أَنَّىٰ شِئۡتُمۡ﴾: به هر روش که خواستید، در محل تناسل.

224- ﴿عُرۡضَةٗ لِّأَيۡمَٰنِكُمۡ﴾: مانع از خیر، قسم بخورید که کار نیک انجام نمی‌دهید.

225- ﴿بِٱللَّغۡوِ فِيٓ أَيۡمَٰنِكُمۡ﴾: قسم لغو آن است که شخص بر چیزی قسم بخورد به باور‌ این‌که آن چیز راست است، در حالی‌که حقیقت خلاف آن باشد یا بدون اين‌كه قصد سوگند داشته باشد، كلمات سوگند بر زبانش بيايد.

226- ﴿يُؤۡلُونَ مِن نِّسَآئِهِمۡ﴾: قسم می‌خورند که با همسران خود مقاربت نمی‌کنند.

226﴿تَرَبُّصُ﴾...: انتظار بکشند...

226- ﴿فَآءُو﴾: در مدتی‌که قسم خورده‌اند، رجوع کنند.

228- ﴿ثَلَٰثَةَ قُرُوٓءٖ﴾: سه حیض، گفته شده سه پاکی است.

228- ﴿بُعُولَتُهُنَّ﴾: شوهرهاشان.

228- ﴿دَرَجَة﴾: منزلت و برتری به سبب این‌که مرد عهده‌دار اداره خانواده و نفقه است.

229- ﴿ٱلطَّلَٰقُ مَرَّتَانِ﴾: طلاق رجعی دو بار است.

229- ﴿تَسۡرِيحُۢ بِإِحۡسَٰن﴾: جدایی با ادای حقوق و بدون زیان و ضرر.

229- ﴿تِلۡكَ حُدُودُ ٱللَّهِ﴾: اینها احکام و فرایض الهی هستند.

231- ﴿فَبَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ﴾: به آخرین روز‌های عده خود رسیدند.

231- ﴿لَا تُمۡسِكُوهُنَّ ضِرَارٗا﴾: به قصد آزار، به آنها رجوع نکنید.

231- ﴿لَا تَتَّخِذُوٓاْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ هُزُوٗا﴾: احکام خدا را مسخره نکنید با سهل انگاری و مخالفت.

231- ﴿ٱلۡكِتَٰبِ وَٱلۡحِكۡمَةِ﴾: قرآن و سنت.

232- ﴿فَلَا تَعۡضُلُوهُنَّ﴾: مانع آنها نشوید.

232- ﴿أَزۡكَىٰ لَكُمۡ﴾: برای شما بهتر و مفیدتر است.

233- ﴿وُسۡعَهَا﴾: به اندازه توانایی خود.

233- ﴿عَلَى ٱلۡوَارِثِ﴾: بر وارث کودک یتیم.

233- ﴿أَرَادَا فِصَالًا﴾: پدر و مادر بخواهند كودک را پيش از دو سالگی از شير بگيرند.

235- ﴿عَرَّضۡتُم﴾: به اشاره و کنایه وانمود کنید.

235- ﴿أَكۡنَنتُمۡ﴾: نهان داشتید.

235- ﴿ولَّا تُوَاعِدُوهُنَّ﴾: ولی با آنها در خفا و تنهایی با صراحت پیشنهاد ازدواج نکنید.

235- ﴿يَبۡلُغَ ٱلۡكِتَٰبُ أَجَلَهُ﴾: عده آنها به پایان برسد.

‍236- ﴿فَرِيضَة﴾: مهر.

236﴿مَتِّعُوهُنّ﴾: چیزی‌که به آنها سودمند است برای‌شان بدهید.

236- ﴿ٱلۡمُوسِعِ﴾: توانگر.

236- ﴿قَدَرُهُ﴾: به اندازه توان خود.

236- ﴿ٱلۡمُقۡتِرِ﴾: تنگدست.

238- ﴿وَٱلصَّلَوٰةِ ٱلۡوُسۡطَىٰ﴾ : و خصوصاً نماز عصر را، این نماز را بخاطر فضیلت بیشتر آن نماز میانه گویند.

238- ﴿قَٰنِتِينَ﴾: فروتن و فرمانبردار.

239- ﴿فَرِجَالًا﴾: پس در حال پیاده روی نماز بخوانید.

241- ﴿لِلۡمُطَلَّقَٰتِ مَتَٰعُۢ﴾: لازم است برای زنان طلاق شده متعه یا در روزهای عده نفقه بدهید.

245- ﴿قَرۡضًا حَسَنٗا﴾: مال خود را از طیب خاطر برای رضای خدا مصرف کند.

245- ﴿يَقۡبِضُ وَيَبۡصُۜطُ﴾: گروهی را تنگدست و گروهی را بی‌نیاز می‌گرداند.

246- ﴿ٱلۡمَلَإِ﴾: بزرگان قوم.

246- ﴿عَسَيۡتُمۡ﴾: شاید شما.

247- ﴿أَنَّىٰ يَكُونُ﴾: چگونه می‌شود؟

247- ﴿زَادَهُۥ بَسۡطَةٗ﴾: خدا به او توانایی بیشتر، قامت بلند و برتری بخشیده است.

248- ﴿يَأۡتِيَكُمُ ٱلتَّابُوتُ﴾: صندوق تورات نزد شما خواهد آمد.

248- ﴿فِيهِ سَكِينَةٞ﴾: درآن اطمینان و آرامش دلهای شماست.

249- ﴿فَصَلَ طَالُوتُ﴾: طالوت با سپاه خود از بیت المقدس بیرون رفت.

249- ﴿مُبۡتَلِيكُم﴾: خدا شما را امتحان می‌کند در حالی‌که از همه چیز شما آگاه ا ست.

249- ﴿ٱغۡتَرَفَ...﴾: با کف خود آ‌ب بر دارد، به دهان از نهر آب نخورد.

249- ﴿طَاقَةَ لَنَا﴾: ما قدرت و توان نداریم.

250- ﴿فِئَة﴾: جماعه‌ای از مردم.

250- ﴿بَرَزُواْ﴾: به میدان آمدند.

251- ﴿ٱلۡحِكۡمَةَ﴾: نبوت را.

253- ﴿بِرُوحِ ٱلۡقُدُسِ﴾: به وسیله جبریل.

254- ﴿لَا خُلَّةٞ﴾: نه دوستی است و نه یاوری.

255- ﴿ٱلۡحَيُّ﴾: زنده جاوید و فنا ناپذیر.

255- ﴿ٱلۡقَيُّومُ﴾: همیشه مدبر و حافظ امور آفرینش.

255- ﴿سِنَةٞ﴾: خواب سبک و کوتاه.

255- ﴿لَا يَ‍ُٔودُهُۥ﴾: بر او دشوار نیست.

256- ﴿تَّبَيَّنَ ٱلرُّشۡدُ﴾: هدایت و ایمان مشخص شده است.

256- ﴿مِنَ ٱلۡغَيِّۚ﴾: از گمراهی و کفر.

256- ﴿بِٱلطَّٰغُوتِ﴾: غیر از خدا هر چه مورد پرستش قرار گیرد طاغوت است از بت، شیطان و مانند اینها.

256- ﴿بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ﴾ : به عقیده ثابت و استوار.

256- ﴿لَا ٱنفِصَامَ لَهَا﴾: هرگز گسسته نمی‌شود و از بین نمی‌رود.

258- ﴿ٱلَّذِي حَآجَّ إِبۡرَٰهِ‍ۧمَ﴾: ستم پیشه سرکش نمرود بن کنعان با ابراهیم ÷ به جدال و گفتگو برخاست.

258- ﴿فَبُهِتَ﴾: مغلوب و متحیر گردید، دلایل او تمام شد.

259- ﴿خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا﴾: دیوار‌های آن بر سقفهای فروریخته‌اش افتاده بود.

259- ﴿أَنَّىٰ يُحۡي﴾: چگونه یا کی زنده می‌کند.

259- ﴿لَمۡ يَتَسَنَّهۡ﴾: با گذشت سالها هیچ تغییر نیافته است.

259- ﴿نُنشِزُهَا﴾: استخوان‌ها را از زمین بلند و اجزای پراکنده آنها را با هم وصل می‌کنیم.

260- ﴿فَصُرۡهُنَّ إِلَيۡكَ﴾: آنها را پیش خود ریزه ریزه و مخلوط کن.

262- ﴿مَنّٗا﴾: شمردن احسان و نیکویی‌ها و بار منت نهادن.

262- ﴿لَآ أَذٗى﴾: به انفاق مال نمی‌نازند و فخر نمی‌فروشند.

264- ﴿رِئَآءَ ٱلنَّاسِ﴾: برای این‌که مردم ببینند و بشنوند نه به راه خدا.

264- ﴿صَفۡوَان﴾: سنگ بزرگ صاف.

264- ﴿وَابِلٞ﴾: باران تند با قطره‌های بزرگ.

264- ﴿صَلۡدٗا﴾: صاف و بی‌خاک.

265- ﴿تَثۡبِيتٗا﴾: با کمال اطمینان و یقین به ثواب انفاق.

265- ﴿جَنَّةِۢ بِرَبۡوَةٍ﴾: باغی پر درخت است که به جای بلندی قرار گرفته باشد.

265- ﴿أُكُلَهَا﴾: میوه‌هایش را.

265- ﴿فَطَلّٞ﴾: باران نرم و ریز.

266- ﴿إِعۡصَار﴾: تند بادی، گرد باد.

266- ﴿فِيهِ نَارٞ﴾: باد سوزان یا صاعقه.

267- ﴿لَا تَيَمَّمُواْ ٱلۡخَبِيثَ﴾: قصد انفاق مال تباه و بد را نکنید.

267- ﴿تُغۡمِضُواْ فِيهِ﴾: از بی‌میلی و سهل‌انگاری آن را می‌گیرید.

273- ﴿أُحۡصِرُواْ﴾ آنها را جهاد از اشتغال به امور دیگر باز داشته است.

273- ﴿ضَرۡبٗا﴾: به تجارت و کسب و کار بپردازند.

174- ﴿ٱلتَّعَفُّفِ﴾: دوری از سؤال.

275- ﴿بِسِيمَٰهُمۡ﴾: از سمایشان که نشانگر فقر و نیازمندی است.

276- ﴿إِلۡحَافٗا﴾: سؤال به زاری و التماس.

275- ﴿يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ﴾: شیطان او را دچار صرع کند و بر زمین بزند.

275- ﴿ٱلۡمَسِّ﴾: جنون و زوال عقل.

276- ﴿يَمۡحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰاْ﴾: خدا مالی‌ را که به او ربا یکجا شود نابود می‌کند.

276- ﴿يُرۡبِي ٱلصَّدَقَٰتِ﴾: مالی را که از آن صدقه داده شده می‌افزاید.

279- ﴿فَأۡذَنُواْ بِحَرۡبٖ﴾: باور داشته باشیدکه به جنگ برخاسته‌اید.

280- ﴿ذُو عُسۡرَةٖ﴾: تنگدست و فقیر.

280- ﴿فَنَظِرَة﴾: پس مهلت و تأخیر بر شما واجب است.

282- ﴿وَلۡيُمۡلِلِ...﴾: و باید املاء و دیکته کند. . .

282- ﴿لَا يَبۡخَسۡ مِنۡهُ﴾: از حقی‌که بر ذمه اوست کم نکند.

282- ﴿لَا يَسۡتَطِيعُ أَن يُمِلَّ هُوَ﴾: خود نتواند دیکته کند.

282- ﴿لَا يَأۡبَ﴾: امتناع نورزد.

282- ﴿لَا تَسۡ‍َٔمُوٓاْ﴾: دلتنگ و ملول نشوید.

282- ﴿أَقۡسَط﴾: عادلانه‌تر.

282- ﴿أَقۡوَمُ لِلشَّهَٰدَةِ﴾: درست‌تر و مساعدتر به ادای شهادت.

282- ﴿أَدۡنَىٰٓ﴾: نزدیکتر.

282- ﴿فُسُوقُۢ﴾: خروج از فرمان خدا و ارتکاب اعمال زشت.

285- ﴿غُفۡرَانَك﴾: از دربارت آمرزش می‌خواهیم.

286- ﴿وُسۡعَهَا﴾: توانش.

286- ﴿إِصۡرٗا﴾: بار سنگین، مراد تکالیف شاقه است.

286- ﴿لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾: توان انجام آن را نداریم.

سورۀ آل‌عمران

2- ﴿ٱلۡحَيُّ﴾: زنده جاوید و فنا ناپذیر.

2- ﴿ٱلۡقَيُّومُ﴾: همواره به تدبیر آفرینش و حفظ آن می‌پردازد.

4- ﴿أَنزَلَ ٱلۡفُرۡقَانَ﴾: قرآن را نازل کرد که به وسیله آن حق از باطل جدا شود.

4- ﴿ٱللَّهُ عَزِيزٞ﴾: خدا غالب و قوی است که نتوان بر او چیره شد.

7- ﴿ءَايَٰتٞ مُّحۡكَمَٰتٌ﴾: آیات قرآن واضح و روشن است که هیچ اشتباه و حدس و گمان در آن نیست.

7- ﴿أُمُّ ٱلۡكِتَٰبِ﴾: اصل و اساس کتاب که آیات دیگر با مراجعه به آنها واضح می‌شود.

7- ﴿مُتَشَٰبِهَٰت﴾: معنای آنها پوشیده است، علم آنها خاصه خداست یا واضح و روشن نمی‌شود مگر به نظر دقیق.

7\_ ﴿زَيۡغٞ﴾: اعراض و انحراف از حق است.

7- ﴿تَأۡوِيلَهُۥ﴾: تفسیر او را موافق خواهش خود.

8- ﴿لَا تُزِغۡ قُلُوبَنَا﴾: دل‌های ما را از حق و راه نیک منحرف نگردان.

11- ﴿كَدَأۡب...﴾: همچون عادت و حالت...

12- ﴿بِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ﴾: دوزخ جایگاه بد است.

13- ﴿لَعِبۡرَةٗ﴾: پند و اندرز است.

14- ﴿حُبُّ ٱلشَّهَوَٰتِ﴾: تمایل به هوس‌های غریزی.

14- ﴿ٱلۡمُقَنطَرَة﴾: مال فراوان.

14- ﴿ٱلۡمُسَوَّمَةِ﴾: نشانی‌دار یا بزرگ و زیبا.

14- ﴿ٱلۡأَنۡعَٰمِ﴾: شتر، گاو، بز و گوسفند.

14- ﴿وَٱلۡحَرۡثِ﴾: کشتزار.

14- ﴿حُسۡنُ ٱلۡمَ‍َٔاب﴾: مرجع نیکو، بازگشت به جنت.

17- ﴿ٱلۡقَٰنِتِينَ﴾: فرمان‌برداران در برابر او تعالی.

17- ﴿بِٱلۡأَسۡحَارِ﴾: در آخرهای شب تا سپیده‌دم.

18- ﴿قَآئِمَۢا بِٱلۡقِسۡطِ﴾: مجریی عدالت در همه موارد.

19- ﴿ٱلدِّينَ﴾: فرمانبرداری و طاعت مورد رضایت خدا، یا شریعت مورد قبول او.

19- ﴿ٱلۡإِسۡلَٰمُ﴾: اقرار و تصدیق به وحدانیت خدا و عمل به شریعت اوست.

19- ﴿بَغۡيَۢا﴾: از حسادت و طلب ریاست.

20\_ ﴿أَسۡلَمۡتُ وَجۡهِيَ لِلَّهِ﴾: خود را به خلوص نیت به خدا تسلیم کردم یا عبادتم خاص برای اوست.

20- ﴿وَٱلۡأُمِّيِّ‍ۧنَ﴾: مشرکین عرب.

22- ﴿حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ﴾: اعمال آنها بطلان پذیرفت و بی‌ثمر ماند.

24- ﴿غَرَّهُمۡ﴾: آنها را فریفت و به طمع خام انداخت.

24- ﴿يَفۡتَرُونَ﴾: افتراء می‌کردند.

27- ﴿تُولِجُ﴾: داخل می‌کنی.

27- ﴿بِغَيۡرِ حِسَابٖ﴾: بخشش پروردگار پایان ناپذیر یا وسیع و گسترده است.

28- ﴿أَوۡلِيَآءَ﴾: همراز، دوستدار، یار و یاور.

28- ﴿تَتَّقُواْ مِنۡهُمۡ تُقَىٰةٗ﴾: از آنها حذر داشتید، خود را از شرشان حفظ کنید به زبان تظاهر به دوستی نمایید.

28- ﴿يُحَذِّرُكُمُ ٱللَّهُ نَفۡسَهُ﴾: خدا شما را از غضب و عذاب خود می‌ترساند.

30\_ ﴿مُّحۡضَرٗا﴾: آن را در نامه اعمال خود مشاهده می‌کند.

33- ﴿ءَالَ عِمۡرَٰنَ﴾: عیسی و مادرش مریم دختر عمران.

35- ﴿مُحَرَّرٗا﴾: آزاد و فارغ برای عبادت تو و خدمت بیت المقدس.

36- ﴿أُعِيذُهَا بِكَ﴾: او را به پناه و حفظ تو می‌سپارم.

37- ﴿كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا﴾: خدا ذکریا را سرپرست و عهده‌دار مصالح مریم قرار داد.

37- ﴿ٱلۡمِحۡرَابِ﴾: اتاق عبادت او در بیت المقدس.

37- ﴿أَنَّىٰ لَكِ هَٰذَا﴾: چگونه یا از کجا این غذا به دست تو رسید.

37- ﴿بِغَيۡرِ حِسَابٍ﴾: عطا و بخشش پروردگار پایان ناپذیر یا وسیع و گسترده است.

39- ﴿بِكَلِمَةٖ﴾: به عیسی‌که بدون پدر و به گفتن «کن: ایجاد شو» آفریده شده است.

39- ﴿حَصُورٗا﴾: با این‌که توان آمیزش با زنها دارد اما از زهد و پاکدامنی از مقاربت با آنها اجتناب می‌کند.

40- ﴿أَنَّىٰ يَكُونُ﴾: چگونه یا از کجا می‌شود؟

41- ﴿ءَايَة﴾: نشانه باردار شدن همسرم تا شکرگزارت باشم.

41- ﴿أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ﴾: که نتوانی با مرد سخن بگویی بدون‌ این‌که به تو آفتی رسیده باشد.

41- ﴿إِلَّا رَمۡزٗا﴾: مگر به اشاره.

41- ﴿سَبِّحۡ بِٱلۡعَشِيِّ﴾: از زوال تا غروب تسبیح بگو.

41- ﴿ٱلۡإِبۡكَٰرِ﴾: از طلوع صبح تا چاشت.

43- ﴿ٱقۡنُتِي﴾: همواره به خلوص نیت طاعت و عبادت کن.

44- ﴿يُلۡقُونَ أَقۡلَٰمَهُمۡ﴾: بابت قرعه کشی تیرهای خود را انداختند.

45- ﴿بِكَلِمَةٖ مِّنۡهُ﴾: به کلمه از خدا به گفتن لفظ «کن».

45- ﴿وَجِيهٗا﴾: دارای جاه، قدرت و شرف.

46- ﴿فِي ٱلۡمَهۡدِ﴾: درگهواره و شیر‌خوارگی پیش از زمان سخن گفتن.

46- ﴿كَهۡلٗا﴾: زمان کمال قوتش، پس از فرود آمدن از آسمان.

47- ﴿قَضَىٰٓ أَمۡرٗا﴾: چیزی را بخواهد یا آفرینش او را حتمی گرداند.

48- ﴿ٱلۡكِتَٰب﴾: نوشتن با دست را به زیباترین شکل.

48- ﴿ٱلۡحِكۡمَةَ﴾: دانش یا گفتار و کردار نیک.

49- ﴿أَخۡلُقُ لَكُم﴾: بخاطر رد انکار شما، شکل و اندازه‌اش را می‌سازم.

49- ﴿أُبۡرِئُ ٱلۡأَكۡمَهَ﴾: کور مادر زاد را بهبود می‌بخشم.

49- ﴿َمَا تَدَّخِرُونَ﴾: آنچه برای استفاده در آینده زخیره می‌کنید.

52- ﴿أَحَسّ﴾: به یقین دانست.

52- ﴿ٱلۡحَوَارِيُّونَ﴾: دوستان نزدیک، یاران عیسی ÷.

54- ﴿مَكَرَ ٱللَّهُۖ﴾: خدا با تدبیر درست دسیسه ایشان را بی‌اثر ساخت.

55- ﴿مُتَوَفِّيك﴾: تو را با روح و جسمت بگیرم.

59- ﴿مَثَلَ عِيسَىٰ﴾: حالت و صفت شگفت انگیز او.

60- ﴿ٱلۡمُمۡتَرِينَ﴾: شک و تردید کنندگان در حقانیت عیسی.

61- ﴿تَعَالَوۡا﴾: با عزم قاطع و اندیشه درست بیایید.

61- ﴿نَبۡتَهِل﴾: هر کدام از ما دروغگو باشد بر او لعنت می‌کنیم.

64- ﴿كَلِمَةٖ سَوَآءِۢ﴾: سخنی‌که بین ما و شما یکسان است یا همه ادیان در آن اتفاق دارند.

67- ﴿كَانَ حَنِيفٗا﴾: از باطل روگردان و به دین حق بود.

67- ﴿مُّسۡلِمٗا﴾ یکتاپرست یا فرمانبردار خدای متعال بود.

68- ﴿وَلِيُّ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾: خدا مسلمانان را کمک می‌کند و به اعمال نیک آنها پاداش می‌دهد.

71- ﴿لِمَ تَلۡبِسُونَ...﴾: چرا حق و باطل را مخلوط می‌کنید یا پنهان می‌دارید.

75- ﴿عَلَيۡهِ قَآئِمٗا﴾: با فشار از او مطالبه نمایی.

75- ﴿فِي ٱلۡأُمِّيِّ‍ۧنَ﴾ از اموال عرب هر چه به دست ما بیاید.

75- ﴿سَبِيلٞ﴾: ملامتی یا گناهی.

77\_ ﴿لَا خَلَٰقَ لَهُمۡ﴾: هیچ خیری نصیب آنها نمی‌شود یا قدر و منزلتی ندارند.

77- ﴿لَا يَنظُرُ إِلَيۡهِمۡ﴾: به آنها نیکی نمی‌کند و آنها را نمی‌بخشد.

77- ﴿لَا يُزَكِّيهِمۡ﴾: آنها را از گناه پاک نمی‌سازد یا به نیکی یاد نمی‌کند.

78- ﴿يَلۡوُۥنَ أَلۡسِنَتَهُم﴾: حقایق تورات را می‌پوشانند و آنچه را تحریف کرده‌اند به زبان می‌آورند.

79- ﴿ٱلۡحُكۡمَ﴾: حکمت یا فهم و دانش.

79- ﴿كُونُواْ رَبَّٰنِيِّ‍ۧنَ﴾: در مور دین دانشمند، فقیه و معلم باشید.

79- ﴿تَدۡرُسُونَ﴾: کتاب خدا را می‌خواندید.

81- ﴿إِصۡرِي﴾: عهد مرا.

83- ﴿لَهُۥٓ أَسۡلَمَ﴾: به او گردن نهاده و فروتنی کرده است.

84\_ ﴿ٱلۡأَسۡبَاطِ﴾: فرزندان و نبیرگان یعقوب ÷.

85- ﴿ٱلۡإِسۡلَٰمِ﴾: یکتا پرستی یا شریعت پیامبر ما ج.

88- ﴿لَا هُمۡ يُنظَرُونَ﴾: عذاب آنها یک لحظه هم به تأخیر نمی‌افتد.

92- ﴿ٱلۡبِرَّ﴾: احسان و خیر کامل را.

93- ﴿إِسۡرَٰٓءِيلَ﴾: یعقوب بن اسحاق ÷.

95- ﴿حَنِيفٗا﴾: مایل به دین حق.

96- ﴿بِبَكَّةَ﴾: در مکه قرار دارد.

99- ﴿تَبۡغُونَهَا عِوَجٗا﴾: می‌خواهید این راه مستقیم کج شود.

101- ﴿مَن يَعۡتَصِم بِٱللَّهِ﴾: کسی‌که به خدا پناه ببرد یا به دین او چنگ بزند.

102- ﴿حَقَّ تُقَاتِهِ﴾: پرهیزگاری شایسته و لازم.

103- ﴿وَٱعۡتَصِمُواْ بِحَبۡلِ ٱللَّهِ﴾: به عهد خدا یا کتاب او یا دین او چنگ بزنید.

103- ﴿شَفَا حُفۡرَةٖ﴾: کناره پرتگاه.

111- ﴿أَذٗى﴾: ضرر اندک با دروغ یا تهدید.

11- ﴿يُوَلُّوكُمُ ٱلۡأَدۡبَارَ﴾: از شما شکست می‌خورند و خوار می‌شوند.

112- ﴿ضُرِبَتۡ عَلَيۡهِمُ﴾: آنها را در احاطه گرفته است یا به آنها چسبیده است.

112- ﴿ٱلذِّلَّةُ﴾: خواری و بی‌عزتی.

112- ﴿ثُقِفُوٓاْ﴾: یافت شوند.

112- ﴿بِحَبۡلٖ مِّنَ ٱللَّهِ﴾: به عهد او تعالی، مراد اسلام است.

112- ﴿حَبۡلٖ مِّنَ ٱلنَّاسِ﴾: عهد و پیمان مسلمانان.

112- ﴿بَآءُو بِغَضَبٖ﴾: باز هم به قهر خدا که سزاوار آن بودند دچار شدند.

112- ﴿ٱلۡمَسۡكَنَةُ﴾: بخل و بینوایی در سرشت آنهاست.

113- ﴿لَيۡسُواْ سَوَآءٗ﴾: اهل کتاب همه یکسان نیستند.

113- ﴿أُمَّةٞ قَآئِمَةٞ﴾: گروهی از آنها مستقیم و پابند حقند.

116- ﴿لَن تُغۡنِيَ عَنۡهُمۡ﴾: هرگز از آنها دور نمی‌کند.

117- ﴿فِيهَا صِرٌّ﴾: در آن باد سرمای شدید یا گرمای سوزنده است.

117- ﴿حَرۡثَ قَوۡمٖ﴾: به کشت آنها.

118- ﴿طَانَة﴾: دوستانی‌که راز نهانی شما را دریابند.

118- ﴿لَا يَأۡلُونَكُمۡ خَبَالٗا﴾: در تباه کردن دین شما کوتاهی نمی‌کنند.

118- ﴿وَدُّواْ مَا عَنِتُّمۡ﴾: دوست دارند که شما به رنج و مشقت شدید گرفتار باشید.

119- ﴿خَلَوۡا﴾: رفتند، یا با یکدیگر تنها شدند.

119- ﴿مِنَ ٱلۡغَيۡظ﴾: از خشم و غضب شدید.

121- ﴿غَدَوۡت﴾: صبحگاه از مدینه بیرون آمدی.

121- ﴿تُبَوِّئُ﴾: آماده می‌کردی.

121- ﴿مَقَٰعِدَ لِلۡقِتَالِۗ﴾: میدان جنگ را در روز احد.

122- ﴿أَن تَفۡشَلَا﴾: که ناتوانی و بزدلی کنند.

123- ﴿أَذِلَّةٞ﴾: ضعیف بودید، افراد کم و ساز و برگ نظامی اندک داشتید.

124- ﴿أَن يُمِدَّكُمۡ﴾: شما را تقویت کند و کمک رساند، روز بدر.

125- ﴿يَأۡتُوكُم﴾: مشرکان بر شما هجوم بیاورند.

125- ﴿فَوۡرِهِمۡ هَٰذَا﴾: شتابان در همین لحظه.

125- ﴿مُسَوِّمِينَ﴾: خود یا اسب‌هایشان را با علایم خاص نشانی کرده‌اند.

127- ﴿لِيَقۡطَعَ طَرَفٗا﴾: تا خدا گروهی را منهدم کند.

127- ﴿ يَكۡبِتَهُمۡ﴾: آنها را منهزم، رسوا و اندهگین سازد.

130- ﴿مُّضَٰعَفَةٗ﴾: چند برابر، کم و بیش ربا حرام است.

134- ﴿ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ﴾: توانگری و تنگدستی.

134- ﴿وَٱلۡكَٰظِمِينَ ٱلۡغَيۡظَ﴾: آنها بر خشم خود تسلط دارند.

135﴿فَعَلُواْ فَٰحِشَةً﴾: گناه بزرگی در منتهای قباحت و زشتی انجام بدهند.

137- ﴿خَلَت﴾: گذشته و سپری شده است.

137- ﴿سُنَنٞ﴾: حوادثی در مورد ملت‌های‌که پیامبران را تکذیب کردند.

139- ﴿لَا تَهِنُواْ﴾: در جنگ با دشمنان ناتوانی نکنید.

140- ﴿قَرۡحٞ﴾ جراحتی در احد.

140﴿قَرۡحٞ مِّثۡلُهُۥۚ﴾: جراحتی مانند آن در بدر.

140- ﴿نُدَاوِلُهَا﴾: این روزها را به حالت‌های مختلف بر می‌گردانیم.

141- ﴿لِيُمَحِّصَ﴾: تا از گناه پاک گردند.

141﴿يَمۡحَق﴾: نابود و ریشه‌کن سازد.

145- ﴿كِتَٰبٗا مُّؤَجَّلٗا﴾: وقت مرگ هر کس معین و نوشته است.

146﴿وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيّٖ﴾: بسیاری از پیامبران.

146- ﴿رِبِّيُّونَ﴾: علما فقها یا گروه‌های بسیار.

146- ﴿فَمَا وَهَنُواْ﴾: عاجز و ناتوان نشدند یا بزدل نگردیدند.

146- ﴿مَا ٱسۡتَكَانُواْ﴾: از دشمنان خود خواری و ذلت نکشیدند.

150- ﴿ٱللَّهُ مَوۡلَىٰكُمۡ﴾: تنها خدا یار و یاور شماست.

151- ﴿ٱلرُّعۡبَ﴾: ترس را.

151- ﴿سُلۡطَٰنٗا﴾: دلیل روشن.

151- ﴿مَثۡوَى ٱلظَّٰلِمِين﴾: جای اقامت ستمگران.

152- ﴿حُسُّونَهُم﴾: آنها را به سرعت می‌کشتید.

152- ﴿فَشِلۡتُم﴾: از دشمن ترسیدید و بزدل شدید.

152- ﴿لِيَبۡتَلِيَكُمۡۖ﴾: تا صبر و ثبات شما را امتحان کند.

153﴿تُصۡعِدُون﴾: در وادی احد فرار می‌کردید.

153﴿وَلَا تَلۡوُۥنَ﴾: به هیچ کس توجه نمی‌کردید.

153- ﴿فَأَثَٰبَكُمۡ﴾: پس خدا جزای نافرمانی شما را داد.

153- ﴿غَمَّۢا بِغَمّٖ﴾: غم در پی غم.

154- ﴿أَمَنَةٗ﴾: امنیت، بدون ترس و بیم.

154- ﴿نُّعَاسٗا﴾: آرامش یا خواب سبک.

154- ﴿يَغۡشَىٰ﴾ : مانند پوشش و پرده می‌پوشاند.

154- ﴿لَبَرَزَ﴾: حتماً بیرون می‌آمدند.

154- ﴿مَضَاجِعِهِمۡ﴾: قتلگاه‌های خویش که خدا معین کرده است.

154- ﴿لِيَبۡتَلِيَ﴾: تا خدا امتحان کند.

154- ﴿لِيُمَحِّصَ﴾: تا پاک و خالص گرداند یا آشکار سازد.

155- ﴿ٱسۡتَزَلَّهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ﴾: شیطان با وسوسه‌های خود آنها را به لغزش انداخت.

156- ﴿ضَرَبُواْ﴾ برای تجارت یا کار دیگر به مسافرت رفتند و مردند.

156- ﴿غُزّٗى﴾: به صف مجاهدین پیوستند و شهید شدند.

159- ﴿فَبِمَا رَحۡمَةٖ﴾: به سبب مهربانی بسیاری‌که.

159﴿لِنتَ لَهُمۡ﴾: با آنها به اخلاق نیکو رفتار نمودی و درشتی نکردی.

159- ﴿فَظًّا﴾ تند و خشین در گفتار و کردار.

159- ﴿لَٱنفَضُّواْ﴾: مردم بیزار و پراکنده می‌شدند.

160- ﴿فَلَا غَالِبَ لَكُمۡ﴾: كس نتواند شما را شكست دهد و بر شما چيره شود.

161- ﴿يَغُلَّ﴾: به غنیمت خیانت کند.

162- ﴿بَآءَ بِسَخَطٖ﴾: غرق امواج خشم خدا بازگشت.

164- ﴿يُزَكِّيهِمۡ﴾: آنها را از آلودگی‌های جاهلیت پاک می‌کند.

165- ﴿أَنَّىٰ هَٰذَا﴾: این شکست و خواری از کجا به ما روی آورد.

168- ﴿فَٱدۡرَءُواْ﴾: پس دور کنید.

172- ﴿أَصَابَهُمُ ٱلۡقَرۡحُ﴾: روز احد زخمی شده بودند.

178- ﴿أَنَّمَا نُمۡلِي لَهُمۡ﴾: به کافران که مهلت می‌دهیم.

179- ﴿يَجۡتَبِي﴾: انتخاب می‌کند.

180- ﴿سَيُطَوَّقُونَ﴾: به زودی طوق گردنشان خواهد شد.

183- ﴿عَهِدَ إِلَيۡنَآ﴾: خدا در تورات به ما دستور داده و سفارش کرده است.

183- ﴿بِقُرۡبَان﴾: قربانی، عمل نیکی که به وسیله آن به دربار خدا تقرب جویند.

184- ﴿ٱلزُّبُرِ﴾: کتابهای پند آمیز.

185- ﴿ عَنِ ٱلنَّارِ زُحۡزِحَ ﴾: از دوزخ دور داشته شود.

185- ﴿ٱلۡغُرُور﴾: فریبنده یا ناچیز و ناپایدار.

186- ﴿لَتُبۡلَوُنّ﴾: بدون شک با گرفتاری به محنتها مورد امتحان و آزمایش قرار می‌گیرید.

187- ﴿فَنَبَذُوهُ﴾: پس آن عهد را بی‌اعتنا به دور انداختند.

188- ﴿بِمَفَازَة﴾: نجات و رهایی.

191- ﴿بَٰطِلٗا﴾: بیهوده و عاری از حمکت.

191- ﴿فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ﴾: پس ما را از عذاب دوزخ حفظ نما.

192- ﴿أَخۡزَيۡتَه﴾: رسوا، حقیر و تباهش ساخته‌ای.

193- ﴿مُنَادِيٗا﴾: پیامبراکرم یا قرآن کریم‌.

193- ﴿ذُنُوبَنَا﴾: گناهان کبیره ما را.

193- ﴿كَفِّرۡ عَنَّا سَيِّ‍َٔاتِنَا﴾: گناهان صغیره ما را محو کن.

196- ﴿لَا يَغُرَّنَّكَ﴾: تو را فريب ندهد.

196- ﴿تَقَلُّبُ﴾: جنب و جوش و کسب و کار.

197- ﴿مَتَٰعٞ قَلِيلٞ﴾: روزیی ناپایدار و نعمت نابود شدنی.

197- ﴿بِئۡسَ ٱلۡمِهَاد﴾: جهنم جایگاه بد است.

198\_ ﴿نُزُلٗا﴾: ضیافتی، مهمان‌داری و پاداشی است.

200- ﴿صَابِرُوا﴾: با صبر و ثبات بر دشمنان پیروز شوید.

200- ﴿رَابِطُواْ﴾: آماده جهاد شوید و از مرزهای سرزمین اسلامی مواظبت نمایید.

سورۀ نِساء

1- ﴿بَثَّ مِنۡهُمَا﴾: از آدم و همسرش با ایجاد نسل، پراکنده ساخت.

1- ﴿ٱلۡأَرۡحَامَ﴾: از قطع پیوند و محبت خویشاوندان بپرهیزید.

1- ﴿رَقِيبٗا﴾: آگاه یا مراقب اعمال شماست.

2- ﴿حُوبٗا كَبِيرٗا﴾: گناهی بزرگ یا ستمی بزرگ است.

3- ﴿أَلَّا تُقۡسِطُواْ﴾: این‌که عدالت و انصاف نکنید.

3- ﴿مَا طَابَ لَكُم﴾: آنچه به شما حلال است.

3- ﴿رُبَٰعَ﴾: چهار زن، زیاد از چهار حرام است.

3- ﴿أَلَّا تَعۡدِلُواْ﴾: که در نفقه و حقوق دیگر نمی‌توانید عدالت کنید.

3- ﴿ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَلَّا تَعُولُواْ﴾: این نزدیک‌تر به ترک ستمکاری است یا که زن و فرزندتان زیاد نگردد.

4- ﴿صَدُقَٰتِهِنَّ﴾: مهر آنها را.

4- ﴿نِحۡلَةٗ﴾: به عنوان فریضه یا بخشش.

4- ﴿هَنِيٓ‍ٔٗا مَّرِيٓ‍ٔٗا﴾: حلال و خوشگوار با فرجام نیکو.

5- ﴿قِيَٰمٗا﴾: مایه آراستگی اسباب زندگانی و خیر و صلاح امور شما.

6- ﴿وَٱبۡتَلُواْ ٱلۡيَتَٰمَىٰ﴾: یتیمان را قبل از بلوغ بیازمایید، آیا راه استفاده مناسب از اموال خود را می‌دانند.

6- ﴿ءَانَسۡتُم﴾: دریافتید.

6- ﴿رُشۡدٗا﴾: راه استفاده درست از اموال خود را.

6- ﴿بِدَارًا أَن يَكۡبَرُواْ﴾: به شتاب از ترس این‌که بزرگ شوند و به حد رشد برسند.

6﴿فَلۡيَسۡتَعۡفِفۡ﴾: از خوردن اموال آنها امتناع ورزد.

6- ﴿حَسِيبٗا﴾: محاسب یا شاهد اعمال شماست.

7- ﴿مَّفۡرُوضٗا﴾: واجب یا معین و قطعی.

9- ﴿قَوۡلٗا سَدِيدًا﴾: گفتار خوب یا درست و عادلانه.

10- ﴿سَيَصۡلَوۡنَ سَعِيرٗا﴾: به زودی به آتش شعله‌ور و هول‌ انگیز درآیند.

11- ﴿يُوصِيكُمُ ٱللَّهُ﴾: خدا به شما دستور می‌دهد و معین می‌کند.

11- ﴿فَرِيضَةٗ﴾: بر شما فرض است.

12- ﴿كَلَٰلَةً﴾: متوَفَّای‌که نه فرزند دارد و نه پدر.

13- ﴿حُدُودُ ٱللَّهِ﴾: احکام، شریعت و فرموده خداست.

17- ﴿بِجَهَٰلَةٖ﴾: از روی نادانی، هر نافرمان جاهل است.

19- ﴿كَرۡهٗا﴾: بدون خوشی و رضایت‌شان.

17- ﴿لَا تَعۡضُلُوهُنَّ﴾: به قصد ضرر رساندن به آنها، مانع ازدواج‌شان نشوید.

17- ﴿بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖ﴾: گناه آشکار، ناسازگاری، خوی بد یا زنا.

20- ﴿بُهۡتَٰنٗا﴾: به باطل و ستم.

21﴿أَفۡضَىٰ بَعۡضُكُمۡ...﴾: از یکدیگر کام گرفته‌اید، به مقاربت جنسی یا خلوت صحیح.

21- ﴿مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا﴾: عهد استوار.

22- ﴿مَقۡتٗا﴾: نهایت ناسپاسی و پستی است.

23- ﴿رَبَٰٓئِبُكُمُ﴾: دختران همسرتان از شوهر دیگر آنها.

23- ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكُمۡ﴾: بر شما گناه محسوب نمی‌شود.

23- ﴿حَلَٰٓئِلُ أَبۡنَآئِكُمُ﴾: همسران پسرهاتان.

24- ﴿وَٱلۡمُحۡصَنَٰتُ﴾: زنان شوهردار.

24- ﴿مُّحۡصِنِينَ﴾: پاکدامنان.

24- ﴿غَيۡرَ مُسَٰفِحِينَ﴾: نه به زنا.

24- ﴿أُجُورَهُنَّ﴾: مهر آنها را.

25- ﴿طَوۡلًا﴾: ثروت و توان مالی.

25- ﴿ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ﴾: زنان آزاد.

25- ﴿فَتَيَٰتِكُمُ﴾: کنیزان خود.

25- ﴿مُحۡصَنَٰتٍ﴾: پاکدامنان.

25- ﴿غَيۡرَ مُسَٰفِحَٰتٖ﴾: نه کنیزانی‌که به طور آشکار دست به زنا می‌زنند.

25- ﴿لَا مُتَّخِذَٰتِ أَخۡدَانٖ﴾: نه كنيزانی‌كه دوستان نهانی برای زنا می‌گيرند.

25- ﴿خَشِيَ ٱلۡعَنَتَ﴾: از زنا و يا از ملوث شدن به اين گناه بترسد.

26- ﴿سُنَنَ﴾: راه‌ها و شیوه‌های.

29- ﴿بِٱلۡبَٰطِلِ﴾: به ناحق و مخالف حکم پروردگار.

30- ﴿نُصۡلِيهِ نَارٗا﴾: او را در دوزخ می‌افکنیم.

31- ﴿سَيِّ‍َٔاتِكُمۡ﴾: گناهان صغیره شما را.

31- ﴿مُّدۡخَلٗا كَرِيمٗا﴾: جای خوب جنت.

33- ﴿جَعَلۡنَا مَوَٰلِيَ مِمَّا تَرَكَ﴾: عصبه و وارثانی قرار دادیم که از اموال متوَفَّا ارث بگیرند.

33- ﴿ٱلَّذِينَ عَقَدَتۡ أَيۡمَٰنُكُمۡ﴾: کسانی‌که با آنها عهد بسته‌اید که از هم میراث بگیرید، این به نزد جمهور منسوخ است.

34﴿قَوَّٰمُونَ عَلَى ٱلنِّسَآءِ﴾: مدبر امور و سرپرست زنان هستند مثل حمایت و سرپرستی فرمانروایان مصلح از عامه مردم.

34- ﴿قَٰنِتَٰتٌ﴾: فروتن و فرمانبردار در برابر خدا و شوهر.

34- ﴿حَٰفِظَٰتٞ لِّلۡغَيۡبِ﴾: ناموس و ثروت شوهر را در غیاب او حفظ می‌کنند.

34- ﴿بِمَا حَفِظَ ٱللَّهُ﴾: زنان نیز بالای شوهران خویش حقوقی دارند.

34- ﴿نُشُوزَهُنَّ﴾: ناسازگاری و برتری جویی آنها را.

36- ﴿ٱلۡجَارِ ٱلۡجُنُبِ﴾: همسایه‌ای‌که خویشاوند نزدیک نیست یا منزلش دورتر است.

36- ﴿ٱلصَّاحِبِ بِٱلۡجَنۢبِ﴾: همنشین نیکو.

36- ﴿ٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ﴾: مسافر یا مهمان.

36- ﴿مُخۡتَالٗا﴾: متکبر خود پسند.

36- ﴿فَخُورًا﴾: کسی‌که به هنر و کارهای نیک خود افتخار و تکبر کند.

38- ﴿رِئَآءَ ٱلنَّاسِ﴾: برای این‌که مردم ببینند و بشنوند نه به رضای خدا.

40- ﴿مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ﴾: به وزن کوچک‌ترین مورچه یا گرد و غبار.

42- ﴿لَوۡ تُسَوَّىٰ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضُ﴾: با خاک یکسان می‌بودند و مبعوث نمی‌شدند.

43- ﴿عَابِرِي سَبِيلٍ﴾: مسافرهایی‌که آب نیابند تیمم می‌کنند.

43- ﴿ٱلۡغَآئِطِ﴾: جای قضای حاجت، کنایه از مدفوع است.

43- ﴿لَٰمَسۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ﴾: با آنها مقاربت انجام دهید یا به بدن آنها دست بمالید.

43- ﴿صَعِيدٗا طَيِّبٗا﴾: خاک یا زمین پاک.

46- ﴿يُحَرِّفُونَ ٱلۡكَلِمَ﴾: سخنان را تغییر می‌دهند یا به باطل تأویل می‌کنند.

46- ﴿وَٱسۡمَعۡ غَيۡرَ مُسۡمَعٖ﴾: و بشنو که هیچ نشنویی، یهود به این سخن قصد نفرین او ج را داشت.

46- ﴿رَٰعِنَا﴾: یهود این جمله را به قصد دشنام و کم و کاست نشاندادن پیامبر می‌گفت.

46- ﴿لَيَّۢا بِأَلۡسِنَتِهِمۡ﴾: طوری به زبان می‌آ‌وردند که معنی ناشایست می‌داد.

46- ﴿أَقۡوَمَ﴾: شایسته‌تر و درست‌تر.

47- ﴿نَّطۡمِسَ وُجُوهٗا﴾: آثار چهره‌ها را محو کنیم یا آنها را در گمراهی بگذاریم.

49- ﴿يُزَكُّونَ أَنفُسَهُم﴾: خود را می‌ستایند که از گناه پاکند.

49- ﴿فَتِيلًا﴾: به اندازه رشته نازک روی هسته خرما.

51- ﴿بِٱلۡجِبۡتِ وَٱلطَّٰغُوتِ﴾: به بت و طاغوت، هر چه غیر از خدا مورد پرستش قرار گیرد.

53- ﴿نَقِيرًا﴾: به اندازه فرو رفتگی پشت هسته خرما.

56- ﴿نُصۡلِيهِمۡ نَارٗا﴾: آنها را در آتش هول‌انگیز داخل و بریان می‌کنیم.

56- ﴿نَضِجَتۡ جُلُودُهُم﴾: پوست تن آنها بسوزد و نابود گردد.

57- ﴿ظَلِيلًا﴾: سایه مداوم با هوای متعادل.

58- ﴿تُؤَدُّواْ ٱلۡأَمَٰنَٰتِ﴾: حقوق خدا و بندگان او را ادا کنید.

58- ﴿نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِ﴾: خدا با این چیزها شما را چه نیکو اندرز می‌دهد.

59- ﴿أَحۡسَنُ تَأۡوِيلًا﴾: ‌فرجامش نیکوتر و عاقبتش ستوده‌تر است.

60- ﴿ٱلطَّٰغُوتِ﴾: یهودیی گمراه، کعب بن اشرف.

61- ﴿يَصُدُّونَ عَنكَ﴾: منافقان از آمدن نزد تو اعراض می‌کنند.

65- ﴿شَجَرَ بَيۡنَهُمۡ﴾: در اختلافات خود که حکمش بر آنها پوشیده است.

65- ﴿حَرَجٗا﴾: دلتنگی یا شک.

66- ﴿أَشَدَّ تَثۡبِيتٗا﴾: موجب ثبات و پایداری ایمان آنها می‌شد.

71- ﴿خُذُواْ حِذۡرَكُمۡ﴾: مسلح شوید یا در برابر دشمن بیدار و هوشیار باشید.

71- ﴿فَٱنفِرُواْ ثُبَاتٍ﴾: به صورت گروه‌ها و دسته‌های جداگانه و با ثبات به جهاد حرکت کنید.

72- ﴿لَّيُبَطِّئَنَّ﴾: سستی و تنبلی می‌کند یا روحیه جهاد را ضعیف می‌نماید.

74- ﴿يَشۡرُونَ﴾: می‌فروشند، مؤمنان.

76- ﴿ٱلطَّٰغُوتِ﴾: شیطان، راه آن کفر است.

77- ﴿فَتِيلًا﴾: به اندازه رشته نازک روی هسته خرما.

78- ﴿بُرُوجٖ﴾: پناهگاه‌ها و قلعه‌ها یا قصرها.

78- ﴿مُّشَيَّدَةٖ﴾: محکم یا بسیار بلند.

80- ﴿حَفِيظٗا﴾: حافظ، مراقب اعمال آنها.

81- ﴿بَرَزُواْ﴾: بیرون رفتند.

81- ﴿بَيَّتَ طَآئِفَةٞ﴾: گروهی در جلسات شبانه تصمیم مزورانه می‌‌گیرند.

83- ﴿أَذَاعُواْ بِهِ﴾: آن را فاش و شایع می‌سازند، این کار مایه زیان و فساد است.

83- ﴿يَسۡتَنۢبِطُونَهُ﴾: افشا گران تدبیر و تحلیل آن را به دست می‌آوردند که کدام خبر قابل نشر است یا از راست و دروغ بودن آن آگاه می‌شدند.

84- ﴿بَأۡس﴾: زور و قدرت.

84- ﴿أَشَدُّ بَأۡسٗا﴾: دارای بزرگترین قدرت است.

84- ﴿أَشَدُّ تَنكِيلٗا﴾: عذاب و انتقام او تعالی شدید‌تر است.

85- ﴿كِفۡلٞ مِّنۡهَا﴾: سهمی از آن گناه.

85- ﴿مُّقِيتٗا﴾: توانا یا حافظ است.

86- ﴿حَسِيبًا﴾: محاسب، پاداش دهنده یا شاهد.

88- ﴿أَرۡكَسَهُم﴾: خدای متعال آنها را سرنگون ساخته و به حکم کفر برگردانده است.

90- ﴿حَصِرَتۡ صُدُورُهُمۡ﴾: دلتنگ شده‌اند.

90- ﴿ٱلسَّلَمَ﴾: صلح را.

91- ﴿أُرۡكِسُواْ فِيهَا﴾: به زشت‌ترین حالت در فتنه سرنگون می‌شوند.

91- ﴿ثَقِفۡتُمُوهُمۡ﴾: آنها را یافتید یا بر آنها تسلط پیدا کردید.

94- ﴿ضَرَبۡتُمۡ﴾: سفر کردید.

94- ﴿ٱلسَّلَٰمَ﴾: اظهار اسلام یا سلام مسلمانی.

95- ﴿عَرَضَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا﴾: غنیمت را که نعمت نابود شدنی است.

95- ﴿غَيۡرُ أُوْلِي ٱلضَّرَرِ﴾: بدون کسانی‌که عذر خاصی، مانع رفتن‌شان به جهاد می‌گردد.

100- ﴿مُرَٰغَمٗا﴾: اقامت‌گاهی‌که در آنجا رود.

101- ﴿يَفۡتِنَكُمُ﴾: به شما رنج و اندوه برساند.

102- ﴿حِذۡرَهُمۡ﴾: خود را از دشمن حفظ نمایند.

102- ﴿تَغۡفُلُونَ﴾: غافل شوید.

103- ﴿كِتَٰبٗا مَّوۡقُوتٗا﴾: فرض است، اوقات معینی دارد.

104- ﴿لَا تَهِنُواْ﴾: سستی و ناتوانی نکنید.

105- ﴿خَصِيمٗا﴾: مدافع آنها.

107- ﴿يَخۡتَانُونَ أَنفُسَهُمۡ﴾: با ارتکاب گناه به خود خیانت می‌کنند.

108- ﴿يُبَيِّتُون﴾: در دل شب توطئه می‌کنند.

109- ﴿وَكِيلٗا﴾: حافظ و نجات دهنده از عذاب خدا.

112- ﴿بُهۡتَٰنٗا﴾: دروغ بسیار زشت.

114- ﴿نَّجۡوَىٰهُمۡ﴾: سخنانی‌که پنهانی و سری به یکدیگر می‌گویند.

115- ﴿يُشَاقِقِ ٱلرَّسُولَ﴾: با پیامبر مخالفت می‌کند.

115- ﴿نُوَلِّهِۦ مَا تَوَلَّىٰ﴾: او را به روشی‌که اختیار کرده است رها می‌سازیم.

115- ﴿نُصۡلِهِۦ جَهَنَّمَ﴾: او را به دوزخ وارد می‌کنیم، در آن جا کباب می‌شود.

117- ﴿إِنَٰثٗا﴾: بت‌های را که مانند زنان زینت می‌کنند.

117- ﴿شَيۡطَٰنٗا مَّرِيدٗا﴾: شیطان سرکش و عاری از خیر.

118- ﴿مَّفۡرُوضٗا﴾: تعداد معینی را به گمراهی و کفر می‌کشانم.

119- ﴿فَلَيُبَتِّكُنَّ﴾: تا قطع کنند یا بشکافند.

119- ﴿خَلۡقَ ٱللَّهِ﴾: آفرینش خدا را، مراد دین خداست.

120- ﴿غُرُورًا﴾: فریب و ناچیز.

121- ﴿مَحِيصٗا﴾: جای فرار، پناهگاهی و جای برگشتی.

122- ﴿قِيلٗا﴾: سخن.

124- ﴿نَقِيرٗا﴾: اندازه فرورفتگی کوچک در پشت هسته خرما.

125- ﴿أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ﴾: بدون ریا تسلیم امر خدا شده یا به اخلاص به عبادت خدا روی آورده است.

125- ﴿حَنِيفٗا﴾: از باطل روگردان و متمايل به دين حق.

127- ﴿بِٱلۡقِسۡطِ﴾: به عدالت در میراث و اموال.

128- ﴿بَعۡلِهَا﴾: شوهرش.

128- ﴿نُشُوزًا﴾: به ستم از او دوری گزیند.

128- ﴿ٱلشُّحَّ﴾: بخل آمیخته به حرص.

129- ﴿أَن تَعۡدِلُوا﴾: که در محبت و میل خاطر عدالت کنید.

130- ﴿مِّن سَعَتِهِۦ﴾: از فضل و از ثروت بی‌پایانش.

132- ﴿وَكِيلًا﴾: آگاه یا مدافع یا برپادارنده جهان است.

135- ﴿أَن تَعۡدِلُواْۚ﴾: تا زشتی‌های عدول از حق دامنگیرتان نشود.

135- ﴿تَلۡوُۥٓا﴾: در ادای شهادت از حق انحراف نمایید.

135- ﴿تُعۡرِضُوا﴾: شخصاً شهادت ادا نکنید.

139- ﴿ٱلۡعِزَّةَ﴾: نیروی دفاعی، قدرت و پیروزی.

141- ﴿يَتَرَبَّصُونَ بِكُمۡ﴾: مراقب هستند چه حوادثی به شما پیش می‌آید.

141- ﴿فَتۡحٞ﴾: پیروزی و غنیمت.

141- ﴿أَلَمۡ نَسۡتَحۡوِذۡ عَلَيۡكُمۡ﴾: آیا ما نمی‌توانستیم با مسلمان‌ها همدست شویم و بر شما تسلت یابیم اما ما شما را نجات دادیم.

143- ﴿مُّذَبۡذَبِينَ بَيۡنَ ذَٰلِكَ﴾: متردد بین کفر و ایمان.

144- ﴿سُلۡطَٰنٗا مُّبِينًا﴾: دلیل آشکار برای تعذیب خود.

145- ﴿ٱلدَّرۡكِ ٱلۡأَسۡفَلِ﴾: طبقه‌ای‌که در عمق جهنم است.

153- ﴿جَهۡرَةٗ﴾: آشکار به چشم.

153- ﴿ٱلصَّٰعِقَةُ﴾: آتش یا آوازی از آسمان.

154- ﴿لَا تَعۡدُواْ فِي ٱلسَّبۡتِ﴾: با شکار ماهی در روز شنبه، دست به تجاوز نزنید.

154- ﴿مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا﴾: عهد و پیمان محکم به اطاعت از خدا.

155- ﴿قُلُوبُنَا غُلۡفُۢۚ﴾: دل‌های ما از آفرینش در غلاف و پرده‌اند سخنان تو را نمی‌فهمند.

155- ﴿طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَيۡهَا﴾: خدا بر دل‌های آنها مهر زده و از درک حقایق مانع شده است.

156- ﴿بُهۡتَٰنًا عَظِيمٗا﴾: دروغ و تهمتی بسیار زشت.

157- ﴿شُبِّهَ لَهُمۡۚ﴾: مقتول شبیه عیسی شد.

162- ﴿وَٱلۡمُقِيمِينَ ٱلصَّلَوٰةَۚ﴾: و نمازگزاران را به نیکویی یاد می‌کنیم.

163- ﴿ٱلۡأَسۡبَاط﴾: فرزندان و نبیرگان یعقوب ÷.

163- ﴿زَبُورٗا﴾: کتابی‌که سراسر پند و حکمت است.

171- ﴿لَا تَغۡلُواْ﴾: افراط نکنید و از حد تجاوز ننمایید.

171- ﴿ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ﴾: کلمه اوست، به کلمه «کن: ایجاد شو» بدون پدر و نطفه خلق شد.

171- ﴿وَرُوحٞ مِّنۡهُ﴾: دارای روح از امر خدا، مانند سایر ارواح مخلوق اوست.

172- ﴿لَّن يَسۡتَنكِفَ﴾: مسیح هرگز از بندگی خدا ننگ ندارد، برتری نمی‌جوید و تکبر نمی‌ورزد.

174- ﴿بُرۡهَٰنٞ﴾: رسول خدا.

174- ﴿نُورٗا مُّبِينٗا﴾: قرآن کریم.

176- ﴿ٱلۡكَلَٰلَةِ﴾: متوفایی‌که پدر و فرزند ندارد.

سورۀ مائده

1- ﴿بِٱلۡعُقُودِ﴾: به عهد و پیمان‌های مؤکد.

1- ﴿ٱلۡأَنۡعَٰمِ﴾: شتر، گوسفند، بز و گاو.

1- ﴿غَيۡرَ مُحِلِّي ٱلصَّيۡدِ﴾: شکار حرام است، حلالش نشمارید.

1- ﴿أَنتُمۡ حُرُمٌ﴾: که شما در حال احرام حج یا عمره باشید.

2- ﴿لَا تُحِلُّواْ﴾: بی‌حرمتی‌ نکنید.

2- ﴿شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ﴾: مناسک حج یا نشانه‌های دین خدا را.

2- ﴿ٱلشَّهۡرَ ٱلۡحَرَامَ﴾: ماه‌های چهارگانه حرام را.

2- ﴿ٱلۡهَدۡي﴾: چارپایی را که برای قربانی به‌کعبه فرستند.

2- ﴿ٱلۡقَلَٰٓئِدَ﴾: آنچه قربانی را با آن نشانی کنند.

2- ﴿لَآ ءَآمِّينَ ٱلۡبَيۡتَ﴾: نه کسانی را که به قصد حج و عمره برای زیارت خانه خدا روان می‌شوند.

2- ﴿لَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ﴾: وادارتان نکند.

2- ﴿شَنَ‍َٔانُ قَوۡمٍ﴾: کینه شما نسبت به آنها.

3- ﴿ٱلدَّم﴾: خون جاری.

3- ﴿لَحۡمُ ٱلۡخِنزِيرِ﴾: همه اجزای بدن خوک.

3- ﴿مَآ أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦ﴾: آنچه هنگام ذبح آن، نام غیر خدا ذکر شود.

3- ﴿ٱلۡمُنۡخَنِقَةُ﴾: حیوانی‌که خفه شده باشد.

3- ﴿وَٱلۡمَوۡقُوذَة﴾: حیوانی‌که به اثر زدن بمیرد.

3- ﴿وَٱلۡمُتَرَدِّيَةُ﴾: حیوانی‌که به اثر سقوط از بلندی مرده باشد.

3- ﴿وَٱلنَّطِيحَةُ﴾: جانوری‌که به شاخ زدن حیوان دیگری مرده باشد.

3- ﴿مَآ أَكَلَ ٱلسَّبُعُ﴾: جانوری‌که ‌درنده‌ای قسمتی از بدن او را بخورد و او از اثر همین زخم بمیرد.

3- ﴿مَا ذَكَّيۡتُمۡ﴾: حیوانی‌که قبل از مردنش به او برسید و ذبحش کنید.

3- ﴿ٱلنُّصُبِ﴾: سنگ‌های بود پیرامون کعبه که به آنها تعظیم می‌کردند.

3- ﴿تَسۡتَقۡسِمُواْ﴾: بخواهید که قسمت و سهم خویش را بدانید.

3- ﴿بِٱلۡأَزۡلَٰمِ﴾: به وسیله تیرهای نشانی شده که در جاهلیت معروف بود.

3- ﴿ذَٰلِكُمۡ فِسۡقٌ﴾: این همه خروج از طاعت خداست.

3- ﴿ٱضۡطُرَّ﴾: ضرورت ناچارش ساخت که از آن تناول کند.

3- ﴿مَخۡمَصَةٍ﴾: گرسنگی شدید.

3- ﴿غَيۡرَ مُتَجَانِفٖ لِّإِثۡمٖ﴾: با تمايل به گناه از حد نياز تجاوز نکند.

4- ﴿ٱلطَّيِّبَٰتُ﴾: آنچه خدا خوردن آن را اجازه داده است.

4- ﴿ٱلۡجَوَارِحِ﴾: حیوانات شکاری از درندگان و پرنگان.

4- ﴿مُكَلِّبِينَ﴾: در حالی‌که به آنها شکار آموخته‌اید.

5- ﴿طَعَامُ﴾: آنچه یهود‌ و نصاری سر ببرند.

5- ﴿ٱلۡمُحۡصَنَٰت﴾: زنان پاکدامن یا آزاد.

5- ﴿أُجُورَهُنَّ﴾: مهر آنان را.

5- ﴿مُحۡصِنِينَ﴾: به این ازدواج جویای عفت باشید.

5- ﴿غَيۡرَ مُسَٰفِحِينَ﴾: نه به زنای آشکار.

5- ﴿لَا مُتَّخِذِيٓ أَخۡدَانٖ﴾: دوستان نهانی برای زنا نگیرد.

5- ﴿يَكۡفُرۡ بِٱلۡإِيمَٰنِ﴾: به شریعت اسلام انکار ورزد.

5- ﴿حَبِطَ عَمَلُهُۥ﴾: ثواب اعمال سابقش باطل است.

6- ﴿ٱلۡغَآئِط﴾: محل قضای حاجت، کنایه از مدفوع است.

6- ﴿لَٰمَسۡتُمُ ٱلنِّسَآءَ﴾: با زنان مقاربت کردید یا به بدن و چهره آنها دست زدید.

6- ﴿صَعِيدٗا طَيِّبٗا﴾: خاک پاک یا زمین پاک.

6- ﴿حَرَجٖ﴾: سختگیری در دین.

7- ﴿مِيثَٰقَهُ﴾: عهد او را.

8- ﴿شُهَدَآءَ بِٱلۡقِسۡطِ﴾: به عدالت شهادت دهید.

8- ﴿لَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ﴾: وادارتان نکند.

8- ﴿شَنَ‍َٔانُ قَوۡمٍ﴾: دشمنی با آنها.

11- ﴿يَبۡسُطُوٓاْ إِلَيۡكُمۡ أَيۡدِيَهُمۡ﴾: برای کشتن و تباه کردن شما حمله‌ور شوند.

12- ﴿نَقِيبٗا﴾: سرپرست امین.

12- ﴿عَزَّرۡتُمُوهُمۡ﴾: به آنها کمک کردید یا تعظیم نمودید.

12- ﴿قَرۡضًا حَسَنٗا﴾: وام نیکو به طیب خاطر برای رضای خدا.

13- ﴿يُحَرِّفُونَ ٱلۡكَلِمَ﴾: یهودیان تورات را تغییر می‌دهند یا آن را به باطل تأویل می‌کنند.

13- ﴿نَسُواْ حَظّٗا﴾: بخش وافری را فراموش کردند.

13- ﴿خَآئِنَة﴾: غدر و عمل خاینانه.

14- ﴿فَأَغۡرَيۡنَا﴾: بر انگیختیم، افکندیم یا چسباندیم.

15- ﴿نُورٞ﴾: رسول خدا.

19- ﴿فَتۡرَةٖ﴾: فاصله، انقطاع و سکون.

25- ﴿فَٱفۡرُق﴾: به داوری و قضاوت، بین ما و آنها فرق نما.

26- ﴿يَتِيهُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾: در آن بیابان حیران و راهگم گردش می‌کردند.

26- ﴿فَلَا تَأۡسَ﴾: غمگین مباش.

27- ﴿قُرۡبَانٗا﴾: کار نیکی‌که با آن به خدا تَقَرُّب جویند.

29- ﴿تَبُوٓأَ بِإِثۡمِي﴾: چون مرا بکشی روز قیامت با گناه قتل من نزد خدا برگردی.

29- ﴿إِثۡمِكَ﴾: گناهان سابقت که مانع از قبول قربانیت شدند.

30- ﴿فَطَوَّعَتۡ لَهُۥ نَفۡسُهُ﴾: نفس اماره‌اش این امر را بر او آراست و آسان جلوه داد.

31- ﴿يَبۡحَثُ فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾: زمین را می‌کند تا زاغی را که کشته بود دفن کند.

31- ﴿سَوۡءَةَ أَخِيهِ﴾: جسد یا عورت برادرش را. ﴿يَٰوَيۡلَتَىٰٓ﴾: یا حسرتا.

33- ﴿يُنفَوۡاْ مِنَ ٱلۡأَرۡضِ﴾: از آن سرزمین تبعید یا محبوس شوند.

33- ﴿خِزۡيٞ﴾: رسوایی و شکنجه.

35- ﴿ٱلۡوَسِيلَةَ﴾: نزدیکی جستن با طاعات و عبادت و ترک گناه.

38- ﴿نَكَٰلٗا﴾: شکنجه‌ای سختی است برای جلوگیری از تکرار این گناه.

41- ﴿سَمَّٰعُونَ لِلۡكَذِبِ﴾: سخنان تو را می‌شنوند و آن را تغییر می‌دهند تا بهانه برای تکذیبت بیابند.

41- ﴿سَمَّٰعُونَ لِقَوۡمٍ ءَاخَرِينَ﴾: سخنان تو را می‌شنوند تا برای دیگران جاسوسی نمایند.

41- ﴿يُحَرِّفُونَ ٱلۡكَلِمَ﴾: کلام را تغییر می‌دهند یا آن را به باطل تأویل می‌کنند.

41- ﴿فِتۡنَتَهُ﴾: گمراهی، کفر و هلاکت او را.

41- ﴿خِزۡيٞ﴾: رسوایی و ذلت.

42- ﴿أَكَّٰلُونَ لِلسُّحۡتِ﴾: مال حرام را که زشت‌ترین آن رشوت است می‌خورند.

42- ﴿بِٱلۡقِسۡطِ﴾: به عدالت که حکم اسلام است.

42- ﴿ٱلۡمُقۡسِطِينَ﴾: عدالت پیشگان.

43- ﴿يَتَوَلَّوۡنَ مِنۢ بَعۡدِ ذَٰلِكَ﴾: خودت را حکم قرار می‌دهند سپس از فرمانت که مغایر تورات نیست سرپیچی می‌کنند.

44- ﴿أَسۡلَمُواْ﴾: به دستورات الهی که در تورات ذکر بود گردن نهادند.

44- ﴿ٱلرَّبَّٰنِيُّونَ﴾: پارسایان یهود.

44- ﴿وَٱلۡأَحۡبَارُ﴾: علمای یهود.

46- ﴿وَقَفَّيۡنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم﴾: پس از پیامبران فرستادیم.

48- ﴿مُهَيۡمِنًا عَلَيۡهِ﴾: مراقب یا شاهد بر کتب پیشین.

48- ﴿عَمَّا جَآءَكَ﴾: از آنچه بر تو وحی شده عدول کنی.

48- ﴿شِرۡعَةٗ وَمِنۡهَاجٗا﴾: شریعت و راه روشن در دین.

48- ﴿لِّيَبۡلُوَكُمۡ﴾: تا شما را بیازماید با این‌‌که از احوال‌تان آگاه است.

49- ﴿أَن يَفۡتِنُوكَ﴾: تو را به مکر و حیله منحرف سازند.

51- ﴿أَوۡلِيَآءُ﴾: دوست صمیمی و یاور.

52- ﴿تُصِيبَنَا دَآئِرَةٞ﴾: از گردش روزگار با مصیبت‌ها و سختی‌ها روبرو شویم.

52- ﴿بِٱلۡفَتۡح﴾: پیروزی برای رسول خدا.

53- ﴿جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ﴾: سوگندهای سخت.

53- ﴿حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ﴾: اعمال آنها باطل و بی‌ثمر شد.

54- ﴿أَذِلَّةٍ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾: بر مسلمانان مشفق و مهربانند.

54- ﴿أَعِزَّةٍ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾: در برابر کافران سرسخت، استوار و نیرومند هستند.

54- ﴿لَوۡمَةَ لَآئِمٖ﴾: در راه نصرت دین از سرزنش‌ هیچ سرزنش کننده‌ای.

54- ﴿ٱللَّهُ وَٰسِعٌ﴾: فضل و جود خدا فراوان است.

57- ﴿هُزُوٗا وَلَعِبٗا﴾: تمسخر و استهزا.

59- ﴿تَنقِمُون﴾: عیب می‌گیرید.

60- ﴿مَثُوبَة﴾: جزا و عقوبت.

60- ﴿عَبَدَ ٱلطَّٰغُوتَ﴾: شیطان را اطاعت و خدا را نافرمانی‌کرد.

60- ﴿سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ﴾: روش معتدل، اسلام.

62- ﴿أَكۡلِهِمُ ٱلسُّحۡتَ﴾: خوردن مال حرام، زشت‌ترین آن رشوت است.

63- ﴿ٱلرَّبَّٰنِيُّونَ﴾: پارسیان یا علما و فقهای یهود.

63- ﴿ٱلۡأَحۡبَار﴾: علمای یهود.

64- ﴿مَغۡلُولَةٌ﴾: از عطا و بخشش به اثر بخل بسته است.

66- ﴿أُمَّةٞ مُّقۡتَصِدَةٞ﴾: گروه میانه رو، مسلمانان.

68- ﴿فَلَا تَأۡسَ﴾: پس حزین و متأسف نباش.

69- ﴿َٱلصَّٰبِ‍ُٔونَ﴾: پرستند‌‌گان فرشته‌ها یا ستاره‌ها.

71- ﴿فِتۡنَةٞ﴾: بلا و عذاب شدید.

75- ﴿خَلَتۡ﴾: گذشته است.

75- ﴿أُمُّهُۥ صِدِّيقَةٞ﴾: مادرش بسیار راستگو و با خدا بود.

75- ﴿يَأۡكُلَانِ ٱلطَّعَامَ﴾: هر دو مثل انسان‌های دیگر غذا می‌خوردند پس چگونه او را خدا می‌پندارید.

75- ﴿أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ﴾: چگونه از پذیرش و اندیشیدن به این دلایل آشکار سرپیچی می‌کنند.

77- ﴿لَا تَغۡلُواْ﴾: افراط و از حد تجاوز نکنید.

77- ﴿غَيۡرَ ٱلۡحَقِّ﴾: تجاوز نادرست.

80- ﴿سَخِطَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ﴾ : به سبب آنچه انجام دادند مورد غضب خدا قرار گرفتند.

83- ﴿تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمۡعِ﴾: چشمانشان از اشک لبریز و گهربار می‌شود.

89- ﴿بِٱللَّغۡوِ فِيٓ أَيۡمَٰنِكُمۡ﴾ : قسم‌های بیهوده‌تان، قسم لغو آن است که در بارۀ چیزی قسم می‌خورد به باور‌ این‌که راست است اما حقیقت خلاف آن است، یا چیزی را به زبان می‌آورد که به آن قصد سوگند ندارد.

89- ﴿عَقَّدتُّمُ ٱلۡأَيۡمَٰنَ﴾ : به قصد سوگند یاد کرده‌اید.

90- ﴿َٱلۡأَنصَابُ﴾: به اطراف کعبه سنگ‌های بود که مشرکین آنها را بزرگ می‌داشتند.

90- ﴿ٱلۡأَزۡلَٰم﴾: تیرهای‌که در جاهلیت با آنها فال می‌گرفتند.

90- ﴿رِجۡسٞ﴾: خبیث، پلید و نجس است.

93- ﴿جُنَاحٞ﴾: گناه.

93- ﴿طَعِمُوٓا﴾ : چیزهای حرام را پیش از این‌که تحریم آنها اعلام شود، خوردند یا نوشیدند.

94- ﴿لَيَبۡلُوَنَّكُمُ ٱللَّهُ﴾: خدا شما را امتحان می‌کند.

95- ﴿أَنتُمۡ حُرُمٞ﴾: در حال احرام حج یا عمره هستید.

95- ﴿ٱلنَّعَمِ﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.

95- ﴿بَٰلِغَ ٱلۡكَعۡبَةِ﴾ : به حرم برسد و آنجا ذبح شود.

95- ﴿عَدۡلُ ذَٰلِكَ\_: معادل و برابر آن طعام.

95- ﴿وَبَالَ أَمۡرِهِ﴾: سنگینی جزای عمل و عاقبت بد گناه خود را.

96- ﴿لِلسَّيَّارَةِ﴾: برای مسافران.

97- ﴿ٱلۡبَيۡتَ ٱلۡحَرَامَ﴾: مراد از کعبه، همه جای حرم است.

97- ﴿قِيَٰمٗا لِّلنَّاسِ﴾: برپادارنده مصالح دینی و دنیویی مردم.

97- ﴿ٱلشَّهۡرَ ٱلۡحَرَامَ﴾: ماه‌های حرام ذی‌القعده ذی‌الحجه، محرم و رجب.

97- ﴿ٱلۡهَدۡيَ﴾: قربانی که به کعبه فرستند.

97- ﴿ٱلۡقَلَٰٓئِدَ﴾: آنچه برای نشانه به گردن قربانی اندازند.

103- ﴿بَحِيرَةٖ﴾: شتری را می‌گفتند که پنج بار و بار آخر نر زاییده بودی گوش او را می‌شکافتند و برای بتها رها می‌کردند.

103- ﴿سَآئِبَةٖ﴾: شتر ماده که آن را به قصد شفا از مرض یا نجات در محاربه برای بتها رها می‌کردند.

103- ﴿وَصِيلَة﴾: شتری‌که بار اول و دوم ماده می‌زایید، آن را برای بت‌ها رها می‌کردند.

103- ﴿حَامٖ﴾: شتر نری‌که بچه بچه‌اش آبستن می‌شد آن را نه سوار می‌شدند و نه بردوشش بار می‌نهادند.

104- ﴿حَسۡبُنَا﴾: برای ما کافی است.

105- ﴿عَلَيۡكُمۡ أَنفُسَكُمۡ﴾: شما عهده‌دار خود باشيد و خود را از گناه حفظ كنيد.

106- ﴿ضَرَبۡتُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾: سفر کردید.

106- ﴿لَا نَشۡتَرِي بِهِۦ﴾: ما بخاطر مال دنیا قسم ناحق نمی‌خوردیم.

107- ﴿ٱلۡأَوۡلَيَٰنِ﴾: نزدیکان و وارث‌های مُتوَفَّی .

110- ﴿بِرُوحِ ٱلۡقُدُسِ﴾: به جبریل.

110- ﴿فِي ٱلۡمَهۡدِ﴾: در شیر خوارگی.

110- ﴿كَهۡلٗا﴾: در حال کمال قوت، پس از فرود آمدن از آسمان.

110- ﴿تَخۡلُقُ﴾: صورت و شکل می‌ساختی.

110- ﴿ٱلۡأَكۡمَهَ﴾: کور مادرزاد را.

111- ﴿ٱلۡحَوَارِيِّ‍ۧنَ﴾: یاران نزدیک عیسی ÷.

112- ﴿مَآئِدَةٗ﴾: خوانهای پر از غذا.

114- ﴿عِيدٗا﴾: روز مبارک یا شادمانی.

116- ﴿سُبۡحَٰنَكَ﴾: پروردگارا، تو پاک و منزه‌ای، من چگونه این سخن را به زبان بیاورم.

117- ﴿تَوَفَّيۡتَنِي﴾: مرا گرفتی و زنده به آسمان بردی.

سورۀ انْعَام

1- ﴿جَعَلَ﴾: ایجاد کرد.

1- ﴿بِرَبِّهِمۡ يَعۡدِلُون﴾: عبادت بت‌ها را با عبادت خدا برابر می‌کنند.

2- ﴿قَضَىٰٓ أَجَلٗا﴾: برای مرگ زمانی را معین ساخت.

2- ﴿أَجَلٞ مُّسَمًّى عِندَهُ﴾: برای رستاخیز مدتی را تعین کرد که علم آن خاصه اوست.

2- ﴿تَمۡتَرُونَ﴾: به قیامت و رستاخیز شک می‌ورزید یا از وقوع آن انکار می‌کنید.

3- ﴿وَهُوَ ٱللَّهُ﴾: او جل‌جلالُه معبود یا یگانه است.

5- ﴿أَنۢبَٰٓؤُاْ﴾: اخبار، مراد عذابی است که به آنها می‌رسد.

6- ﴿كَمۡ أَهۡلَكۡنَا﴾: بسیار هلاک کردیم.

6- ﴿قَرۡنٖ﴾: گروهي از مردم.

6- ﴿مَّكَّنَّٰهُمۡ﴾: به آنها قدرت و توانایی دادیم.

6- ﴿ٱلسَّمَآءَ﴾: باران را.

6- ﴿مِّدۡرَارٗا﴾: باران تند و پی‌درپی.

7- ﴿كِتَٰبٗا فِي قِرۡطَاسٖ﴾: نوشته درکاغذ.

8- ﴿لَا يُنظَرُونَ﴾: بعد از آمدن فرشته یک لحظه هم به آنها مهلت داده نشود.

9- ﴿لَلَبَسۡنَا عَلَيۡهِم مَّا يَلۡبِسُونَ﴾: آنگاه بر آنها پوشیده‌تر می‌‌کردیم آنچه را که امروز خود پیچیده ساخته‌اند.

10- ﴿فَحَاقَ﴾: احاطه کرد یا نازل شد.

12- ﴿كَتَبَ﴾: از فضل و احسان واجب و حتمی‌گردانیده است.

12- ﴿خَسِرُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ﴾: خود را به اثر کفر تباه و متضرر ساخته‌اند.

13- ﴿مَا سَكَنَ﴾: آنچه آرام و قرار گرفته است.

14- ﴿وَلِيّٗا﴾: معبود، یار و یاور.

14- ﴿فَاطِر...﴾: ایجاد کننده. . .

14- ﴿هُوَ يُطۡعِم﴾: به بندگانش رزق می‌دهد.

14- ﴿مَنۡ أَسۡلَمَ﴾: کسی‌که به بندگی او تعالی گردن نهاد.

19- ﴿مَنۢ بَلَغَ﴾: کسانی‌که در همه دورانها قرآن برایشان برسد.

23- ﴿فِتۡنَتُهُمۡ﴾: عذر آنها یا عاقبت شرک آنها.

24- ﴿ضَلَّ عَنۡهُم﴾: از دستشان رفت.

24- ﴿مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ﴾: آنچه به دروغ می‌ساختند، بتها و شفاعت آنها.

25- ﴿أَكِنَّةً﴾: پرده‌های بسیار.

25- ﴿وَقۡرٗا﴾: گوشهایشان کر و سنگین است.

25- ﴿أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: دروغهای‌‌‌که در کتابهایشان نوشته است.

26- ﴿يَنۡ‍َٔوۡنَ عَنۡهُ﴾: خود نیز از قرآن دوری می‌گزینند.

27- ﴿وُقِفُواْ عَلَى ٱلنَّارِ﴾: از آتش آگاه شوند یا در وسط آتش محبوس شوند.

30- ﴿وُقِفُواْ عَلَىٰ رَبِّهِمۡ﴾: به حکم پروردگار، برای حساب و جزا بازداشت شوند.

31- ﴿بَغۡتَة﴾: ناگهان.

31- ﴿فَرَّطۡنَا فِيهَا﴾: در دنیا کوتاهی کردیم.

31- ﴿أَوۡزَارَهُمۡ﴾: گناهان و خطاهای‌شان را.

34- ﴿لِكَلِمَٰتِ ٱللَّهِ﴾: آیاتی‌که در آنها وعده یاری و نصرت به پیامبران آمده است.

35- ﴿كَبُرَ عَلَيۡكَ﴾: بر تو سخت و دشوار است.

35- ﴿نَفَقٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾: سوراخی در زمین که در اعماق آن نفوذ ‌کند.

38- ﴿أُمَمٌ أَمۡثَالُكُم﴾: گروه‌های همانند شما هستند و ما آفریدگار و مدبر امور آنها هستیم.

38- ﴿مَّا فَرَّطۡنَا﴾: ترک نکردیم.

39- ﴿فِي ٱلظُّلُمَٰتِ﴾: در تاریکی‌های جهل، عناد و کفر.

40- ﴿أَرَءَيۡتَكُمۡ﴾: مرا از حالت شگفت انگیزتان آگاه بسازید.

42- ﴿بِٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ﴾: به تنگدستی، سختی و بلا.

42- ﴿يَتَضَرَّعُونَ﴾: زاری نمایند و توبه کنند.

43- ﴿جَآءَهُم بَأۡسُنَا﴾: عذاب ما به آنها رسید.

44- ﴿كُلِّ شَيۡءٍ﴾: نعمت‌های فراوان را استدراجاً.

44- ﴿أَخَذۡنَٰهُم بَغۡتَةٗ﴾: به آنها عذاب ناگهانی فرستادیم.

44- ﴿هُم مُّبۡلِسُونَ﴾: از رحمت پروردگار نومید یا اندوهگین شوند.

45- ﴿دَابِرُ ٱلۡقَوۡمِ﴾: آخرین نفر.

46- ﴿نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ﴾: آیات را به روش‌های مختلف بیان می‌کنیم.

46- ﴿هُمۡ يَصۡدِفُونَ﴾: ایشان از آن رو گردانند.

47- ﴿أَرَءَيۡتَكُمۡ﴾: برایم بگویید.

47- ﴿بَغۡتَةً﴾: ناگهان یا در شب.

47- ﴿جَهۡرَة﴾: آشکار یا در روز.

50- ﴿خَزَآئِنُ ٱللَّهِ﴾: نعمت‌ها یا توانایی‌های او جل‌جلالُه.

52- ﴿بِٱلۡغَدَوٰةِ وَٱلۡعَشِيِّ﴾: اول و آخر روز، یعنی همیشه.

53- ﴿فَتَنَّا﴾: امتحان کردیم در حالی‌که از احوال آنها آگاه هستیم.

54- ﴿كَتَبَ رَبُّكُمۡ﴾: پروردگار شما از فضل و احسان خود لازم و حتمی گرانیده است،.

54- ﴿بِجَهَٰلَةٖ﴾: به سفاهت، هر نا فرمان بدکار جاهل است.

57- ﴿يَقُصُّ ٱلۡحَقَّ﴾: حق را روشن و آشکار بیان می‌کند.

57- ﴿خَيۡرُ ٱلۡفَٰصِلِينَ﴾: با حکمت پسندیده حق را از باطل جدا می‌کند.

59- ﴿كِتَٰبٖ مُّبِينٖ﴾: لوح محفوظ یا علم او تعالی.

60- ﴿جَرَحۡتُم بِٱلنَّهَارِ﴾: هر گناهی‌که در روز انجام داده‌اید.

61- ﴿لَا يُفَرِّطُونَ﴾: سستی وکوتاهی نمی‌کنند.

63- ﴿تَضَرُّعٗا﴾: زاری به پیشگاه خدا.

63- ﴿خُفۡيَةٗ﴾: حاجت خود را پوشیده و نهان می‌خواهید.

65- ﴿يَلۡبِسَكُمۡ﴾: شما را در جنگ‌های بزرگ مقابل هم قرار دهد.

65- ﴿شِيَعٗا﴾: گروهای متعدد با خواسته‌های مختلف.

65- ﴿بَأۡسَ بَعۡضٍ﴾: رنج و سختی دیگری را در میدان جنگ.

65- ﴿نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ﴾: آیات و دلایل را به روش‌های مختلف بیان می‌کنیم.

66- ﴿بِوَكِيل﴾: مراقب، كار شما را به من سپرده باشند تا شما را مجازات ‌كنم.

68- ﴿يَخُوضُونَ﴾: به باد استهزاء و طعنه می‌گیرند.

70- ﴿غَرَّتۡهُمُ﴾: آنها را فریفت و به طمع خام افکند.

70- ﴿أَن تُبۡسَلَ نَفۡسُۢ﴾: تا به دوزخ نیفتد یا گرفتار هلاکت نگردد.

70- ﴿تَعۡدِلۡ كُلَّ عَدۡلٖ﴾: هر فدیه‌ای بدهد.

70- ﴿أُبۡسِلُواْ﴾: در دوزخ انداخته شدند یا هلاک گردیدند.

70- ﴿حَمِيمٖ﴾: آب جوشان.

71- ﴿ٱسۡتَهۡوَتۡهُ ٱلشَّيَٰطِينُ﴾: شیاطین او را گمراه کرده و به ویرانه برده است.

71- ﴿أُمِرۡنَا لِنُسۡلِمَ﴾: برای ما دستور است که فرمانبردار باشیم و عبادت را خالصانه انجام دهیم.

73- ﴿ٱلصُّورِ﴾: شاخی‌که اسرافیل در آن می‌دمد.

74- ﴿ازَرَ﴾: لقب پدر ابراهیم ÷ یا اسم عموی اوست.

75- ﴿مَلَكُوت...﴾: پادشاهی را، یا آیات یا عجایب...

76- ﴿جَنَّ عَلَيۡهِ ٱلَّيۡلُ﴾: تاریکی شب او را پوشانید.

76- ﴿أَفَلَ﴾: پنهان شد و به دامان افق غروب کرد.

77- ﴿بَازِغٗا﴾: كه از كرانۀ آسمان طلوع كرد و روشنی خود را منتشر ساخت.

79- ﴿فَطَرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ...﴾: آسمانها را ایجاد کرده است...

79- ﴿حَنِيفٗا﴾: مایل به دین حق.

80- ﴿حَآجَّهُۥ قَوۡمُهُ﴾: قومش با او در یکتا پرستی دشمنی و ستیز کردند.

81- ﴿سُلۡطَٰنٗا﴾: دلیل روشن.

82- ﴿لَمۡ يَلۡبِسُوٓاْ﴾: مخلوط نکردند.

82- ﴿بِظُلۡم﴾: به شرک و کفر.

87- ﴿وَٱجۡتَبَيۡنَٰهُمۡ﴾: آنها را به نبوت برگزیدیم.

88- ﴿لَحَبِطَ﴾: به یقین باطل و ساقط می‌شد.

89- ﴿وَٱلۡحُكۡمَ﴾: قضاوت میان مردم به حق یا حکمت.

90- ﴿ٱقۡتَدِهۡ﴾: پیروی کن.

91- ﴿مَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ﴾: آنها خدا را نشناختند یا او را به بزرگی نستودند.

91- ﴿قَرَاطِيسَ﴾: صفحات پراکنده.

91- ﴿قُلِ ٱللَّهُ﴾: بگو: تورات را خدا فرستاده است.

91- ﴿خَوۡضِهِمۡ﴾: در باطل وکفر خود.

92- ﴿مُبَارَك﴾: قرآن دارای منافع و فواید بسیار است.

92- ﴿أُمَّ ٱلۡقُرَىٰ﴾: مکه اهالی آنجا.

92- ﴿مَنۡ حَوۡلَهَا﴾: همه باشندگان روی زمین.

93- ﴿غَمَرَٰتِ ٱلۡمَوۡتِ﴾: سختی‌های مرگ.

93- ﴿أَخۡرِجُوٓاْ أَنفُسَكُمُ﴾: خود را از عذاب رها سازید.

93- ﴿عَذَابَ ٱلۡهُونِ﴾: عذاب حقارت و رسوایی.

94- ﴿مَّا خَوَّلۡنَٰكُمۡ﴾: آنچه از ناز و نعمت به شما بخشیده بودیم.

94- ﴿تَّقَطَّعَ بَيۡنَكُمۡ﴾: پیوند بین شما قطع شد.

95- ﴿فَالِقُ ٱلۡحَبِّ﴾: دانه را می‌شکافد و از آن گیاه می‌رویاند یا خالق دانه است.

95- ﴿فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ﴾: چگونه از عبادت خدا سرپیچی می‌کنید؟

96- ﴿فَالِقُ ٱلۡإِصۡبَاحِ﴾: جدا کنندۀ تاریکی صبح از روشنایی روز یا خالق صبح.

96- ﴿ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ حُسۡبَانٗا﴾: آفتاب و ماه هرکدام در فلک خود به حساب معین در گردشند، به مصالح مردم.

98- ﴿فَمُسۡتَقَرّ﴾: محل استقرار در پشت پدر و گفته شده در رحم و مانند آن.

98- ﴿مُسۡتَوۡدَعٞۗ﴾: در رَحْم و مانند آن به ودیعت گذاشته می‌شود.

99- ﴿خَضِرٗا﴾: تروتازه.

99- ﴿حَبّٗا مُّتَرَاكِبٗا﴾: دانه‌های متراکم مانند خوشه گندم و مانند آن.

99- ﴿طَلۡعِهَا﴾: میوه درخت خرما که اول می‌رسد.

99- ﴿قِنۡوَان﴾: شاخه‌ها و خوشه‌های خرما مانند خوشه انگور.

99- ﴿دَانِيَة﴾: آویزان یا در دسترس میل کننده.

99- ﴿يَنۡعِهِ﴾: به حالت پخته و رسیده.

102- ﴿وَكِيلٞ﴾: مراقب و سرپرست.

103- ﴿لَّا تُدۡرِكُهُ ٱلۡأَبۡصَٰرُ﴾: دیده و بصیرت نمی‌توانند او را کامل درک کنند.

104- ﴿بَصَآئِرُ﴾: آیات و دلایلی‌که به حق هدایت می‌کنند.

104- ﴿بِحَفِيظٖ﴾: مراقب که حساب اعمال شما را بگیرم و پاداش بدهم.

105- ﴿نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ﴾: آیات خود را به روش‌های مختلف بیان می‌کنیم.

105- ﴿دَرَسۡتَ﴾: درس خواندی و از اهل کتاب آموختی.

108- ﴿عَدۡوَۢا﴾: از روی تجاوز و ستم.

109- ﴿جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ﴾: سوگندهای سخت و مؤکدشان.

110- ﴿نَذَرُهُمۡ﴾: آنها را به حال خودشان رها می‌کنیم.

110- ﴿طُغۡيَٰنِهِمۡ﴾: سرکشی‌هاشان.

110- ﴿يَعۡمَهُون﴾: راه راست را ‌نیابند یا سرگردان ‌شوند.

111- ﴿حَشَرۡنَا﴾: جمع می‌کردیم.

111- ﴿قُبُلٗا﴾: رویاروی یا گروه گروه.

112- ﴿زُخۡرُفَ ٱلۡقَوۡلِ﴾: سخنان بيهوده و به ظاهر آراسته.

112- ﴿غُرُورٗا﴾: برای فریب.

113- ﴿لِتَصۡغَىٰٓ﴾: تا به این سخنان مزخرف متمایل شود.

113- ﴿لِيَقۡتَرِفُواْ﴾: تا کارهای زشت را انجام دهند.

114- ﴿ٱلۡمُمۡتَرِينَ﴾: شک کنندگان زیرا اهل کتاب بخوبی می‌دانند که این کتاب را آفریدگار فرستاده است.

115- ﴿كَلِمَتُ رَبِّكَ﴾: کلام خدا، قرآن.

115- ﴿صِدۡقٗا وَعَدۡلٗا﴾: در راستی وعدالت به وعده‌ها واحکام خدا.

116- ﴿يَخۡرُصُونَ﴾: چیزهایی را به دروغ به خدا نسبت می‌دهند.

120- ﴿ذَرُواْ﴾: ترک کنید.

120- ﴿يَقۡتَرِفُونَ﴾: مرتکب گناه می‌شدند، هر گناهی‌که باشد.

121- ﴿َإِنَّهُۥ لَفِسۡقٞ﴾: به یقین خوردن آن گناه است.

124- ﴿صَغَارٌ﴾: ذلت شدید و خواری.

125- ﴿حَرَجٗا﴾: در نهایت تنگی.

125- ﴿يَصَّعَّدُ فِي ٱلسَّمَآءِ﴾: میل دارد به آسمان بالا رود اما نمی‌تواند.

125- ﴿ٱلرِّجۡسَ﴾: عذاب یا خواری.

128- ﴿ٱسۡتَكۡثَرۡتُم مِّنَ ٱلۡإِنسِ﴾: بسیاری از انسان‌ها را گمراه کرده‌اید.

128- ﴿ٱلنَّارُ مَثۡوَىٰكُمۡ﴾: دوزخ جای شماست.

130- ﴿غَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ﴾: زندگی دنیا با همه بیهودگی‌هایش آنها را فریفته بود.

134- ﴿بِمُعۡجِزِين﴾: از عذاب خدا نمی‌توانید فرار کنید.

135- ﴿مَكَانَتِكُمۡ﴾: نهایت توان و استطاعت خود.

136- ﴿ذَرَأ﴾: آفریده است. ﴿ٱلۡحَرۡثِ﴾: زراعت.

136- ﴿ٱلۡأَنۡعَٰمِ﴾: شتر، گاو،گوسفند و بز.

137- ﴿قَتۡلَ أَوۡلَٰدِهِمۡ﴾: زنده به گور کردن دخترانشان را.

137- ﴿لِيُرۡدُوهُمۡ﴾: تا آنها را تباه نمایند، با گمراه ساختن.

137- ﴿لِيَلۡبِسُواْ عَلَيۡهِمۡ﴾: تا بر آنها مشتبه سازند و با خرافات در آمیزند.

137- ﴿يَفۡتَرُونَ﴾: به دروغ می‌بافند.

138- ﴿حَرۡثٌ﴾: زراعت.

138- ﴿حِجۡرٞ﴾: حرام و ممنوع است.

138- ﴿حُرِّمَتۡ ظُهُورُهَا﴾: حیواناتی هستند که بار نهادن و سوار شدن بر آنها حرام است.

139- ﴿وَصۡفَهُمۡ﴾: دروغ‌بافی آنها را نسبت به خدا.

141- ﴿مَّعۡرُوشَٰتٖ﴾: داربست‌دار مثل تاک انگور و مانند آن.

141- ﴿غَيۡرَ مَعۡرُوشَٰتٖ﴾: درختان راست که ضرورت به داربست ‌ندارند مانند درخت خرما.

141- ﴿مُخۡتَلِفًا أُكُلُهُۥ﴾: میوه‌های آن در صورت و کیفیت مختلفند.

142- ﴿حَمُولَةٗ﴾: بار برنده مثل شتر.

142- ﴿فَرۡشٗاۚ﴾: حیوانی‌که برای ذبح بر زمین افکنند.

142- ﴿خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِ﴾: راه‌های شيطان، حلال را حرام شمردان و بالعكس.

144- ﴿وَصَّىٰكُمُ ٱللَّهُ بِهَٰذَا﴾: خدا شما را به این تحریم دستور داد.

145- ﴿طَاعِمٖ يَطۡعَمُهُۥٓ﴾: خورنده هر کس باشد.

145- ﴿مَّسۡفُوحًا﴾: جاری، ریخته.

145- ﴿رِجۡسٌ﴾: پلید یا نجس و حرام.

145- ﴿أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِ﴾: هنگام ذبح آن نام غیر خدا ذکر شود.

145- ﴿ٱضۡطُرَّ﴾: نیازمندی مجبورش ساخته تا چیزهای حرام را بخورد.

145- ﴿غَيۡرَ بَاغٖ﴾: برای کسب لذت این محرمات را نخواهد یا همواره این حالت را اختیار نکند.

145- ﴿لَا عَادٖ﴾: از مقدار سدرمق تجاوز نکند.

146- ﴿ذِي ظُفُرٖ﴾: حیوان پنجه دار، چهارپا باشد یا پرنده.

146- ﴿شُحُومَهُمَآ﴾: چربی شکمبه و گرده‌ها را.

146-﴿مَا حَمَلَتۡ ظُهُورُهُمَآ﴾: چربی پشت این‌ها حلال است.

146- ﴿ٱلۡحَوَايَآ﴾: چربی روده‌ها.

146- ﴿مَا ٱخۡتَلَطَ بِعَظۡمٖ﴾: دنبه گوسفند حلال است.

147- ﴿لَا يُرَدُّ بَأۡسُهُۥ﴾: عذاب او تعالی دفع نمی‌شود.

148- ﴿تَخۡرُصُونَ﴾: سخنان دروغ را به خدا نسبت می‌دهید.

149- ﴿ٱلۡحُجَّةُ ٱلۡبَٰلِغَةُ﴾: دلیل رسا با فرستادن پیامبران و کتابهای آسمانی.

150- ﴿هَلُمَّ شُهَدَآءَكُمُ﴾: شاهدهای خود را بیاورید، مدارک‌تان را بدهید.

150- ﴿بِرَبِّهِمۡ يَعۡدِلُونَ﴾: دیگری را در طاعات و عبادات به خدا برابر می‌کنند.

151- ﴿أَتۡل...﴾: قراﺋت می‌کنم...

151- ﴿إِمۡلَٰقٖ﴾: فقر.

151- ﴿ٱلۡفَوَٰحِشَ﴾: گناهان کبیره مانند زنا و امثال آن.

151- ﴿وَصَّىٰكُم بِهِۦ﴾: خدا آن ر ا به شما دستور داده و واجب گردانیده است.

152- ﴿يَبۡلُغَ أَشُدَّهُ﴾: به کمال قوت و رشد خود برسد.

152- ﴿بِٱلۡقِسۡطِ﴾: به عدالت بدون زیادت و نقصان.

152- ﴿وُسۡعَهَا﴾: به اندازه توانش.

153- ﴿صِرَٰطِي مُسۡتَقِيمٗا﴾: هیچ کجی در دین و راه من نیست.

157- ﴿صَدَفَ عَنۡهَا﴾: از آن اعراض کند یا مردم را از آن روگردان سازد.

158- ﴿يَأۡتِيَ رَبُّكَ﴾: پروردگارت بیاید، آمدنی‌که سزاوار جلالت اوست.

159- ﴿كَانُواْ شِيَعٗا﴾: از گمراهی گروه‌ گروه و حزب حزب شدند.

161- ﴿دِينٗا قِيَمٗا﴾: دین ثابت، برپادارنده امور دنیا و آخرت.

161- ﴿حَنِيفٗا﴾: از باطل رو گردان و مایل به حق.

162- ﴿نُسُكِي﴾: همه عباداتم.

164- ﴿إِلَّا عَلَيۡهَا﴾: مگر این‌که عذاب آن گناه بر دوش خود اوست.

164- ﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٞ...﴾: هیچ گناه‌کاری بر نمی‌دارد...

165- ﴿خَلَٰٓئِفَ ٱلۡأَرۡضِ﴾: برخی از شما در روی زمین جانشین دیگری می‌شود.

165- ﴿لِّيَبۡلُوَكُمۡ﴾: تا شما را بیازماید در حالی‌كه از تمام امور شما آگاه است.

سورۀ اعراف

2- ﴿حَرَجٞ مِّنۡهُ﴾: از بیم انکار و تکذیب مردم از تلبغ قرآن دلتنگ نباش.

4- ﴿كَم مِّن قَرۡيَةٍ﴾: چه بسا قریه‌ها که نابودشان کردیم.

4- ﴿بَأۡسُنَا﴾: عذاب ما.

4- ﴿بَيَٰتًا﴾: مصروف کارهای شبانه بودند و یا شب هنگام که در خواب بودند.

4- ﴿هُمۡ قَآئِلُون﴾: آنها در نیمروز استراحت بودند، خواب قیلوله.

5- ﴿دَعۡوَىٰهُم﴾: دعا و زاری ایشان.

8- ﴿ثَقُلَتۡ مَوَٰزِينُهُۥ﴾: کارهای نیکش بر بدیهایش رجحان یافت.

9- ﴿خَفَّتۡ مَوَٰزِينُهُۥ﴾: کردار بدش از خوبی‌هایش افزون باشد.

10- ﴿مَكَّنَّٰكُمۡ﴾: شما را مستقر ساختیم.

12- ﴿مَا مَنَعَكَ﴾: چه چيز ناگزيرت ساخت يا كه وادارت كرد و از تو خواست.

13- ﴿ٱلصَّٰغِرِينَ﴾: پستها ذلت پذیرها.

14- ﴿أَنظِرۡنِيٓ﴾: مرا مهلت بده، زنده نگهدار.

15- ﴿ٱلۡمُنظَرِينَ﴾: تا نفخه اول مهلتم بده.

16- ﴿فَبِمَآ أَغۡوَيۡتَنِي﴾: به سبب آن که مرا گمراه کردی.

16- ﴿لَأَقۡعُدَنَّ لَهُمۡ﴾: سر راه آنها به کمین ‌می‌نشینم.

18- ﴿مَذۡءُومٗا﴾: خوار و حقیر.

18- ﴿مَّدۡحُورٗا﴾: مطرود.

20- ﴿فَوَسۡوَسَ لَهُمَا﴾: آدم و حوا را وسوسه کرد.

20- ﴿وُۥرِيَ عَنۡهُمَا﴾: از دید آنها نهان بود.

20- ﴿سَوۡءَٰتِهِمَا﴾: عورت آنها.

21- ﴿قَاسَمَهُمَا﴾: برای آنان سوگند یادکرد.

22- ﴿فَدَلَّىٰهُمَا بِغُرُورٖ﴾: و آنها را به فریب از مقام طاعت پایین آورد.

22- ﴿طَفِقَا يَخۡصِفَانِ﴾: شروع کردند که بچسباندند.

26- ﴿أَنزَلۡنَا عَلَيۡكُمۡ﴾: به شما بخشیدیم.

26- ﴿يُوَٰرِي سَوۡءَٰتِكُمۡ﴾: عورت شما را می‌پوشاند.

26- ﴿رِيشٗا﴾: لباس زیبا یا نرم.

26- ﴿لِبَاسُ ٱلتَّقۡوَىٰ﴾: لباس پزهیزگاری، ایمان و ثمرات آن.

27- ﴿لَا يَفۡتِنَنَّكُمُ﴾: شما را فریب ندهد.

27- ﴿يَنزِعُ عَنۡهُمَا﴾: از آنها دور می‌کرد، با نیرنگ می‌ربود.

27- ﴿قَبِيلُهُ﴾: سپاه یا فرزندانش.

28- ﴿فَعَلُواْ فَٰحِشَةٗ﴾: کافران کار‌های نهایت زشت انجام ب‌دهند.

29- ﴿بِٱلۡقِسۡطِ﴾: به عدالت.

29- ﴿وَأَقِيمُواْ وُجُوهَكُمۡ﴾: درست متوجه عبادت او تعالی باشید.

29- ﴿عِندَ كُلِّ مَسۡجِد﴾: در هر جای و هر وقتی‌که نماز می‌خواندید.

31- ﴿خُذُواْ زِينَتَكُمۡ﴾: لباس‌های خود را برای ستر عورت بپوشید.

33- ﴿ٱلۡفَوَٰحِش﴾: گناهان کبیره را بخاطر زشتی آنها.

33- ﴿ٱلۡإِثۡم﴾: همه گناهانی که موجب عذاب الهی هستند.

33- ﴿ٱلۡبَغۡيَ﴾: ظلم و تجاوز بر مردم را.

33- ﴿سُلۡطَٰنٗا﴾: دلیل روشن.

37- ﴿أَيۡنَ مَا كُنتُم﴾: کجا هستند خدایانی‌که شما بودید.

38- ﴿ٱدَّارَكُواْ فِيهَا﴾: یکی پس از دیگری در جهنم جمع شوند.

38- ﴿أُخۡرَىٰهُم﴾: پیروان و فرومایگان آنها.

38- ﴿لِأُولَىٰهُمۡ﴾: برای رهبران و رؤسایشان.

38- ﴿عَذَابٗا ضِعۡفٗا﴾: عذاب دو چندان.

40- ﴿يَلِجَ ٱلۡجَمَلُ﴾: شتر داخل شود.

40- ﴿سَمِّ ٱلۡخِيَاطِ﴾: در سوراخ سوزن.

41- ﴿مِهَاد﴾: فرش یعنی جایگاه.

41- ﴿غَوَاشٖ﴾: پوشش، مانند لحاف.

42- ﴿وُسۡعَهَا﴾: به اندازه توانش.

43- ﴿غِلّٖ﴾: حقد، کینه و عداوت.

44- ﴿فَأَذَّنَ مُؤَذِّنُۢ﴾: پس منادیی ندا کند.

45- ﴿يَبۡغُونَهَا عِوَجٗا﴾: در دین خدا عیب می‌جستند یا می‌خواستند دارای کجی باشد.

46- ﴿بَيۡنَهُمَا حِجَابٞ﴾: میان بهشت و دوزخ، دیواری است.

46- ﴿ٱلۡأَعۡرَافِ﴾: بلندترین نقطه این دیوار و کنگره‌های آن.

46- ﴿بِسِيمَىٰهُمۡ﴾: از علامت ممیزه چهره‌‌شان.

50- ﴿أَفِيضُواْ عَلَيۡنَا﴾: برای ما بریزید یا افکنید.

51- ﴿غَرَّتۡهُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا﴾: دنیا با زیبای‌ها و تجملاتش آنها را فریفت.

51- ﴿نَنسَىٰهُم﴾: ایشان را در عذاب مانند از یاد رفتگان می‌گذاریم.

51- ﴿مَا كَانُواْ﴾: همان‌گونه که بودند.

53- ﴿تَأۡوِيلَهُ﴾: عاقبت و سرانجام وعده‌های قرآن را از قبیل زنده کردن مرده‌ها، حساب و روز قیامت.

53- ﴿يَفۡتَرُونَ﴾: دروغ بافته بودند که بتها آنها را شفاعت می‌کند.

54- ﴿ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِ﴾: استوای‌که لایق جلالت او تعالی است.(**[[1]](#footnote-1)**)

54- ﴿يُغۡشِي ٱلَّيۡلَ ٱلنَّهَارَ﴾: روز را با پرده شب می‌پوشاند، روشنی او پایان می‌یابد.

54- ﴿يَطۡلُبُهُۥ حَثِيثٗا﴾: شب به سرعت به دنبال روز می‌آید.

54- ﴿لَهُ ٱلۡخَلۡقُ﴾: ایجاد همه اشیاء به قدرت اوست.

54- ﴿ٱلۡأَمۡرُ﴾: تدبیر و تصرف در امور، هر گونه که بخواهد.

54- ﴿تَبَارَكَ ٱللَّهُ﴾: خدا بزرگ است یا خیرش فزون است.

55- ﴿ٱدۡعُواْ رَبَّكُمۡ﴾: نیازمندی‌های خود را از خدا بخواهید.

55- ﴿تَضَرُّعٗا﴾: به زاری و فروتنی.

55- ﴿خُفۡيَةً﴾: نهانی در دل خود.

56- ﴿رَحۡمَتَ ٱللَّهِ﴾: احسان و انعام یا اجز و پاداش او جل‌جلالُه.

57- ﴿بُشۡرَۢا﴾: بشارت دهندگان به رحمت الهی، باران.

57- ﴿أَقَلَّتۡ سَحَابٗا﴾: باد ابرها را بلند کند.

57- ﴿ثِقَالٗا﴾: سنگین و پر آب.

57- ﴿لِبَلَدٖ مَّيِّتٖ﴾: به سوی زمین خشک بی‌آب و گیاه.

58- ﴿نَكِدٗا﴾: ناپسند یا اندک و بی‌خیر.

58- ﴿نُصَرِّفُ ٱلۡأٓيَٰتِ﴾: آیات را به شیوه‌های مختلف بیان می‌کنیم.

60- ﴿قَالَ ٱلۡمَلَأُ﴾: رؤساء و بزرگان گفتند.

62- ﴿أَنصَحُ لَكُمۡ﴾: من به گفتار و رفتار خود تنها خیر و صلاح شما را می‌خواهم.

64- ﴿قَوۡمًا عَمِينَ﴾: گروهی کوردل از دریافت حق و ایمان.

66- ﴿سَفَاهَة﴾: کم عقل و دور از حق.

69- ﴿بَصۜۡطَةٗ﴾: توانایی و جسامت.

69- ﴿ءَالَآءَ ٱللَّهِ﴾: نعمتها و احسان و بی‌حد او تعالی را.

71- ﴿رِجۡسٞ﴾: عذاب یا چرک در دلها.

71- ﴿غَضَبٌ﴾: طرد یا خشم.

72- ﴿قَطَعۡنَا دَابِرَ﴾: تا فرد اخیر هلاک کردیم، مراد‌ هلاکت دسته جمعی است.

73- ﴿نَاقَةُ ٱللَّهِ﴾: شتری‌که خدا او را از سنگ آفریده نه از پدر و مادر.

73- ﴿ءَايَةٗ﴾: معجزه ‌‌که دلیل صدق گفتار من است.

74- ﴿بَوَّأَكُمۡ﴾: به شما جای داد.

74- ﴿فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾: در سرزمین حجر بین حجاز و شام.

74- ﴿ءَالَآءَ ٱللَّهِ﴾: نعمت‌ها و احسان او تعالی را.

74- ﴿لَا تَعۡثَوۡاْ﴾: فساد نکنید.

77- ﴿عَتَوۡاْ﴾: سرکشی کردند.

78- ﴿ٱلرَّجۡفَةُ﴾: زلزله شدید یا آوازتند.

78- ﴿جَٰثِمِينَ﴾: بی‌حرکت و بی‌جان.

82- ﴿يَتَطَهَّرُونَ﴾: از کارهای ما دوری می‌جویند.

83- ﴿ٱلۡغَٰبِرِينَ﴾: مانند همتایان خویش در عذاب باقی‌ماند.

85- ﴿لَا تَبۡخَسُواْ﴾: کم نکنید.

86- ﴿صِرَٰط﴾: راه.

86- ﴿تَبۡغُونَهَا عِوَجٗا﴾: می‌خواهید این راه از حق منحرف باشد.

89- ﴿رَبَّنَا ٱفۡتَحۡ﴾: خدایا حکم و داوری کن.

91- ﴿ٱلرَّجۡفَةُ﴾: زلزله شديد يا آواز هول‌انگيز.

91- ﴿جَٰثِمِينَ﴾: بی‌حرکت و بی‌جان.

92- ﴿لَّمۡ يَغۡنَوۡاْ فِيهَا﴾: در خانه‌های ‌پر از ناز و نعمت خود اقامت نداشته‌اند.

93- ﴿ءَاسَىٰ﴾: اندوهگین شوم.

94- ﴿بِٱلۡبَأۡسَآءِ وَٱلضَّرَّآءِ﴾: فقر، بیماری، سختی و بلا.

94- ﴿يَضَّرَّعُونَ﴾: فروتنی و توبه کنند.

95- ﴿عَفَواْ﴾: افراد و اموال آنها زیاد شد.

95- ﴿بَغۡتَةٗ﴾: ناگهان.

96- ﴿لَفَتَحۡنَا عَلَيۡهِم﴾: بر ایشان میسر می‌ساختیم.

97- ﴿يَأۡتِيَهُم بَأۡسُنَا﴾: عذاب ما به آنها برسد.

97- ﴿بَيَٰتٗا﴾: به شب.

99- ﴿مَكۡرَ ٱللَّهِ﴾: عذاب یا استدراج الهی.

100﴿أَوَ لَمۡ يَهۡدِ لِلَّذِينَ﴾: آیا خدا آشکار نساخت برای آنانی‌که.

100﴿أَن لَّوۡ نَشَآءُ أَصَبۡنَٰهُم﴾: اگر بخواهیم آنها را گرفتار می‌سازیم.

100- ﴿نَطۡبَعُ﴾: مهر می‌نهیم.

102- ﴿عَهۡدٖ﴾: وفا به آنچه دستورشان دادیم.

103- ﴿فَظَلَمُواْ بِهَا﴾: به آیات الهی کافر شدند.

105- ﴿حَقِيقٌ عَلَىٰٓ أَن...﴾: سزاوار است که...

107- ﴿مُّبِينٞ﴾: آشکار که نتوان در او شک کرد.

108- ﴿نَزَعَ يَدَهُ﴾: دست خود را از گریبان پیراهنش بیرون کرد.

108- ﴿بَيۡضَآءُ﴾: سفید، روشنتر از آفتاب.

109- ﴿ٱلۡمَلَأُ﴾: اهل مشورت و بزرگان.

111- ﴿أَرۡجِهۡ وَأَخَاهُ﴾: تعذیب و شکنجه این و برادرش را به تأخیر انداز.

111- ﴿حَٰشِرِينَ﴾: گروه جمع کننده ساحران.

116- ﴿سَحَرُوٓاْ أَعۡيُنَ ٱلنَّاسِ﴾: چیز‌های غیر واقعی و خیالی را به چشم مردم نشان دادند.

116- ﴿وَٱسۡتَرۡهَبُوهُمۡ﴾: مردم را به شدت ترساندند.

117- ﴿تَلۡقَف﴾: می‌بلعد یا به سرعت تناول می‌کند.

117- ﴿مَا يَأۡفِكُونَ﴾: چیزهای تخیلی آنها را.

‍118- ﴿فَوَقَعَ ٱلۡحَقُّ﴾: حقانیت کار موسی ÷ آشکار شد.

126- ﴿مَا تَنقِمُ مِنَّآ﴾: به ما عیب نمی‌گیری و ناپسند نمی‌دانی.

126- ﴿أَفۡرِغۡ عَلَيۡنَا﴾: بر ما بیفکن یا بفرست.

127- ﴿نَسۡتَحۡيِۦ نِسَآءَهُمۡ﴾: دختران ایشان را برای خدمت زنده می‌گذاریم.

130- ﴿بِٱلسِّنِينَ﴾: به خشکسالی و قحطی.

‍131- ﴿يَطَّيَّرُواْ﴾: فال بد می‌گرفتند.

131- ﴿طَٰٓئِرُهُمۡ عِندَ ٱللَّهِ﴾: شومی آنها و عذابی‌که در آخرت به آنها وعده شده نزد خداست.

133- ﴿ٱلطُّوفَانَ﴾: سیل، یا مرگ.

133- ﴿ٱلۡقُمَّلَ﴾: ملخ یا کنه یا شپش معروف.

134- ﴿ٱلرِّجۡزُ﴾: عذاب با این معجزاتی‌که ذکر شد.

135- ﴿يَنكُثُونَ﴾: عهد خود را می‌شکستند.

137- ﴿دَمَّرۡنَا﴾: نابود و ویران کردیم.

137- ﴿يَعۡرِشُونَ﴾: می‌افراشتند از قبیل باغ‌ها یا کاخ‌های بلند.

‍139- ﴿مُتَبَّرٞ﴾: هلاک و نابودند.

140- ﴿أَبۡغِيكُمۡ إِلَٰهٗا﴾: برای شما خدایی جستجو کنم.

141- ﴿يَسُومُونَكُمۡ﴾: به شما می‌چشانیدند یا شما را به کارهای دشوار می‌گماشتند.

141- ﴿يَسۡتَحۡيُونَ نِسَآءَكُمۡ﴾: دختران شما را برای خدمتگاری زنده می‌گذاشتند.

141- ﴿بَلَآءٞ﴾: آزمونی بود به آمدن نعمت‌ها و دردها.

143- ﴿تَجَلَّىٰ رَبُّهُۥ لِلۡجَبَلِ﴾: اندکی از نور او تعالی بر کوه آشکار شد. ﴿دَكّٗا﴾: ریزه ریزه و با خاک یکسان. ﴿صَعِقٗا﴾: بیهوش. ﴿سُبۡحَٰنَكَ﴾: تو از مشابهت با موجودات منزّهی.

‍145- ﴿ٱلۡأَلۡوَاحِ﴾: الواح تورات.

146- ﴿سَبِيلَ ٱلرُّشۡدِ﴾: راه راست و درست.

146- ﴿سَبِيلَ ٱلۡغَيِّ﴾: راه گمراهی و فساد.

147- ﴿حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ﴾: به خدا ایمان نیاوردند اعمالشان باطل شد.

148- ﴿عِجۡلٗا جَسَدٗا﴾: پیکر گوساله‌ای از طلای سرخ.

148- ﴿لَّهُۥ خُوَارٌ﴾: آوازی مانند آواز گاو داشت.

148- ﴿ٱتَّخَذُوهُ﴾: آن گوساله را خدا گرفتند و از گمراهی عبادتش کردند.

‍149- ﴿سُقِطَ فِيٓ أَيۡدِيهِمۡ﴾: شدیداً پشیمان شدند.

150- ﴿أَسِفٗا﴾: شدیدﴽ خشمگین یا حزین.

150- ﴿أَعَجِلۡتُمۡ﴾: آیا به پرستش گوساله شتاب کردید یا ترک نمودید.

150- ﴿فَلَا تُشۡمِتۡ﴾: با رفتار ناپسندت با من ‌آنها را شاد نکن.

154- ﴿سَكَتَ﴾: خاموش شد.

155- ﴿أَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ﴾: دچار زلزله شدید یا صاعقه شدند.

155- ﴿فِتۡنَتُكَ﴾: محنت و ابتلای تو.

‍156- ﴿هُدۡنَآ إِلَيۡكَ﴾: توبه کردیم و به سوی تو بازگشتیم.

157- ﴿إِصۡرَهُمۡ﴾: بار گران آنها، عهد و پیمان آنها را که در تورات عمل می‌کنند.

157- ﴿ٱلۡأَغۡلَٰلَ﴾: تکالیف شاقه‌ای‌که به تورات آمده است.

157- ﴿عَزَّرُوهُ﴾: او را محترم و بزرگ شمردند.

159- ﴿بِهِۦ يَعۡدِلُونَ﴾: در خصومت‌های بین خود به حق و عدالت قضاوت می‌کنند.

160- ﴿قَطَّعۡنَٰهُمُ﴾: آنها را پراکنده کردیم.

160- ﴿أَسۡبَاطًا﴾: دسته‌ها، مثل قبایل عرب.

160- ﴿فَٱنۢبَجَسَتۡ﴾: پس روان شد.

160- ﴿مَّشۡرَبَهُمۡ﴾: چشمه مختص به خود را.

160- ﴿ٱلۡغَمَٰم﴾: ابر سفید نازک.

160- ﴿ٱلۡمَنَّ﴾: ماده صمغی شیرین مثل عسل.

160- ﴿وَٱلسَّلۡوَىٰ﴾: پرنده معروف به سمانی.

‍161- ﴿قُولُواْ حِطَّةٞ﴾: بگویید: می‌خواهیم گناهان ما آمرزیده شود.

162- ﴿رِجۡزٗا﴾: عذابی، طاعون.

163- ﴿حَاضِرَةَ ٱلۡبَحۡرِ﴾: نزدیک بحر.

163- ﴿يَعۡدُونَ فِي ٱلسَّبۡتِ﴾: با شکار ماهی‌که در روز شنبه حرام بود، از امر الهی تجاوز می‌کردند.

163- ﴿يَوۡمَ سَبۡتِهِم﴾: روز بزرگداشت آنها امور شنبه را.

163- ﴿شُرَّعٗا﴾: در روی آب بسیار آشکار می‌شدند.

163- ﴿لَا يَسۡبِتُونَ﴾: مراسم شنبه را رعایت نمی‌کردند.

163- ﴿نَبۡلُوهُم﴾: آنها را به شدت آزمودیم.

164- ﴿مَعۡذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمۡ﴾: آنها را پند و اندرز می‌کنیم تا به دربار خدا عذری داشته باشیم.

‍165- ﴿بِعَذَابِۢ بَ‍ِٔيسِۢ﴾: به عذابی سخت و دردناک.

166- ﴿عَتَوۡاْ﴾: نافرمانی کردند.

166- ﴿قِرَدَةً خَٰسِ‍ِٔينَ﴾: به شکل میمون‌های رسوا و مطرود.

167- ﴿تَأَذَّنَ رَبُّكَ﴾: خدایت اعلام یا عزم کرد.

167- ﴿يَسُومُهُم﴾: آنها را به کارهای دشوار می‌گماشت.

168- ﴿بَلَوۡنَٰهُم﴾: آنها را آزمودیم.

‍169- ﴿خَلۡفٞ﴾: جانشین بد.

169- ﴿عَرَضَ هَٰذَا ٱلۡأَدۡنَىٰ﴾: هرچه از مال ناپایدار دنیا به آنها عرضه شود.

169- ﴿دَرَسُواْ مَا فِيهِ﴾: آنچه در تورات است خواندند و دانستند.

171- ﴿نَتَقۡنَا ٱلۡجَبَلَ﴾: کوه را کندیم و برداشتیم.

171- ﴿كَأَنَّهُۥ ظُلَّةٞ﴾: گویی آن کوه ابر یا سقف سایه‌داری بود.

175- ﴿فَٱنسَلَخَ مِنۡهَا﴾: پس از آن آیه‌‌ها دور شد وکفر ورزید.

175- ﴿فَأَتۡبَعَهُ ٱلشَّيۡطَٰنُ﴾: شیطان به او پیوست و همدم او شد.

175- ﴿ٱلۡغَاوِين﴾: گمراهان تباه.

176- ﴿أَخۡلَدَ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ﴾: به دنیا متمایل شد و آن را برگزید.

176- ﴿تَحۡمِلۡ عَلَيۡهِ﴾: بر او هجوم ببری و دورش کنی.

176- ﴿يَلۡهَث﴾: زبانش را بیرون می‌آورد و به شدت تنفس می‌کند.

‍179- ﴿ذَرَأۡنَا﴾: آفریدیم.

180- ﴿يُلۡحِدُونَ﴾: به باطل متمایل می‌شوند.

181- ﴿بِهِۦ يَعۡدِلُونَ﴾: در خصومت‌های بین خود به حق و عدالت قضاوت می‌کنند.

182- ﴿سَنَسۡتَدۡرِجُهُم﴾: به آنها نعمت و فرصت می‌دهیم و یکباره نابودشان نمی‌کنیم.

‍183- ﴿أُمۡلِي لَهُمۡ﴾: در فرستادن عذاب به آنها مهلت می‌دهم.

183- ﴿كَيۡدِي مَتِينٌ﴾: مجازات من شدید و قوی است.

184- ﴿جِنَّةٍ﴾: دیوانه چنانچه می‌پندارند.

185- ﴿مَلَكُوت﴾: سلطنت عظیم.

186- ﴿طُغۡيَٰنِهِمۡ﴾: سرکشی و کفرشان.

‍187- ﴿أَيَّانَ مُرۡسَىٰهَا﴾: قیامت چه وقت برپا می‌شود؟

187- ﴿لَا يُجَلِّيهَا﴾: او را آشکار نمی‌کند.

187- ﴿ثَقُلَتۡ﴾: از جهت سختی و صلابت بسی سنگین و عظیم است.

187- ﴿حَفِيٌّ عَنۡهَا﴾: پژوهش کننده و عالم به آن.

189- ﴿تَغَشَّىٰهَا﴾: با او هم‌بستر شد.

189- ﴿فَمَرَّتۡ بِهِ﴾: حوا با آن حمل بدون زحمت رفت و آمد کرد.

189- ﴿أَثۡقَلَت﴾: حوا با بزرگ شدن حمل سنگین ‌بار شد.

189- ﴿صَٰلِحٗا﴾: نسلی خوش اندام یا فرزند سالم مثل خود ما.

190- ﴿جَعَلَا لَهُۥ شُرَكَآءَ﴾: به خدا شریک قرار دادند چون پسر خود را به وسوسه شیطان عبد الحارث نام گذاشتند، مراد شیطان از حارث، خودش بود.

190- ﴿عَمَّا يُشۡرِكُونَ﴾: از آنچه مشرکین عرب با پرستش بتها به او شریک قرار می‌دهند.

195- ﴿فَلَا تُنظِرُون﴾: مرا یک ساعت مهلت ندهید.

‍198- ﴿لَا يُبۡصِرُونَ﴾: نمی‌توانند ببینند که توانش را ندارند.

199- ﴿خُذِ ٱلۡعَفۡوَ﴾: از اخلاق مردم آنچه برآنها سهل و آسان است بپذیر.

199- ﴿وَأۡمُرۡ بِٱلۡعُرۡفِ﴾: به کاری دستور بده که در شرع پسندیده است.

200- ﴿يَنزَغَنَّكَ﴾: به تو رسد.

200- ﴿نَزۡغ﴾: وسوسه‌ای.

201- ﴿مَسَّهُمۡ طَٰٓئِفٞ﴾: وسوسه‌ای به ایشان رسد.

201- ﴿تَذَكَّرُواْ﴾: امر و نهی خدا و دشمنی شیطان را بیاد بیاورند.

‍202- ﴿يَمُدُّونَهُمۡ﴾: شیاطین با آنها در گمراهی کمک می‌کنند.

203- ﴿لَوۡلَا ٱجۡتَبَيۡتَهَا﴾: چرا آیات را خودت نساختی.

203- ﴿هَٰذَا بَصَآئِرُ﴾: قرآن حجت آشکار و برهان درخشان است.

205- ﴿تَضَرُّعٗا﴾: به ناله و زاری.

205- ﴿خِيفَة﴾: ترسان از عذاب الهی.

205- ﴿بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ﴾: اول و آخر روز.

206- ﴿لَهُۥ يَسۡجُدُونَۤ۩﴾: تنها او را سجده و عبادت می‌کنند، آیه سجده.

سورۀ اَنفَال

‍1- ﴿ٱلۡأَنفَالِ﴾: غنایم بدر.

1- ﴿لِلَّهِ وَٱلرَّسُولِ﴾: امر غنایم اختصاص به خدا و پیامبر دارد.

1- ﴿ذَاتَ بَيۡنِكُمۡ﴾: حالت‌‌های بین خود را که سبب وحدت شماست.

2- ﴿وَجِلَتۡ قُلُوبُهُمۡ﴾: دل‌هاشان از عظمت و هیبت نرم و هراسان شود.

2- ﴿يَتَوَكَّلُونَ﴾: اعتماد می‌کنند و خود را به خدا می‌سپارند.

7- ﴿ٱلطَّآئِفَتَيۡنِ﴾: کاروان تجارتی و سپاه قریش.

7- ﴿ذَاتِ ٱلشَّوۡكَةِ﴾: صاحب نیرو و سلاح، لشکر قریش.

7- ﴿دَابِرَ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾: آخرین فرد کافران را، همه آنها را.

9- ﴿مُرۡدِفِينَ﴾: پشت سر هم.

‍11- ﴿يُغَشِّيكُمُ ٱلنُّعَاسَ﴾: خواب سبک را پوششی برای شما قرار داد.

11- ﴿أَمَنَةٗ مِّنۡهُ﴾: برای آرامش و تقویه روحی شما از سوی پروردگار.

11- ﴿رِجۡزَ ٱلشَّيۡطَٰنِ﴾: وسوسه شیطان را که شما را از تشنگی می‌ترسانید.

11- ﴿لِيَرۡبِطَ﴾: تا به یقین و شکیبایی قوی ‌گرداند.

12- ﴿أَنِّي مَعَكُمۡ﴾: بر استوار ساختن مسلمانان من به کمک شما هستم.

12- ﴿ٱلرُّعۡبَ﴾: ترس و پریشانی.

12- ﴿كُلَّ بَنَانٖ﴾: دستها، پاها و سرها یا کل مفاصل.

13- ﴿شَآقُّواْ﴾: مخالفت و سرپیچی کردند.

15- ﴿زَحۡفٗا﴾: سپاهی‌که آرام آرام به جنگ شما می‌آید.

‍16- ﴿مُتَحَرِّفٗا﴾: برای فریب دشمن تظاهر به فرار می‌کند و دو باره یورش می‌آورد.

16- ﴿مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٖ﴾: به گروه دیگر پیوندد تا یکجا با آنها به پیکار دشمن بپردازد.

16- ﴿بَآءَ بِغَضَبٖ﴾: باز هم گرفتار غضب خدا گردد که مستحق آن است.

17- ﴿لِيُبۡلِيَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾: تا برای مسلمانان پیروزی و پاداش عطا کند.

18- ﴿مُوهِنُ﴾: ضعیف کننده است.

19- ﴿تَسۡتَفۡتِحُواْ﴾: برای هر کدام از این دو گروه که به راه راست روان است، پیروزی می‌خواستید.

24- ﴿يُحۡيِيكُمۡ﴾: برای شما حیات ابدی و نعمت جاودان می‌آورد.

26- ﴿يَتَخَطَّفَكُمُ ٱلنَّاسُ﴾: مردم شما را به سرعت بربایند و ریشه‌‌کن سازند.

28- ﴿فِتۡنَةٞ﴾: ابتلا و گرفتاری یا سبب دچاری به گناه و عذاب است.

29- ﴿فُرۡقَانٗا﴾: هدایت و نور یا نجات.

‍30- ﴿لِيُثۡبِتُوكَ﴾: تا تو را حبس نمایند و به قید و زنجیرت کشند.

30- ﴿يَمۡكُرُ ٱللَّهُ﴾: خدا مکر آنها را باطل می‌کرد.

31- ﴿أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: دروغ‌های‌که در کتاب‌هاشان نوشته است.

35- ﴿مُكَآءٗ وَتَصۡدِيَةٗ﴾: کف زدن و سوت کشیدن.

36- ﴿حَسۡرَةٗ﴾: ندامت و تأسف.

37- ﴿فَيَرۡكُمَهُۥ جَمِيعٗا﴾: وکافران را روی یکدیگر جمع کند.

38- ﴿سُنَّتُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: سنت الهی در مورد آنهای که پیامبران را تکذیب کردند.

39- ﴿فِتۡنَةٞ﴾: شرک، بدبختی و دشواری.

‍41- ﴿لِلَّهِ خُمُسَهُ﴾: پنج یک غنمیت برای خداست و چهار بخش باقی‌مانده سهم سپاهیانی است که غنایم را بدست آورده‌اند.

41- ﴿يَوۡمَ ٱلۡفُرۡقَانِ﴾: روزی‌که حق از باطل جدا شد، روز بدر.

42- ﴿بِٱلۡعُدۡوَةِ ٱلدُّنۡيَا﴾: به کناره وادی نزدیک مدینه.

42- ﴿ٱلرَّكۡبُ﴾: کاروان تجارتی قریش.

43- ﴿لَّفَشِلۡتُمۡ﴾: بزدل می‌شدید و از جنگ می‌ترسیدید.

46- ﴿تَذۡهَبَ رِيحُكُمۡ﴾: قوت یا نعمت شما از هم بپاشد.

47 - ﴿بَطَرٗا﴾: از سرکشی یا فخر و تکبر.

48- ﴿إِنِّي جَارٞ لَّكُمۡ﴾: من پناه دهنده، معین و ناصر شما هستم.

48- ﴿نَكَصَ عَلَىٰ عَقِبَيۡهِ﴾: شیطان به عقب گریخت.

52- ﴿كَدَأۡب...﴾: مانند عادت...

57- ﴿تَثۡقَفَنَّهُمۡ﴾: با آنها روبرو شوی و مغلوب‌شان سازی.

57- ﴿فَشَرِّدۡ بِهِم﴾: آنها را پراکنده بساز و به شدت بترسان.

58- ﴿مِن قَوۡمٍ﴾: از گروهی‌که با تو پیمان بسته‌اند.

58- ﴿فَٱنۢبِذۡ إِلَيۡهِمۡ﴾: عهدشان را به سوی آنها بینداز و با آنها بجنگ.

58- ﴿عَلَىٰ سَوَآءٍ﴾: همه یکسان از الغای پیمان آگاه باشید.

‍59- ﴿سَبَقُوٓاْ﴾: از عذاب الهی رهایی یافتند.

60- ﴿قُوَّةٖ﴾: هر چه سبب نیرومندی و توانایی در جنگ است.

60- ﴿رِّبَاطِ ٱلۡخَيۡلِ﴾: نگهداری اسب بخاطر جهاد در راه خدا.

61- ﴿إِن جَنَحُواْ لِلسَّلۡمِ﴾: اگر به مصالحه و مسالمت متمایل شوند.

62- ﴿حَسۡبَكَ ٱللَّهُ﴾: در دفع فریب آنها خدا تو را کفایت می‌کند.

65- ﴿حَرِّضِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾: به ترغیب مسلمانها بکوش.

67- ﴿يُثۡخِن﴾: به کشتار بکوشد تا کفر ضعیف شود.

67- ﴿عَرَضَ ٱلدُّنۡيَا﴾: مال دنیا را، به سبب گرفتن فدیه.

71- ﴿فَأَمۡكَنَ مِنۡهُمۡ﴾: و تو را روز بدر بر آنها مسلط کرد.

‍75- ﴿وَأُوْلُواْ ٱلۡأَرۡحَامِ﴾: خویشاوندان.

75- ﴿أَوۡلَىٰ﴾: به میراث از بیگانگان سزاوارتر هستند.

سورۀ تَوبَه

1- ﴿بَرَآءَةٞ مِّنَ ٱللَّهِ...﴾: این آیات [اعلام] دوری و بیزاری است که از جانب پروردگار رسیده...

1- ﴿عَٰهَدتُّم﴾: با آنها عهد و پیمان بستید و آنها پیمان را زیر پا گذاشتند.

2- ﴿أَرۡبَعَةَ أَشۡهُرٖ﴾: چهار ماه، از روز دهم ذی الحجه آغاز می‌شود.

2- ﴿غَيۡرُ مُعۡجِزِي ٱللَّهِ﴾: از عذاب خدا نمی‌توانید فرار کنید.

3- ﴿أَذَٰنٞ﴾: اعلام است.

3- ﴿يَوۡمَ ٱلۡحَجِّ ٱلۡأَكۡبَرِ﴾: روز اول عید قربان سال نهم هجرت.

3- ﴿رَسُولُهُ﴾: رسول خدا نیز از مشرکین بیزار است.

4- ﴿لَمۡ يَنقُصُوكُمۡ﴾: به عهد و پیمان با شما کوتاهی نکردند بلکه به آن وفا نمودن.

4- ﴿لَمۡ يُظَٰهِرُواْ﴾: کمک نکردند.

5- ﴿ٱنسَلَخَ ٱلۡأَشۡهُرُ﴾: پیمان چهار ماهه پایان یابد.

5- ﴿ٱحۡصُرُوهُمۡ﴾: آنها را حبس نمایید یا در تنگنا قرار دهید و از رفت و آمد و کسب وکار در شهرها ممانعت نمایید.

5- ﴿كُلَّ مَرۡصَدٖ﴾: تمام راه‌ها و گذرگاه‌ها و دیده بانی‌ها.

6- ﴿ٱسۡتَجَارَكَ﴾: در پایان مدت پیمان از تو حمایت خواست.

‍7- ﴿فَمَا ٱسۡتَقَٰمُواْ لَكُمۡ﴾: پس تا وقتی‌که بر پیمان با شما پایدار باشند.

8- ﴿يَظۡهَرُواْ عَلَيۡكُمۡ﴾: بر شما غالب شوند.

8- ﴿لَا يَرۡقُبُواْ﴾: مراعات نمی‌کنند.

8- ﴿إِلّٗا﴾: خویشاوندی و قرابت یا تعهد و پیمان را.

8- ﴿ذِمَّةٗ﴾: عهد را.

12- ﴿نَّكَثُوٓاْ أَيۡمَٰنَهُم﴾: پیمان‌های مؤکد به سوگند خود را بشکنند.

15- ﴿غَيۡظَ قُلُوبِهِمۡ﴾: خشم و اندوه‌ شدید دل‌های آنها را.

16- ﴿وَلِيجَةٗ﴾: دوست پنهانی، رازدار و رفیق.

17- ﴿حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُمۡ﴾: ثواب اعمال آنها بخاطر کفرشان باطل شده است.

19- ﴿سِقَايَةَ ٱلۡحَآجِّ﴾: آب رساندن به حاجیان را.

23- ﴿ٱسۡتَحَبُّواْ ٱلۡكُفۡرَ﴾: بی‌دینی اختیار کنند و در آن پایدار بمانند.

24- ﴿ٱقۡتَرَفۡتُمُوهَا﴾: آن را بدست آورده‌اید.

24- ﴿كَسَادَهَا﴾: از رواج افتادن آن به گذشت ایام حج.

24- ﴿فَتَرَبَّصُواْ﴾: پس در انتظار باشید.

25- ﴿بِمَا رَحُبَت﴾: با همه فراخی و وسعت آن.

26- ﴿سَكِينَتَهُ﴾: آرامش یا رحمت خود را.

28- ﴿ٱلۡمُشۡرِكُونَ نَجَسٞ﴾: مشرکان بخاطر فساد عقیده خبیث و پلیدند.

28- ﴿خِفۡتُمۡ عَيۡلَةٗ﴾: از فقر و فاقه ترسیدید به سبب قطع تجارت مشرکان از مسجد حرام.

29- ﴿يُعۡطُواْ ٱلۡجِزۡيَةَ﴾: خراجی را که بر آنها معین شده است بدهند.

29- ﴿عَن يَدٖ﴾: از فرمانبرداری یا از قوت و تسلط شما.

29- ﴿هُمۡ صَٰغِرُونَ﴾: آنها فرمانبردار حکم اسلام باشند.

30- ﴿يُضَٰهِ‍ُٔون﴾: خود را در کفر و شناعت مشابه می‌سازند.

30- ﴿أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ﴾: بعد از درخشش حق چگونه از آن دور می‌شوند؟

31- ﴿أَحۡبَارَهُمۡ﴾: دانشمندان خود را.

31- ﴿رُهۡبَٰنَهُمۡ﴾: پارسایان خود را.

31- ﴿أَرۡبَابٗا﴾: از آنها مانند پروردگار اطاعت کردند.

‍33- ﴿لِيُظۡهِرَهُ﴾: تا او را غالب کند.

36- ﴿أَرۡبَعَةٌ حُرُمٞ﴾: چهار ماه حرام، رجب، ذی القعده، ذی الحجة و محرم.

36- ﴿ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ﴾: دین مستقیم، دین ابراهیم ÷.

37- ﴿ٱلنَّسِيٓءُ﴾: تأخیر حرمت ماهی به ماه دیگر. ﴿لِّيُوَاطِ‍ُٔواْ ﴾: تا موافق سازند.

38- ﴿ٱنفِرُواْ﴾: به میدان جنگ بروید، غزوۀ تبوک.

38- ﴿ٱثَّاقَلۡتُمۡ﴾: سستی می‌کنید و مایل می‌شوید.

40- ﴿فِي ٱلۡغَارِ﴾: در غار کوه ثور نزدیک مکه.

40- ﴿لِصَٰحِبِهِ﴾: به یار خود، ابوبکر صدیق.

41- ﴿خِفَافٗا وَثِقَالٗا﴾: بر هر حالتی‌که باشید.

42- ﴿عَرَضٗا قَرِيبٗا﴾: غنیمتی‌که به آسانی بدست می‌آمد.

42- ﴿سَفَرٗا قَاصِدٗا﴾: سفر متوسط نه بسیار دور و نه بسیار نزدیک.

42- ﴿ٱلشُّقَّةُ﴾: مسافتی‌که به مشقت و زحمت طی شود.

‍46- ﴿ٱنۢبِعَاثَهُمۡ﴾: حرکت ایشان را با شما.

46- ﴿فَثَبَّطَهُمۡ﴾: پس خدای بزرگ آنها را از رفتن با شما باز داشت.

47- ﴿خَبَالٗا﴾: شر و فساد، یا جبن و ناتوانی.

47- ﴿لَأَوۡضَعُواْ خِلَٰلَكُمۡ﴾: برای نمامی به سرعت بین شما رفت و آمد می‌کردند تا میان شما فساد برپا کنند.

47- ﴿يَبۡغُونَكُمُ ٱلۡفِتۡنَةَ﴾: می‌خواهند شما را در فتنه و آشوب بزرگ اندازند.

48- ﴿قَلَّبُواْ لَكَ ٱلۡأُمُورَ﴾: در برابر تو نیرنگ و فریب بکار بردند.

49- ﴿ٱئۡذَن لِّي﴾: مرا اجازه بده در این غزوه نروم.

49- ﴿َلَا تَفۡتِنِّيٓ﴾: مرا با مخالفت از دستورت گرفتار گناه نگردان.

52- ﴿هَلۡ تَرَبَّصُونَ﴾: آیا دربارۀ ما انتظار دارید.

52- ﴿ٱلۡحُسۡنَيَيۡنِ﴾: نصرت و شهادت را.

55- ﴿تَزۡهَقَ أَنفُسُهُمۡ﴾: جان آنها بیرون آید.

56- ﴿قَوۡمٞ يَفۡرَقُونَ﴾: گروهی‌اند که از ‌ترس و منافقت عقاید خود را پنهان می‌کنند.

57- ﴿مَلۡجَ‍ًٔا﴾: جای محکمی‌‌که در آن پناه ببرند.

57- ﴿مَغَٰرَٰتٍ﴾: مغاره‌های در کوه‌ها که پنهان شوند. ﴿مُدَّخَلٗا﴾: سوراخی در زمین که داخل شوند.

57- ﴿يَجۡمَحُونَ﴾: برای داخل شدن در آن می‌شتابند.

‍58- ﴿يَلۡمِزُكَ﴾: بر تو طعن می‌زنند و عیب می‌گیرند.

59- ﴿حَسۡبُنَا ٱللَّهُ﴾: فضل خدا ما را بس است.

60- ﴿ٱلۡعَٰمِلِينَ عَلَيۡهَا﴾: متصدیان زکات مثل جمع آوری کنندگان و کاتبان و نگهبانان.

60- ﴿فِي ٱلرِّقَابِ﴾: در آزاد کردن بردگان یا اسیران.

60- ﴿ٱلۡغَٰرِمِينَ﴾: وام دارانی‌که توان پرداخت ندارند.

60- ﴿فِي سَبِيلِ ٱللَّه﴾: در راه جهاد یا هر کار نیک.

60- ﴿وَٱبۡنِ ٱلسَّبِيلِ﴾: مسافری‌که از مال خود جداست.

61- ﴿هُوَ أُذُنٞ﴾: او مردی است که هر چه بشنود باور می‌کند.

61- ﴿أُذُنُ خَيۡرٖ لَّكُمۡ﴾: او شنوای خیر است برای شما، سخنان خیر شما را می‌شنود و قبول می‌کند و سخنان بد شما را باور نمی‌کند.

63- ﴿مَن يُحَادِدِ ٱللَّهَ﴾: هر کس با خدا مخالفت و دشمنی ورزد...

65- ﴿نَخُوضُ وَنَلۡعَبُ﴾: خود را به سخن سرگرم می‌کردیم تا راه کوتاه شود.

67- ﴿يَقۡبِضُونَ أَيۡدِيَهُمۡ﴾: دستهای خود را از بخل، به خیر و طاعت دراز نمی‌کنند.

67- ﴿فَنَسِيَهُمۡ﴾: پس خدا هم آنها را از توفیق و هدایت خود دور کرد.

68- ﴿هِيَ حَسۡبُهُمۡ﴾: جهنم برای تعذیب کافران کافی است.

‍69- ﴿فَٱسۡتَمۡتَعُواْ بِخَلَٰقِهِمۡ﴾: از لذ‌ت‌های دنیا به سهم خود بهره‌مند شدند.

69- ﴿خُضۡتُمۡ﴾: در باطل داخل شدید.

69- ﴿حَبِطَتۡ أَعۡمَٰلُهُم﴾: ثواب اعمال آنها بخاطر کفرشان باطل شد.

70- ﴿ٱلۡمُؤۡتَفِكَٰت﴾: شهر‌های ویران شدۀ قوم لوط.

73- ﴿وَٱغۡلُظۡ عَلَيۡهِمۡ﴾: بر آنها سخت بگیر و نرمی نکن.

74- ﴿مَا نَقَمُوٓاْ﴾: هیچ چیز را زشت و ناپسند نشمردند.

78- ﴿يَعۡلَمُ سِرَّهُمۡ﴾: خدا آنچه را از منافقت نهان داشته‌اند، می‌داند.

78- ﴿نَجۡوَىٰهُمۡ﴾: سخنان طعنه آمیزی را که با هم در مورد دین می‌گویند.

79- ﴿ٱلَّذِينَ يَلۡمِزُونَ﴾: منافقان عیب می‌گیرند.

79- ﴿جُهۡدَهُمۡ﴾: توان خویش، فقرا.

79- ﴿سَخِرَ ٱللَّهُ مِنۡهُمۡ﴾: خدا خوار و ذلیلشان ساخت، با دادن جزای مناسب.

81- ﴿خِلَٰفَ رَسُولِ ٱللَّهِ﴾: بعد از رفتن رسول‌ خدا، یا از جهت مخالفت با او.

81- ﴿لَا تَنفِرُواْ﴾: برای جهاد به سمت تبوک حرکت نکنید.

83- ﴿ٱلۡخَٰلِفِينَ﴾: بازماندگان از جهاد مانند زنان.

85- ﴿تَزۡهَقَ أَنفُسُهُمۡ﴾: جانشان برآید.

86- ﴿أُوْلُواْ ٱلطَّوۡلِ مِنۡهُمۡ﴾: منافقان ثروتمند و توانگر.

87- ﴿ٱلۡخَوَالِفِ﴾: زنانی‌که به خانه می‌نشینند و به جهاد نمی‌روند.

87- ﴿طُبِعَ﴾: مهر نهاده شده است.

90- ﴿ٱلۡمُعَذِّرُون﴾: بهانه تراشان به عذرهای دروغین.

91- ﴿حَرَجٌ﴾: جرم و گناهی در اثر بازماندن از سفر جهاد.

92- ﴿تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمۡعِ﴾: اشک می‌ریختند.

95- ﴿إِنَّهُمۡ رِجۡسٞ﴾: ظاهر و باطن آنها پلید است.

97- ﴿أَجۡدَرُ﴾: سزاوارتر و شایسته‌ترند.

98- ﴿مَغۡرَمٗا﴾: تاوان و زیان.

98- ﴿يَتَرَبَّصُ بِكُمُ ٱلدَّوَآئِرَ﴾: انتظار می‌کشد تا سختی‌های روزگار دامن گیرتان شود.

98- ﴿عَلَيۡهِمۡ دَآئِرَةُ ٱلسَّوۡءِ﴾: بد و زیان بر خود آنها باد، دعاست.

99- ﴿صَلَوَٰتِ ٱلرَّسُولِ﴾: دعا و استغفار پیامبر، برای انفاق کنندگان.

101- ﴿مَرَدُواْ عَلَى ٱلنِّفَاقِ﴾: به نفاق خو گرفته و به آن ماهر شده‌اند.

103- ﴿تُزَكِّيهِم بِهَا﴾: تا به سبب این صدقه، حسنات و اموال ایشان را برکت دهی.

103- ﴿صَلِّ عَلَيۡهِمۡ﴾: به آنها دعا و استعفار کن.

103- ﴿سَكَنٞ لَّهُمۡ﴾: آرامش یا رحمت است برای ایشان.

104- ﴿يَأۡخُذُ ٱلصَّدَقَٰتِ﴾: صدقات را می‌پذیرد و پاداش می‌دهد.

106- ﴿مُرۡجَوۡنَ﴾: کارشان به تأخیر افتاده است، پذیرش توبه آنها قطعی نشده بود.

107- ﴿مَسۡجِدٗا ضِرَارٗا﴾: مسجد زیان آور برای اهالی مسجد قباء.

107- ﴿إِرۡصَادٗا﴾: انتظار کشیدن یا آماده ساختن.

108- ﴿لَّمَسۡجِدٌ﴾: بدون شک مسجدی‌که، مسجد قباء یا مسجد نبوی.

109- ﴿عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ﴾: بر کنار چاهی‌که سنگ‌کاری نشده باشد.

109- ﴿هَارٖ﴾: شکسته یا در حال ویرانی.

109- ﴿فَٱنۡهَارَ بِه﴾: پس ساختمان بر صاحب خود سقوط کرد.

110- ﴿رِيبَةٗ فِي قُلُوبِهِمۡ﴾: شک و نفاق در دلهای‌شان موج می‌زند.

110- ﴿تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمۡ﴾: دلهای آنها بر اثر مرگ پاره پاره شود.

112- ﴿ٱلسَّٰٓئِحُونَ﴾: مجاهدان غازی، یا روزه داران.

112- ﴿لِحُدُودِ ٱللَّهِ﴾: برای اوامر و نواهی خدا.

114- ﴿لَأَوَّٰهٌ﴾: بسیار با درد و آه، از خشم خدا ترسان و مرد دلسوز و مهربان بود.

117- ﴿سَاعَةِ ٱلۡعُسۡرَةِ﴾: وقت سختی و تنگدستی در غزوۀ تبوک.

117- ﴿يَزِيغُ﴾: به تخلف از جهاد میل کند.

118- ﴿بِمَا رَحُبَتۡ﴾: با همه فراخی و وسعت آن.

118- ﴿لِيَتُوبُوٓاْ﴾: تا در آینده به توبه ادامه دهند.

120- ﴿لَا يَرۡغَبُواْ بِأَنفُسِهِمۡ﴾: جان خود را عزيزتر ندانند.

120- ﴿نَصَب﴾: رنجی.

120- ﴿مَخۡمَصَةٞ﴾: گرسنگي.

120- ﴿يَغِيظُ ٱلۡكُفَّارَ﴾: آنها را به خشم ‌آورد و اندوهگين ‌كند.

120- ﴿نَّيۡلًا﴾: چيزی از قبيل کشتن، اسارت و غنيمت.

122- ﴿لِيَنفِرُواْ كَآفَّةٗ﴾: که همگی به‌سوی ميدان جهاد حركت كنند.

123- ﴿غِلۡظَةٗ﴾: شجاعت، ننگ و شكيبايی.

125- ﴿رِجۡسًا﴾: كفر و نفاق.

126- ﴿يُفۡتَنُونَ﴾: در بلاها و سختی‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرند.

128- ﴿عَزِيزٌ عَلَيۡهِ﴾: بر او سخت و دشوار است.

128- ﴿مَا عَنِتُّمۡ﴾: رنج و مشقت شما.

129- ﴿حَسۡبِيَ ٱللَّهُ﴾: یاری و کمک خدا مرا بس است.

سورۀ يونس

2- ﴿قَدَمَ صِدۡقٍ﴾: سابقه فضیلت و برتری و مقام عالی.

3- ﴿ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ﴾: استوایی‌که لایق ذات او تعالی است.

4- ﴿بِٱلۡقِسۡط﴾: به عدالت.

4- ﴿حَمِيمٖ﴾: آب جوشان.

5 \_﴿قَدَّرَهُۥ مَنَازِلَ﴾: برای ماه منزلها قرار داد که در آنها سیر می‌کند.

7- ﴿لَا يَرۡجُونَ لِقَآءَنَا﴾: چون از رستاخیز منکرند امید دیدار ما را ندارند.

10- ﴿دَعۡوَىٰهُمۡ﴾: دعای آنها.

11- ﴿لَقُضِيَ إِلَيۡهِمۡ أَجَلُهُمۡ﴾: تباه و نابود می‌شدند.

11- ﴿فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ﴾: در سرکشی و کفر ایشان.

11- ﴿يَعۡمَهُون﴾: متحیر و سرگردان باشند.

12- ﴿ٱلضُّرُّ﴾: بلا، رنج و سختی.

12- ﴿دَعَانَا لِجَنۢبِه﴾: بخاطر دور شدن بلا در حالی‌که بر پهلو خوابیده از ما فریادرسی می‌کند.

12- ﴿مَرَّ﴾: پند نگیرد و به کفر خویش ادامه ‌دهد.

13- ﴿ٱلۡقُرُون﴾: ملتها را مثل قوم نوح ÷ ، عاد و ثمود.

13- ﴿ظَلَمُواْ﴾: ستم کردند با تکذیب پیامبران.

14- ﴿جَعَلۡنَٰكُمۡ خَلَٰٓئِفَ﴾: پس از نابودی آنها شما را جانشین‌شان کردیم.

16- ﴿لَآ أَدۡرَىٰكُم بِهِ﴾: خدا شما را به واسطه من از آن آگاه نمی‌کرد.

17- ﴿لَا يُفۡلِحُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ﴾: گناه‌کاران به مطلوبی دست نمی‌یابند.

18- ﴿سُبۡحَٰنَه﴾: او تعالی پاک و منزه است.

21- ﴿ضَرَّآءَ مَسَّتۡهُمۡ﴾: به آنها سختی‌ رسیده بود، گرسنگی و قحطی.

21- ﴿لَهُم مَّكۡرٞ﴾: آنان مخالفت و استهزاء می‌کنند.

21- ﴿ٱللَّهُ أَسۡرَعُ مَكۡرًا﴾: جزاء و عقوبت خدا سریعتر است([[2]](#footnote-2)).

22- ﴿رِيحٌ عَاصِفٞ﴾: باد تند.

22- ﴿أُحِيطَ بِهِمۡ﴾: مرگ و نابودی بر آنها حلقه‌زده است.

23- ﴿يَبۡغُون﴾: فساد می‌کنند.

24- ﴿مَثَلُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا﴾: مَثَل زندگانی دنیا در سرعت نابودی و زوال آن.

24- ﴿زُخۡرُفَهَا﴾: شادابی و زیبای آن با انواع گل و گیاه.

24- ﴿أَمۡرُنَا﴾: آفت‌های بنیان برنداز ما.

24- ﴿حَصِيدٗا﴾: مانند گیاه درو شده.

24- ﴿لَّمۡ تَغۡنَ﴾: اصلاً نبوده.

26- ﴿ٱلۡحُسۡنَىٰ﴾ : مقام نیکو، جنت.

26- ﴿زِيَادَةٞ﴾: علاوه براین، دیدار خدا هم در آنجا میسر است.

26- ﴿لَا يَرۡهَقُ وُجُوهَهُمۡ﴾: روی آنها را نمی‌پوشاند.

26- ﴿قَتَرٞ﴾: غبار سیاهی.

26- ﴿ذِلَّةٌ﴾: اثر خواری.

27- ﴿عَاصِمٖ﴾: مانعی‌که قهر و عذاب خدا را دور کند.

27- ﴿أُغۡشِيَتۡ وُجُوهُهُمۡ﴾: روی‌ آنها پوشانده شده است.

28- ﴿مَكَانَكُمۡ﴾: دور نروید و در جای خود باشید.

28- ﴿فَزَيَّلۡنَا بَيۡنَهُمۡ﴾: پس بین آنها جدایی می‌افکنیم و پیوندشان را می‌گسلیم.

30- ﴿تَبۡلُوا﴾: خبر دار و آگاه می‌شود یا مشاهده می‌کند.

32- ﴿رَبُّكُمُ ٱلۡحَقُّ﴾: بدون شک ربوبیت او تعالی به دلایل استوار ثابت شده است.

32- ﴿فَأَنَّىٰ تُصۡرَفُونَ﴾: پس چگونه از حق دور و به کفر و گمراهی مایل می‌شوید؟

33- ﴿حَقَّتۡ﴾: ثابت و حتمی ‌شد.

34- ﴿فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ﴾: پس چگونه از راه نیک دور می‌شوید.

35- ﴿لَّا يَهِدِّيٓ﴾: خود نمی‌تواند راه راست را بیابد.

39- ﴿لَمَّا يَأۡتِهِمۡ تَأۡوِيلُهُ﴾: هنوز برای آنها نتیجه و عاقبت وعید قرآن آشکار نشده است.

43- ﴿يَنظُرُ إِلَيۡكَ﴾: دلایل روشن نبوت را مشاهده می‌کند.

47- ﴿بِٱلۡقِسۡطِ﴾: به عدالت در دنیا یا در روز جزاء.

50- ﴿أَرَءَيۡتُم﴾: مرا از عذاب الهی آگاه سازید.

50- ﴿بَيَٰتًا﴾: هنگام شب.

51- ﴿َآلۡـَٰٔنَ﴾: آیا اکنون به وقوع عذاب خدا ایمان می‌آورید؟

53- ﴿يَسۡتَنۢبِ‍ُٔونَكَ﴾: به استهزا در باره عذاب از تو می‌پرسند.

53- ﴿إِي وَرَبِّيٓ﴾: آری، به خدا قسم.

53- ﴿مَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِين﴾: از عذاب خدا نمی‌توانید فرار کنید.

54- ﴿أَسَرُّواْ ٱلنَّدَامَةَ﴾: غم و حسرت خود را پنهان می‌دارند.

59- ﴿أَرَءَيۡتُم﴾: به من خبر دهید.

59- ﴿أَذِنَ لَكُمۡ﴾: خدا شما را از این حلال و حرام گردانیدن باخبر ساخته است.

59- ﴿تَفۡتَرُونَ﴾: آن را به دروغ به خدا نسبت می‌دهید.

61- ﴿مَا تَكُونُ فِي شَأۡنٖ﴾: در هیچ کار مهم و قابل توجهی اقدام نمی‌کنی.

61- ﴿مَا يَعۡزُبُ﴾: پنهان نیست.

61- ﴿مِّثۡقَالِ ذَرَّةٖ﴾: هم وزن کوچک‌ترین مورچه یا گردی.

65- ﴿إِنَّ ٱلۡعِزَّةَ لِلَّهِ﴾: تنها خداست که به ملک خود غلبه و سلطه دارد.

66- ﴿يَخۡرُصُونَ﴾: هر چه که به خدا نسبت می‌دهند، دروغ می‌گویند.

68- ﴿سُبۡحَٰنَه﴾: خدای تعالی از آنچه به او نسبت می‌دهند پاک و منزه است.

68- ﴿سُلۡطَٰنِۢ﴾: حجت روشن.

71- ﴿كَبُرَ عَلَيۡكُم﴾: بر شما دشوار و پر مشقت است.

71- ﴿مَّقَامِي﴾: اقامت من درمیان شما زمان دراز.

71- ﴿فَأَجۡمِعُوٓاْ أَمۡرَكُمۡ﴾: پس به اجرای مکر و حیله خود تصمیم بگیرید.

71- ﴿شُرَكَآءَكُمۡ﴾: همراه با شریکان خود.

71- ﴿غُمَّةٗ﴾: دلتنگی شدید یا مبهم.

71- ﴿ٱقۡضُوٓاْ إِلَيَّ﴾: هرچه می‌خواهید در حق من انجام دهید.

71- ﴿لَا تُنظِرُونِ﴾: مهلتم ندهید.

73- ﴿جَعَلۡنَٰهُمۡ خَلَٰٓئِفَ﴾: آنها را جانشین غرق شدگان کردیم.

74- ﴿نَطۡبَعُ﴾: مهر می‌نهیم.

78- ﴿لِتَلۡفِتَنَا﴾: تا ما را منصرف سازی.

83- ﴿أَن يَفۡتِنَهُمۡ﴾: که فرعون آنها را شکنجه کند.

85- ﴿لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ﴾: ما را محل شکنجه قرار نده.

87- ﴿تَبَوَّءَا لِقَوۡمِكُمَا...﴾: برای قوم خود بسازید...

87- ﴿قِبۡلَة﴾: مساجد سوی کعبه یا جای ادای نماز.

88- ﴿ٱطۡمِسۡ عَلَىٰٓ أَمۡوَٰلِهِمۡ﴾: اموالشان را تلف کن.

88- ﴿وَٱشۡدُدۡ عَلَىٰ قُلُوبِهِمۡ﴾: بر دل‌های ایشان مهر بنه.

90- ﴿بَغۡيٗا وَعَدۡوًا﴾: به قصد ستم و تجاوز.

91- ﴿آلۡـَٰٔنَ﴾: آیا اکنون که به هلاکت خود یقین کردی ایمان می‌آوری.

92- ﴿ءَايَةٗ﴾: عبرتی.

93- ﴿بَوَّأۡنَا﴾: مسکن دادیم.

93- ﴿مُبَوَّأَ صِدۡقٖ﴾: منزل درست و پسندیده.

94- ﴿ٱلۡمُمۡتَرِينَ﴾: شک کنندگان.

98- ﴿عَذَابَ ٱلۡخِزۡيِ﴾: عذاب رسوایی و ذلت را.

100- ﴿يَجۡعَلُ ٱلرِّجۡسَ﴾: عذاب یا انتقام را می‌نهد.

105- ﴿أَقِمۡ وَجۡهَكَ لِلدِّينِ﴾: همه هستی خود را صرف دین حنیف کن.

105- ﴿حَنِيفٗا﴾: دین پاک و جدا از همه ادیان باطل.

108- ﴿بِوَكِيل﴾: مراقب که کار شما به من سپرده شده باشد.

سورۀ هود

1- ﴿أُحۡكِمَتۡ ءَايَٰتُهُ﴾: آیات آن خیلی محکم، استوار و منظم است.

1- ﴿فُصِّلَتۡ﴾: از روی حکمت [در زمان‌های مختلف به حسب وقایع و مصالح] بخش ‌بخش نازل کرده شد.

5- ﴿يَثۡنُونَ صُدُورَهُمۡ﴾: کفر و دشمنی با مسلمان‌ها را در سینه‌های خود نهان می‌کنند.

5- ﴿لِيَسۡتَخۡفُواْ مِنۡهُ﴾: تا از او تعالی پنهان بمانند، این کار را از نادانی می‌کنند.

5- ﴿يَسۡتَغۡشُونَ ثِيَابَهُمۡ﴾: برای این که بهتر مخفی باشند خود را در جامه‌هاشان پنهان می‌کردند.

6- ﴿يَعۡلَمُ مُسۡتَقَرَّهَا﴾: محل استقرار آنها را در صلب یا رَحم و مانند آنها می‌داند.

﴿مُسۡتَوۡدَعَهَا﴾: آرام‌گاه او را در رحم و مانند آن یا در صلب پدر.

7- ﴿لِيَبۡلُوَكُمۡ﴾: تا شما را امتحان کند در حالی‌که از امور تان آگاه است.

7- ﴿أَحۡسَنُ عَمَلٗا﴾: فرمانبرتر از او تعالی و پرهیزگارتر.

8- ﴿أُمَّةٖ مَّعۡدُودَةٖ﴾: چند روزی.

8- ﴿حَاقَ بِهِم﴾: بر آنها فرود ‌آيد يا احاطه‌شان ‌كند.

9- ﴿إِنَّهُۥ لَيَ‍ُٔوسٞ﴾: همانا او سخت مأیوس و نومید است.

9- ﴿كَفُورٞ﴾: به نعمت‌های خدا بسیار ناسپاس است.

10- ﴿ضَرَّآءَ مَسَّتۡهُ﴾: حادثه ناگواری به او رسیده.

10- ﴿إِنَّهُۥ لَفَرِحٞ﴾: همانا او هنگام رسیدن نعمت بدمست و به آن فریفته است.

10- ﴿فَخُورٌ﴾: به نعمتی‌که دارد به دیگران فخر می‌کند.

12- ﴿وَكِيل﴾: نگهدار آن است.

15- ﴿لَا يُبۡخَسُونَ﴾: از اجرشان کاسته نمی‌شود.

16- ﴿حَبِط﴾: در آخرت باطل گشت.

17- ﴿بَيِّنَةٖ﴾: یقین و دلیل قاطع، قرآن‌ کریم.

17- ﴿شَاهِد﴾: اعجاز نظم قرآن گواه نزول آن است.

17- ﴿فِي مِرۡيَةٖ مِّنۡهُ﴾: تردیدی در نزول قرآن.

18- ﴿ٱلۡأَشۡهَٰدُ﴾: فرشتگان، پیامبران و اعضای بدن.

19- ﴿يَبۡغُونَهَا عِوَجٗا﴾: می‌خواهند این راه کج باشد.

20- ﴿مُعۡجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی‌توانید فرار کنید.

22- ﴿لَا جَرَمَ﴾: ثابت است یا ناگزیر یا در حقیقت.

23- ﴿أَخۡبَتُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ﴾: به نوید او تعالی اطمینان یا فروتنی کردند.

27- ﴿ٱلۡمَلَأُ﴾: سران و بزرگان.

27- ﴿بَادِيَ ٱلرَّأۡيِ﴾: ظاهر کار را می‌بینند و در آن دقت و اندیشه نمی‌کنند.

28- ﴿أَرَءَيۡتُم﴾: به من بگویید.

28- ﴿فَعُمِّيَتۡ عَلَيۡكُم﴾: و بر شما پوشیده شد.

31- ﴿خَزَآئِنُ ٱللَّهِ﴾: خزانه‌های رزق و مال خدا.

31- ﴿تَزۡدَرِيٓ أَعۡيُنُكُمۡ﴾: به چشم شما حقیر و بی‌ارزشند.

33- ﴿أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی‌توانید فرار کنید.

34- ﴿أَن يُغۡوِيَكُمۡ﴾: که شما را گمراه سازد.

35- ﴿فَعَلَيَّ إِجۡرَامِي﴾: پس عذاب گناه من به عهده‌ خود من است.

36- ﴿فَلَا تَبۡتَئِسۡ﴾: پس غمگین مباش.

37- ﴿بِأَعۡيُنِنَا﴾: در حفظ و حمایت کامل ما.

39- ﴿يُخۡزِيهِ﴾: خوار و ذلیلش خواهد کرد.

39- ﴿يَحِلُّ عَلَيۡهِ﴾: بر او واجب می‌شود و می‌رسد.

40- ﴿فَارَ ٱلتَّنُّورُ﴾: آب از تنور نان پزی به شدت فوران کرد.

41- ﴿مَجۡرٜىٰهَا﴾: وقت حرکت آن.

41- ﴿مُرۡسَىٰهَآ﴾: هنگام توقف آن.

43- ﴿سَ‍َٔاوِي﴾: به زودی پناه می‌برم.

43- ﴿لَا عَاصِمَ﴾: هیچ مانع و نگاه‌دارنده‌ای نیست.

44- ﴿أَقۡلِعِي﴾: باران را بس کن.

44- ﴿غِيضَ ٱلۡمَآءُ﴾: آب کم شد و در زمین رفت.

44- ﴿وَٱسۡتَوَتۡ عَلَى ٱلۡجُودِيِّ﴾: بر کوه جودی نزدیک موصل قرار گرفت.

44- ﴿بُعۡدٗا﴾: نابود و دور باد.

48- ﴿بَرَكَٰت﴾: خیر و برکت همیشگی.

51- ﴿فَطَرَنِيٓ﴾: مرا آفریده و هستی داده است.

52- ﴿ٱلسَّمَآءَ﴾: باران را.

52- ﴿مِّدۡرَارٗا﴾: فراوان پی‌درپی بدون ضرر.

54- ﴿ٱعۡتَرَىٰكَ﴾: به تو رسانده است.

54- ﴿بِسُوٓء﴾: جنون و دیوانگی.

55- ﴿فَكِيدُونِي﴾: پس به ضرر من دست به حیله بزنید.

55- ﴿لَا تُنظِرُونِ﴾: مهلتم ندهید.

56- ﴿ءَاخِذُۢ بِنَاصِيَتِهَآ﴾: خدا مالک اوست و بر او قدرت دارد.

57- ﴿حَفِيظٞ﴾: مراقب و شاهد است.

58- ﴿غَلِيظ﴾: بسیار سخت.

59- ﴿جَبَّارٍ﴾: خود بین و متکبر.

59- ﴿عَنِيد﴾: سرکش، حق ستیز.

60- ﴿بُعۡدٗا لِّعَادٖ﴾: عاد نابود و از خیر دور باد.

61- ﴿وَٱسۡتَعۡمَرَكُمۡ فِيهَا﴾: عمران زمین را به اختیار شما گذاشت و شما را در آن ساکن ساخت.

62- ﴿مُرِيب﴾: تشویش و اضطراب آور.

63- ﴿أَرَءَيۡتُمۡ﴾: به من بگویید.

63- ﴿بَيِّنَةٖ﴾: یقین، بیان روشن و بصیرت.

63- ﴿تَخۡسِيرٖ﴾: ضرر، اگر از او نافرمانی کنم.

64- ﴿ءَايَةٗ﴾: معجزه‌ای‌که دلیل صدق نبوتم است.

67- ﴿ٱلصَّيۡحَةُ﴾: صدای کشنده از آسمان.

67- ﴿جَٰثِمِينَ﴾: خشک، بی‌حرکت و بی‌جان.

68- ﴿لَّمۡ يَغۡنَوۡاْ فِيهَآ﴾: از مدت‌ها، به خوشی و عشرت در اینجا بسر نبرده‌اند.

68- ﴿بُعۡدٗا لِّثَمُودَ﴾: ثمود از رحمت حق دور و نابود باد.

69- ﴿بِعِجۡلٍ حَنِيذٖ﴾: گوساله بریان با سنگ‌های گداخته.

70- ﴿نَكِرَهُمۡ﴾: آنها را نپسندید و از رفتارشان بدش آمد.

70- ﴿أَوۡجَسَ مِنۡهُمۡ﴾: در قلب خود از آنها احساس ترس کرد.

72- ﴿يَٰوَيۡلَتَىٰٓ﴾: کلمه تعجب است.

73- ﴿مَّجِيدٞ﴾: دارای خیر و احسان زیاد.

74- ﴿ٱلرَّوۡعُ﴾: خوف و ترس.

75- ﴿لَحَلِيمٌ﴾: همانا بردبار است، شتاب نمی‌کند.

75- ﴿أَوَّٰهٞ﴾: پرسوز و آه از ترس خدا.

75- ﴿مُّنِيبٞ﴾: به خدای سبحان رجوع می‌کرد.

77- ﴿سِيٓءَ بِهِمۡ﴾: از آمدن آنها خوشحال نشد چون بخاطر آنها از بدکاران قوم خود ترسید.

77- ﴿ضَاقَ بِهِمۡ ذَرۡعٗا﴾: بخاطرآنها دلتنگ شد که توانش ضعیف بود و برای نجات آنها چاره نداشت.

77- ﴿يَوۡمٌ عَصِيب﴾: بدی و مصیت امروز سخت‌تر است.

78- ﴿يُهۡرَعُونَ إِلَيۡهِ﴾: به‌سوی او می‌شتافتند، گویی مجبورشان ساخته‌اند.

78- ﴿لَا تُخۡزُونِ﴾: رسوا و اهانتم نکنید.

79- ﴿مِنۡ حَقّٖ﴾: هیچ ضرورتی.

80- ﴿ءَاوِيٓ إِلَىٰ رُكۡنٖ﴾: به قدرتمندی می‌پیوستم و به کمک او بر شما چیره می‌شدم.

81- ﴿بِقِطۡعٖ مِّنَ ٱلَّيۡلِ﴾: قسمتی از شب یا آخر آن.

82- ﴿سِجِّيلٖ﴾: گل پخته شده با آتش مانند سفال.

82- ﴿مَّنضُودٖ﴾: پی‌درپی یا انبوه و آماده برای عذاب.

83- ﴿مُّسَوَّمَةً﴾: نشانی شده برای عذاب.

84- ﴿أَرَىٰكُم بِخَيۡرٖ﴾: شما را در نعمت و آسایشی می‌بینم که از کم فروشی بی‌نیازتان می‌کند.

84- ﴿يَوۡمٖ مُّحِيطٖ﴾: روز هلاکت‌آور.

85- ﴿بِٱلۡقِسۡطِ﴾: به عدالت بدون زیادت و نقصان.

85- ﴿لَا تَبۡخَسُوا﴾: کم نکنید.

85- ﴿لَا تَعۡثَوۡاْ﴾: فساد را به حد کمال نرسانید.

86- ﴿بَقِيَّتُ ٱللَّهِ﴾: حلالی‌که خدا برای شما باقی گذاشته است.

86- ﴿بِحَفِيظٖ﴾: مراقب که شما را به سبب اعمالتان جزا بدهم.

88- ﴿أَرَءَيۡتُمۡ﴾: به من خبر دهید.

88- ﴿بَيِّنَةٖ﴾: هدایت و بصیرت.

89- ﴿لَا يَجۡرِمَنَّكُمۡ﴾: شما را وادار نسازد.

91- ﴿رَهۡطُكَ﴾: گروه و قبیله‌ات.

92- ﴿وَرَآءَكُمۡ ظِهۡرِيًّا﴾: پشت سرخود فراموش شده و بی‌ارزش.

93- ﴿مَكَانَتِكُمۡ﴾: آخرین توان خود.

93- ﴿وَٱرۡتَقِبُوٓا﴾: منتظر عاقبت و نتیجه باشید.

94- ﴿ٱلصَّيۡحَةُ﴾: صدای تکان دهنده و کشنده از آسمان.

94- ﴿جَٰثِمِينَ﴾: خشک بی‌حرکت و بی‌جان.

95- ﴿لَّمۡ يَغۡنَوۡاْ فِيهَآ﴾: از مدتها، در این سرزمین به خوشی سکونت نداشته‌اند.

95- ﴿بُعۡدٗا لِّمَدۡيَنَ﴾: قوم مدین از رحمت حق دور و نابود باد.

95- ﴿بَعِدَتۡ ثَمُودُ﴾: پیش از این ثمود نابود شد.

96- ﴿سُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ﴾: دلیلی روشن بر صدق رسالتش.

98- ﴿يَقۡدُمُ قَوۡمَهُ﴾: فرعون پیشاپیش قوم خود خواهد بود.

98- ﴿فَأَوۡرَدَهُمُ ٱلنَّارَ﴾: پس آنها را در دوزخ داخل می‌کند چون همه از وحدانیت خدا منکر بودند.

98- ﴿ٱلۡوِرۡدُ ٱلۡمَوۡرُودُ﴾: دوزخ وکسانی‌که در آن داخل می‌شوند.

99- ﴿ٱلرِّفۡدُ ٱلۡمَرۡفُودُ﴾: عطیه‌ای‌که به آنها داده شده است، لعنت.

100- ﴿حَصِيد﴾: نشانش از میان رفته مانند کشت درو شده.

101- ﴿غَيۡرَ تَتۡبِيبٖ﴾: بجز زیان و نابودی.

106- ﴿زَفِيرٞ﴾: به شدت بیرون آوردن هوا از سینه.

106- ﴿شَهِيقٌ﴾: برگشتن نفس به سینه.

108- ﴿غَيۡرَ مَجۡذُوذٖ﴾: بی‌پایان.

110- ﴿مُرِيبٖ﴾: شک و اضطراب آور.

112- ﴿لَا تَطۡغَوۡا﴾: از حدی‌که خدا برای شما تعیین کرده، تجاوز نکنید.

113- ﴿لَا تَرۡكَنُوٓاْ﴾: دل‌های شما به محبت آنان میل نکند.

114- ﴿زُلَفٗا مِّنَ ٱلَّيۡلِ﴾: ساعاتی از شب نزدیک روز.

114- ﴿ذِكۡرَىٰ لِلذَّٰكِرِينَ﴾: پندی است برای پند پذیران.

116- ﴿ٱلۡقُرُون﴾: ملتها.

116- ﴿أُوْلُواْ بَقِيَّةٖ﴾: صاحبان عقل و خیر.

116- ﴿مَآ أُتۡرِفُواْ فِيهِ﴾: به آنها توانگری و نعمت ارزانی شده بود.

119- ﴿تَمَّت﴾: حتمی و قطعی شد.

121- ﴿مَكَانَتِكُمۡ﴾: آخرین توان خویش را به کار گیرید.

سورۀ يوسف

3- ﴿نَقُصُّ عَلَيۡكَ﴾: ای محمد، به تو خبر می‌دهیم یا بیان می‌داریم.

6- ﴿يَجۡتَبِيكَ﴾: تو را بکارهای بزرگ برمی‌گزیند.

6- ﴿تَأۡوِيلِ ٱلۡأَحَادِيثِ﴾: تعبیر و تفسیر خواب.

8- ﴿نَحۡنُ عُصۡبَةٌ﴾: ما جمعی هستیم می‌توانیم کارهای او را درست و مرتب کنیم، نه آن دوتا.

8- ﴿ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ﴾: به ترجیح این دو بر ما، گرفتار خطای آشکار است.

9- ﴿أَوِ ٱطۡرَحُوهُ أَرۡضٗا﴾: او را به سرزمینی دور از پدرش بیندازید.

9- ﴿يَخۡلُ لَكُمۡ وَجۡهُ أَبِيكُمۡ﴾: محبت و توجه پدر تنها به شما رسد.

10- ﴿غَيَٰبَتِ ٱلۡجُبِّ﴾: قعر چاه.

10- ﴿ٱلسَّيَّارَةِ﴾: مسافرین.

12- ﴿يَرۡتَعۡ﴾: تا از خوردنی‌های لذیذ فراوان بخورد.

12- ﴿يَلۡعَب﴾: مسابقه و تیر اندازی کند.

15- ﴿أَجۡمَعُوٓاْ﴾: قصد کردند.

17- ﴿نَسۡتَبِقُ﴾: مسابقه تیر اندازی می‌کردیم.

18- ﴿سَوَّلَتۡ﴾: آراسته و آسان کرده است.

18- ﴿فَصَبۡرٞ جَمِيلٞ﴾: در این امر به غیر خدا شکایت نمی‌کنم.

19- ﴿سَيَّارَةٞ﴾: کاروانی‌‌که از مَدین عازم مصر بود.

19- ﴿وَارِدَهُمۡ﴾: کسی‌که پیشاپیش هم‌سفران برای تهیه آب حرکت می‌کند.

19- ﴿فَأَدۡلَىٰ دَلۡوَهُۥ﴾: پس دلوش را به چاه ‌انداخت تا آب بگیرد.

19- ﴿أَسَرُّوهُ﴾: آب رسان و یارانش او را از بقیه پنهان کردند یا برادرانش حال او را نهان داشتند.

20- ﴿شَرَوۡهُ﴾: برادرانش یا کاروانیان او را فروختند.

20- ﴿بِثَمَنِۢ بَخۡسٖ﴾: به قیمت اندک.

21- ﴿أَكۡرِمِي مَثۡوَىٰهُ﴾: محل اقامت او را خوش آیند و نیکو بساز.

21- ﴿غَالِبٌ عَلَىٰٓ أَمۡرِه﴾: خدا تواناست، هیچ کس نمی‌تواند مانع اجرای کار او شود.

22- ﴿بَلَغَ أَشُدَّهُۥ﴾: به کمال قوت خود رسید.

23- ﴿رَٰوَدَتۡهُ﴾: برای هم‌بستر شدن با یوسف حیله به خرج داد.

23- ﴿هَيۡتَ لَكَ﴾: بشتاب و بیا که میل و رغبت من به توست.

23- ﴿مَعَاذَ ٱللَّهِ﴾: از انجام این عمل به خدای یکتا پناه می‌برم.

24- ﴿هَمَّ بِهَا﴾: به غریزه بشری قصد او کرد، همراه با عصمت.

24- ﴿ٱلۡمُخۡلَصِينَ﴾: برگزیدگان برای طاعت یا رسالت او تعالی.

25- ﴿وَٱسۡتَبَقَا ٱلۡبَابَ﴾: هر دو به‌سوی در دویدند، یوسف می‌خواست بیرون شود اما او مانع می‌شد.

25- ﴿قَدَّتۡ قَمِيصَهُۥ﴾: پراهن او را درید.

25- ﴿أَلۡفَيَا سَيِّدَهَا﴾: شوهرش را دیدند.

26- ﴿شَهِدَ شَاهِدٞ﴾: خدا کودکی را در گهواره به سخن آورد و او به برائت یوسف شهادت داد.

30- ﴿شَغَفَهَا حُبًّا﴾: محبت جوان دل او را پاره کرده است.

31- ﴿أَعۡتَدَتۡ لَهُنَّ مُتَّكَ‍ٔٗا﴾: برای آنها پشتی و ناز بالش آماده ساخت.

31- ﴿أَكۡبَرۡنَهُ﴾: عظمت و شکوه او را دریافتند و با دیدن جمال زیبا او مدهوش شدند.

31- ﴿قَطَّعۡنَ أَيۡدِيَهُنَّ﴾: از فرط حیرت و دهشت، دستهای خود را بریدند.

31- ﴿حَٰشَ لِلَّهِ﴾: خدا پاک و منزه است و از آفرینش مانند این ناتوان نیست.

32- ﴿فَٱسۡتَعۡصَمَ﴾: اما دست از عفت برنداشت و نپذیرفت.

33- ﴿أَصۡبُ إِلَيۡهِنَّ﴾: به پذیرش خواهش آنها متمایل می‌شوم.

36- ﴿أَعۡصِرُ خَمۡرٗا﴾: انگور را می‌فشارم كه برای استفادة شاه شراب ساخته ‌شود.

37- ﴿ذَٰلِكُمَا﴾: این تعبیر خواب و خبر دادن از چیزهایی ‌که آمدنی است.

40- ﴿ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ﴾: دین مستقیم یا استوار با دلایل.

43- ﴿عِجَاف﴾: بسیار لاغر. ﴿تَعۡبُرُونَ﴾: تأویل و تعبیر آن را می‌دانید.

44- ﴿أَضۡغَٰثُ أَحۡلَٰمٖ﴾: خواب‌های پریشان.

45- ﴿ٱدَّكَرَ بَعۡدَ أُمَّةٍ﴾: بعد از مدت زیاد به یاد آورد.

47- ﴿دَأَبٗا﴾: مثل عادت همیشگی خود به کشت و زرع بپردازید.

48- ﴿تُحۡصِنُونَ﴾: برای بذر ذخیره می‌کنید.

49﴿يُغَاثُ ٱلنَّاسُ﴾: باران می‌بارد و زمین‌های مردم پرسبزه و گیاه می‌شود.

49- ﴿يَعۡصِرُونَ﴾: آنچه عصاره‌اش گرفته می‌شود می‌فشارند، مانند زیتون.

50- ﴿مَا بَالُ ٱلنِّسۡوَةِ﴾: سرگذشت آن زنها چه بود؟

51- ﴿مَا خَطۡبُكُنَّ﴾: کار شما چگونه بود؟

51- ﴿حَٰشَ لِلَّهِ﴾: خدا منزه و عفت یوسف شگفت انگیز است.

51- ﴿حَصۡحَصَ ٱلۡحَقُّ﴾: حقیقت پنهان آشکار شد.

54- ﴿مَكِينٌ﴾: دارای مقام عالی و اختیارات گسترده.

56- ﴿يَتَبَوَّأُ مِنۡهَا﴾: به سرزمین مصر اقامت می‌گزیند.

59- ﴿جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمۡ﴾: یوسف ضروریات آنها را تهیه کرد.

62- ﴿بِضَٰعَتَهُم﴾: کالای آنها را که با آن مواد غذایی خریدند.

62- ﴿رِحَالِهِمۡ﴾: ظرفهای آنها که مواد غذایی داشت.

65- ﴿مَتَٰعَهُمۡ﴾: مواد غذایی یا بارهای خود را.

65- ﴿مَا نَبۡغِي﴾: بالاتر از این چه احسانی می‌خواهیم؟

65- ﴿نَمِيرُ أَهۡلَنَا﴾: از مصر برای خانواده خود مواد غذایی می‌آوریم.

66- ﴿مَوۡثِقٗا﴾: پیمان مؤکد به سوگند که بتوان به آن اعتماد کرد.

66- ﴿يُحَاطَ بِكُمۡ﴾: همه شما مغلوب یا هلاک شوید.

66- ﴿وَكِيل﴾: مراقب و آگاه.

69- ﴿ءَاوَىٰٓ إِلَيۡهِ أَخَاهُ﴾: برادر پدری و مادری خود بنیامین را نزد خود جای داد.

69- ﴿فَلَا تَبۡتَئِسۡ﴾: اندوهگین مباش.

70- ﴿ٱلسِّقَايَةَ﴾: ظرف طلایی برای نوشیدن آب که به پیمانه کردن استعمال می‌شد.

70- ﴿أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ﴾: منادی فریاد زد.

70- ﴿ٱلۡعِيرُ﴾: کاروانی‌که بار دارد.

72- ﴿صُوَاعَ ٱلۡمَلِكِ﴾: پیمانه پادشاه را.

72- ﴿زَعِيم﴾: کفیل، این جایزه را شخص خودم می‌دهم.

76- ﴿كِدۡنَا لِيُوسُفَ﴾: بخاطر رسیدن یوسف به هدفش تدبیر کردیم.

76- ﴿دِينِ ٱلۡمَلِكِ﴾: شریعت یا حکم پادشاه مصر.

79- ﴿مَعَاذَ ٱللَّهِ﴾: به خدا پناه می‌بریم.

80- ﴿ٱسۡتَيۡ‍َٔسُواْ مِنۡهُ﴾: از یوسف مأیوس شدند که سخنان آنها را نپذیرفت.

80- ﴿خَلَصُواْ نَجِيّٗا﴾: تنها شدند و به مشاوره پرداختند.

80- ﴿مَا فَرَّطتُمۡ﴾: کوتاهی کردید «ما» زاید است.

82- ﴿ٱلۡعِيرَ﴾: کاروان.

83- ﴿سَوَّلَتۡ﴾: آراسته و آسان کرده است.

84- ﴿يَٰٓأَسَفَىٰ﴾: ای اندوه بی‌کران.

84- ﴿وَٱبۡيَضَّتۡ عَيۡنَاهُ﴾: چشمانش را پرده گرفت و سفید شدند.

84- ﴿كَظِيمٞ﴾: خشم یا اندوه فراوان خویش را نهان می‌داشت.

85- ﴿تَفۡتَؤُاْ﴾: همیشه.

85- ﴿تَكُونَ حَرَضًا﴾: مریض شوی و به آستانه مرگ قرار بگیری.

86- ﴿بَثِّي﴾: غم و اندوه سنگینم را.

87- ﴿فَتَحَسَّسُواْ مِن يُوسُفَ﴾: یوسف را جستجو و پیدا کنید. رَوْحِ اللهِ: رحمت خدا.

88- ﴿ٱلضُّرُّ﴾: لاغری از شدت گرسنگی.

88- ﴿بِبِضَٰعَةٖ مُّزۡجَىٰةٖ﴾: متاع از رواج افتاده، بد و تباه.

91- ﴿ءَاثَرَكَ ٱللَّهُ﴾: تو را بر ما فضیلت و برتری داده است.

92- ﴿لَا تَثۡرِيبَ عَلَيۡكُمُ﴾: هیچ توبیخ و سرزنش نمی‌شوید.

93- ﴿يَأۡتِ بَصِيرٗا﴾: از خوشحالی زیاد بینا می‌شود.

94- ﴿فَصَلَتِ ٱلۡعِيرُ﴾: کاروان از دیار مصر فاصله گرفت.

94- ﴿لَوۡلَآ أَن تُفَنِّدُونِ﴾: اگر مرا به بی‌خردی نسبت ندهید یا تکذیب نکنید.

95- ﴿ضَلَٰلِك﴾: نادرست فکر می‌کنی.

99- ﴿ءَاوَىٰٓ إِلَيۡهِ أَبَوَيۡهِ﴾: پدر و مادرش را نزد خود جای داد و دست به گردن هم انداختند.

100- ﴿سُجَّدٗا﴾: سجده کنان، در شریعت ایشان این کار درست بود.

100- ﴿ٱلۡبَدۡوِ﴾: بادیه.

100- ﴿نَّزَغَ ٱلشَّيۡطَٰنُ﴾: شیطان تخم فساد افکند.

101- ﴿فَاطِرَ...﴾: ای خالق و آفریدگار. . .

102- ﴿أَجۡمَعُوٓاْ أَمۡرَهُمۡ﴾: قصد کردند تا در برابر یوسف دست به حیله بزنند.

105- ﴿كَأَيِّن مِّنۡ ءَايَةٖ﴾: بسیاری از نشانه‌های خدا.

107- ﴿غَٰشِيَةٞ﴾: عذابی‌که دامنگیر همگان شود.

107- ﴿بَغۡتَةٗ﴾: ناگهان.

110- ﴿ٱسۡتَيۡ‍َٔسَ ٱلرُّسُلُ﴾: پیامبران به اثر طولانی شدن زمان از نصرت نومید شدند.

110- ﴿ظَنُّوٓاْ﴾: پیامران گمان کردند یا احساس درونی به آنها دست داد.

110- ﴿بَأۡسُنَا﴾: عذاب ما.

111- ﴿عِبۡرَةٞ﴾: پند و بيدار كنندۀ غافلان است.

111- ﴿يُفۡتَرَىٰ﴾ : به دروغ بافته شود.

سورۀ رعد

2- ﴿بِغَيۡرِ عَمَدٖ﴾: بدون ستون.

2- ﴿ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِ﴾: استوایی‌که لایق او تعالی است.

2- ﴿يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَ﴾: همه عالم را به قدرت و حکمت اداره می‌کند.

3- ﴿مَدَّ ٱلۡأَرۡضَ﴾: زمین را گسترده است به مشاهدۀ چشم.

3- ﴿رَوَٰسِيَ﴾: کوه‌های پا برجا تا زمین تکان نخورد.

3- ﴿زَوۡجَيۡنِ﴾: دو گونه.

3- ﴿يُغۡشِي ٱلَّيۡلَ ٱلنَّهَارَ﴾: روز را با تاریکی شب می‌پوشاند یا به عکس.

4- ﴿قِطَع﴾: قطعه‌ها با طبایع و صفات مختلف.

4- ﴿نَخِيلٞ صِنۡوَانٞ﴾: درختهای خرمایی‌که از یک ریشه برویند.

4- ﴿ٱلۡأُكُلِ﴾: خوردنی‌ها، میوه و دانه.

5- ﴿ٱلۡأَغۡلَٰلُ﴾: غل و زنجیر.

6- ﴿ٱلۡمَثُلَٰتُ﴾: عذاب فضیحت باری‌که دامنگیر امثال ایشان گردیده.

6- ﴿مَغۡفِرَةٖ لِّلنَّاسِ﴾: نسبت به انسان پرده پوش است و به آنها مهلت می‌‌دهد.

8- ﴿مَا تَغِيضُ ٱلۡأَرۡحَامُ﴾: آنچه را رَحم سقط می‌کند.

8- ﴿بِمِقۡدَارٍ﴾: به اندازه و محدود که از آن تجاوز نمی‌کند.

9- ﴿ٱلۡكَبِيرُ﴾: بزرگواری‌که همه اشیاء زیر دست او هستند.

9- ﴿ٱلۡمُتَعَالِ﴾: برتر از همه چیز به قدرت خود(**[[3]](#footnote-3)**).

10- ﴿سَارِب﴾: در راه خویش آشکار برود.

11- ﴿لَهُۥ مُعَقِّبَٰتٞ﴾: برای حفظ او فرشتگان پی‌درپی می‌آیند.

11- ﴿مِنۡ أَمۡرِ ٱللَّهِ﴾: به فرمان خدا.

11- ﴿مِن وَالٍ﴾: یار و یاور یا کسی‌که عهده‌دار امورایشان باشد.

12- ﴿ٱلسَّحَابَ ٱلثِّقَالَ﴾: ابر سنگین و پر آب.

13- ﴿شَدِيدُ ٱلۡمِحَال﴾: عذابی دشوار دارد یا بسیار قوی است.

14- ﴿لَهُۥ دَعۡوَةُ ٱلۡحَقِّ﴾: دعوت حق، کلمه توحید از آن خداست.

15- ﴿وَلِلَّهِۤ يَسۡجُدُۤ﴾: به فرمان خدا گردن می‌نهد.

15- ﴿ظِلَٰلُهُم﴾: سایه‌های آنها هم به فرمان خدا گردن می‌نهند.

15- ﴿بِٱلۡغُدُوّ﴾: به اول روز.

15- ﴿وَٱلۡأٓصَالِ۩﴾: به آخر روز.

17- ﴿بِقَدَرِهَا﴾: به اندازه که حکمت خدا اقتضا کند.

17- ﴿زَبَدٗا﴾: کف و خاشاک روی آب.

17- ﴿رَّابِيٗا﴾: بلند آمده و پرباد.

17- ﴿زَبَد﴾: آنچه وقت گداختن از فلزات جدا شود.

17- ﴿جُفَآء﴾: دور انداخته یا پراکنده می‌شود.

18- ﴿بِئۡسَ ٱلۡمِهَاد﴾: جهنم جایگاه بد است.

22- ﴿يَدۡرَءُونَ﴾: دفع و گذشت می‌کنند.

22- ﴿عُقۡبَى ٱلدَّارِ﴾: فرجام منزلگاه آخرت پسندیده، جنت است.

25- ﴿سُوٓءُ ٱلدَّارِ﴾: عاقبت زشت آن، دوزخ.

26- ﴿يَقۡدِر﴾: روزی هرکه را بخواهد به اقتضای حکمتی کم می‌کند.

26- ﴿مَتَٰعٞ﴾: چیز اندک و ناپایدار.

27- ﴿أَنَابَ﴾: قلباً به خدا رجوع کند.

29- ﴿طُوبَىٰ لَهُمۡ﴾: در آخرت زندگانی برای آنها خوش است.

29- ﴿حُسۡنُ مَ‍َٔاب﴾: بهترین مرجع و جای بازگشت.

30- ﴿إِلَيۡهِ مَتَابِ﴾: توبه و بازگشت من تنها به سوی خداست.

31- ﴿أَفَلَمۡ يَاْيۡ‍َٔسِ﴾: آیا ندانسته‌اند و برای شان آشکار نشده است.

31- ﴿قَارِعَة﴾: مصیبتی‌که آنها را به اقسام بلاها بکوبد.

32- ﴿فَأَمۡلَيۡت﴾: مهلت دادم و امنیت و راحت ایشان را طولانی ساختم.

34- ﴿وَاق﴾: نگاهدارنده و پناه دهنده.

35- ﴿أُكُلُهَا دَآئِمٞ﴾: میوه‌های آن دایمی‌است.

36- ﴿إِلَيۡهِ مَ‍َٔابِ﴾: بازگشت من برای جزا تنها به‌سوی خداست.

38- ﴿لِكُلِّ أَجَلٖ كِتَابٞ﴾: به حکمت بالغه الهی برای هر زمانی حکمی تعیین شده است.

39- ﴿أُمُّ ٱلۡكِتَٰبِ﴾: لوح محفوظ یا علم الهی.

41- ﴿لَا مُعَقِّبَ لِحُكۡمِهِۦ﴾: هیچ کس نمی‌تواند حکم او را رد یا باطل کند.

سورۀ ابراهيم

1- ﴿بِإِذۡنِ رَبِّهِمۡ﴾: به توفیق یا به امر خدا.

1- ﴿ٱلۡعَزِيز﴾: غالب یا بی‌مثل و مانند.

1- ﴿ٱلۡحَمِيدِ﴾: ستوده و ستایش شده.

2- ﴿وَيۡلٞ﴾: هلاکت یا حسرت یا وادیی است در جهنم.

3- ﴿يَسۡتَحِبُّونَ﴾: اختیار می‌کنند و ترجیح می‌دهند.

3- ﴿يَبۡغُونَهَا عِوَجًا﴾: می‌خواهند این راه کج باشد.

5- ﴿بِأَيَّىٰمِ ٱللَّهِ﴾: نعمتهای خدا یا بلاهای‌که بر امت‌های گذشته وارد کرد.

6- ﴿يَسُومُونَكُم﴾: به شما می‌چشاندند و به کارهای دشوارتان می‌گماشتند.

6- ﴿يَسۡتَحۡيُونَ نِسَآءَكُمۡ﴾: دختران شما را برای خدمت زنده می‌گذاشتند.

6- ﴿بَلَآءٞ﴾: امتحانی بود به نعمت و شکنجه.

7- ﴿تَأَذَّنَ رَبُّكُمۡ﴾: پروردگار شما به تأکید اعلام فرمود.

9- ﴿فَرَدُّوٓاْ أَيۡدِيَهُمۡ فِيٓ أَفۡوَٰهِهِمۡ﴾: از شدت خشم بر پیامبران و گفتار ایشان انگشتان خویش را به دندان گرفتند.

9- ﴿مُرِيب﴾: شک و اضطراب‌آور.

10- ﴿فَاطِر﴾: آفریدگار.

10- ﴿بِسُلۡطَٰنٖ﴾: حجت روشن به صدق گفتار خود.

14- ﴿خَافَ مَقَامِي﴾: از ایستادن به حضور من در روز قیامت بترسد.

15- ﴿ٱسۡتَفۡتَحُواْ﴾: پیامبران علیه ستمگران از خدا کمک خواستند.

15- ﴿خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ﴾: همه متکبران سرکش نابود شدند.

15- ﴿عَنِيدٖ﴾: ستیزه‌گر و دور از حق.

16- ﴿صَدِيد﴾: زردابی ‌که از بدن دوزخیان روان می‌شود.

17- ﴿يَتَجَرَّعُهُ﴾: آن آب را به زحمت فرو می‌برد چون گرم و تلخ است.

17- ﴿لَا يَكَادُ يُسِيغُهُ﴾: از شدت زشتی و بوی بدش نتواند به آسانی ببلعد.

18- ﴿يَوۡمٍ عَاصِفٖ﴾: روز طوفانی‌که باد به شدت بوزد.

21- ﴿بَرَزُواْ﴾: از قبرها بخاطر حساب بیرون می‌شوند.

21- ﴿مُّغۡنُونَ عَنَّا﴾: از ما دفاع می‌کنید.

21- ﴿مَّحِيصٖ﴾: جای فرار و نجات.

22- ﴿سُلۡطَٰنٍ﴾: تسلط یا حجت.

22- ﴿بِمُصۡرِخِكُمۡ﴾: نجات دهنده شما از عذاب.

22- ﴿بِمُصۡرِخِيَّ﴾: مرا از عذاب نجات دهید.

24- ﴿كَلِمَةٗ طَيِّبَةٗ﴾: کلمه توحید و اسلام.

25- ﴿تُؤۡتِيٓ أُكُلَهَا﴾: میوه می‌دهد.

26- ﴿كَلِمَةٍ خَبِيثَةٖ﴾: سخن كفر و گمراهی.

26- ﴿ٱجۡتُثَّتۡ﴾: تنه‌اش از رشیه جدا شد.

27- ﴿فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا﴾: در قبر هنگام سؤال.

28- ﴿دَارَ ٱلۡبَوَار﴾: سرای تباهی، جهنم.

29- ﴿يَصۡلَوۡنَهَا﴾: در آن داخل می‌شوند یا سختی آتش وی را می‌کشند.

30- ﴿أَندَادٗا﴾: همتایان یعنی بتها را پرستش کردند.

31- ﴿لَا خِلَٰلٌ﴾: نه دوستی است و نه محبت.

33- ﴿دَآئِبَيۡنِ﴾: برای منافع و مصالح شما همواره در جریانند.

34- ﴿لَا تُحۡصُوهَآ﴾: توان شمارش آن را ندارید ‌که بی‌نهایت است.

35- ﴿وَٱجۡنُبۡنِي﴾: مرا دور نگهدار.

37- ﴿تَهۡوِيٓ إِلَيۡهِمۡ﴾: به‌سوی آنها به شوق بشتابد.

42- ﴿تَشۡخَصُ فِيهِ ٱلۡأَبۡصَٰرُ﴾: در آن روز چشم‌ها از ترس باز و پلک‌ها بی‌حرکت می‌مانند.

43- ﴿مُهۡطِعِينَ﴾: به ذلت به‌سوی دعوت کننده می‌شتابند.

43- ﴿مُقۡنِعِي رُءُوسِهِمۡ﴾: سرهای خود را بالا گرفته و مدام به جلو نگاه می‌کنند.

43- ﴿أَفۡ‍ِٔدَتُهُمۡ هَوَآءٞ﴾: دلهای‌شان تهی و از شدت حیرت چیزی را نمی‌فهمند.

48- ﴿بَرَزُواْ لِلَّهِ﴾: از قبرها بیرون می‌آیند و بخاطر حساب به پیشگاه خدا حاضر می‌شوند.

49- ﴿مُّقَرَّنِينَ﴾: به یکدیگر بسته شده‌اند.

49- ﴿ٱلۡأَصۡفَادِ﴾: زنجیرها یا غل‌ها.

50- ﴿سَرَابِيلُهُم﴾: لباس‌هاشان.

50- ﴿تَغۡشَىٰ وُجُوهَهُمُ﴾: روی‌های‌ ایشان را می‌پوشاند.

52- ﴿بَلَٰغٞ لِّلنَّاسِ﴾: پند و اندارز کامل است برای مردم.

سورۀ حِجْر

2- ﴿رُّبَمَا﴾: «رُبَّ» برای تقلیل و «ما» زاید است، چه بسا.

3- ﴿ذَرۡهُم﴾: به حال خود رهاشان کن.

4- ﴿لَهَا كِتَابٞ﴾: زمان آن معلوم و در لوح محفوظ نوشته است.

7- ﴿لَّوۡ مَا تَأۡتِينَا﴾: چرا برای ما نمی‌آوری.

8- ﴿إِلَّا بِٱلۡحَقِّ﴾: جز به مقتضای حکمت.

9- ﴿ٱلذِّكۡرَ﴾: قرآن را.

10- ﴿شِيَعِ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: گروه‌های ملت‌های پیشین.

12- ﴿نَسۡلُكُهُ﴾: قرآن را داخل می‌کنیم در حالی‌که به آن استهزا می‌کنند.

13- ﴿خَلَتۡ سُنَّةُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: این سنت الهی است که هر‌کس پیامبران را تکذیب کند نابود می‌شود.

14- ﴿يَعۡرُجُون﴾: مشرکان صعود کنند و فرشتگان و اشیای شگفت‌انگیز را ببینند.

15- ﴿سُكِّرَتۡ أَبۡصَٰرُنَا﴾: چشم بندی است.

16- ﴿بُرُوجٗا﴾: منازلی برای ستارگان سیار.

17- ﴿رَّجِيمٍ﴾: مطرود یا مرجوم با ستارگان.

18- ﴿ٱسۡتَرَقَ ٱلسَّمۡعَ﴾: دزدیده و پنهانی از عالم بالا چیزی را گوش داد.

18- ﴿فَأَتۡبَعَهُۥ﴾: به او می‌رسد.

18- ﴿شِهَابٞ﴾: شعله آتش که به سرعت از آسمان پایین می‌آید.

18- ﴿مُّبِينٞ﴾: آشکار به چشم بینندگان.

19- ﴿ٱلۡأَرۡضَ مَدَدۡنَٰهَا﴾: زمین را بخاطر بهره‌گیری از آن گسترش دادیم.

19- ﴿رَوَٰسِيَ﴾: کوه‌های پا بر جا تا تکان نخورد.

19- ﴿مَّوۡزُونٖ﴾: اندازه کرده شد به میزان حکمت.

20- ﴿مَعَٰيِشَ﴾: خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را که وسیله زندگانی شماست.

21- ﴿عِندَنَا خَزَآئِنُهُۥ﴾: ما به ایجاد و تدبیر خزانه‌های ارزاق توانا هستیم.

21- ﴿نُنَزِّلُهُۥ﴾: او را ایجاد می‌کنیم یا عطا می‌نماییم.

21- ﴿بِقَدَرٖ مَّعۡلُومٖ﴾: به اندازه معین به مقتضای حکمت.

22- ﴿ٱلرِّيَٰحَ لَوَٰقِحَ﴾: بادها را که ابر یا آب را می‌‌برند یا درخت‌ها را آبستن می‌کنند.

23- ﴿نَحۡنُ ٱلۡوَٰرِثُون﴾: بعد از نابودی آفرینش ما پاینده و باقی هستیم.

26- ﴿صَلۡصَٰلٖ﴾: گِل خشک مانند سفال.

26- ﴿حَمَإٖ﴾: گِل سیاه و تغییر یافته.

27- ﴿نَّارِ ٱلسَّمُومِ﴾: باد نهایت گرم و کشنده.

29- ﴿سَوَّيۡتُهُ﴾: شکل و صورت او را کامل کردم به جهت دمیدن روح.

29- ﴿سَٰجِدِين﴾: سجده کنید سجده سلام و تحیت نه سجده عبادت.

31- ﴿أَبَىٰٓ﴾: از کبر و سرکشی امتناع کرد.

32- ﴿مَا لَكَ﴾: هدفت چیست یا عذرت چیست.

34- ﴿رَجِيم﴾: از رحمت خدا دوری.

35- ﴿ٱللَّعۡنَةَ﴾: به غضب از خود دور کردن.

36- ﴿فَأَنظِرۡنِيٓ﴾: مهلتم بده و مرگم را به تأخیر انداز.

38- ﴿ٱلۡوَقۡتِ ٱلۡمَعۡلُومِ﴾: وقت نفخه اول.

39- ﴿لَأُغۡوِيَنَّهُمۡ﴾: آنها را گمراه می‌کنم.

40- ﴿ٱلۡمُخۡلَصِينَ﴾: کسانی‌که به طاعت خود برگزیده‌ای.

41- ﴿صِرَٰطٌ عَلَيَّ﴾: راهی است که مراعات آن بر من واجب.

42- ﴿سُلۡطَٰنٌ﴾: تسلط و توانایی بر گمراه کردن.

44- ﴿جُزۡءٞ مَّقۡسُومٌ﴾: گروه معین متمایز از دیگران.

47- ﴿غِلٍّ﴾: کینه، عناد و دشمنی.

48- ﴿نَصَبٞ﴾: هیچ خستگی و رنجی.

51- ﴿ضَيۡفِ إِبۡرَٰهِيمَ﴾: مهمانان او که از فرشتگان بودند.

52- ﴿وَجِلُون﴾: هراسانیم.

55- ﴿ٱلۡقَٰنِطِينَ﴾: نومید از خیر یا فرزند.

57- ﴿فَمَا خَطۡبُكُمۡ﴾: کار مهم شما چیست؟

60- ﴿قَدَّرۡنَآ﴾: دانستیم یا حکم کردیم.

62- ﴿قَوۡمٞ مُّنكَرُونَ﴾: گروهی ناآشنایید، من شما را نمی‌شناسم.

63- ﴿فِيهِ يَمۡتَرُونَ﴾: در آمدن عذاب شک داشتند و تو را تکذیب می‌کردند.

65- ﴿بِقِطۡعٖ مِّنَ ٱلَّيۡلِ﴾: به قسمتی از شب یا آخر آن.

65- ﴿ٱتَّبِعۡ أَدۡبَٰرَهُمۡ﴾: از دنبال آنها برو تا از احوال‌شان با خبر باشی.

66- ﴿وَقَضَيۡنَآ إِلَيۡهِ﴾: به لوط وحی فرستادیم.

66- ﴿دَابِرَ هَٰٓؤُلَآءِ﴾: آخرین نفر آنها، جمیع آنها.

66- ﴿مُّصۡبِحِينَ﴾: هنگام صبح.

70- ﴿عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾: از پناه دادن و مهمان کردن مردم.

72- ﴿لَعَمۡرُك﴾: ای محمد، به جان تو سوگند.

72- ﴿سَكۡرَتِهِمۡ﴾: بی‌‌راهی و گمراهی خود.

72- ﴿يَعۡمَهُون﴾: راه راست را نمی‌دیدند یا حیران بودند.

73- ﴿ٱلصَّيۡحَةُ﴾: آواز کشنده از آسمان.

73- ﴿مُشۡرِقِينَ﴾: وقت آفتاب برآمدن.

74- ﴿سِجِّيلٍ﴾: گِل سخت پخته شده با آتش.

75- ﴿لِّلۡمُتَوَسِّمِينَ﴾: به اهل فراست و اندیشه.

76- ﴿لَبِسَبِيلٖ مُّقِيمٍ﴾: بر سر راه معلوم، ثابت و پر رفت و آمد قرار دارد.

78- ﴿أَصۡحَٰبُ ٱلۡأَيۡكَةِ﴾: باشندگان سرزمین پر درخت و درهم پیچیده، قوم شعیب.

79- ﴿إِنَّهُمَا﴾: شهرهای قوم لوط و ایکه.

79- ﴿لَبِإِمَامٖ مُّبِينٖ﴾: در سر راه آشکار هستند که در آنجا سفر می‌کنند.

80- ﴿ٱلۡحِجۡرِ﴾: دیار ثمود بین مدینه و شام.

83- ﴿مُصۡبِحِينَ﴾: هنگام صبح.

87- ﴿سَبۡعٗا﴾: سوره فاتحه که هفت آیه است.

87- ﴿مِّنَ ٱلۡمَثَانِي﴾: قرائت آن در نماز تکرار می‌شود «مِن» بیانیه است.

88- ﴿أَزۡوَٰجٗا مِّنۡهُمۡ﴾: گروه‌های از کفار.

88- ﴿وَٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ﴾: فروتنی کن و نرمی نما.

90- ﴿ٱلۡمُقۡتَسِمِينَ﴾: تقسیم کنندگان، اهل کتاب.

91- ﴿عِضِينَ﴾: بخش بخش، به قسمتی از قرآن ایمان آوردند و به قسمتی کافر شدند.

94- ﴿فَٱصۡدَعۡ بِمَا تُؤۡمَرُ﴾: رسالت خویش را آشکار کن یا اجرا نما.

99- ﴿ٱلۡيَقِينُ﴾: مرگ ‌که وقوع آن یقینی است.

سورۀ نحل

2- ﴿بِٱلرُّوحِ﴾: به وحی از جمله قرآن.

4- ﴿نُّطۡفَةٖ﴾: آب حقیر.

4- ﴿هُوَ خَصِيمٞ﴾: او حق ستیز است.

5- ﴿ٱلۡأَنۡعَٰم﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.

5- ﴿فِيهَا دِفۡءٞ﴾: هنگام سردی خود را به وسیله آن گرم نگاه می‌دارید.

6- ﴿فِيهَا جَمَالٌ﴾: در آنها تجمل، زینت و وجاهت است.

6- ﴿حِينَ تُرِيحُونَ﴾: هنگام غروب آنها را به جای شب‌شان می‌آورید.

6- ﴿حِينَ تَسۡرَحُونَ﴾: بامداد که آنها را به چرا می‌برید.

7- ﴿تَحۡمِلُ أَثۡقَالَكُمۡ﴾: کالای گران بار شما را برمی‌دارند.

7- ﴿بِشِقِّ ٱلۡأَنفُسِ﴾: با رنج و مشقت خود.

9- ﴿قَصۡدُ ٱلسَّبِيلِ﴾: بیان راه راست و هموار.

9- ﴿مِنۡهَا جَآئِرٞ﴾: برخی از راه‌ها کج هستند.

10- ﴿فِيهِ تُسِيمُونَ﴾: چهار پایان خود را در آن می‌چرانید.

13- ﴿مَا ذَرَأَ لَكُمۡ﴾: آنچه برای منافع شما خلق‌کرده است.

14- ﴿تَسۡتَخۡرِجُواْ مِنۡهُ﴾: از بحر خصوصاً از اقیانوس برون آورید.

14- ﴿مَوَاخِرَ فِيهِ﴾: در دریا روان هستند و آب را به شدت می‌شکافند.

15- ﴿رَوَٰسِيَ﴾: کوه‌های پابرجا.

15- ﴿أَن تَمِيدَ بِكُمۡ﴾: تا شما را نلرزاند و پریشان نکند.

16- ﴿عَلَٰمَٰت﴾: نشانه‌های سر راه که با آنها راه خود را پیدا می‌کنید.

18- ﴿لَا تُحۡصُوهَآ﴾: توان شمردن آن را ندارید که بی‌پایان است.

23- ﴿لَا جَرَمَ﴾: ثابت است یا ناچار یا در حقیقت.

24- ﴿أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: چیزهای باطل‌که به کتب آنها نوشته است.

25- ﴿أَوۡزَارَهُم﴾: گناهان خود را.

26- ﴿ٱلۡقَوَاعِد﴾: ستونها و پایه‌‌ها یا بنیاد.

27- ﴿يُخۡزِيهِمۡ﴾: آنها را با شکنجه و عذاب خوار و ذلیل می‌کند.

27- ﴿تُشَٰٓقُّونَ فِيهِمۡ﴾: درباره آنها با پیامبران دشمنی و ستیز می‌کردید.

27- ﴿ٱلۡخِزۡيَ﴾: ذلت و رسوایی.

27- ﴿ٱلسُّوٓءَ﴾: عذاب.

28- ﴿فَأَلۡقَوُاْ ٱلسَّلَمَ﴾: گردن نهادند و اظهار فروتنی کردند.

29- ﴿مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ﴾: مسکن و جای متکبران.

32- ﴿طَيِّبِينَ﴾: از پلیدی شرک و عصیان پاکند.

34- ﴿حَاقَ بِهِم﴾: آنها را احاطه‌کرد یا بر آنها فرود آمد.

36- ﴿ٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ﴾: از پرستش معبودهای باطل و تمام آنهایی‌که به ‌گمراهی دعوت می‌کنند اجتناب کنید.

36- ﴿حَقَّتۡ﴾: واجب و حتمی شد.

38- ﴿جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ﴾: با قسم‌های غلیظ و مؤکد کوشیدند.

41- ﴿لَنُبَوِّئَنَّهُمۡ﴾: بدون شک آنها را جای می‌دهیم.

41- ﴿حَسَنَةٗ﴾: خانه، جای آرامش یا بخششی نیکو.

44- ﴿بِٱلۡبَيِّنَٰتِ﴾: آنها را با معجزه‌ها فرستادیم.

44- ﴿ٱلزُّبُرِ﴾: کتاب‌های آسمانی‌که بیانگر قوانین الهی هستند.

45- ﴿يَخۡسِفَ﴾: فرو ‌برد.

46- ﴿تَقَلُّبِهِمۡ﴾: سفرها وتجارت‌های آنها.

46- ﴿بِمُعۡجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی‌‌توانند فرار کنند.

47- ﴿تَخَوُّفٖ﴾: ازترس عذاب یا کم شدن تدریجی اشخاص و اموال شان.

48- ﴿مِن شَيۡءٖ﴾: هر جسم استاده و دارای سایه.

48- ﴿يَتَفَيَّؤُاْ ظِلَٰلُهُۥ﴾: سایه‌های آن از جانبی به جانب دیگر حرکت می‌کند.

48- ﴿سُجَّدٗا لِّلَّهِ﴾: فرمانبردار او تعالی.

48- ﴿هُمۡ دَٰخِرُونَ﴾: سایه‌ها نیز مانند صاحبان خود مطیع هستند.

52- ﴿لَهُ ٱلدِّينُ﴾: تنها از خدای یگانه طاعت لازم است.

52- ﴿وَاصِبًا﴾: دایم، واجب یا خالص.

53- ﴿تَجۡ‍َٔرُونَ﴾: به زاری و ناله از او کمک می‌خواهید.

56- ﴿تَفۡتَرُونَ﴾: آن را به دروغ به خدا نسبت می‌دادید.

58- ﴿هُوَ كَظِيمٞ﴾: اعماق جانش پر از خشم و اندوه می‌شود.

59- ﴿يَتَوَٰرَى﴾: پنهان می‌شود.

59- ﴿هُونٍ﴾: خواری.

59- ﴿يَدُسُّهُ﴾: زنده‌ در گورش ‌كند.

60- ﴿مَثَلُ ٱلسَّوۡءِ﴾: صفت بد ، کفر و جهالت.

62- ﴿لَا جَرَمَ﴾: حق و راست است یا ناچار.

62- ﴿مُّفۡرَطُونَ﴾: پیشاپیش به دوزخ فرستاده می‌شوند.

66- ﴿لَعِبۡرَةٗ﴾: پند بزرگ و نشانه قدرت ماست.

66- ﴿فَرۡث﴾: سرگین شکمبه.

67- ﴿سَكَرٗا﴾: شراب را، سپس به مدینه تحریم شد.

68- ﴿أَوۡحَىٰ رَبُّكَ﴾: پروردگارت وحی کرد، وحی در اینجا به معنی الهام و راه‌نمایی یا تسخیر است.

68- ﴿بُيُوتٗا﴾: خانه‌ها، زنبور عسل آن را برای تهیه عسل می‌سازد.

68- ﴿يَعۡرِشُون﴾: کندوهایی‌‌‌که برای زنبور عسل می‌سازند.

69- ﴿ذُلُلٗا﴾: رام و آسان برای تو.

70- ﴿أَرۡذَلِ ٱلۡعُمُرِ﴾: بدترین و زبون‌ترین دوره عمر، بسیار پیر و خرف شدن.

71- ﴿فَهُمۡ فِيهِ سَوَآءٌ﴾: تا آنها و بردگانشان در رزق مساوی باشند؟ نه.

72- ﴿حَفَدَةٗ﴾: خدمتگارها و همکارها یا نبیرگان.

76- ﴿أَحَدُهُمَآ أَبۡكَمُ﴾: یکی از آن دو گنگ مادرزاد.

76- ﴿هُوَ كَلّ﴾: او نان خور اضافی و سربار است.

77- ﴿كَلَمۡحِ ٱلۡبَصَرِ﴾: مانند یک نگاه پنهانی.

80- ﴿تَسۡتَخِفُّونَهَا﴾: آنها را سبکبار می‌یابید.

80- ﴿يَوۡمَ ظَعۡنِكُمۡ﴾: وقت سفر خود.

80- ﴿أَثَٰثٗا﴾: اثاث خانه‌های شما مثل فرش.

80- ﴿مَتَٰعًا﴾: اسباب که در زندگی و تجارت از آن بهر می‌گیرید.

81- ﴿ظِلَٰلٗا﴾: چیز‌های‌که از سایه آنها استفاده می‌کنید مانند درختها.

81- ﴿أَكۡنَٰنٗا﴾: مغاره‌ها که در آن پناه می‌برید.

81- ﴿سَرَٰبِيل﴾: لباس‌ها یا جوشن‌ها.

81- ﴿تَقِيكُم بَأۡسَكُمۡ﴾: در جنگ‌ها شما را از شمشیر و نیزه نگه می‌دارد.

84﴿لَا هُمۡ يُسۡتَعۡتَبُونَ﴾: از آنها خواسته نمی‌شود که هم اکنون پروردگار خود را خوشنود سازند.

85- ﴿لَا هُمۡ يُنظَرُونَ﴾: مهلت داده نمی‌شوند و عذابشان به تأخیر نمی‌افتد.

87- ﴿ٱلسَّلَمَ﴾: گردن نهادن به حکم او تعالی.

90- ﴿يَأۡمُرُ بِٱلۡعَدۡلِ﴾: خدا در امور اعتقادی، عملی و اخلاقی به اعتدال و میانه‌روی دستور می‌دهد. ﴿َٱلۡإِحۡسَٰنِ﴾: کار درست یا نفع رساندن به مردم. ﴿ٱلۡفَحۡشَآءِ﴾: گناهان بسیار زشت.

90- ﴿ٱلۡبَغۡيِ﴾: سرکشی و ظلم بر مردم.

91- ﴿كَفِيلًا﴾: شاهد، مراقب و ضامن.

92- ﴿قُوَّةٍ﴾: محکم تابیدن.

92- ﴿أَنكَٰثٗا﴾: تاب ریسمان را گشودن.

92- ﴿دَخَلَۢا بَيۡنَكُمۡ﴾: در میان خود وسیله فساد، خیانت و فریب.

92- ﴿أَن تَكُونَ أُمَّةٌ﴾: تا گروهی باشد.

92- ﴿هِيَ أَرۡبَىٰ﴾: بسیارتر، قویتر و ثروتمندتر.

92- ﴿يَبۡلُوكُمُ ٱللَّهُ بِهِ﴾: خدا شما را به این وسیله می‌آزماید که آیا به عهد خویش وفا می‌کنید.

94- ﴿فَتَزِلَّ قَدَمُۢ﴾: پای‌تان از راه روشن اسلام می‌لغزد.

96- ﴿يَنفَد﴾: نیست و نابود می‌شود.

98- ﴿فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِ﴾: به لطف خدا پناه ببر.

99- ﴿سُلۡطَٰنٌ﴾: تسلط و قدرت.

100- ﴿يَتَوَلَّوۡنَهُ﴾: او را دوست و فرمانروا انتخاب می‌کنند.

102- ﴿رُوحُ ٱلۡقُدُسِ﴾: روح پاکیزه، جبریل.

103- ﴿يُلۡحِدُونَ إِلَيۡهِ﴾: به آن نسبت می‌دهند که پیامبر را آموزش می‌دهد.

107- ﴿ٱسۡتَحَبُّوا﴾: برتر دانستند و برگزیدند.

108- ﴿طَبَع﴾: مهر نهاده است.

109- ﴿لَا جَرَمَ﴾: ثابت است یا ناچار یا در حقیقت.

110- ﴿لِلَّذِينَ هَاجَرُواْ﴾: یار و یاور مهاجرین است.

110- ﴿فُتِنُواْ﴾: بخاطر اسلام گرفتار رنج و عذاب شدند.

112- ﴿رَغَدٗا﴾: پاکیزه، فراوان یا گوارا و بی‌زحمت.

115- ﴿ٱلدَّمَ﴾: خون جاری.

115- ﴿لَحۡمَ ٱلۡخِنزِيرِ﴾: تمام اجزای بدن خوک.

115- ﴿أُهِلَّ لِغَيۡرِ ٱللَّهِ بِهِۦ﴾: هنگام سربریدن آن اسم غیر خدا ذکر شود.

115- ﴿ٱضۡطُرّ﴾: نیازمندی مجبورش ساخته تا چیزهای حرام را بخورد.

115- ﴿غَيۡرَ بَاغٖ﴾: برای کسب لذت محرمات را نخورد یا همیشه این حالت را اختیار نکند.

115- ﴿لَا عَادٖ﴾: از سدرمق تجاوز نکند.

120- ﴿كَانَ أُمَّةٗ﴾: ابراهیم ÷ معلم خوبی‌ها یا یگانه مؤمن بود.

120- ﴿قَانِتٗا لِّلَّهِ﴾: فرمانبردار اوتعالی.

120- ﴿حَنِيفٗا﴾: از باطل رو گردان و مایل به دین حق بود.

121- ﴿ٱجۡتَبَىٰهُ﴾: او را به نبوت برگزید.

123- ﴿مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ﴾: شریعت او که یکتا پرستی است.

124- ﴿جُعِلَ ٱلسَّبۡتُ﴾: تعظيم شنبه و فراغت برای عبادت در آن روز فرض شد.

127- ﴿ضَيۡق﴾: دلتنگ.

سورۀ اسراء

1- ﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِيٓ﴾: پاک و منزه است ذاتی‌که قدرت او مایه شگفتی‌هاست.

1- ﴿أَسۡرَىٰ بِعَبۡدِهِۦ﴾: براق را گماشت که او ج را شب هنگام ببرد.

1- ﴿لِنُرِيَهُ﴾: تا او را جانب آسمان بریم و به او نشان دهیم.

2- ﴿وَكِيلٗا﴾: امور خویش را به خدا سپارید.

3- ﴿ذُرِّيَّةَ...﴾: نسل خاص و یا ای فرزندان. . .

4- ﴿قَضَيۡنَآ إِلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ﴾: به بنی‌‌اسرائیل اخبارکردیم که شما دو بار فتنه و فساد برپا می‌کنید.

4- ﴿لَتَعۡلُنَّ﴾: در ظلم و سرکشی افراط خواهید کرد.

5- ﴿وَعۡدُ أُولَىٰهُمَا﴾: وعده عذابی‌که به فتنه و فساد اول معین شده بود.

5- ﴿أُوْلِي بَأۡسٖ﴾: نیرومند، مهاجم، تند و سریع در کارزار.

5- ﴿فَجَاسُواْ﴾: برای دست گیری شما با تمام نیرو به جستجو پردازند.

5- ﴿خِلَٰلَ ٱلدِّيَارِ﴾: در خانه‌ها.

6- ﴿ٱلۡكَرَّة﴾: دولت و غلبه.

6- ﴿أَكۡثَرَ نَفِيرًا﴾: افراد یا قبایل شما را بیشتر از جمعیت دشمن‌تان قرار دادیم.

7- ﴿لِيَسُ‍ُٔواْ وُجُوهَكُمۡ﴾: تا شما را سخت اندوهگین ‌سازند که اثر آن در سیمای شما آشکار گردد.

7- ﴿لِيُتَبِّرُواْ﴾: تا به شدت نابود و ویران کنند.

7- ﴿مَا عَلَوۡاْ﴾: به هر چه تسلط‌ یابند.

8- ﴿حَصِيرًا﴾: زندان یا بستر و فرش.

9- ﴿هِيَ أَقۡوَمُ﴾: اسلام و یکتا پرستی درست‌ترین راه‌هاست.

12- ﴿ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ﴾: شب و روز یا تابش ماه و خورشید را.

12﴿فَمَحَوۡنَآ ءَايَةَ ٱلَّيۡلِ﴾: ماه را بی‌نور و تاریک آفریدیم.

12- ﴿ءَايَةَ ٱلنَّهَارِ مُبۡصِرَةٗ﴾: آفتاب را درخشان و وسیله دیدن چشم‌ها.

13- ﴿أَلۡزَمۡنَٰهُ طَٰٓئِرَهُ﴾: كار نامۀ عمل انسان را به او متصل و جدا نشدنی ساخيتم.

14- ﴿حَسِيبٗا﴾: محاسب.

15- ﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٞ...﴾: هیچ شخص گناهکاری گناه دیگری را بر نمی‌دارد.

16- ﴿أَمَرۡنَا مُتۡرَفِيهَا﴾: صاحبان ناز و نعمت آن دیار را به طاعت خدا دستور می‌دهیم.

16- ﴿فَفَسَقُواْ﴾: پس تمرد و عصیان نمایند.

16- ﴿فَدَمَّرۡنَٰهَا﴾: پس بنیاد آن دیار را برکنیم و آثارش را محو کنیم.

17- ﴿ٱلۡقُرُونِ﴾: مللی را که حقایق را تکذیب می‌کردند.

18- ﴿يَصۡلَىٰهَا﴾: به جهنم داخل ‌شود و رنج آتش سوزان آن را بکشد.

18- ﴿مَّدۡحُورٗا﴾: دور از رحمت خدا.

20- ﴿كُلّٗا نُّمِدُّ﴾: عطای هر دو گروه را پی‌درپی زیاد می‌کنیم.

20- ﴿مَحۡظُورًا﴾: از کسی‌که خدا خواسته باشد ممنوع نیست.

22- ﴿مَّخۡذُولٗ﴾: دور از نصرت و یاری خدا.

23- ﴿قَضَىٰ رَبُّكَ﴾: پروردگارت فرمان داد و حکم کرد.

23- ﴿أُفّٖ﴾: سخن دلتنگ کننده، ناپسند و ملال آور.

23- ﴿لَا تَنۡهَرۡهُمَا﴾: با آنها درشت خونباش، از انجام کاری ‌که نزد تو خوشایند نیست آنها را منع نکن.

23- ﴿قَوۡلٗا كَرِيمٗا﴾: سخن خوب و زیبا.

25- ﴿لِلۡأَوَّٰبِينَ﴾: برای توبه کنندگان از آنچه افراط کرده‌اند.

29- ﴿يَدَكَ مَغۡلُولَةً﴾: کنایه از بخل است.

29- ﴿تَبۡسُطۡهَا كُلَّ ٱلۡبَسۡطِ﴾: کنایه از اسراف و خرج بیهوده است.

29- ﴿مَّحۡسُورًا﴾: پشیمان یا درمانده و نیازمند.

30- ﴿يَقۡدِر﴾: روزی هر کسی را که بخواهد به مقتضای حکمت کم می‌کند.

31- ﴿خَشۡيَةَ إِمۡلَٰقٖ﴾: از ترس فقر و نیازمندی.

31- ﴿خِطۡ‍ٔٗا كَبِيرٗا﴾: گناهی بزرگ.

33- ﴿سُلۡطَٰنٗا﴾: می‌تواند قاتل را قصاص کند یا دیت بگیرد.

34- ﴿يَبۡلُغَ أَشُدَّهُۥ﴾: به کمال برسد، مال خود را حفظ و به گونه درست استفاده کند.

35- ﴿بِٱلۡقِسۡطَاسِ ٱلۡمُسۡتَقِيمِ﴾: به ترازوی راست و درست.

35- ﴿أَحۡسَنُ تَأۡوِيلٗا﴾: سرانجامش نیکوتر است.

36- ﴿لَا تَقۡفُ﴾: پیروی نکن.

37- ﴿مَرَحًا﴾: تکبر، خود پسندی.

39- ﴿مَّدۡحُورًا﴾: دور از رحمت خدا.

40- ﴿أَفَأَصۡفَىٰكُمۡ رَبُّكُم﴾: آیا پروردگارتان به شما برتری داده که شما را برگزیده است.

41- ﴿صَرَّفۡنَا﴾: سخن را به شیوه‌های مختلف بیان کردیم.

41\_ ﴿نُفُورٗا﴾: دوری و اعراض از حق.

42\_ ﴿لَّٱبۡتَغَوۡا﴾: بدون شک جستجو می‌كردند.

42- ﴿سَبِيلٗا﴾: راه منازعت و غلبه را.

45- ﴿حِجَابٗا مَّسۡتُورٗا﴾: پرده یا نهان از حس بینایی.

46- ﴿أَكِنَّةً﴾: پوشش‌های مانع شونده.

46- ﴿وَقۡرٗا﴾: کری و سنگینی شدید در شنوایی.

47- ﴿هُمۡ نَجۡوَىٰٓ﴾: در مورد تو با هم نجوا کنند.

47- ﴿مَّسۡحُورًا﴾: جادو شده یا خود ساحر است.

49- ﴿رُفَٰتًا﴾: اجزای ریزریز شده یا خاک و یا گرد و غبار.

51-﴿يَكۡبُرُ﴾: احتمال پذیرش حیات برای آن سخت و دشوار است.

51- ﴿فَطَرَكُمۡ﴾: شما را آفرید. ﴿فَسَيُنۡغِضُونَ﴾: به استهزا می‌جنبانند.

52- ﴿بِحَمۡدِهِۦ﴾: فرمانبردار و ستایش‌کنان.

53- ﴿يَنزَغُ بَيۡنَهُمۡ﴾: در میان آنها بدی و فساد را شعله‌ور می‌سازد.

54- ﴿وَكِيلٗا﴾: که امورشان بر تو سپرده شده باشد.

55- ﴿زَبُورٗا﴾: کتابی است که در او ستایش الهی و پند و اندرز ثبت است.

56- ﴿لَا تَحۡوِيلًا﴾: نمی‌توانند ضرر و زیانی را که دامنگیر شماست به دیگری‌که به عبادت ایشان نپرداخته انتقال دهند.

57- ﴿ٱلۡوَسِيلَة﴾: قربت را به طاعت و عبادت.

59- ﴿مُبۡصِرَةٗ﴾: معجزه آشکار.

59- ﴿فَظَلَمُواْ بِهَا﴾: ستمگرانه به آن کفر ورزیدند و نابود شدند.

60- ﴿أَحَاطَ بِٱلنَّاسِ﴾: خدا به علم و قدرت به مردم احاطه کامل دارد و همه در تصرف او هستند.

60- ﴿وَٱلشَّجَرَةَ ٱلۡمَلۡعُونَةَ﴾: درخت زقوم را، آزمایشی برای مردم قرار دادیم.

60\_ ﴿طُغۡيَٰنٗا﴾: تجاوز از حد در کفر و سرکشی.

62- ﴿أَرَءَيۡتَك﴾: به من خبر بده.

62- ﴿لَأَحۡتَنِكَنّ﴾: بدون شک بر فرزندانش غلبه می‌کنم یا با فریب ریشه‌شان را می‌کنم.

64- ﴿ٱسۡتَفۡزِزۡ﴾: استهانت کن، نادان بساز و از راه بیرون ببر.

64- ﴿بِخَيۡلِكَ وَرَجِلِكَ﴾: با کسانت‌که سواره و پیاده در راه معصیت قدم گذاشته‌اند.

65- ﴿عَلَيۡهِمۡ سُلۡطَٰن﴾: توانایی بر فریب آنها.

66- ﴿يُزۡجِي﴾: روان می‌کند و به نرمی به حرکت می‌‌آورد.

68- ﴿أَن يَخۡسِفَ بِكُمۡ﴾: که شما را در زمین فرو برد.

68- ﴿حَاصِبٗا﴾: باد تندی‌‌که بر شما سنگریزه پرتاب کند.

69- ﴿قَاصِفٗا﴾: باد تند، ویرانگر و کشنده.

69- ﴿تَبِيعٗا﴾: یارور یا کسی‌که انتقام شما را از ما بگیرد.

71- ﴿بِإِمَٰمِهِم﴾: با رهبرشان یا با کتاب‌شان.

71- ﴿فَتِيلٗا﴾: به اندازه رشته نازک بین هسته خرما.

73- ﴿لَيَفۡتِنُونَكَ﴾: تو را به فریب منحرف سازند.

73- ﴿لِتَفۡتَرِيَ عَلَيۡنَا﴾: تا سخنانی را از خود بسازی و به ما نسبت دهی.

74- ﴿تَرۡكَنُ إِلَيۡهِمۡ﴾: به آنها مایل شوی.

75- ﴿ضِعۡفَ ٱلۡحَيَوٰةِ﴾: چند برابر عذاب دنیا.

76- ﴿لَيَسۡتَفِزُّونَكَ﴾: تا از جایت دورت کنند و خوار و بی‌مقدارت نمایند.

77- ﴿تَحۡوِيلًا﴾: تغییر و تبدیل.

78- ﴿لِدُلُوكِ ٱلشَّمۡسِ﴾: بعد زوال یا هنگام زوال آفتاب از میانه آسمان.

78- ﴿غَسَقِ ٱلَّيۡلِ﴾: تاریکی شب یا شدت تاریکی.

78- ﴿قُرۡءَانَ ٱلۡفَجۡرِ﴾: نماز بامداد را برپادار.

79- ﴿فَتَهَجَّدۡ﴾: نماز تهجد، نمازی‌که بعد از بیدار شدن هنگام شب خوانده می‌شود.

79- ﴿نَافِلَةٗ لَّكَ﴾: فریضه افزون که خاصّه خودت است.

79\_﴿مَقَامٗا مَّحۡمُودٗا﴾: مقام بزرگ شفاعت.

80- ﴿مُدۡخَلَ صِدۡقٖ﴾: داخل کردنی‌که همه امورم پسندیده و نیکو باشد.

80- ﴿سُلۡطَٰنٗا نَّصِيرٗا﴾: نیروکه بوسیله آن اسلام را یاری نماییم.

81- ﴿زَهَقَ ٱلۡبَٰطِل﴾: شرک تباه و نابود شد.

82\_﴿خَسَارٗا﴾: نابودی به سبب کفرشان به قرآن.

83- ﴿نَ‍َٔا بِجَانِبِهِ﴾: با تکبر و سرکشی دور می‌شود.

83- ﴿كَانَ يَ‍ُٔوسٗا﴾: از رحمت ما نومید می‌گردد.

84- ﴿شَاكِلَتِهِ﴾: شیوه‌‌ای‌‌که برازنده اوست.

86- ﴿وَكِيلًا﴾: کسی را که بتواند قرآن را به تو برگرداند.

88- ﴿ظَهِيرٗا﴾: یاور.

89- ﴿صَرَّفۡنَا﴾: به شیوه‌های گوناگون بیان کردیم.

89- ﴿كُلِّ مَثَلٖ﴾: معانی شگفت انگیز، زیبا و بدیع.

89- ﴿فَأَبَىٰٓ﴾ : پس نپذیرفت.

89- ﴿كُفُورٗا﴾: حق ستیز.

90- ﴿يَنۢبُوعًا﴾: چشمه‌ای همیشه پرآب.

92- ﴿كِسَفًا﴾: تکه و پاره.

92- ﴿قَبِيلًا﴾: آشکار یا گروه گروه.

93- ﴿زُخۡرُفٍ﴾: طلا.

97- ﴿خَبَتۡ﴾: شعله آن خاموش شود.

97- ﴿سَعِيرٗا﴾: شعله و زبانه آتش را.

98- ﴿رُفَٰتًا﴾: ذرات پراکنده یا خاک.

100- ﴿كُفُورٗا﴾: بسیار بخیل.

101- ﴿مَسۡحُورٗا﴾: جادو شده‌ای یا خود ساحری.

102- ﴿بَصَآئِرَ﴾: این معجزه‌ها آشکارند، هر بیننده به صدق گفتار من پی می‌برد.

102- ﴿مَثۡبُورٗا﴾: هلاک شده یا دور از خیر.

103- ﴿يَسۡتَفِزَّهُم﴾: آنها را بیرون و خوار و بی‌مقدارشان کند.

104- ﴿لَفِيفٗا﴾: همه را با هم.

106- ﴿فَرَقۡنَٰه﴾: قرآن را بیان کردیم یا آیه آیه و سوره سوره نازل نمودیم.

106- ﴿عَلَىٰ مُكۡثٖ﴾: به آهستگی.

110- ﴿لَا تُخَافِتۡ بِهَا﴾: در نماز قرآن را آهسته نخوان تا کسانی‌که با تو در نماز هستند صدایت را بشنوند.

سورۀ كهف

1- ﴿لَمۡ يَجۡعَل لَّهُۥ عِوَجَا﴾: هیچ گونه اختلال، اختلاف و انحراف از حق و حکمت را در آن قرار نداره است.

2- ﴿قَيِّمٗا﴾: مستقیم و یا به مصالح جامعه انسانی.

2- ﴿بَأۡسٗا﴾: عذاب بامهلت یا بی‌مهلت.

5- ﴿كَبُرَتۡ كَلِمَةٗ﴾: بزرگترین سخن به زشتی و قباحت.

6- ﴿بَٰخِعٞ نَّفۡسَكَ﴾: خود را بکشی یا به مشقت اندازی.

6- ﴿أَسَفًا﴾: از شدت اندوه و خشم برآنها.

7- ﴿لِنَبۡلُوَهُمۡ﴾: تا آنها را بیازمایم با‌ این‌که از حالشان آگاهیم.

7- ﴿أَحۡسَنُ عَمَلٗا﴾: نیکوکارتر و شتابنده به طاعت خدا.

8- ﴿صَعِيدٗا جُرُزًا﴾: خاک بی‌سبزه و گیاه.

9- ﴿أَمۡ حَسِبۡتَ﴾: آیاپنداشتی.

9- ﴿ٱلۡكَهۡف﴾: غار وسیع در کوه.

9- ﴿ٱلرَّقِيم﴾: تخته سنگی‌که در آن نام‌ها و داستان آن‌ها نوشته بود.

10- ﴿أَوَى ٱلۡفِتۡيَةُ﴾: جوانان برای حفظ دین‌شان فرارکردند و پناه بردند.

10- ﴿رَشَدٗا﴾: هدایت به راه حق.

11- ﴿فَضَرَبۡنَا عَلَىٰٓ ءَاذَانِهِمۡ﴾: وآنان را به خواب سنگین فروبردیم.

12- ﴿بَعَثۡنَٰهُمۡ﴾: آنها را از خواب بیدار کردیم.

12- ﴿أَمَدٗا﴾: تعداد سال‌ها را.

14- ﴿رَبَطۡنَا﴾: با شكيبايی قوی و استوار ساختيم.

14- ﴿شَطَطًا﴾: سخن دوراز حق.

16- ﴿مِّرۡفَقٗا﴾: آنچه در زندگی از آن بهره‌ور شوید.

17- ﴿تَّزَٰوَرُ﴾: میل می‌کند.

17- ﴿تَّقۡرِضُهُمۡ﴾: از آنها عدول می‌کند و دور می‌شود.

17- ﴿فَجۡوَةٖ مِّنۡهُ﴾: جای وسیعی از آن غار.

18- ﴿بِٱلۡوَصِيدِ﴾: کنار غار یا آستانه در آن.

18- ﴿رُعۡبٗا﴾: از ترس.

19- ﴿بَعَثۡنَٰهُمۡ﴾: آنان را از خواب طولانی بیدار کردیم.

19- ﴿بِوَرِقِكُم﴾: با سکه‌های خود.

19- ﴿أَزۡكَىٰ طَعَامٗا﴾: غذای حلال یا نیکو.

20- ﴿إِن يَظۡهَرُواْ عَلَيۡكُمۡ﴾: اگر از شما آگاه شوند یا بر شما دست یابند.

21- ﴿أَعۡثَرۡنَا عَلَيۡهِمۡ﴾: مردم را از حال آنها آگاه ساختیم.

22- ﴿رَجۡمَۢا بِٱلۡغَيۡبِ﴾: از روی گمان و بدون یقین.

22- ﴿فَلَا تُمَارِ فِيهِمۡ﴾: پس درباره آنها و تعدادشان مناقشه نکن.

22- ﴿إِلَّا مِرَآءٗ ظَٰهِرٗا﴾: درباره آنها چیزی را بگو که برایت وحی شد.

24- ﴿رَشَدٗا﴾: هدایت و راه‌نمایی برای انسان.

26- ﴿أَبۡصِرۡ بِهِ﴾: خدا چه بیناست به همه موجودات.

27- ﴿مُلۡتَحَدٗا﴾: پناهگاه.

28- ﴿ٱصۡبِرۡ نَفۡسَكَ﴾: خود را همنوا بساز و ثابت قدم و شکیبا باش.

28- ﴿لَا تَعۡدُ عَيۡنَاكَ عَنۡهُمۡ﴾: توجه خود را از مسلمانان بینوا مگیر.

28- ﴿أَغۡفَلۡنَا قَلۡبَهُۥ﴾: قلب او را غافل کردیم.

28- ﴿فُرُطٗا﴾: اسراف یا ضایع و نابود ساختن.

29- ﴿سُرَادِقُهَا﴾: سرا پرده‌ها یا شعله و دودآن.

29- ﴿كَٱلۡمُهۡلِ﴾: مانند دود روغن یا فلز گداخته.

29- ﴿سَآءَتۡ مُرۡتَفَقًا﴾: دوزخ جایگاه بد است.

31- ﴿جَنَّٰتُ عَدۡنٖ﴾: بهشت‌های محل اقامت دایمی.

31- ﴿سُندُسٖ﴾: دیبای نرم و نازک، حریر.

31- ﴿إِسۡتَبۡرَق﴾: دیبای ضخیم.

31- ﴿ٱلۡأَرَآئِكِ﴾: تخت‌ها در حجله‌ها.

32- ﴿جَنَّتَيۡنِ﴾: دو باغ.

32- ﴿حَفَفۡنَٰهُمَا﴾: اطراف آنها را احاطه کردیم.

33- ﴿أُكُلَهَا﴾: میوه‌های قابل خوردنش را.

33- ﴿تَظۡلِم مِّنۡه﴾: از میوه و محصول آن هیچ کم نگردد.

33- ﴿فَجَّرۡنَا خِلَٰلَهُمَا﴾: درمیان آن دو جاری ساختیم.

34- ﴿ثَمَرٞ﴾: ثروت فراوان و پر درآمد.

34- ﴿أَعَزُّ نَفَرٗا﴾: با داشتن همکاران و خویشان نیرومندترم.

35 - ﴿تَبِيدَ﴾: نیست و نابود و خراب شود.

36 - ﴿مُنقَلَبٗا﴾: جای بازگشت و سرانجام.

38 - ﴿لَّٰكِنَّا۠ هُوَ ٱللَّهُ رَبِّي﴾: ولی من می‌گویم: ذات پاک او تعالی پروردگار من است.

40- ﴿حُسۡبَانٗا﴾: بلایی مانند صاعقه و آفت.

40- ﴿فَتُصۡبِحَ صَعِيدٗا زَلَقًا﴾: و این باغ به ریگستان هراس‌انگیز یا زمین بی‌سبزه و گیاه و لغزنده تبدیل شود.

41- ﴿غَوۡرٗا﴾: در اعماق زمین فرورود.

42- ﴿أُحِيطَ بِثَمَرِهِۦ﴾: اموال و بوستانش نیست و نابود شد.

42- ﴿يُقَلِّبُ كَفَّيۡهِ﴾: دست‌های خود را به هم می‌مالید،کنایه از پشیمانی و حسرت است.

42- ﴿خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا﴾: بر سقف‌های درهم ریخته خود افتاده بود.

44- ﴿ٱلۡوَلَٰيَةُ لِلَّهِ﴾: نصرت و پیروزی تنها از جانب خداست.

44- ﴿خَيۡرٌ عُقۡبٗا﴾: خدا به دوستان خود فرجام نیک می‌دهد.

45- ﴿هَشِيمٗا﴾: خشک و پوسیده بعد از شادابی و زیبایی.

45- ﴿تَذۡرُوهُ ٱلرِّيَٰحُ﴾: بادها آن را می‌برند و با خاک یکسان می‌کنند.

47- ﴿بَارِزَةٗ﴾: آشکار، هیچ چیزی بر روی آن نیست.

48- ﴿مَّوۡعِدٗا﴾: وقتی برای ایفای وعده رستاخیز و پاداش و کیفر.

49- ﴿وُضِعَ ٱلۡكِتَٰبُ﴾: نامه اعمال هرکس به دستش نهاده می‌شود.

49- ﴿مُشۡفِقِينَ﴾: ترسان.

49- ﴿يَٰوَيۡلَتَنَا﴾: ای وای تباه شدیم.

49- ﴿لَا يُغَادِرُ﴾: باقی نمی‌گذارد.

49- ﴿أَحۡصَىٰهَا﴾: آن را به شمار آورده و ثبت کرده است.

50- ﴿ٱسۡجُدُواْ لِأٓدَمَ﴾: به آدم سجده سلام و احترام کنید نه سجده پرستش.

51- ﴿عَضُدٗا﴾: همکار و یاور.

52- ﴿مَّوۡبِقٗا﴾: محل هلاکت، دوزخ.

53 - ﴿مُّوَاقِعُوهَا﴾: در آن خواهند افتاد.

53- ﴿مَصۡرِفٗا﴾: جایی‌که بروند.

54- ﴿صَرَّفۡنَا﴾: به شیوه‌های مختلف بیان کردیم.

54- ﴿كُلِّ مَثَلٖ﴾: هر گونه مَثَلی، معانی شگفت انگیز و زیبا که در غرابت مانند مَثَل است.

55- ﴿سُنَّةُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: سرنوشت گذشتگان که ریشه‌کن ساختن است اگر ایمان نیاورند.

55- ﴿قُبُلٗا﴾: گوناگون یا آشکار و رویاروی.

56- ﴿لِيُدۡحِضُواْ﴾: تا باطل نمایند و از بین ببرند.

56- ﴿هُزُوٗا﴾: تمسخر و استهزاء.

57- ﴿أَكِنَّةً...﴾: پرده‌های بسیار، مانع از. . .

57- ﴿وَقۡرٗا﴾: کری و سنگینی سخت در حس شنوایی.

58- ﴿مَوۡئِلٗا﴾: محل نجات و پناهگاه.

59- ﴿لِمَهۡلِكِهِم﴾: برای نابود کردن ایشان.

60- ﴿لِفَتَىٰهُ﴾: به جوان همراه ‌خود، یوشع بن نون.

60- ﴿مَجۡمَعَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ﴾: جای بهم‌پیوستن دو دریا.

60- ﴿أَمۡضِيَ حُقُبٗا﴾: زمان طولانی راه می‌سپرم.

62- ﴿نَصَبٗا﴾: خستگی و رنج بی‌شمار.

63- ﴿أَرَءَيۡت﴾: به من خبر بده یا به خاطر داری.

63- ﴿عَجَبٗا﴾: به طرز شگفت‌آوری.

64- ﴿مَا كُنَّا نَبۡغِ﴾: آنچه ما می‌خواستیم و در جستجویش بودیم.

64- ﴿فَٱرۡتَدَّا عَلَىٰٓ ءَاثَارِهِمَا﴾: به راهی‌که آمده بودند برگشتند.

64- ﴿قَصَصٗا﴾: نشان قدمهای خویش را دنبال می‌کردند.

65- ﴿عَبۡدٗا﴾: خضر ÷ .

66- ﴿رُشۡدٗا﴾: راستی و درستی یا به کار خود به خیری دست یابم.

68- ﴿خُبۡرٗا﴾: علم و معرفت.

71- ﴿شَيۡ‍ًٔا إِمۡرٗا﴾: کار بس ناشایست یا عجیب.

73- ﴿لَا تُرۡهِقۡنِي عُسۡرٗا﴾: بر من سخت نگیر و تحمیل نکن.

74- ﴿شَيۡ‍ٔٗا نُّكۡرٗا﴾: کار بسیار ناپسند و زشت.

77- ﴿فَأَبَوۡا﴾: امتناع ورزیدند.

77- ﴿يَنقَضَّ﴾: منهدم شود و به سرعت فروریزد.

78- ﴿بِتَأۡوِيلِ...﴾: نتیجه و سرانجام...

79- ﴿وَرَآءَهُم﴾: پیش روی آنها.

79- ﴿غَصۡبٗا﴾: بدون حق.

80- ﴿يُرۡهِقَهُمَا﴾: آنها را وادار کند یا از فرط محبت از او پیروی کنند.

81- ﴿زَكَوٰةٗ﴾: دور از بدی یا پاک دین و با صلاح.

81- ﴿أَقۡرَبَ رُحۡمٗا﴾: مهربانتر با پدر و مادر و فرمان‌برتر از آن دو.

82- ﴿يَبۡلُغَآ أَشُدَّهُمَا﴾: به کمال عقل و قوت خود برسند.

83- ﴿ذِي ٱلۡقَرۡنَيۡنِ﴾: پادشاه صالحی‌که هم علم داشت و هم حکمت.

84- ﴿سَبَبٗا﴾: علم و راه ریسیدن آن.

85- ﴿فَأَتۡبَعَ سَبَبًا﴾: پس به راهی رفت که او را به مغرب می‌رساند.

86- ﴿تَغۡرُبُ فِي عَيۡنٍ﴾: به نظر می‌رسید که آفتاب در چشمه‌ای غروب می‌کند.

86- ﴿حَمِئَةٖ﴾: گِل آلود، گِل سیاه.

86- ﴿حُسۡنٗا﴾: رویش نیکویی، دعوت به حق و هدایت.

87- ﴿عَذَابٗا نُّكۡرٗا﴾: عذاب هول انگیز و شدید.

90- ﴿سِتۡرٗا﴾: پوششی از قبیل لباس و مسکن.

91- ﴿خُبۡرٗا﴾: آگاهی کامل.

93- ﴿ٱلسَّدَّيۡنِ﴾: دو کوه بسیار بلند.

94- ﴿يَأۡجُوجَ وَمَأۡجُوجَ﴾: دو قبیله از نسل یافث بن نوح.

94- ﴿خَرۡجًا﴾: از اموال خود کمکت کنیم.

94- ﴿سَدّٗا﴾: دیواری‌که نتوانند بر ما دست یابند.

95- ﴿رَدۡمًا﴾: سد محکم و استوار.

96- ﴿زُبَرَ ٱلۡحَدِيدِ﴾: قطعات بزرگ و ضخیم آهن را.

96- ﴿ٱلصَّدَفَيۡنِ﴾: میان آن دو کوه.

96- ﴿قِطۡرٗا﴾: مس گداخته را.

97- ﴿يَظۡهَرُوهُ﴾: از آن بالا بروند.

97- ﴿نَقۡبٗا﴾: سوراخی از جهت سختی و صلابت آن.

98- ﴿جَعَلَهُۥ دَكَّآءَ﴾: با خاک یکسانش می‌کند.

99- ﴿يَمُوجُ﴾: موج می‌زنند و می‌آمیزند.

99- ﴿نُفِخَ فِي ٱلصُّورِ﴾: نفخه رستاخیز دمیده شود.

101- ﴿غِطَآءٍ﴾: پرده ضخیم.

102- ﴿نُزُلٗا﴾: منزل یا برای پذیرایی از آنها.

105- ﴿وَزۡنٗا﴾: منزلت و اعتباری از جهت بطلان اعمالشان.

107- ﴿ٱلۡفِرۡدَوۡسِ﴾: بالاترین و بهترین جای بهشت.

108- ﴿حِوَلٗا﴾: انتقال.

109- ﴿مَدَدٗا﴾: ماده‌ای است که با آن می‌نویسند.

109- ﴿لِّكَلِمَٰتِ رَبِّي﴾: علم و حکمت خدای من.

109- ﴿لَنَفِدَ ٱلۡبَحۡرُ﴾: آب دریا به پایان ‌می‌رسد. مَدَدًا: کمک و افزایش.

سورۀ مَريَم

3- ﴿نِدَآءً خَفِيّٗا﴾: دعای نهانی‌که هیچ کس آن را نشنید.

4- ﴿وَهَنَ ٱلۡعَظۡمُ﴾: استخوانم سست و ضعیف شده است.

4- ﴿شَقِيّٗا﴾: هیچ زمانی نومید.

5- ﴿خِفۡتُ ٱلۡمَوَٰلِيَ﴾: از بستگان خود بیمناکم، از بدکاران یهود بودند.

5- ﴿وَلِيّٗا﴾: فرزندی‌که بعد از من جانشینم باشد.

6- ﴿رَضِيّٗا﴾: به گفتار و عمل مورد پسند و رضایت خودت باشد.

8- ﴿أَنَّىٰ يَكُونُ﴾: چگونه می‌شود.

8- ﴿عِتِيّٗا﴾: حالتی‌که مداوا شدنی نیست.

10- ﴿ءَايَةٗ﴾: نشانه‌ای بر تحقق خواسته‌ام تا تو را سپاسگزار باشم.

10- ﴿سَوِيّٗا﴾: سلامت کامل، نه گنگی و نه علت دیگری داری.

11- ﴿مِنَ ٱلۡمِحۡرَابِ﴾: جای نماز خواندن یا خانه‌ای که در آن خدا را عبادت می‌کرد.

12- ﴿ٱلۡحُكۡمَ﴾: دانش تورات و پرستش.

13- ﴿حَنَانٗا﴾ مهربانی با مردم.

13- ﴿زَكَوٰةٗ﴾: برکت یا پاکی ‌از گناه.

13- ﴿كَانَ تَقِيّٗا﴾: فرمان‌بردار و پرهیزکار بود.

14- ﴿وَبَرَّۢا بِوَٰلِدَيۡهِ﴾: از پدر و مادرش فرمان می‌برد و با آنها مهربان بود.

14- ﴿جَبَّارًا عَصِيّٗا﴾: متکبر و مخالف فرمان خدا.

16- ﴿ٱنتَبَذَتۡ﴾: تنها به یک گوشه رفت.

17- ﴿حِجَابٗا﴾: پرده‌ای. رُوحَنَا: جبرئیل را.

17- ﴿بَشَرٗا سَوِيّٗا﴾: انسان خوش اندام.

19- ﴿غُلَٰمٗا زَكِيّٗا﴾: پسری پاک از گناه و پاکیزه خلقت.

20- ﴿بَغِيّٗا﴾: زنا کار.

22- ﴿مَكَانٗا قَصِيّٗا﴾: پشت کوه‌ دور از مردم.

23- ﴿فَأَجَآءَهَا ٱلۡمَخَاضُ﴾: و درد زایمان او را آورد.

23- ﴿نَسۡيٗا مَّنسِيّٗا﴾: بی‌ارزش و متروک که هیچ جایی در دلها نداشته باشد.

24- ﴿فَنَادَىٰهَا﴾: جبریل یا عیسی او را صدا کرد.

24- ﴿سَرِيّٗا﴾: جوی آب یا پسر بلند مرتبه.

25- ﴿رُطَبٗا جَنِيّٗا﴾: میوه رسیده یا تازه.

26- ﴿قَرِّي عَيۡنٗا﴾: خوش باش نه اندوهگین.

27- ﴿شَيۡ‍ٔٗا فَرِيّٗا﴾: چیزی بسیار ناشایست.

29- ﴿كَانَ فِي ٱلۡمَهۡدِ صَبِيّٗا﴾: با کودک شیر خواری‌که در گهواره است.

32- ﴿وَبَرَّۢا بِوَٰلِدَتِي﴾: با مادرم مهربان باشم و گرامیش ‌بدارم.

34- ﴿يَمۡتَرُونَ﴾: شک دارند یا بیهوده با هم جدل می‌کنند.

35- ﴿قَضَىٰٓ أَمۡرٗا﴾: خدا ایجاد چیزی را اراده کند.

38- ﴿أَسۡمِعۡ بِهِمۡ وَأَبۡصِرۡ﴾: شنوایی و بینایی آنها شگفت آور است.

39- ﴿يَوۡمَ ٱلۡحَسۡرَةِ﴾: روز ندامت شدید.

43- ﴿صِرَٰطٗا سَوِيّٗا﴾: راه راست و نجات دهنده از گمراهی.

44- ﴿عَصِيّٗا﴾: بسیار نافرمان.

45- ﴿وَلِيّٗا﴾: همراه، در جهنم کنارهم.

46- ﴿وَٱهۡجُرۡنِي مَلِيّٗا﴾: برای همیشه از من دور شو.

47- ﴿حَفِيّٗا﴾: بسیار مهربان.

48- ﴿شَقِيّٗا﴾: نومید و بی‌بهره.

50- ﴿لِسَانَ صِدۡقٍ﴾: تمام ادیان آنها را به نیکویی یاد می‌کنند.

51- ﴿كَانَ مُخۡلَصٗا﴾: خدا او را به رسالت برگزیده بود.

52- ﴿قَرَّبۡنَٰهُ نَجِيّٗا﴾: او نزدیک ساختیم و در آن حال با او سخن گفتیم.

58- ﴿ٱجۡتَبَيۡنَا﴾: به نبوت برگزیدیم.

58- ﴿بُكِيّٗا﴾: از ترس خدا گریه می‌کردند.

59- ﴿خَلۡف﴾: فرزند بد.

59- ﴿يَلۡقَوۡنَ غَيًّا﴾: جزای گمراهی خود را خواهند دیدند یا «غَی» وادیی است در جهنم.

61- ﴿مَأۡتِيّٗا﴾: آمدنی.

62- ﴿لَغۡوًا﴾: زشت یا سخن بیهوده.

65- ﴿سَمِيّٗا﴾: مانند، در ذات و صفتات او، هرگز نه.

68- ﴿جِثِيّٗا﴾: از شدت ترس به زانو درآمده‌اند.

69- ﴿عِتِيّٗا﴾: از نافرمانی یا تهور یا فسق.

70- ﴿صِلِيّٗا﴾: برای داخل شدن یا رنج و سختی کشیدن.

71- ﴿وَارِدُهَا﴾: وارد دوزخ شود با گذشتن از صراط که بر روی جهنم قرار دارد.

73- ﴿خَيۡرٞ مَّقَامٗا﴾: جای سکونتش زیباست.

73- ﴿أَحۡسَنُ نَدِيّٗا﴾: جلسات و اجتماعاتش نیکوتر است.

74- ﴿قَرۡنٍ﴾: مردمان.

74- ﴿أَحۡسَنُ أَثَٰثٗا﴾: وسایل زندگی بهتر داشته‌اند از قبیل فرش، لباس و غیره.

74- ﴿رِءۡيٗا﴾: ظاهر و منظر.

75- ﴿فَلۡيَمۡدُدۡ لَهُ﴾: پس خدا به او مهلت می‌دهد و یکباره هلاکش نمی‌کند.

75- ﴿أَضۡعَفُ جُندٗا﴾: یارانش ضعیف و کم‌تر است.

76- ﴿خَيۡرٞ مَّرَدًّا﴾: سرانجام خوب‌تر دارد.

77- ﴿أَفَرَءَيۡت﴾: به من خبر بده.

78- ﴿أَطَّلَعَ ٱلۡغَيۡبَ﴾: آیا اسرار غیب را کشف کرده، استفهام است.

79- ﴿نَمُدُّ لَهُۥ﴾: بر او دایمی می‌گردانیم یا می‌افزاییم.

81- ﴿عِزّٗا﴾: شفیع و ناصر و مایه عزتشان باشد.

82- ﴿ضِدًّا﴾: مایه ذلت و خواری آنها نه مایه عزت یا ناصر.

83- ﴿تَؤُزُّهُمۡ أَزّٗا﴾: آنها را به معاصی تشویق می‌کنند و به هیجان می‌آورند.

85- ﴿وَفۡدٗا﴾: سواره.

86- ﴿وِرۡدٗا﴾: تشنه یا مانند چارپایان تشنه.

89- ﴿شَيۡ‍ًٔا إِدّٗا﴾: چیز زشت و ناشایست را.

90- ﴿يَتَفَطَّرۡنَ مِنۡهُ﴾: از زشتی این سخن آسمان‌ها متلاشی گردند.

90- ﴿تَخِرُّ ٱلۡجِبَالُ هَدًّا﴾: کوه‌ها فروریزند.

96- ﴿وُدّٗا﴾: محبوب دلها.

97- ﴿قَوۡمٗا لُّدّٗا﴾: گروه سرکش و باطل پرست را.

98- ﴿قَرۡنٍ﴾: نسل‌ها. ﴿تُحِسُّ﴾: می‌آبی یا می‌بینی یا می‌دانی.

98- ﴿رِكۡزَۢا﴾: کم‌ترین صدایی.

سورۀ طه

1- ﴿لِتَشۡقَىٰٓ﴾: تا از اندوه و تأسف قومت، خود را خسته کنی.

5- ﴿عَلَى ٱلۡعَرۡشِ ٱسۡتَوَىٰ﴾: استوایی‌که سزاوار جلالت اوست.

6- ﴿مَا تَحۡتَ ٱلثَّرَىٰ﴾: آنچه را که خاک پنهان کرده است یا ماورای زمین.

7- ﴿أَخۡفَ﴾: سخن نهانی دل و آنچه به ذهن می‌گذرد.

10- ﴿ءَانَسۡتُ نَارٗا﴾: آتشی دیدم.

10- ﴿بِقَبَس﴾: شعله‌ای از آتش را بر سر چوب.

10- ﴿هُدٗى﴾: راه را بیابم یا راهنمایی پیدا کنم.

12- ﴿ٱلۡمُقَدَّسِ﴾: پاکیزه یا مبارک.

12- ﴿طُوٗى﴾: نام وادیی است.

15- ﴿أَكَادُ أُخۡفِيهَا﴾: وقت آمدن قيامت را نزديک است از خودم نيز نهان دارم.

16- ﴿فَتَرۡدَىٰ\_: آنگاه هلاک ‌شوی.

18- ﴿أَتَوَكَّؤُاْ عَلَيۡهَا﴾: هنگام راه رفتن و مانند آن بر او تکیه می‌کنم.

18- ﴿أَهُشُّ بِهَا﴾: با این درخت را می‌زنم تا برگ‌هایش بریزد.

18- ﴿مَ‍َٔارِبُ أُخۡرَىٰ﴾: منافع و نیازهای دیگر.

20- ﴿حَيَّةٞ تَسۡعَىٰ﴾: ماری پر جنب و جوش و سریع.

21- ﴿سِيرَتَهَا ٱلۡأُولَىٰ﴾: به حالت اولی‌اش.

22- ﴿إِلَىٰ جَنَاحِكَ﴾: به پهلویت زیر بازوی چپ.

22- ﴿بَيۡضَآءَ﴾: روشنتر از آفتاب.

22- ﴿غَيۡرِ سُوٓءٍ﴾: بدون پیسی و مانند آن.

24- ﴿طَغَىٰ﴾: در سر‌کشی و ستمگری از حد تجاوز کرده است.

29- ﴿وَزِيرٗا﴾: همکار و معین.

31- ﴿أَزۡرِي﴾: پشت مرا یا قوت مرا.

36- ﴿أُوتِيتَ سُؤۡلَكَ﴾: خواسته و خواهشت به تو داده شد.

39- ﴿فَٱقۡذِفِيهِ فِي ٱلۡيَمِّ﴾: پس او را به دریای نیل بینداز.

39- ﴿لِتُصۡنَعَ عَلَىٰ عَيۡنِيٓ﴾: تا زیر نظر من تربیه شوی.

40- ﴿مَن يَكۡفُلُهُ﴾: کسی‌که این را بگیرد، نگهداری و تربیه‌اش نماید.

40- ﴿تَقَرَّ عَيۡنُهَا﴾: به دیدار تو خوشحال شود.

40- ﴿فَتَنَّٰكَ فُتُونٗا﴾: بارها تو را از محنت‌ها نجات دادیم.

40- ﴿جِئۡتَ عَلَىٰ قَدَرٖ﴾: موافق زمانی‌که برای آغاز رسالتت تعیین شده بود به مصر بازگشتی.

41- ﴿وَٱصۡطَنَعۡتُكَ لِنَفۡسِي٤١﴾: تو را برای رسالت و اقامه حجت خود برگزیدم.

42- ﴿لَا تَنِيَا فِي ذِكۡرِي﴾: در تبلیغ رسالت من سستی نکنید.

45- ﴿يَفۡرُطَ عَلَيۡنَآ﴾: به شکنجه ما عجله نماید.

45- ﴿يَطۡغَىٰ﴾: به سرکشی و طغیان بیفزاید.

46- ﴿إِنَّنِي مَعَكُمَآ﴾: من حافظ و نگهبان شما هستم.

50- ﴿خَلۡقَهُ﴾: شکل اشیاء را که با منافع و خصوصیت مربوط به آن سازگار است.

50- ﴿هَدَى﴾: آنچه به خیر و صلاح اوست به او نشان داده.

51- ﴿فَمَا بَالُ ٱلۡقُرُونِ﴾: پس حالت ملل گذشته چه خواهد شد؟

52- ﴿لَّا يَضِلُّ رَبِّي﴾: هیچ چیز از علم پروردگار من پوشیده نیست.

53- ﴿مَهۡدٗا﴾: محل آسایش مانند رختخواب کودک.

53- ﴿سُبُلٗا﴾: راه‌های‌که برای نیازمندی‌های خویش بر آنها می‌روید.

53- ﴿أَزۡوَٰجٗا﴾: گوناگون یا به اشکال مختلف.

53- ﴿شَتَّىٰ﴾: به صفات و خصایص گوناگون.

54- ﴿لِّأُوْلِي ٱلنُّهَىٰ﴾: برای صاحبان خرد و بصیرت.

56- ﴿أَبَىٰ﴾: از ایمان و اطاعت امتناع ورزید.

58- ﴿مَكَانٗا سُوٗى﴾: جای میانه یا میدان هموار.

59- ﴿يَوۡمُ ٱلزِّينَةِ﴾: روز عید شما.

60- ﴿فَجَمَعَ كَيۡدَهُۥ﴾: ساحرانش را جمع کرد که به وسیله آنها دست به فریب بزند.

61- ﴿وَيۡلَكُمۡ﴾: هلاک شوید.

61- ﴿فَيُسۡحِتَكُم﴾: پس شما را نابود خواهد کرد.

62- ﴿َأَسَرُّواْ ٱلنَّجۡوَىٰ﴾: در خفا با هم راز گفتند.

63- ﴿بِطَرِيقَتِكُمُ ٱلۡمُثۡلَىٰ﴾: راه و روش و شریعت برتر شما را.

64 - ﴿فَأَجۡمِعُواْ كَيۡدَكُمۡ﴾: پس تمام نیرنگ‌های خود را به دقت جمع کنید و به توانمندی و پایداری کامل سحر خود را انجام دهید.

64- ﴿أَفۡلَحَ﴾: به مطلوب خود دست‌یابد.

67- ﴿فَأَوۡجَسَ فِي نَفۡسِهِ﴾: نهان کرد یا در نهاد خود احساس کرد.

69- ﴿تَلۡقَف﴾: به سرعت می‌بلعد.

72- ﴿وَٱلَّذِي فَطَرَنَا﴾: و ذاتی‌که ما را آفریده است.

76- ﴿تَزَكَّى﴾ : خود را از آلودگی‌های کفر و شرک پاکیزه دارد.

77- ﴿أَسۡرِ بِعِبَادِي﴾: با بندگان من شبانه از مصر برو.

77- ﴿يَبَسٗا﴾: خشک، بدون آب و گِل.

77- ﴿لَّا تَخَٰفُ دَرَكٗا﴾: از رسیدن فرعون و لشکرش نترس.

77- ﴿لَا تَخۡشَىٰ﴾: از غرق شدن هم بیم نداشته باش.

78- ﴿فَغَشِيَهُم﴾: امواج خروشان آنها را برداشت و به کام خود فروبرد.

80- ﴿ٱلۡأَيۡمَنَ﴾: ماده صمغی شیرین مانند عسل.

80- ﴿وَٱلسَّلۡوَىٰ﴾ : پرنده مشهور به سمانی.

81- ﴿لَا تَطۡغَوۡاْ﴾: ناسپاسی یا ستم نکنید.

81- ﴿فَيَحِلَّ عَلَيۡكُمۡ﴾: بر شما لازم و ثابت می‌‌شود.

81- ﴿هَوَى﴾ : هلاک شد یا به جهنم افتاد.

83- ﴿مَآ أَعۡجَلَكَ﴾: چه چیز تو را به عجله واداشت؟

85- ﴿فَتَنَّا قَوۡمَكَ﴾: قومت را آزمودیم یا به فتنه افکندیم.

86- ﴿أَسِفٗا﴾: حزین یا بسیار خشمگین.

86- ﴿مَّوۡعِدِي﴾: با من وعده داشتید که به دین من ثابت و استوار می‌مانید.

87- ﴿بِمَلۡكِنَا﴾: به قدرت و توان خود.

87- ﴿أَوۡزَارٗا﴾: بارهای سنگین یا گناهانی را.

87- ﴿مِّن زِينَةِ ٱلۡقَوۡمِ﴾: از زیورات قبطیان مصر.

88- ﴿عِجۡلٗا جَسَدٗا﴾: مجسمه گوساله، از طلای سرخ.

88- ﴿لَّهُۥ خُوَارٞ﴾: مانند گاو صدا داشت.

92- ﴿مَا مَنَعَكَ﴾: چه چیز ناگزیرت ساخت.

95- ﴿فَمَا خَطۡبُكَ﴾: این کار خطرناک را چرا انجام دادی؟

96- ﴿بَصُرۡتُ﴾: به بصیرت آگاه شدم.

96- ﴿أَثَرِ ٱلرَّسُولِ﴾: خاک زیر سم اسب جبریل.

96- ﴿فَنَبَذۡتُهَا﴾: پس آن را در زیورات ذوب شده ‌انداختم.

96- ﴿سَوَّلَتۡ﴾: زیبا و نیکو جلوه داد.

97- ﴿لَا مِسَاسَ﴾: من به تو نزدیک نمی‌شوم و تو هم به من نزدیک نشو.

97- ﴿لَنَنسِفَنَّهُ﴾: پراکنده‌اش می‌کنیم.

100- ﴿وِزۡرًا﴾: عذاب سنگین بخاطر اعراض از قرآن.

102- ﴿زُرۡقٗا﴾: کبود چشم یا نابینا یا تشنه.

103- ﴿يَتَخَٰفَتُونَ﴾: آهسته با هم گفتگو می‌کنند.

104- ﴿أَمۡثَلُهُمۡ طَرِيقَةً﴾: کسی‌که اندیشه برتر و روش پسندیده‌تر داشت.

105- ﴿يَنسِفُهَا﴾: آنها را از بيخ می‌كند يا آنها را به وسيلۀ باد پراكنده می‌كند.

106- ﴿قَاعٗا﴾: زمین صاف فاقد گیاه و آبادی.

106- ﴿صَفۡصَفٗا﴾: زمین هموار یا بی‌گیاه.

107- ﴿عِوَجٗا﴾: جای پست.

107- ﴿أَمۡتٗا﴾: جای بلند.

108- ﴿لَا عِوَجَ لَهُ﴾: هیچ دعوت شده‌‌ای نمی‌تواند از آن سرپیچی ‌کند.

108- ﴿هَمۡسٗا﴾: صدای آهسته.

111- ﴿عَنَتِ ٱلۡوُجُوهُ﴾: انسانها فرمانبردار می‌شوند.

111- ﴿لِلۡحَيِّ﴾: در برابر خدای جاوید و فنا ناپذیر.

112- ﴿ٱلۡقَيُّومِ﴾: نگهبان جهانیان و مجری امور جهان.

112- ﴿حَمَلَ ظُلۡمٗا﴾: بار شرک و کفر را بر دوش گرفت.

112- ﴿هَضۡمٗا﴾: از کم شدن ثوابش.

113- ﴿صَرَّفۡنَا فِيهِ﴾: در قرآن به روش‌های مختلف بیان کردیم.

113- ﴿ذِكۡرٗا﴾: پند و عبرت را.

114- ﴿يُقۡضَىٰٓ إِلَيۡكَ﴾: بر تو کامل گردد.

115- ﴿عَهِدۡنَآ إِلَىٰٓ ءَادَمَ﴾: به آدم دستور دادیم یا وحی فرستادیم.

116- ﴿أَبَىٰ﴾ : با تکبر از سجده امتناع ورزید.

118- ﴿لَا تَعۡرَىٰ﴾: برهنه نمی‌شوی.

119- ﴿لَا تَضۡحَىٰ﴾: در برابر گرمای آفتاب قرار نمی‌گیری.

120- ﴿لَّا يَبۡلَىٰ﴾: از بین نمی‌رود.

121- ﴿سَوۡءَٰتُهُمَا﴾: عورتشان.

121- ﴿طَفِقَا يَخۡصِفَانِ﴾: شروع کردندکه بچسبانند.

121- ﴿عَصَىٰٓ ءَادَمُ﴾: آدم به سهو یا به تأیل نافرمانی کرد.

122- ﴿ٱجۡتَبَٰهُ﴾: او را به نبوت بر گزید و از مقربین خود گردانید.

124- ﴿مَعِيشَةٗ ضَنكٗا﴾: حالت سخت و دشوار، در گورش.

128- ﴿أَفَلَمۡ يَهۡدِ لَهُمۡ﴾: آیا به این غافلان سرانجام گذشتگان آشکار نشد.

128- ﴿كَمۡ أَهۡلَكۡنَا﴾: کثرت نابود ساختن ما امتهای گذشته را.

128- ﴿لِّأُوْلِي ٱلنُّهَىٰ﴾: برای صاحبان عقل و بصیرت.

129- ﴿لَكَانَ لِزَامٗا﴾: لازم بود که نابودی‌شان سرعت یابد.

129- ﴿أَجَلٞ مُّسَمّٗى﴾: روز قیامت، به ﴿كَلِمَةٞ﴾ عطف است.

130- ﴿سَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ﴾: نماز بخوان و خدایت را حمد و ثنا بگو.

130- ﴿ءَانَآيِٕ ٱلَّيۡلِ﴾: ساعاتی از شب.

131- ﴿أَزۡوَٰجٗا مِّنۡهُمۡ﴾: گروه‌های از کفار.

131- ﴿زَهۡرَةَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا﴾: زینت و زیبایی زندگی دنیا.

131- ﴿لِنَفۡتِنَهُمۡ فِيهِ﴾: تا این زیبایی‌ها را وسیله آزمون و امتحان آنها قرار دهیم.

133- ﴿بَيِّنَةُ﴾: قرآن اعجاز آفرین.

134- ﴿مِّن قَبۡلِهِۦ﴾: پیش از بعثت پیامبران.

134- ﴿نَخۡزَى﴾ : در آخرت عذاب و رسوا شویم.

135- ﴿مُّتَرَبِّصٞ﴾: در انتظار نتیجه آن هستید.

135- ﴿ٱلصِّرَٰطِ ٱلسَّوِيِّ﴾: راه مستقیم.

سورۀ انبياء

1- ﴿ٱقۡتَرَبَ﴾: نزدیک شد.

2- ﴿مُّحۡدَثٍ﴾: تازه نزول یافته.

3- ﴿أَسَرُّواْ ٱلنَّجۡوَى﴾: در پنهان داشتن راز خود کوشیدند.

5- ﴿أَضۡغَٰثُ أَحۡلَٰمِۢ﴾: خواب‌های پریشان است.

8- ﴿جَسَدٗ﴾: پیکرها یا دارندگان جسد.

10- ﴿فِيهِ ذِكۡرُكُمۡ﴾: در آن پند و اندرز یا شرف شماست.

11- ﴿كَمۡ قَصَمۡنَا﴾: بسیاری را هلاک کردیم.

12- ﴿أَحَسُّواْ بَأۡسَنَآ﴾: عذاب شدید ما را احساس کردند.

12- ﴿يَرۡكُضُون﴾: به سرعت می‌گریزند.

13- ﴿أُتۡرِفۡتُمۡ فِيهِ﴾: در آن نعمت و رفاهی‌‌که داشتید پس سرکشی کردید.

15- ﴿حَصِيدًا﴾: مانند گیاه درو شده.

15- ﴿خَٰمِدِين﴾: بی‌جان، مانند آتشی‌که شعله‌اش خاموش شود.

17- ﴿نَّتَّخِذَ لَهۡوٗا﴾: برای سرگرمی بگیریم از قبیل زن و فرزند.

18- ﴿نَقۡذِفُ بِٱلۡحَقِّ﴾: حق را می‌افکنیم.

18- ﴿فَيَدۡمَغُهُ﴾: باطل را نابود می‌کند.

18- ﴿زَاهِقٞ﴾: از میان رفتنی است.

18- ﴿ٱلۡوَيۡل﴾: هلاکت یا رسوایی یا وادیی است در جهنم.

19- ﴿لَا يَسۡتَحۡسِرُونَ﴾: رنجور و در مانده نمی‌شوند.

20- ﴿لَا يَفۡتُرُونَ﴾: در تسبیح و عبادت سستی نمی‌کنند.

21- ﴿هُمۡ يُنشِرُونَ﴾: آنها مرده‌ها را زنده می‌کنند، هرگز نه.

22- ﴿لَفَسَدَتَا﴾: نظام آنها نابسامان و در نتیجه درگیری و کشمکش ویران می‌شدند.

26- ﴿وَلَدٗا﴾: گفتند‍: فرشتگان دختران خدا هستند.

28- ﴿مُشۡفِقُونَ﴾: ترسان و هراسانند.

30- ﴿كَانَتَا رَتۡقٗا﴾: آسمان و زمین با هم چسبیده بودند.

30- ﴿فَفَتَقۡنَٰهُمَا﴾: پس آنها را به واسطه هوا از هم جدا ساختیم.

30- ﴿كُلَّ شَيۡءٍ حَيٍّ﴾: هر موجود نشو و نما کننده، حیوان یا نبات.

31- ﴿رَوَٰسِيَ﴾: کوه‌های پایدار.

31- ﴿أَن تَمِيدَ بِهِمۡ﴾: تا زمین آنها را نجنباند.

31- ﴿فِجَاجٗا سُبُلٗا﴾: راه‌های بزرگ و پر رفت وآمد.

32- ﴿سَقۡفٗا مَّحۡفُوظٗا﴾: سقف محفوظ از سقوط یا دگرگونی.

33- ﴿كُلّٞ﴾: آفتاب و مهتاب.

33- ﴿فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ﴾: در مداری می‌چرخند یا در آسمان روان هستند.

35- ﴿نَبۡلُوكُم﴾: شما را می‌آزماییم، با این‌که از وضع شما آگاهیم.

39- ﴿لَا يَكُفُّونَ﴾: نمی‌توانند دفع کنند.

40- ﴿بَغۡتَةٗ﴾: ناگاهان.

40- ﴿فَتَبۡهَتُهُم﴾: و آنها را به دهشت و حیرت می‌اندازد.

40- ﴿يُنظَرُون﴾: مهلت داده می‌شوند.

41- ﴿فَحَاق﴾: پس عذاب احاطه کرد یا نازل شد.

42- ﴿يَكۡلَؤُكُم﴾: شما را حفظ و حراست می‌کند.

43- ﴿يُصۡحَبُونَ﴾: پناه و نجات داده شوند یا کمک شوند.

46- ﴿نَفۡحَةٞ﴾: بخشی اندکی.

47- ﴿ٱلۡقِسۡطَ﴾: عدالت یا دارای عدل.

47- ﴿مِثۡقَالَ حَبَّةٖ﴾: به وزن كوچک‌ترين چيز.

49- ﴿مُشۡفِقُون﴾: ترسان و هراسانند.

52- ﴿ٱلتَّمَاثِيلُ﴾: بتهای‌که خود ساخته‌اید.

56- ﴿فَطَرَهُنَّ﴾: آنها را ایجاد کرده است.

58- ﴿جُذَٰذًا﴾: شکسته و پاره‌پاره.

61- ﴿عَلَىٰٓ أَعۡيُنِ ٱلنَّاسِ﴾: در برابر چشم مردم.

65- ﴿نُكِسُواْ عَلَىٰ رُءُوسِهِمۡ﴾: به باطل و ستیز رو آوردند.

67- ﴿أُفّٖ لَّكُمۡ﴾: گفتاری است که هنگام زشت و ناپسند دانستن چیزی گفته می‌شود.

71- ﴿إِلَى ٱلۡأَرۡضِ﴾: به سوی سرزمین شام رفتند.

72- ﴿نَافِلَةٗ﴾: بخشش یا علاوه بر خواسته‌اش.

74- ﴿قَوۡمَ سَوۡءٖ﴾: گروه فساد پیشه و زشت کردار.

78- ﴿ٱلۡحَرۡثِ﴾: کشت یا تاک انگور.

78- ﴿نَفَشَتۡ فِيهِ﴾: شب هنگام از غفلت چوپان پراکنده شدند و کشت را چریدند.

80- ﴿صَنۡعَةَ لَبُوسٖ﴾: ساختن زره را که در کارزار پوشیده می‌شود.

80- ﴿لِتُحۡصِنَكُم﴾: تا شما را حفظ نماید.

80- ﴿بَأۡسِكُمۡ﴾: جنگ با دشمن و بدست آوردن سلاح آن.

81- ﴿عَاصِفَةٗ﴾: باد تند.

82- ﴿يَغُوصُونَ لَهُۥ﴾: در بحرها غواصی می‌کردند و برای سلیمان چیزهای نفیس و گران‌بها بیرون می‌آودند.

82- ﴿كُنَّا لَهُمۡ حَٰفِظِينَ﴾: آنان را از سرپیچی از فرمان سلیمان ÷ یا از تبهکاری دور نگه‌داشتیم.

85- ﴿ذَا ٱلۡكِفۡلِ﴾: گفته شده الیاس ÷ است.

87- ﴿ذَا ٱلنُّونِ﴾: یونس ÷. ﴿مُغَٰضِبٗا﴾ : بر قوم بی‌دین خود خشمگین شد.

87- ﴿لَّن نَّقۡدِرَ عَلَيۡهِ﴾: با زندانی کردن و دیگر چیزها، او را در تنگنا قرار نمی‌دهیم.

90- ﴿رَغَبٗا وَرَهَبٗا﴾: به امید ثواب و ترس از عذاب.

90- ﴿خَٰشِعِينَ﴾: فروتن و فرمان‌بردار.

91- ﴿أَحۡصَنَتۡ فَرۡجَهَا﴾: عفت خود را حفظ کرد.

91- ﴿مِن رُّوحِنَا﴾: از روح خود، جبرئیل.

92- ﴿أُمَّتُكُمۡ﴾: ملت شما، اسلام.

93- ﴿تَقَطَّعُوٓاْ أَمۡرَهُم﴾: دین خود را به گروه‌ها و احزاب متفرق ساختند.

95- ﴿حَرَٰمٌ عَلَىٰ قَرۡيَةٍ﴾: محال است بر اهل قریه‌ای.

95- ﴿أَنَّهُمۡ لَا يَرۡجِعُونَ﴾: که آنها به رستاخیز و حساب به سوی ما برنگردند.

96- ﴿حَدَبٖ﴾: زمین بلند.

96- ﴿يَنسِلُونَ﴾: به شتاب بیرون می‌آیند.

97- ﴿ٱلۡوَعۡدُ ٱلۡحَقُّ﴾: رستاخیز، حساب و جزاء.

97- ﴿شَٰخِصَة﴾: باز می‌ماند و پلک‌هایش حرکت نمی‌کند.

98- ﴿حَصَبُ جَهَنَّمَ﴾: هیزم دوزخ.

98- ﴿لَهَا وَٰرِدُونَ﴾: در آن داخل می‌شوید.

100- ﴿زَفِيرٞ﴾: تنفس شدیدی‌که از اثر آن قفسه سینه بالا بیاید.

102- ﴿حَسِيسَهَا﴾صدای شعله‌ور شدن آتش دوزخ را.

103- ﴿ٱلۡفَزَعُ ٱلۡأَكۡبَرُ﴾: هنگام صور رستاخیز.

104- ﴿ٱلسِّجِلّ﴾: صفحلأ نوشته شده.

104- ﴿لِلۡكُتُبِۚ﴾: بر آنچه در صفحۀ نوشته است.

105- ﴿ٱلزَّبُور﴾: کتابهای آسمانی.

105- ﴿ٱلذِّكۡرِ﴾: لوح محفوظ.

106- ﴿لَبَلَٰغٗا﴾: پند و اندرز کافی است یا مایه رسیدن به مطلوب است.

109- ﴿ءَاذَنتُكُم﴾: شما را از مأموریت خود آگاه ساختم.

109- ﴿عَلَىٰ سَوَآءٖ﴾: به همه یکسان اعلام شد.

109- ﴿اِنۡ أَدۡرِيٓ﴾: من آگاه نیستم.

111- ﴿فِتۡنَةٞ لَّكُمۡ﴾: امتحانی برای شماست.

سورۀ حَجّ

1- ﴿زَلۡزَلَةَ ٱلسَّاعَةِ﴾: هول و هراس قیامت و سختی‌های آن.

2- ﴿تَذۡهَلُ﴾: از شدت ترس به خود گرفتار و غافل می‌شود.

3- ﴿مَّرِيدٖ﴾: سرکش، نافرمان و کوشا در فساد.

4- ﴿تَوَلَّاهُ﴾: دوست و پیرو او شود.

5- ﴿نُّطۡفَةٖ﴾: منی.

5- ﴿عَلَقَة﴾: پاره خون بسته.

5- ﴿مُّضۡغَةٖ﴾: قطعه گوشت به ‌اندازه‌ای‌که جویده شود.

5- ﴿مُخَلَّقَةٖ﴾: دارای شکل که خلقتش شناخته ‌شود.

5- ﴿لِتَبۡلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمۡ﴾: تا به کمال عقل و قوت خود برسید.

5- ﴿أَرۡذَلِ ٱلۡعُمُرِ﴾: زبون‌ترین دوره عمر که عقل از کلانسالی تباه گردد.

5- ﴿هَامِدَةٗ﴾: خشک و بی‌جان.

5- ﴿ٱهۡتَزَّتۡ﴾: به جنب و جوش می‌آید.

5- ﴿رَبَتۡ﴾: رشد و نمو می‌کند.

5- ﴿زَوۡجِۢ بَهِيجٖ﴾: نوع خوب و تازه.

9- ﴿ثَانِيَ عِطۡفِهِۦ﴾: با تکبر و غرور سرپیچی می‌‌کند.

9- ﴿خِزۡيٞ﴾: ذلت و خواری.

11- ﴿عَلَىٰ حَرۡفٖ﴾: شک و اضطراب در دین.

13- ﴿ٱلۡمَوۡلَىٰ﴾ : یاور.

13- ﴿ٱلۡعَشِيرُ﴾: هم‌صحبت.

15- ﴿يَنصُرَهُ ٱللَّهُ﴾: خدا رسول خود را کمک خواهد کرد.

15- ﴿بِسَبَبٍ إِلَى ٱلسَّمَآءِ﴾: با ریسمانی به سقف خانه خود.

15- ﴿ثُمَّ لۡيَقۡطَعۡ﴾: و خود را خفه کند تا بمیرد.

15- ﴿كَيۡدُه﴾: کاری‌که به خود انجام داده.

17- ﴿وَٱلصَّٰبِ‍ِٔينَ﴾: پرستندگان فرشته‌ها یا ستاره‌‌‌ها.

18- ﴿يَسۡجُدُۤ لَهُ﴾: فرمانبر او هستند.

18- ﴿حَقَّ عَلَيۡهِ﴾: بر او حتمی شده است.

19- ﴿خَصۡمَانِ﴾: مسلمانان و کفار.

19- ﴿ٱلۡحَمِيمُ﴾: آب جوشان.

20- ﴿يُصۡهَرُ بِهِ﴾: به اثر آن ذوب می‌شود.

21- ﴿مَّقَٰمِعُ﴾: گرزها یا تازیانه‌ها.

24- ﴿صِرَٰطِ ٱلۡحَمِيدِ﴾: راه شایسته، اسلام را به بندگان پسندیده است.

25- ﴿وَٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ﴾: مکه، حرم.

25- ﴿ٱلۡعَٰكِفُ فِيهِ﴾: ساکن و ملازم در آن.

25- ﴿ٱلۡبَادِ﴾: آنهایی‌که از نقاط دیگر می‌آیند.

25- ﴿بِإِلۡحَادِۢ بِظُلۡمٖ﴾: با انحراف از حق و تمایل به باطل.

26- ﴿بَوَّأۡنَا لِإِبۡرَٰهِيمَ﴾: برای ابراهیم آماده کردیم یا آشکار نمودیم.

27- ﴿أَذِّن فِي ٱلنَّاسِ﴾: مردم را دعوت کن و آگاه‌ بساز.

27- ﴿رِجَالٗا﴾: پیاده.

27- ﴿ضَامِر﴾: شتر لاغر از رنج راه.

27- ﴿فَجٍّ عَمِيق﴾: جای دور.

28- ﴿بَهِيمَةِ ٱلۡأَنۡعَٰمِ﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.

29- ﴿ثُمَّ لۡيَقۡضُواْ تَفَثَهُمۡ﴾: سپس از احرام خارج و چرک و ناپاکی‌ها را از خود دور نمایند یا مناسک حج را ادا کنند.

30- ﴿حُرُمَٰتِ ٱللَّهِ﴾: مناسک حج و غیره.

30- ﴿ٱلرِّجۡسَ﴾: پلیدی، مراد بتهاست.

30- ﴿قَوۡلَ ٱلزُّورِ﴾: سخنی بیهوده و دروغ.

31- ﴿حُنَفَآءَ لِلَّهِ﴾: از باطل روگردان و به دین حق باشید.

31- ﴿تَهۡوِي بِهِ ٱلرِّيحُ﴾: باد تند او را پرتاب می‌کند.

31- ﴿مَكَانٖ سَحِيقٖ﴾: جای دور و کشنده.

32- ﴿شَعَٰٓئِرَ ٱللَّهِ﴾: شعایر دینی را، ‌قربانی که به‌کعبه برند.

33- ﴿مَحِلُّهَآ﴾: جای وجوب ذبح آن.

33- ﴿إِلَى ٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ﴾: ساحه حرم.

34- ﴿مَنسَكٗا﴾: ذبح قربانی برای تقرب به خدا.

34﴿بَشِّرِ ٱلۡمُخۡبِتِينَ﴾: به فروتنان در برابر خدا مژده بده.

36- ﴿وَٱلۡبُدۡنَ﴾: شتر یا گاوی است که جهت قربانی به حرم برند.

36- ﴿شَعَٰٓئِرِ ٱللَّهِ﴾: نشانه‌های آئین الهی در حج.

36- ﴿صَوَآفَّ﴾: در صف ایستاده‌اند.

36- ﴿وَجَبَتۡ جُنُوبُهَا﴾: بعد از ذبح بر زمین افتد.

36- ﴿أَطۡعِمُواْ ٱلۡقَانِعَ﴾: به سائل غذا بدهید.

36- ﴿ٱلۡمُعۡتَرَّ﴾: کسی‌که پیش شما می‌آید و سؤال نمی‌کند.

38- ﴿خَوَّانٖ كَفُورٍ﴾: خائن به امانت و منکر نعمت.

40- ﴿صَوَٰمِعُ﴾: عبادتگاه راهبان نصاری.

40- ﴿بِيَعٞ﴾: کنیسه‌های نصاری.

40- ﴿صَلَوَٰت﴾: کنیسه‌های یهود.

40- ﴿مَسَٰجِد﴾: مسجدهای مسلمانان.

44- ﴿أَصۡحَٰبُ مَدۡيَنَ﴾: قوم شعیب ÷.

44- ﴿فَأَمۡلَيۡتُ لِلۡكَٰفِرِينَ﴾: به آنها مهلت دادم و عقوبت‌شان را به تأخیر انداختم.

45- ﴿فَكَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ﴾: ساکنان بسیاری از آبادیها را.

45- ﴿خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا﴾: دیوارهای آن بر سقف‌های ویرانش افتاده است.

45- ﴿قَصۡرٖ مَّشِيدٍ﴾: قصرهای سر به فلک خالی از سکنه شد.

48- ﴿أَمۡلَيۡتُ لَهَا﴾: به او مهلت دادم.

51- ﴿مُعَٰجِزِينَ﴾: گمان می‌کنند ما را ناتوان می‌سازند و نجات می‌یابند.

52- ﴿تَمَنَّىٰٓ﴾ : قرائت کرد.

52- ﴿أَلۡقَى ٱلشَّيۡطَٰنُ فِيٓ أُمۡنِيَّتِهِۦ﴾: شیطان در دل رفقای خود در باره آیات تلاوت شده [برای اغوای آنها] شبه ‌افکند.

54- ﴿فَتُخۡبِتَ لَهُ﴾: به قرآن اطمینان کند و به آن آرامش یابد.

55- ﴿مِرۡيَة﴾: در باره قرآن در شک هستند.

55- ﴿يَوۡمٍ عَقِيم﴾: آخرین روز، قیامت.

59- ﴿مُّدۡخَلٗا﴾: بهشت یا مقام‌های عالی آن.

60- ﴿ثُمَّ بُغِيَ عَلَيۡهِ﴾: سپس بار دوم بر او ستم شود.

61- ﴿يُولِجُ﴾: داخل می‌کند.

67- ﴿مَنسَكًا﴾: شریعت خاصی و عبادتی.

71- ﴿سُلۡطَٰنٗا﴾: دلیلی و بر‌هانی.

72- ﴿ٱلۡمُنكَر﴾: حالت زشت، عبوست و ترش‌رویی.

72- ﴿يَسۡطُون﴾: از خشم و کین بر خیزند و هجوم برند.

74- ﴿مَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ﴾: عظمت و بزرگی خدا را نشناختند.

78- ﴿هُوَ ٱجۡتَبَىٰكُمۡ﴾: او شما را برای عبادت خود و دین خود برگزیده است.

78- ﴿حَرَج﴾: تکلیف شدید و دشوار.

78- ﴿هُوَ مَوۡلَىٰكُمۡ﴾: خدا مالک، ناصر و عهده‌دار امور شماست.

سورۀ مؤمنون

1- ﴿أَفۡلَحَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ﴾: مؤمنان کامیاب و سعادتمند شدند و نجات یافتند.

2- ﴿خَٰشِعُونَ﴾: فروتن، ترسان و آرام باشند.

3- ﴿ٱللَّغۡوِ﴾: گفتار و کردار ناپسند.

7- ﴿ٱلۡعَادُونَ﴾: از حلال به حرام تجاوز کردند.

11- ﴿ٱلۡفِرۡدَوۡس﴾: عالی‌ترین و بهترین جای بهشت.

12- ﴿سُلَٰلَةٖ﴾: شیره‌ای‌که از غذا به وجود آمده است.

13- ﴿قَرَارٖ مَّكِينٖ﴾: جای مطمئن، رَحم.

14- ﴿عَلَقَةٗ﴾: خون بسته.

14- ﴿مُضۡغَة﴾: تکه‌ای گوشت به اندازه‌ای‌‌که جویده شود.

14- ﴿خَلۡقًا ءَاخَرَ﴾: متفاوت از اول با دمیدن روح در آن.

14- ﴿فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ﴾: خدا بزرگ یا خیر و احسانش فراوان است.

14- ﴿أَحۡسَنُ ٱلۡخَٰلِقِينَ﴾: زبردست و ماهرترین آفرینندگان است.

17- ﴿سَبۡعَ طَرَآئِقَ﴾: هفت طبقه آسمان یا راه‌های رفت و آمد فرشتگان یا مدار ستارگان.

18- ﴿بِقَدَرٖ﴾: به اندازه نیاز و مصالح انسان.

20- ﴿شَجَرَةٗ﴾: درخت زیتون.

20- ﴿بِٱلدُّهۡنِ﴾: میوه آن دارای روغن زیتون است.

20- ﴿صِبۡغٖ لِّلۡأٓكِلِينَ﴾: خورش انسان که با نان خوره شود.

21- ﴿ٱلۡأَنۡعَٰمِ﴾: شتر،گاو، گوسفند و بز.

21- ﴿لَعِبۡرَةٗ﴾: پند و اندرز و نشانه قدرت و رحمت خداست.

22- ﴿عَلَيۡهَا﴾: بر شتر.

24- ﴿ٱلۡمَلَؤُاْ﴾: سران و بزرگان قوم.

24- ﴿يَتَفَضَّلَ عَلَيۡكُمۡ﴾: ریاست شما را بدست گیرد.

25- ﴿بِهِۦ جِنَّةٞ﴾: گرفتار جنون شده یا جن عقل او را برده است.

25- ﴿فَتَرَبَّصُواْ بِهِ﴾: در باه او صبر کنید و در انتظار بمانید.

27- ﴿بِأَعۡيُنِنَا﴾: در حفظ و مراقبت ما.

27- ﴿فَارَ ٱلتَّنُّورُ﴾: آب از تنور نان فوران کرد.

27- ﴿فَٱسۡلُكۡ فِيهَا﴾: درکشتی داخل شو.

29- ﴿مُنزَلٗا﴾: جای فرود آمدن.

30- ﴿لَمُبۡتَلِينَ﴾: همانا بند‌‌‌گان خود را با این آیات می‌آزمایم.

31- ﴿قَرۡنًا ءَاخَرِينَ﴾: قومی دیگر را، عاد اول قوم هود.

33- ﴿أَتۡرَفۡنَٰهُمۡ﴾: نعمت فراوان به آنها دادیم اما ناسپاسی کردند.

36- ﴿هَيۡهَاتَ﴾: وقوع این وعده‌ها بسیار بعید است.

41- ﴿فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّيۡحَةُ﴾: پس آواز جبریل یا عذاب بنیان برانداز دیگر آنها را گرفت.

41- ﴿فَجَعَلۡنَٰهُمۡ غُثَآءٗ﴾: پس مانند کف روی سیل نابودشان ساختیم.

41- ﴿فَبُعۡدٗا...﴾: نابود باد یا از رحمت حق دور باد...

42- ﴿قُرُونًا ءَاخَرِينَ﴾: ملت‌های دیگری را.

44- ﴿تَتۡرَا﴾: پی‌درپی در زمانهای مختلف.

44- ﴿جَعَلۡنَٰهُمۡ أَحَادِيثَ﴾: ایشان را تنها داستان‌های شگفت انگیز قرار دادیم.

45- ﴿سُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ﴾: حجت روشن و آشکار کننده حق.

46- ﴿قَوۡمًا عَالِينَ﴾: گروه متکبر یا ستمگر مغرور.

50- ﴿ءَاوَيۡنَٰهُمَآ﴾: آن دو را رساندیم.

50- ﴿إِلَىٰ رَبۡوَةٖ﴾: به جایی بلندتر از نقاط دیگر.

50- ﴿مَعِينٖ﴾: چشمه آب روان و زلال.

52- ﴿أُمَّتُكُمۡ﴾: ملت و شریعت شما.

53- ﴿فَتَقَطَّعُوٓاْ أَمۡرَهُم﴾: امور دین خود را به پراکندگی کشاندند.

53- ﴿زُبُرٗا﴾: به گروه‌ها و فرقه‌های مختلف.

54- ﴿غَمۡرَتِهِمۡ﴾: جهالت و گمراهی‌شان.

55- ﴿أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِۦ﴾: آنچه به کمک آنها قرار می‌دهیم.

57- ﴿مُّشۡفِقُونَ﴾: ترسان و هراسانند.

60- ﴿يُؤۡتُونَ مَآ ءَاتَواْ﴾: زکات و صدقات می‌‌دهند.

60- ﴿قُلُوبُهُمۡ وَجِلَةٌ﴾: دلهایشان هراسان است که مبادا اعمال‌شان قبول نشود.

62- ﴿وُسۡعَهَا﴾: به اندازه طاقتش، از اعمال.

63- ﴿غَمۡرَة﴾: جهالت و غفلت.

64- ﴿مُتۡرَفِيهِم﴾: ثروتمندان‌شان را ‌که ثروت آنها را گمراه و ناسپاس ساخته است.

64- ﴿يَجۡ‍َٔرُون﴾: به پیشگاه خدا زاری‌ و ناله می‌کنند.

66- ﴿تَنكِصُون﴾: از پذیرش آن اعراض می‌کردید.

67- ﴿مُسۡتَكۡبِرِينَ بِهِ﴾: به اهل حرم بودن می‌بالیدید و خود را بزرگ می‌شمردید.

67- ﴿سَٰمِرٗا﴾: به اطراف آن جلسات شب نشینی تشکیل می‌دادید.

67- ﴿تَهۡجُرُون﴾: نسبت به قرآن سخن زشت و یاوه می‌گفتید.

70- ﴿بِهِۦ جِنَّةُۢ﴾: گرفتار جنون شده است.

71- ﴿بِذِكۡرِهِمۡ﴾: قرآن را که مایه افتخار و شرف آنهاست.

72- ﴿خَرۡجٗا﴾: دست مزد و اجرت.

74- ﴿لَنَٰكِبُونَ﴾: از حق منحرف می‌شوند.

75- ﴿لَّلَجُّواْ فِي طُغۡيَٰنِهِمۡ﴾: در گمراهی و کفر خود غرق می‌شوند.

75- ﴿يَعۡمَهُون﴾: راه راست و درست را نمی‌یابند یا حیران می‌شوند.

76- ﴿فَمَا ٱسۡتَكَانُواْ﴾: فروتنی نشان ندادند.

76- ﴿مَا يَتَضَرَّعُونَ﴾: در پیشگاه خدا دعا و زاری نکردند.

77- ﴿مُبۡلِسُونَ﴾: حیران و نومید از خیر و خوبی.

79- ﴿ذَرَأَكُم﴾: شما را آفرید و به زاد و ولد در زمین پراکنده ساخت.

83- ﴿أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: دروغ‌های ‌که در کتابهاشان نوشته است.

88- ﴿مَلَكُوتُ﴾: فرمان‌روایی عظیم و گسترده.

88- ﴿هُوَ يُجِيرُ﴾: اوست فریادرس و هرکه را بخواهد کمک و دفاع می‌کند.

88- ﴿لَا يُجَارُ عَلَيۡهِ﴾: هیچ کس نمی‌تواند مانع عذاب و عقاب او شود.

89- ﴿فَأَنَّىٰ تُسۡحَرُونَ﴾: پس چگونه فریب می‌خورید، از یکتا پرستی کناره می‌روید.

97- ﴿أَعُوذُ بِكَ﴾: به تو پناه می‌برم و از تو نیرو می‌خواهم.

98- ﴿هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ﴾: وسوسه‌های فساد انگیز اهریمنان.

100- ﴿مِن وَرَآئِهِم﴾: پیش روی آنها.

100- ﴿بَرۡزَخٌ﴾: مانعی است.

104- ﴿تَلۡفَحُ﴾: می‌سوزاند.

104- ﴿كَٰلِحُون﴾: با چهره عبوس یا لبها از اثر سوختن جمع شده و دندانها نمایان است.

106- ﴿غَلَبَتۡ عَلَيۡنَا﴾: برما چیره شد.

106- ﴿شِقۡوَتُنَا﴾: بخت بد يا لذات و شهوات ما.

108- ﴿ٱخۡسَ‍ُٔواْ فِيهَا﴾: مثل سگ دور شوید، در دوزخ بمانید.

110- ﴿سِخۡرِيًّا﴾: مورد استهزاء و تمسخر.

116- ﴿فَتَعَٰلَى ٱللَّهُ﴾: مقام و عظمت او تعالی بلند و از بیهودگی‌ها منزه است.

سورۀ نُور

1- ﴿فَرَضۡنَٰهَا﴾: احکام آن را بر شما فرض کردیم.

2- ﴿كُلَّ وَٰحِدٖ﴾: هر یکی را، اگر آزاد و ازدواج نکرده باشد.

4- ﴿يَرۡمُونَ ٱلۡمُحۡصَنَٰتِ﴾: زنان پاک دامن را متهم به زنا می‌کنند.

8- ﴿دۡرَؤُاْ عَنۡهَا ٱلۡعَذَابَ﴾: عقوبت را از زن دفع می‌کند.

11- ﴿بِٱلۡإِفۡكِ﴾: بهتان و دروغ بسیار زشت.

11- ﴿عُصۡبَةٞ مِّنكُمۡ﴾: گروهی از شما.

11- ﴿تَوَلَّىٰ كِبۡرَهُۥ﴾: بخش عمده‌ای از آن را بر عهده داشت، رئیس منافقان عبد الله پسر اُبَی.

14- ﴿أَفَضۡتُمۡ فِيهِ﴾: در قضیه افک به گفتگو پرداختید و شایع ساختید.

15- ﴿تَحۡسَبُونَهُۥ هَيِّنٗا﴾: می‌پنداشتید این کار ساده است و فرجام بد ندارد.

16- ﴿سُبۡحَٰنَكَ﴾: سبحان الله زشتی و شناعت این تهمت بزرگ شگفت آور است.

17- ﴿بُهۡتَٰنٌ﴾: دروغی است‌‌که از شناعت و زشتی بی‌حد شنونده را به حیرت می‌اندازد.

21- ﴿خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِ﴾: راه و روش شیطان.

21- ﴿بِٱلۡفَحۡشَآءِ﴾: به زشت‌ترین گناه.

21- ﴿ٱلۡمُنكَرِ﴾: آنچه شرع او را نپذیرد و به نزد خدا ناپسند باشد.

21- ﴿مَا زَكَىٰ﴾: از آلودگی گناهان پاک نمی‌شد.

22- ﴿لَا يَأۡتَلِ﴾: سوگند یاد نکنند یا کوتاهی نکنند.

22- ﴿أُوْلُواْ ٱلۡفَضۡلِ﴾: صاحبان فضیلت در دین.

22- ﴿ٱلسَّعَةِ﴾: ثروت.

23- ﴿ٱلۡمُحۡصَنَٰت﴾: زنان پاکدامن را، همینگونه است مردان پاک دامن.

25- ﴿دِينَهُمُ ٱلۡحَقَّ﴾: جزای آنها را که به عدالت تثبیت شده است.

27- ﴿تَسۡتَأۡنِسُوا﴾: از کسی‌که صلاحیت اجازه دادن دارد اجازه بگیرید.

28- ﴿أَزۡكَىٰ لَكُمۡ﴾: برای شما شايسته‌تر است از لكهدار شدن به گمان و پستی.

29- ﴿جُنَاحٌ﴾: گناه.

29- ﴿مَتَٰعٞ لَّكُمۡ﴾: منافع و مصالح شماست.

30- ﴿يَغُضُّواْ مِنۡ أَبۡصَٰرِهِمۡ﴾: از نگاه به نامحرمان خودداری کنند.

31- ﴿زِينَتَهُنَّ﴾: جاهای زینت خود را از بدنشان.

31- ﴿وَلۡيَضۡرِبۡنَ﴾: بیندازند.

31- ﴿بِخُمُرِهِنَّ﴾: چادر‌های خود را.

31- ﴿عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾: بر سینه‌هاشان و اطراف آن.

31- ﴿لِبُعُولَتِهِنَّ﴾: برای شوهر‌های خود.

31- ﴿نِسَآئِهِنَّ﴾: زنانی‌که مخصوص صحبت و یا خدمت‌شان است.

31- ﴿أُوْلِي ٱلۡإِرۡبَةِ﴾: میل به زنان.

31- ﴿لَمۡ يَظۡهَرُواْ﴾: به حد بلوغ و شهوت نرسیده‌اند.

32- ﴿أَنكِحُواْ ٱلۡأَيَٰمَىٰ﴾: زنان و مردان بی‌همسر را همسر دهید.

33- ﴿يَبۡتَغُونَ ٱلۡكِتَٰب﴾: آزادی خود را با عقد قرار داد می‌خواهند.

33- ﴿فَتَيَٰتِكُمۡ﴾: کنیزان خود را.

33- ﴿ٱلۡبِغَآءِ﴾: زنا. ﴿تَحَصُّنٗا﴾: عفت و پاکدامنی.

35- ﴿ٱللَّهُ نُورُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ﴾: خدا روشن کننده آسمان و زمین یا هدایت کنندۀ باشندگان این دو یا آفریدگار آنهاست.

35- ﴿مِصۡبَاحٌ﴾: چراغ بزرگ فروزان.

35- ﴿زُجَاجَةٍ﴾: قندیلی از شیشه پاک و بسیار روشن.

35- ﴿كَوۡكَبٞ دُرِّيّٞ﴾: ستاره درخشان.

36- ﴿بُيُوتٍ﴾: عموم مساجد.

36- ﴿أَن تُرۡفَعَ﴾: قدر و حرمت شوند، مجلل و پاکیزه باشند.

36- ﴿بِٱلۡغُدُوِّ وَٱلۡأٓصَالِ﴾: اول و آخر روز.

38- ﴿بِغَيۡرِ حِسَابٖ﴾: بی‌نهایت یا فراوان.

39- ﴿كَسَرَابِۢ﴾: مانند سرابی است، شعاعی‌که در بیابان هنگام ظهر و شدت گرما مانند آب روان به نظر می‌‌آید.

39- ﴿بِقِيعَةٖ﴾: در زمین هموار و فراخ.

40- ﴿بَحۡرٖ لُّجِّيّٖ﴾: دریای بسیار عمیق و پرآب.

40- ﴿يَغۡشَىٰه﴾: بر فرازش قرار می‌گیرد و او را می‌پوشاند.

40- ﴿سَحَابٞ﴾: ابرهای‌که روشنی آسمان را پنهان می‌کنند.

41- ﴿صَٰٓفَّٰتٖ﴾: بال‌های خود را در هوا گشوده‌اند.

43- ﴿يُزۡجِي سَحَابٗا﴾: به هر جا که بخواهد ابرها را به آرامی سوق می‌دهد.

43- ﴿يَجۡعَلُهُۥ رُكَامٗا﴾: آنها را به فراز هم متراکم می‌سازد.

43- ﴿ٱلۡوَدۡقَ﴾: باران را.

43- ﴿مِنۡ خِلَٰلِهِ﴾: از لابلای ابرها.

43- ﴿سَنَا بَرۡقِهِۦ﴾: درخشش و لمعان برق آن.

49- ﴿مُذۡعِنِينَ﴾: فرمانبردار و فروتن.

50- ﴿أَن يَحِيفَ﴾: که ستم روا دارد.

53- ﴿جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ﴾: سخت‌ترین سوگندهای خود.

53- ﴿طَاعَةٞ مَّعۡرُوفَةٌ﴾: طاعت شما شناخته شده که از روی زبان است.

54- ﴿مَا حُمِّلَ﴾: آنچه پیامبر به اجرای آن مأمور شده است از قبیل تبلیغ احکام.

54- ﴿مَّا حُمِّلۡتُمۡ﴾: آنچه به اجرای آن مأمور شده‌اید از قبیل اطاعت و فرمانبرداری.

57- ﴿مُعۡجِزِينَ﴾: از عذاب ما نمی‌توانند فرار کنند.

58- ﴿جُنَاحُۢ﴾: بدون اجازه داخل شدن گناه نیست.

60- ﴿ٱلۡقَوَٰعِدُ مِنَ ٱلنِّسَآءِ﴾: پیره زنانی‌که حیض نمی‌بینند.

60- ﴿غَيۡرَ مُتَبَرِّجَٰتِۢ بِزِينَةٖ﴾: زینتی را که به نهان داشتن آن مأمورند آشکار نکنند.

61- ﴿مَا مَلَكۡتُم مَّفَاتِحَهُۥٓ﴾: از چیزهای‌که وکالتاً در تصرف شماست و یا نگهبان آنها هستید.

61- ﴿أَشۡتَاتٗا﴾: جداگانه.

62- ﴿أَمۡرٖ جَامِعٖ﴾: کار مهمی‌که ایجاب می‌کند همه یکجا باشند.

63- ﴿دُعَآءَ ٱلرَّسُولِ﴾: دعوت پیغمبر را که برای جمع شدن شما انجام می‌دهد یا صدا کردن شما پیامبر را.

63- ﴿يَتَسَلَّلُونَ مِنكُمۡ﴾: یکی پس از دیگری از میان شما نهانی بیرون می‌روند.

63- ﴿لِوَاذٗا﴾: خود را پشت ‌سر دیگران پنهان می‌کنند تا بیرون روند.

63- ﴿يُخَالِفُونَ عَنۡ أَمۡرِهِۦٓ﴾: از امر او سرپیچی می‌کنند یا مانع اجرای آن می‌شوند.

63- ﴿فِتۡنَة﴾: سختی و محنت در دنیا.

سورۀ فرقان

1- ﴿تَبَارَكَ ٱلَّذِي﴾: بزرگ و با عظمت است یا خیرش فزون است ذاتی‌که.

1- ﴿نَزَّلَ ٱلۡفُرۡقَانَ﴾: قرآن را که فاصل بین حق و باطل است نازل کرد.

2- ﴿فَقَدَّرَهُ﴾: همه چيز را آماده كاری كرد كه صلاحيت و شايستگی آن را دارند.

3- ﴿نُشُورٗا﴾: رستاخیز.

4- ﴿إِفۡكٌ ٱفۡتَرَىٰهُ﴾: دروغی است که از خود ساخته.

4- ﴿زُورٗا﴾: دروغی است بس بزرگ.

5- ﴿أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: دروغ‌های‌که در کتاب‌هاشان نوشته است.

5- ﴿بُكۡرَةٗ وَأَصِيلٗا﴾: اول و آخر روز، همیشه.

6- ﴿يَعۡلَمُ ٱلسِّرَّ﴾: همه اسرار را می‌داند.

8- ﴿جَنَّةٞ يَأۡكُلُ مِنۡهَا﴾: باغی پر ثمرکه از میوه‌های آن بخورد.

8- ﴿رَجُلٗا مَّسۡحُورًا﴾: انسانی‌که سحر عقل او را ربوده است.

11- ﴿سَعِيرًا﴾: آتش عظیم و شعله‌ور.

12- ﴿تَغَيُّظٗا﴾: صدای جوش و خروش، مثل صدای انسان خشمگین.

12- ﴿زَفِيرٗا﴾: آواز شدید مثل صدای درندگان.

13- ﴿مُّقَرَّنِينَ﴾: دست‌هاشان با غل و زنجیر به گردنشان بسته است.

13- ﴿ثُبُورٗا﴾: آرزوی مرگ کنند.

16- ﴿وَعۡدٗا مَّسۡ‍ُٔولٗا﴾: وعده‌ای است حق و باید بندگان آن را از خدا بخواهند.

18- ﴿نَسُواْ ٱلذِّكۡرَ﴾: از نشانه‌های وحدانیت غفلت ورزیدند.

18- ﴿قَوۡمَۢا بُورٗا﴾: گروه هلاک شده یا فاسد بودند.

19- ﴿صَرۡفٗا﴾: عذاب الهی را از خود دور نمایید.

20- ﴿فِتۡنَة﴾: بلا و آزمایش.

21- ﴿لَا يَرۡجُونَ لِقَآءَنَا﴾: امید دیدار مارا ندارند، از رستاخیز منکرند.

21- ﴿عُتُوّٗا﴾: در ستمگری و سرکشی از حد تجاوز کردند.

22- ﴿حِجۡرٗا مَّحۡجُورٗا﴾: [امروز] بشارت بر شما حرام است.

23- ﴿هَبَآءٗ﴾: مانند گرد، چیز‌های‌که در روزنه با شعاع آفتاب دیده شود مثل غبار.

23- ﴿مَّنثُورًا﴾: پراکنده و ناپایدار.

24- ﴿مَقِيلٗا﴾: جای آسایش و لذت بردن از خواب نیمروزی.

25- ﴿تَشَقَّقُ ٱلسَّمَآءُ﴾: آسمان‌ها شکافته شوند.

25- ﴿بِٱلۡغَمَٰمِ﴾: با ابر سفید.

27- ﴿سَبِيلٗا﴾: راهی به سوی‌ هدایت یا نجات.

29- ﴿لِلۡإِنسَٰنِ خَذُولٗا﴾: به دوستان خود هیج یاری نمی‌رساند.

30- ﴿مَهۡجُورٗا﴾: متروک و مهمل.

32- ﴿رَتَّلۡنَٰهُ﴾: ما آیات قرآن را یکی بعد از دیگری فرستادیم یا بیان نمودیم.

33- ﴿أَحۡسَنَ تَفۡسِيرًا﴾: راست‌ترین شرح و بیان را.

36- ﴿فَدَمَّرۡنَٰهُمۡ﴾: آنها را نابود کردیم.

38- ﴿أَصۡحَٰبَ ٱلرَّسِّ﴾: صاحبان چاه، پیامبر خود را کشتند و در آن چاه افکندند.

38- ﴿قُرُونَۢا﴾: ملتها را.

39- ﴿تَبَّرۡنَا تَتۡبِيرٗا﴾: به طرز شگفت‌انگیزی نابود کردیم.

40- ﴿مَطَرَ ٱلسَّوۡءِ﴾: باران سنگ‌های ویرانکر.

40- ﴿لَا يَرۡجُونَ نُشُورٗا﴾: انتظار وقوع رستاخیز را ندارند بلکه منکر آن هستند.

41- ﴿هُزُوًا﴾: به باد استهزاء.

43- ﴿أَرَءَيۡتَ﴾: به من بگو.

43- ﴿وَكِيلًا﴾: مراقب ‌که او را از پرستش هوس‌هایش منع کنی.

45- ﴿مَدَّ ٱلظِّلَّ﴾: بین سپیده دم و طلوع آفتاب سایه را گسترده است.

47- ﴿ٱلَّيۡلَ لِبَاسٗا﴾: تاریکی شب را برای شما پوشش قرار داد مانند لباس.

47- ﴿وَٱلنَّوۡمَ سُبَاتٗا﴾: خواب را مایه آسایش شما قرار داد با متوقف شدن کار و تلاش.

47- ﴿ٱلنَّهَارَ نُشُورٗا﴾: روز را بر خاستن از خواب برای کار وکوشش.

48- ﴿ٱلرِّيَٰحَ بُشۡرَۢا﴾: بادها را بشارت دهنده باران که رحمت خداست.

50- ﴿صَرَّفۡنَٰهُ بَيۡنَهُم﴾: باران را به شکل‌های مختلف فرستادیم.

50- ﴿كُفُورٗا﴾: به این نعمت انکار و ناسپاسی کردند.

53- ﴿مَرَجَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ﴾: دو دریا را در محل جریانشان در کنار هم قرار داد، یا آنها را جاری کرد.

53- ﴿عَذۡبٞ فُرَاتٞ﴾: بسیار شیرین و گوارا.

53- ﴿مِلۡحٌ أُجَاجٞ﴾: بسیار شور و تند یا بسیار تلخ.

53- ﴿بَرۡزَخٗا﴾: حایل بزرگی‌که مانع یکجا شدن دو دریا می‌شود.

53- ﴿وَحِجۡرٗا مَّحۡجُورٗا﴾: بین این دو دریا حایلی قرار داد که با هم مخلوط نشوند و صفاتشان تغییر نکند.

54- ﴿نَسَبٗا﴾: دارای نسب ذکور که به آنها منسوب است.

54- ﴿وَصِهۡرٗا﴾: خویشاوندی.

55- ﴿عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرٗا﴾: در برابر پروردگارش، در راه شرك همكار شيطان است.

58- ﴿سَبِّحۡ﴾: اوتعالی را از همه نقص‌ها پاک و منزه بدان.

58- ﴿بِحَمۡدِهِ﴾: او را به اوصاف کمال ستایش کن.

59- ﴿ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِ﴾: استوایی‌که سزاوار کمال اوست.

60- ﴿زَادَهُمۡ نُفُورٗا﴾: آنان را از ایمان دورتر ساخت.

61- ﴿تَبَارَكَ ٱلَّذِي﴾: برتر و با عظمت است یا خیرش‌ فراوان است خدای که.

61- ﴿بُرُوجٗا﴾: منازل ستارگان سیار.

62- ﴿خِلۡفَةٗ﴾: دنبال هم می‌آیند و جانشین یکدیگر می‌شوند.

63- ﴿هَوۡنٗا﴾: به مهابت، وقار و فروتنی.

63- ﴿قَالُواْ سَلَٰمٗا﴾: سخن درست به زبان می‌آورند که با آن از رنج و آزار رهایی یابند.

65- ﴿كَانَ غَرَامًا﴾: عذاب جهنم دوامدار است.

67- ﴿لَمۡ يَقۡتُرُواْ﴾: بخیلانه سختی نمی‌کنند.

67- ﴿قَوَامٗا﴾: حد اعتدال، ميانۀ اين دو.

68- ﴿يَلۡقَ أَثَامٗا﴾: در آخرت عذاب و جزا خواهد دید.

72- ﴿مَرُّواْ بِٱللَّغۡوِ﴾: کار بیهوده‌ای را مشاهده کردند.

72- ﴿مَرُّواْ كِرَامٗا﴾: بزرگوارانه از آن کناره می‌گیرند و می‌گذرند.

73- ﴿لَمۡ يَخِرُّواْ﴾: [نمی‌باشند] نمی‌افتند.

74- ﴿قُرَّةَ أَعۡيُنٖ﴾: مایه شادمانی.

74- ﴿إِمَامًا﴾: سرمشق یا پیشوا.

75- ﴿يُجۡزَوۡنَ ٱلۡغُرۡفَةَ﴾: بلندترین و بهترین جای جنت به آنها پاداش داده می‌شود.

77- ﴿مَا يَعۡبَؤُاْ بِكُمۡ﴾: هیچ ارج و اهمیتی به شما نمی‌دهد.

77- ﴿دُعَآؤُكُمۡ﴾: عبادت شما برای خدا.

77- ﴿يَكُونُ لِزَامَۢا﴾: جزای تکذیب شما عذابی است که همواره با شماست.

سورۀ شُعَرَاء

3- ﴿بَٰخِعٞ نَّفۡسَكَ﴾: می‌خواهی خود را از حسرت و اندوه هلاک کنی.

4- ﴿أَعۡنَٰقُهُمۡ﴾: گروه‌های ایشان یا سران و پیشوایان آنها.

7- ﴿زَوۡجٖ كَرِيم﴾: نوع زیبا و پر منفعت.

19- ﴿ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾: انکار کنندگان نعمت من.

20- ﴿ٱلضَّآلِّينَ﴾: خطا کاران نه از روی قصد.

22- ﴿عَبَّدتَّ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ﴾: بنی‌اسرائیل را خوار و بردۀ خود ساخته‌ای.

33- ﴿نَزَعَ يَدَهُ﴾: دست خود را از گریبانش بیرون آورد.

33- ﴿هِيَ بَيۡضَآءُ﴾: آن سفید و درخشان بود که چشم‌ها را خیره می‌کرد.

34- ﴿لِلۡمَلَإِ﴾: به سران و بزرگان قوم.

36- ﴿أَرۡجِهۡ وَأَخَاهُ﴾: کار او و برادرش را به تأخیر بینداز و به شکنجه این دو عجله نکن.

36- ﴿حَٰشِرِينَ﴾: افراد پولیس را که تمام ساحران را جمع کنند.

39- ﴿هَلۡ أَنتُم مُّجۡتَمِعُونَ﴾: آیا شما هم جمع می‌شوید، مردم را به اجتماع تشویق می‌کرد.

44- ﴿بِعِزَّةِ فِرۡعَوۡنَ﴾: سوگند به قدرت و عظمت فرعون.

45- ﴿تَلۡقَفُ﴾: به سرعت می‌بلعید.

45- ﴿مَا يَأۡفِكُونَ﴾: چیزهای را که به تذویر دیگرگون نشان می‌دادند.

50- ﴿لَا ضَيۡرَ﴾: هر چه به ما برسد به زیان ما نیست.

52- ﴿إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ﴾: فرعون و سپاه او شما را تعقیب می‌کنند.

53- ﴿حَٰشِرِينَ﴾: افرادی را برای جمع آوری سپاه تا موسی ÷ و پیروانش را تعقیب نمایند.

54- ﴿لَشِرۡذِمَةٞ﴾: نسبت به ما گروهی اندکی هستند.

56- ﴿حَٰذِرُون﴾: آماده ، هوشیار و مسلح هستیم.

60- ﴿مُّشۡرِقِينَ﴾: وقت آفتاب برآمدن.

61- ﴿تَرَٰٓءَا ٱلۡجَمۡعَانِ﴾: هر دو گروه یکدیگر را دیدند.

63- ﴿فَٱنفَلَقَ﴾: دریا به دوازه بخش شکافته شد.

63- ﴿فِرۡق﴾: قسمتی از دریا.

63- ﴿كَٱلطَّوۡدِ ٱلۡعَظِيمِ﴾: مثل کوه بسیار بلند.

64- ﴿أَزۡلَفۡنَا ثَمَّ ٱلۡأٓخَرِينَ﴾: در آنجا لشکریان فرعون را نیز به دریا نزدیک ساختیم.

75- ﴿أَفَرَءَيۡتُم...﴾: آیا دقت کردید و دانستید...

84- ﴿لِسَانَ صِدۡقٖ﴾: ستایش نیکو و ذکر خیر.

87- ﴿لَا تُخۡزِنِي﴾: مرا با شکنجه و عذاب ذلیل و رسوا مکن.

89- ﴿بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ﴾: با قلب سلیم از مرض کفر و نفاق.

90- ﴿َأُزۡلِفَتِ ٱلۡجَنَّةُ﴾: بهشت نزدیک آورده شود جای‌که نعمت‌هایش مشاهد گردد.

91- ﴿بُرِّزَتِ ٱلۡجَحِيمُ﴾: دوزخ نمایان شود به جایی‌که مناظر هول انگیزش دیده شود.

91- ﴿لِلۡغَاوِينَ﴾: برای گمراهان از راه حق.

94- ﴿فَكُبۡكِبُواْ﴾: بتها سرنگون افکنده می‌شوند.

98- ﴿نُسَوِّيكُم بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾: شما و خالق جهان را یکسان مستحق عبادت می‌پنداشتیم در حالی‌که شما بسیار ناتوان بوده‌اید.

101- ﴿حَمِيمٖ﴾: نزدیک یا دل‌سوزی‌که به حال ما اهمیت قایل باشد.

102- ﴿كَرَّةٗ﴾: برگشتی به دنیا.

111- ﴿وَٱتَّبَعَكَ ٱلۡأَرۡذَلُونَ﴾: افراد پست از تو پیروی کرده‌اند.

118- ﴿فَٱفۡتَح﴾: پس داوری کن.

119- ﴿ٱلۡمَشۡحُونِ﴾: مملو از انسان، چارپا و متاع.

128- ﴿رِيعٍ﴾: راه یا جای بلند.

128- ﴿ءَايَةٗ﴾: عمارت بلند و نمایان مانند عَلَم.

128- ﴿تَعۡبَثُون﴾: بازی می‌کنید با ساختن این بناها یا با کسانی‌که از آنجا می‌گذرند.

129- ﴿مَصَانِعَ﴾: قلعه‌ها یا کاخها یا حوض‌های آب.

132- ﴿أَمَدَّكُم﴾: به شما نعمت داد.

137- ﴿خُلُقُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: عادت پیشینیان که به رستاخیز باور نداشتند.

148- ﴿طَلۡعُهَا﴾: شکوفه که میوه می‌گردد.

148- ﴿هَضِيم﴾: رطب پخته و رسیده یا از فراوانی آویزان.

149- ﴿فَٰرِهِينَ﴾: به تراشیدن آن ماهرید یا ستمگرید.

153- ﴿مِنَ ٱلۡمُسَحَّرِينَ﴾: از جادو شدگانی.

155- ﴿لَّهَا شِرۡبٞ﴾: برای او سهمی از آب است.

166- ﴿قَوۡمٌ عَادُونَ﴾: قومی هستید که در گناه از حد گذشته‌‌اید.

168- ﴿مِّنَ ٱلۡقَالِينَ﴾: از دشمنان سرسخت‌.

171- ﴿فِي ٱلۡغَٰبِرِينَ﴾: مانند همتایان خویش در عذاب باقی ماند.

172- ﴿دَمَّرۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ﴾: دیگران را به شدت نابود کردیم.

173- ﴿مَّطَرٗا﴾: باران کشنده.

176- ﴿أَصۡحَٰبُ لۡ‍َٔيۡكَةِ﴾: صاحب‌های درختان بسیار و به هم پیچیده، نزدیک مَدْین.

181- ﴿مِنَ ٱلۡمُخۡسِرِينَ﴾: کم فروشانی‌که حقوق دیگران را کامل نمی‌دهند.

183- ﴿لَا تَبۡخَسُواْ﴾: کم نکنید.

183- ﴿لَا تَعۡثَوۡاْ﴾: فساد و تباهی نکنید.

184- ﴿وَٱلۡجِبِلَّةَ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: ملل گذشته را.

185- ﴿ٱلۡمُسَحَّرِينَ﴾: سحر و جادو شدگان.

187- ﴿كِسَفٗا﴾: پاره‌های از عذاب.

189- ﴿ٱلظُّلَّةِ﴾: ابری‌که بر آنها سایه افکند و بعد آتش بارید.

196- ﴿زُبُرِ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: کتاب‌های پیامبران پیشین.

202- ﴿بَغۡتَة﴾: ناگهان.

203- ﴿هَلۡ نَحۡنُ مُنظَرُونَ﴾: آیا به ما مهلت داده می‌شود تا ایمان بیاوریم؟ نه، هرگز.

205- ﴿أَفَرَءَيۡت﴾: به من خبر بده.

207- ﴿مَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم﴾: عمر دراز به آنها چه نفعی رساند، یعنی نفعی نرساند.

215- ﴿ٱخۡفِضۡ جَنَاحَكَ﴾: خوشرفتاری و فروتنی کن.

219- ﴿تَقَلُّبَكَ فِي ٱلسَّٰجِدِينَ﴾: حرکات تو را در جمع نماز گزاران مشاهد می‌کند.

222- ﴿أَفَّاكٍ أَثِيمٖ﴾: پر گناه مانند کاهن‌ها.

225- ﴿يَهِيمُونَ﴾: به هر راهی سرگردانند.

سورۀ نمل

2- ﴿هُدٗى﴾: هدایت کننده از گمراهی.

4- ﴿فَهُمۡ يَعۡمَهُونَ﴾: آنها راه راست را نمی‌یابند یا متحیر و سرگردانند.

7- ﴿ءَانَسۡتُ نَارٗا﴾: من آتشی را مشاهده کردم.

7- ﴿بِشِهَابٖ قَبَسٖ﴾: اخگر شعله‌وری را از آن بیاورم.

7- ﴿تَصۡطَلُون﴾: گرم شوید.

8- ﴿بُورِك﴾: پاکیزه و مبارک گردید و خیرش فزونی یافت.

8- ﴿مَن فِي ٱلنَّارِ وَمَنۡ حَوۡلَهَا﴾: موسی ÷ و فرشتگان.

10- ﴿تَهۡتَزُّ﴾: موج آسا حرکت می‌کند.

10- ﴿كَأَنَّهَا جَآنّٞ﴾: در سرعت حرکت مانند مار کوچکی است.

10- ﴿لَمۡ يُعَقِّبۡ﴾: موسی به عقب برنگشت و یا به پشت سر خود متوجه نشد.

12- ﴿فِي جَيۡبِكَ﴾: در گریبانت.

12- ﴿بَيۡضَآء﴾: درخشان‌تر از آفتاب.

12- ﴿غَيۡرِ سُوٓءٖ﴾: بدون برص و مانند آن.

13- ﴿مُبۡصِرَةٗ﴾: واضح، آشکار و هدایت کننده.

14- ﴿عُلُوّٗا﴾: از سرکشی و استکبار ایمان نیاوردند.

16- ﴿مَنطِقَ ٱلطَّيۡرِ﴾: درک مقصد پرندگان از آواز آنها.

17- ﴿فَهُمۡ يُوزَعُونَ﴾: گروه‌های اول آنها توقف داده می‌شوند تا گروه‌های آخر برسند.

18- ﴿لَا يَحۡطِمَنَّكُمۡ﴾: شما را پامال و نابود نکند.

19- ﴿أَوۡزِعۡنِيٓ...﴾: به من الهام کن و وادارم بساز...

21- ﴿بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ﴾: دلیلی‌که عذر غیابت او را روشن کند.

25- ﴿يُخۡرِجُ ٱلۡخَبۡءَ﴾: چیزهای پنهان را آشکار می‌کند.

28- ﴿تَوَلَّ عَنۡهُمۡ﴾: از آنها اندکی دور شو.

31- ﴿أَلَّا تَعۡلُواْ عَلَيَّ﴾: در برابر من خود را بزرگ نپندارید.

31- ﴿مُسۡلِمِينَ﴾: به خدا ایمان بیاورید یا تسلیم و فرمانبردار شوید.

32- ﴿تَشۡهَدُون﴾: شما نزدم حاضر می‌بودید یا برایم مشوره می‌دادید.

33- ﴿أُوْلُواْ بَأۡسٖ﴾: ما دلیران جنگ آزموده‌ایم.

37- ﴿لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا﴾: توان مقاومت با آن را ندارند.

37- ﴿هُمۡ صَٰغِرُونَ﴾: به اسارت و بردگی خوار و ذلیل می‌شوند.

40- ﴿ٱلَّذِي عِندَهُۥ عِلۡمٞ﴾: کسی‌که از علم بهره‌ور بود، آصف یا جبریل یا فرشته‌ای دیگر.

40- ﴿طَرۡفُك﴾: چشم خود را یا پلک چشمان خود را برهم زنی.

40- ﴿لِيَبۡلُوَنِيٓ﴾: تا مرا بی‌آزماید.

41- ﴿نَكِّرُوا﴾: تغییر بدهید.

44- ﴿ٱدۡخُلِي ٱلصَّرۡحَ﴾: به قصر با شکوه یا به ساحه آن یا به حوض آن وارد شو.

44- ﴿حَسِبَتۡهُ لُجَّةٗ﴾: بلقیس گمان کرد آب عمیق است.

44- ﴿صَرۡحٞ مُّمَرَّدٞ﴾: قصری است صاف و تابان.

44- ﴿مِّن قَوَارِيرَ﴾: از شیشه‌های شفّاف.

47- ﴿ٱطَّيَّرۡنَا﴾: هر زمانی‌که به سختی‌ها گرفتار شدیم به فال بد گرفتیم.

47- ﴿طَٰٓئِرُكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ﴾: شومی شما عملتان است که نزد او تعالی نوشته است.

47- ﴿قَوۡمٞ تُفۡتَنُونَ﴾: قومی هستید که شیطان شما را با وسوسه به فتنه می‌افکند.

48- ﴿تِسۡعَةُ رَهۡطٖ﴾: نه نفر از بزرگان در رأس هر گروه.

49- ﴿تَقَاسَمُواْ بِٱللَّهِ﴾: یکدیگر را به خدا قسم دادند یا خود به خدا قسم یاد کردند.

49- ﴿لَنُبَيِّتَنَّهُۥ وَأَهۡلَهُ﴾: شب هنگام او و خانواده‌اش را بی‌خبر می‌کشیم.

49- ﴿مَهۡلِكَ أَهۡلِهِ﴾: هلاکت خانواده او را.

51- ﴿دَمَّرۡنَٰهُمۡ﴾: نابودشان کردیم.

52- ﴿خَاوِيَةَ﴾: ویران و بی‌صاحب است.

54- ﴿أَنتُمۡ تُبۡصِرُون﴾: از انجام علنی لواط هیچ شرم و باکی ندارید.

56- ﴿يَتَطَهَّرُونَ﴾: از لواطت دوری می‌کنند.

57- ﴿قَدَّرۡنَٰهَا﴾: بر او حکم و تقدیر کردیم.

57- ﴿مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ﴾: که جزو باقی‌ماندگان در عذاب باشد.

58- ﴿مَّطَرٗا﴾: باران سنگ و کشنده از آسمان.

60- ﴿حَدَآئِقَ ذَاتَ بَهۡجَةٖ﴾: باغ‌های زیبا و با رونق.

60- ﴿قَوۡمٞ يَعۡدِلُونَ﴾: قومی هستند منحرف از حق و مایل به باطل.

61- ﴿ٱلۡأَرۡضَ قَرَارٗا﴾: زمین را محل استقرار و گسترده.

61- ﴿رَوَٰسِيَ﴾: کوه‌های استوار تا‌ تکان نخورد.

61- ﴿حَاجِزًا﴾: حایلی ‌که مانع یکجا شدن آنها می‌شود.

63- ﴿رَحۡمَتِهِ﴾: باران که رحمت پروردگار و مایه حیات زمین است.

66- ﴿ٱدَّٰرَكَ عِلۡمُهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ﴾: احوال قیامت را کامل دریافتند، این تهکم و استهزاء است بر آنها، از فرط بی‌اطلاعی ایشان در باره آخرت.

66- ﴿عَمُونَ﴾: نشانه‌های آشکار آن را نمی‌بینند.

68- ﴿أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: دروغ‌های‌که در کتب آنها نوشته است.

70- ﴿ضَيۡق﴾: دلتنگی.

72- ﴿رَدِفَ لَكُم﴾: به شما رسیده باشد.

74- ﴿مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمۡ﴾: اسراری که در سینه‌های خود نهان می‌دارند.

75- ﴿غَآئِبَةٖ﴾: چیزهای نهان از انسان.

82- ﴿وَقَعَ ٱلۡقَوۡلُ﴾: قیامت و دشواری‌های موعودش نزدیک شود.

82- ﴿دَآبَّةٗ﴾: جانوری را، این جانور از علایم قیامت کبری است.

83- ﴿فَوۡجٗا﴾: گروهی را.

83- ﴿فَهُمۡ يُوزَعُونَ﴾: دسته‌های اولی توقف داده می‌شوند تا گروه‌های آخر برسند و بعد یکجا سوق داده می‌شوند.

87- ﴿فَفَزِعَ﴾: بترسند چنان ترسی‌که مرگ در پی دارد.

87- ﴿دَٰخِرِين﴾: خوار و ذلیل بعد از رستاخیز.

90- ﴿فَكُبَّتۡ وُجُوهُهُمۡ﴾: سرنگون افکنده می‌شوند.

سورۀ قَصَص

4- ﴿عَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾: در سرزمین مصر نافرنانی و سرکشی کرد.

4- ﴿شِيَعٗا﴾: گروه‌های‌ مختلف، گروهی برای خدمت و گروهی برای بیگاری و ذلت.

4- ﴿يَسۡتَحۡيِۦ نِسَآءَهُمۡ﴾: دخترانشان را برای خدمت زنده می‌گذاشت.

6- ﴿يَحۡذَرُونَ﴾: از رفتن پادشاهی‌‌شان هراس داشتند.

8- ﴿كَانُواْ خَٰطِ‍ِٔينَ﴾: مجرم و گناه‌‌کار بودند.

9- ﴿قُرَّتُ عَيۡنٖ﴾: مایه شادمانی است.

10- ﴿فَٰرِغًا﴾: جز یاد موسی از همه چیز تهی گشت.

10- ﴿لَتُبۡدِي بِهِ﴾: از شدت اندوه آشکار کند که این پسرش است.

10- ﴿لَوۡلَآ أَن رَّبَطۡنَا﴾: اگر با صبر استوار نمی‌داشتیم.

11- ﴿قُصِّيهِ﴾: از دنبالش برو و از احوالش آگاه شو.

11- ﴿فَبَصُرَتۡ بِهِ﴾: او را دید. ﴿عَن جُنُبٖ﴾: از دور.

12- ﴿يَكۡفُلُونَهُۥ لَكُمۡ﴾: بخاطر شما تربیت این پسر را به عهده می‌گیرند.

13- ﴿تَقَرَّ عَيۡنُهَا﴾: به دیدار فرزندش خوشحال شد.

14- ﴿بَلَغَ أَشُدَّهُ﴾: به کمال بالندگی و نیروی بدنی خود رسید.

14- ﴿وَٱسۡتَوَىٰٓ﴾ : عقلش کامل شد.

15- ﴿فَوَكَزَهُۥ مُوسَىٰ﴾ : موسی با مشت به سینه او زد.

17- ﴿ظَهِيرٗا لِّلۡمُجۡرِمِينَ﴾: همکار مجرمین.

18﴿يَتَرَقَّبُ﴾: انتظار وقوع اتفاق بدی را داشت.

18- ﴿يَسۡتَصۡرِخُهُ﴾: از او کمک می‌خواهد.

18- ﴿إِنَّكَ لَغَوِيّٞ﴾: تو گمراه هستی هیچگاه اصلاح نمی‌شوی.

19- ﴿يَبۡطِشَ﴾: به قوت و شدّت بگیرد.

20- ﴿يَسۡعَىٰ﴾: به شتاب.

20- ﴿إِنَّ ٱلۡمَلَأَ﴾: سران و بزرگان قوم.

20- ﴿يَأۡتَمِرُونَ بِك﴾: در باره تو با هم مشورت دارند.

22- ﴿تِلۡقَآءَ مَدۡيَنَ﴾: به سمت مَدْین، قریه شعیب ÷.

22- ﴿سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ﴾: راه راست که مایه نجات است.

23- ﴿أُمَّةٗ مِّنَ ٱلنَّاسِ﴾: جمعیت بسیاری از مردم را.

23- ﴿تَذُودَان﴾: گوسفندان خود را از نزدیک شدن به آب منع می‌کردند.

23- ﴿مَا خَطۡبُكُمَا﴾: مقصد شما از این کار چیست؟

23- ﴿يُصۡدِرَ ٱلرِّعَآءُ﴾: چوپانها رمه‌های خود را از آب دور ببرند.

27- ﴿تَأۡجُرَنِي﴾: بخاطر چراندن گوسفندها به من اجیر باشی.

27- ﴿حِجَجٖ﴾: سالها.

29- ﴿ءَانَس﴾: مشاهده کرد.

29- ﴿نَارٗا﴾: آتشی را، در واقع نور ربانی بود.

29- ﴿جَذۡوَةٖ مِّنَ ٱلنَّارِ﴾: چوبی‌که آتش بدون شعله دارد.

29- ﴿تَصۡطَلُونَ﴾: خود را به آن گرم نمایید.

31- ﴿تَهۡتَزُّ﴾: به سرعت حرکت می‌کند.

31- ﴿لَمۡ يُعَقِّب﴾: بر نمی‌گردد یا متوجه نمی‌شود.

32- ﴿جَيۡبِك﴾: گریبانت.

32- ﴿بَيۡضَآء﴾: سفید، ‌درخشانتر از آفتاب.

32- ﴿غَيۡرِ سُوٓءٖ﴾: بدون برص و امثال آن.

32- ﴿وَٱضۡمُمۡ إِلَيۡكَ جَنَاحَكَ مِنَ ٱلرَّهۡبِ﴾: دست راست خود را به سینه‌ات بگذار ترسی‌که از این مار داری زایل می‌شود.

34- ﴿رِدۡءٗا﴾: یاور.

35- ﴿سَنَشُدُّ عَضُدَكَ﴾: نیرومندت می‌سازم و کمکت می‌کنم.

35- ﴿سُلۡطَٰنٗا﴾: حجت یا غلبه.

36- ﴿مُّفۡتَرٗى﴾: این را به دروغ به خدا نسبت می‌دهی.

38- ﴿صَرۡحٗا﴾: قصری یا عمارت بلند و نمایان.

40- ﴿فَنَبَذۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡيَمِّ﴾: آنها را به دریا افکندیم و غرق نمودیم.

41- ﴿أَئِمَّةٗ﴾: پیشوایانی در مسیر گمراهی.

42- ﴿لَعۡنَةٗ﴾: دوری از رحمت خدا.

42- ﴿مِّنَ ٱلۡمَقۡبُوحِينَ﴾: از طرد شدگان یا از زشت رویان هستند.

43- ﴿ٱلۡقُرُونَ ٱلۡأُولَىٰ﴾ : ملل گذشته را که پیامبران خویش را تکذیب کردند.

43- ﴿بَصَآئِرَ لِلنَّاسِ﴾: روشنی بخش دلهای مردم كه با آن حقايق را مشاهده ‌كنند.

44- ﴿قَضَيۡنَآ﴾: سپردیم.

45- ﴿ثَاوِيٗا﴾: مقیم.

48- ﴿سِحۡرَانِ تَظَٰهَرَا﴾: قرآن و تورات هر دو سحر و پشتیبان یکدیگر.

51- ﴿وَصَّلۡنَا لَهُمُ ٱلۡقَوۡلَ﴾: ما قرآن را برای آنها پی‌درپی فرستادیم.

54- ﴿يَدۡرَءُونَ﴾: دفع می‌کنند.

55- ﴿ٱللَّغۡوَ﴾: دشنام را از کفار.

55- ﴿سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡ﴾: سلام بر شما ما مثل شما رفتار نمی‌کنیم.

57- ﴿نُتَخَطَّفۡ﴾: به سرعت ربوده می‌شویم.

57- ﴿يُجۡبَىٰٓ إِلَيۡهِ﴾: از هر سمت به آنجا آورده می‌شود.

58- ﴿كَمۡ أَهۡلَكۡنَا﴾: چه بسیاری را هلاک کردیم.

58- ﴿بَطِرَتۡ مَعِيشَتَهَا﴾: در دنیا بدمست و مغرور شده بودند.

61- ﴿مِنَ ٱلۡمُحۡضَرِينَ﴾: از احضار شدگان در دوزخ.

63- ﴿أَغۡوَيۡنَا﴾: آنها را به گمراهی دعوت کردیم و از ما پیروی کردند.

66- ﴿فَعَمِيَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَنۢبَآءُ﴾: دلایل بر آنها پوشیده گردد، دلیلی نمی‌یابند.

68- ﴿ٱلۡخِيَرَةُ﴾: اختیار.

69- ﴿مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمۡ﴾: باطل و عداوتی‌‌که در سینه‌های خود نهان می‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌دارند.

71- ﴿أَرَءَيۡتُمۡ﴾: به من خبر دهید.

71- ﴿سَرۡمَدًا﴾: دایمی.

75- ﴿يَفۡتَرُونَ﴾: پندار باطلی‌که در دنیا به دروغ می‌بافتند.

76- ﴿فَبَغَىٰ عَلَيۡهِمۡ﴾: بر آنها ستم یا کبر کرد.

76- ﴿لَتَنُوٓأُ بِٱلۡعُصۡبَةِ﴾: به یک گروه سنگین بود.

76- ﴿لَا تَفۡرَحۡ﴾: به کثرت دارایی خودبین و بدمست مباش.

78- ﴿مِنَ ٱلۡقُرُونِ﴾: از ملت‌ها.

78- ﴿لَا يُسۡ‍َٔلُ﴾: برای معلومات از آنها سؤال نمی‌شود بلکه سؤال توبیخ و سرزنش می‌شود.

79- ﴿فِي زِينَتِهِ﴾: در آرایشی از رفاه و ثروت خود.

80- ﴿وَيۡلَكُم﴾: وای بر شما، برای منع آنها از چنین آرزوهاست.

80- ﴿وَلَا يُلَقَّىٰهَآ﴾: به انجام کارهای نیک موفق نمی‌شوند.

82- ﴿وَيۡكَأَنَّ ٱللَّهَ﴾: آیا مشاهده نکردی‌که او تعالی.

82- ﴿يَقۡدِرُ﴾: به مقتضای حکمت روزی هر که را بخواهد کم می‌کند.

82- ﴿وَيۡكَأَنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ﴾: آیا نمی‌بینی ‌که رستگار نمی‌شود.

85- ﴿مَعَاد﴾: به مکه پیروزمندانه.

86- ﴿ظَهِيرٗا لِّلۡكَٰفِرِينَ﴾: پشتیبان کافران.

سورۀ عَنكبُوت

2- ﴿لَا يُفۡتَنُونَ﴾: با گرفتاری به سختی‌ها مورد امتحان قرار نمی‌گیرند تا مخلص از منافق جدا شود.

4- ﴿أَن يَسۡبِقُونَا﴾: ما را ناتوان سازند و از مجازات ما نجات یابند.

5- ﴿أَجَلَ ٱللَّهِ﴾: وقت معین برای رستاخیز و جزاء.

8- ﴿وَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ﴾: به انسان دستور دادیم.

8- ﴿حُسۡنٗا﴾: فرمانبردار پدر و مادر و بر آنها مهربان باشد.

10- ﴿فِتۡنَةَ ٱلنَّاسِ﴾: شکنجه و آزاری‌که از مردم به او می‌رسد.

12- ﴿خَطَٰيَٰكُمۡ﴾: گناهان شما را.

13- ﴿أَثۡقَالَهُمۡ﴾: خطاهای سنگین خود را.

13- ﴿يَفۡتَرُونَ﴾: سخنان دروغ و یاوه را از خود می‌بافتند.

17- ﴿تَخۡلُقُونَ إِفۡكًا﴾: دروغ می‌گویند.

21- ﴿إِلَيۡهِ تُقۡلَبُونَ﴾: به نزد خدا بر می‌گردید.

22- ﴿بِمُعۡجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی‌توانید فرار کنید.

25- ﴿مَّوَدَّةَ بَيۡنِكُمۡ﴾: برای استحکام دوستی بین خود که همه یکسان بت پرستید.

25- ﴿مَأۡوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ﴾: جای شما دوزخ است.

29- ﴿تَقۡطَعُونَ ٱلسَّبِيلَ﴾: راه را می‌بندید با آمیزش به گناه و زشتی‌.

29- ﴿نَادِيكُمُ﴾: مجالس خود.

32- ﴿مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ﴾: مثل همتایان خود در عذاب خواهد ماند.

33- ﴿سِيٓءَ بِهِمۡ﴾: از آمدن آنها غمگین شد که از دست درازی قومش بر آنها ترسید.

33- ﴿ضَاقَ بِهِمۡ ذَرۡعٗا﴾: بخاطر آنها سخت دلتنگ شد که توان نجات آنها را نداشت.

34- ﴿رِجۡزٗا﴾: عذاب شدید.

36- ﴿لَا تَعۡثَوۡاْ﴾: فساد و تباهی نکنید.

37- ﴿فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ﴾: به سبب صیحه گرفتار زمین لرزه شدید شدند.

37- ﴿جَٰثِمِينَ﴾: خشک، بی‌حرکت و بی‌جان.

38- ﴿َكَانُواْ مُسۡتَبۡصِرِينَ﴾: خردمند و اهل نظر بودند.

39- ﴿سَٰبِقِينَ﴾: از عذاب خدا نجات یابند.

40- ﴿حَاصِبٗا﴾: باد شدیدی‌که سنگریزه پرتاب می‌کرد.

40- ﴿أَخَذَتۡهُ ٱلصَّيۡحَةُ﴾: صدای تکان دهنده و کشنده از جانب آسمان او را گرفت.

41- ﴿ٱلۡعَنكَبُوت﴾: حشره معروف.

48- ﴿لَّٱرۡتَابَ﴾: در شک می‌افتادند.

49- ﴿مَا يَجۡحَدُ﴾: انکار و تکذیب نمی‌کند.

50- ﴿ءَايَٰتٞ مِّن رَّبِّهِ﴾: معجزه‌های خارق العاده از سوی پروردگارش.

53- ﴿أَجَلٞ مُّسَمّٗى﴾: روز قیامت.

53- ﴿بَغۡتَةٗ﴾: ناگهان.

55- ﴿يَغۡشَىٰهُمُ ٱلۡعَذَابُ﴾: عذاب آنها را احاطه کند.

58- ﴿لَنُبَوِّئَنَّهُم﴾: آنها را دایمی جای می‌دهیم.

58- ﴿غُرَفٗا﴾: منازل عالی.

60- ﴿كَأَيِّن مِّن دَآبَّةٖ﴾: بسیاری از جانوران.

61- ﴿فَأَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ﴾: پس چگونه آنان را از توحید حق منحرف می‌سازند؟

62- ﴿يَقۡدِرُ لَهُ﴾: روزی هرکسی را به مقتضای حکمت کم می‌کند.

64- ﴿لَهۡوٞ وَلَعِبٞ﴾: لذت‌های زود گذر، عبث و بیهوده.

64- ﴿لَهِيَ ٱلۡحَيَوَانُ﴾: بدون شک دیار آخرت پاینده و جاوید است.

65- ﴿ٱلدِّينَ﴾: طاعت و عبادت را.

67- ﴿يُتَخَطَّفُ ٱلنَّاسُ﴾: مردم ربوده و سر بریده می‌شوند.

68- ﴿مَثۡوٗى لِّلۡكَٰفِرِين﴾: محل اقامت کافران.

سورۀ روم

2- ﴿غُلِبَتِ ٱلرُّومُ٢﴾: فارس روم را مغلوب کرد.

3- ﴿أَدۡنَى ٱلۡأَرۡضِ﴾: نزدیک‌ترین ساحه سرزمین روم به فارس.

3- ﴿غَلَبِهِمۡ﴾: مغلوب شدنشان.

8- ﴿أَجَلٖ مُّسَمّٗى﴾: زمان معین برای بقای آنها از ازل.

9- ﴿أَثَارُواْ ٱلۡأَرۡضَ﴾: زمین را شخم زدند و برای زراعت آماده کردند.

10- ﴿ٱلسُّوٓأَىٰٓ﴾ : بدترین عذاب، دوزخ.

12- ﴿يُبۡلِسُ ٱلۡمُجۡرِمُون﴾: دلیل مجرمان منقطع می‌شود یا نومید می‌شوند.

15- ﴿يُحۡبَرُونَ﴾: شاد یا گرامی‌ داشته می‌شوند.

16- ﴿فِي ٱلۡعَذَابِ مُحۡضَرُونَ﴾: همیشه در عذابند.

18- ﴿حِينَ تُظۡهِرُونَ﴾: هنگامی‌که به ظهر می‌رسید.

20- ﴿تَنتَشِرُونَ﴾: در امور زندگی دست بکار می‌شوید.

21- ﴿لِّتَسۡكُنُوٓاْ إِلَيۡهَا﴾: تا به آنها تمایل پیدا کنید و اُنس بگیرید.

26- ﴿لَّهُۥ قَٰنِتُونَ﴾: از اراده او تعالی فرمان می‌برند.

27- ﴿لَهُ ٱلۡمَثَلُ ٱلۡأَعۡلَىٰ﴾ : عالی‌ترین وصف در کمال و جلال از آن خداست.

30- ﴿فَأَقِمۡ وَجۡهَكَ﴾: پس روی خود را راست و درست کن.

30- ﴿لِلدِّينِ﴾: به دین توحید و اسلام.

30- ﴿حَنِيفٗا﴾: متمایل به سوی او.

30- ﴿فِطۡرَتَ ٱللَّهِ﴾: به اسلام پایدار باشید.

30- ﴿فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيۡهَا﴾: خدا انسان را بر آن آفریده است.

30- ﴿لِخَلۡقِ ٱللَّهِ﴾: به دین الهی‌که انسان را بر آن آفریده است.

30- ﴿ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ﴾: این است دین مستقیم.

31- ﴿مُنِيبِينَ إِلَيۡهِ﴾: با توبه و اخلاص به او تعالی رجوع کنید.

32- ﴿كَانُواْ شِيَعٗا﴾: از هوای نفس به صورت احزاب گوناگون درآمدند.

35- ﴿سُلۡطَٰنٗا﴾: کتابی یا دلیل روشنی.

36- ﴿فَرِحُواْ بِهَا﴾: به سبب آن متکبر و خودپسند می‌شوند.

36- ﴿هُمۡ يَقۡنَطُونَ﴾: از رحمت خدا نومید می‌شوند.

37- ﴿يَقۡدِر﴾: به اقتضای حکمت روزی هرکه را بخواهد تنگ می‌کند.

39- ﴿رِّبٗا﴾: همین ربای حرام معروف.

39- ﴿لِّيَرۡبُوَاْ﴾: تا آن رِبا بیفزاید.

39- ﴿فَلَا يَرۡبُو﴾: مایه برکت آن نمی‌شود.

39- ﴿ٱلۡمُضۡعِفُونَ﴾: چند برابر.

43- ﴿لِلدِّينِ ٱلۡقَيِّمِ﴾: به دین مستقیم و فطرت.

43- ﴿لَّا مَرَدَّ لَهُ﴾: هیچ کس نمی‌تواند مانع وقوع آن شود.

43- ﴿يَصَّدَّعُونَ﴾: به سوی بهشت و دوزخ متفرق می‌شوند.

44- ﴿يَمۡهَدُونَ﴾: جایگاه نعمت و ناز را مهیا می‌سازند.

48- ﴿فَتُثِيرُ سَحَابٗا﴾: ابرها را حرکت می‌دهد و پراکنده می‌سازد.

48- ﴿يَجۡعَلُهُۥ كِسَفٗا﴾: ابرها را به صورت قطعه‌های پراکنده در می‌آورد.

48- ﴿ٱلۡوَدۡقَ﴾: باران را.

48- ﴿مِنۡ خِلَٰلِه﴾: از لابلای آن.

49- ﴿لَمُبۡلِسِينَ﴾: از بارش باران نومید بودند.

51- ﴿فَرَأَوۡهُ مُصۡفَرّٗا﴾: گیاهان را بعد از شادابی و سبزی زرد می‌بینند.

54- ﴿شَيۡبَةٗ﴾: حالت پیری.

55- ﴿يُؤۡفَكُونَ﴾: از حق و راستی دوری می‌جستند.

57- ﴿لَا هُمۡ يُسۡتَعۡتَبُونَ﴾: از آنها خواسته نمی‌شود که با توبه و طاعت، غضب خدا را از خود دور نمایند.

60- ﴿لَا يَسۡتَخِفَّنَّكَ﴾: تو را به خفت، خواری و اضطراب وادار نکنند.

سورۀ لقمان

6- ﴿لَهۡوَ ٱلۡحَدِيثِ﴾: سخن باطل ‌که انسان را از خیر و عبادت باز دارد.

6- ﴿هُزُوًا﴾: به استهزاء.

7- ﴿وَلَّىٰ مُسۡتَكۡبِرٗا﴾: با تکبر از تفکر در آن اعراض می‌کند.

7- ﴿وَقۡرٗا﴾: کریی مانع از شنیدن.

10- ﴿بِغَيۡرِ عَمَدٖ﴾: بدون پایه و ستون.

10- ﴿رَوَٰسِيَ﴾: کوه‌های استوار.

10- ﴿أَن تَمِيدَ بِكُمۡ﴾: تا شما را تکان ندهد.

10- ﴿بَثَّ فِيهَا﴾: در روی زمین پراکنده کرد.

10- ﴿زَوۡجٖ كَرِيم﴾: نوع خوب و پرمنفعت.

12- ﴿لُقۡمَٰنَ﴾: لقمان شخصی صالح و حکیم بود نه پیامبر.

12- ﴿ٱلۡحِكۡمَةَ﴾: عقل، فهم، زیرکی و سخن راست و درست.

14- ﴿وَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ﴾: به انسان دستور دادیم و موظفش ساختیم.

14- ﴿وَهۡنًا﴾: در حال ناتوانی.

14- ﴿فِصَٰلُه﴾: پایان دوره شیرخوارگی آن.

15- ﴿أَنَابَ إِلَيَّ﴾: به اخلاص و طاعت به سوی من آمده است.

16- ﴿مِثۡقَالَ حَبَّةٖ...﴾: به وزن کوچکترین چیز...

18- ﴿لَا تُصَعِّرۡ خَدَّكَ لِلنَّاسِ﴾: به تکبر و غرور روی خود را از مردم نگردان.

18- ﴿مَرَحًا﴾: به سرکشی، غرور و خودپسندی.

18- ﴿مُخۡتَالٖ فَخُورٖ﴾: متکبر، کسی‌که به خصال نیک خود فخر کند.

19- ﴿وَٱقۡصِدۡ فِي مَشۡيِكَ﴾: در راه رفتن حد وسط را اختیار کن.

19- ﴿ٱغۡضُض﴾: آهسته بدار.

20- ﴿سَخَّرَ لَكُم﴾: برای منافع شما مسخر کرده است.

20- ﴿أَسۡبَغَ﴾: تمام، فراوان و کامل کرد.

22- ﴿يُسۡلِمۡ وَجۡهَهُ...﴾: همه امور خود را بسپارد...

22- ﴿ٱسۡتَمۡسَكَ﴾: چنگزده دلبستگی یافته و پناه برده است.

22- ﴿بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ﴾: به عهد و پیمان مطمئن.

24- ﴿عَذَابٍ غَلِيظٖ﴾: عذاب شدید، دوزخ.

27- ﴿يَمُدُّهُ﴾: بر او افزوده شود.

27- ﴿سَبۡعَةُ أَبۡحُرٖ﴾: هفت دریای پرآب دیگر.

27- ﴿مَّا نَفِدَتۡ﴾: به پایان نرسد.

27- ﴿كَلِمَٰتُ ٱللَّهِ﴾: مقدرات و عجایب صنعت یا علم الهی(**[[4]](#footnote-4)**).

29- ﴿يُولِج﴾: داخل می‌کند.

32- ﴿غَشِيَهُم مَّوۡجٞ﴾: موجی بالای سر آنها قرار بگیرد.

32- ﴿كَٱلظُّلَلِ﴾: مانند ابر یا کوه‌های سایه افکن.

32- ﴿فَمِنۡهُم مُّقۡتَصِدٞ﴾: عده‌ای خدا را شکر و به عهد خود وفا می‌کنند.

32- ﴿خَتَّارٖ كَفُورٖ﴾: غدَّا و ناسپاس.

33- ﴿يَوۡمٗا لَّا يَجۡزِي...﴾: روزی‌که در آن چیزی را دور نمی‌کند...

33- ﴿فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ﴾: شما را به لذت‌های خود سرگرم نکند و فریب ندهد.

33- ﴿ٱلۡغَرُور﴾: شیطان اغواگر و امثال آن.

سورۀ سجده

3- ﴿ٱفۡتَرَىٰهُ﴾: قرآن را خودش ساخته است.

4- ﴿ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِ﴾: استوایی‌که لایق کمال و جلال اوست.

5- ﴿يَعۡرُجُ إِلَيۡهِ﴾: این امر به سوی او بالا می‌رود.

7- ﴿أَحۡسَنَ كُلَّ شَيۡءٍ﴾: همه چیز را استوار ساخته است.

8- ﴿سُلَٰلَةٖ﴾: خلاصه‌ای.

8- ﴿مَّآءٖ مَّهِينٖ﴾: منی ضعیف و حقیر.

9- ﴿سَوَّىٰهُ﴾: او را صورت بخشیدن و موزون ساخت.

10- ﴿ضَلَلۡنَا فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾: ما خاک و در زمین گم ‌شویم.

12- ﴿نَاكِسُواْ رُءُوسِهِمۡ﴾: سرهای خود را از رسوایی، شرم و ندامت به زیر افکنند.

13- ﴿حَقَّ ٱلۡقَوۡلُ﴾: قضاء و قدر ثابت و نافذ شده است.

13- ﴿ٱلۡجِنَّةِ﴾: جن.

16- ﴿تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمۡ﴾: پهلوهایشان برای عبادت دور می‌شود.

16- ﴿عَنِ ٱلۡمَضَاجِعِ﴾: از بسترهای خواب.

17- ﴿مِّن قُرَّةِ أَعۡيُنٖ﴾: از اسباب شادمانی است.

19- ﴿نُزُلَۢا﴾: مهمانی و ضیافت.

23- ﴿فِي مِرۡيَةٖ﴾: در شک.

23- ﴿مِّن لِّقَآئِهِ﴾: از پذیرفتن موسی تورات را به خوشی.

26- ﴿أَوَ لَمۡ يَهۡدِ لَهُمۡ﴾: آیا مشرکان غافلند و سرانجام‌شان را روشن نساخته است.

26- ﴿كَمۡ أَهۡلَكۡنَا﴾: هلاکت و نابودی ملتهای گذشته.

26- ﴿ٱلۡقُرُون﴾: ملل گذشته.

27- ﴿ٱلۡأَرۡضِ ٱلۡجُرُزِ﴾: زمین خشک و بی‌گیاه.

28- ﴿هَٰذَا ٱلۡفَتۡحُ﴾: این پیروزی و نجات شما.

29- ﴿لَا هُمۡ يُنظَرُونَ﴾: مهلت داده نخواهند شد تا ایمان بیاورند.

سورۀ احزاب

1- ﴿ٱتَّقِ ٱللَّهَ﴾: همواره از خدا بترس یا پرهیزگاری را افزون نما.

3- ﴿وَكِيلٗا﴾: مراقب.

4- ﴿تُظَٰهِرُونَ مِنۡهُنَّ﴾: آنها را مثل مادر بر خود حرام می‌کنید.

4- ﴿أَدۡعِيَآءَكُمۡ﴾: فرزند خوانده‌های شما را.

5- ﴿أَقۡسَطُ﴾: عادلانه‌تر.

5- ﴿مَوَٰلِيكُمۡ﴾: دوستان دینی شما هستند.

6- ﴿أَوۡلَىٰ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾: مهربان‌تر و سودمندتر است به مؤمنان.

6- ﴿أَزۡوَٰجُهُۥٓ أُمَّهَٰتُهُمۡ﴾: همسرانش مثل مادرند به مسلمانان در حرمت نکاح و قدر و منزلت.

6- ﴿أُوْلُواْ ٱلۡأَرۡحَامِ﴾: خویشاوندان.

7- ﴿مِيثَٰقَهُم﴾: پیمان آنها را، هر چه برعهده دارند بجا کنند.

7- ﴿مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا﴾: پیمان استوار به وفا.

9- ﴿جَآءَتۡكُمۡ جُنُودٞ﴾: لشکرهای بزرگ به سوی شما آمدند، روز خندق سال پنجم هجرت.

10- ﴿زَاغَتِ ٱلۡأَبۡصَٰرُ﴾: چشمها از دهشت و حیرت کج و دیگرگون شدند.

10- ﴿بَلَغَتِ ٱلۡقُلُوبُ ٱلۡحَنَاجِرَ﴾: دلها به گلو رسید، تمثیل است برای شدّت ترس.

11- ﴿ٱبۡتُلِيَ ٱلۡمُؤۡمِنُون﴾: مؤمنان در سختی‌ها آزمایش شدند.

11- ﴿زُلۡزِلُواْ﴾: از شدّت ترس بسیار مضطرب شدند.

12- ﴿غُرُورٗا﴾: وعده بیهوده یا فریب.

13- ﴿يَثۡرِبَ﴾: نام سابق مدینه است.

13- ﴿لَا مُقَامَ لَكُمۡ﴾: اینجا محل اقامت شما نیست.

13- ﴿إِنَّ بُيُوتَنَا عَوۡرَةٞ﴾: خانه‌های ما دور و بیم تجاوز دشمن در آنجا است.

13- ﴿فِرَارٗا﴾: فرار از جنگ در صف مسلمانها.

14- ﴿مِّنۡ أَقۡطَارِهَا﴾: از اطراف و نواحی مدینه.

14- ﴿سُئِلُواْ ٱلۡفِتۡنَة﴾: از آنها خواسته شود که با مسلمانها بجنگند.

14- ﴿مَا تَلَبَّثُواْ بِهَآ﴾: جنگ را به تأخیر نمی‌اندازند.

17- ﴿يَعۡصِمُكُم مِّنَ ٱللَّهِ﴾: حکم و مشیت او را از شما دور می‌کند.

18- ﴿ٱلۡمُعَوِّقِينَ﴾: گروهی از شما که مردم را از همکاری با رسول خدا منع می‌کردند.

18- ﴿هَلُمَّ إِلَيۡنَا﴾: پیش ما بیایید یا خود را به ما نزدیک بسازید.

18- ﴿ٱلۡبَأۡسَ﴾: جنگ.

19- ﴿أَشِحَّةً عَلَيۡكُمۡ﴾: به چیزهای‌که در نفع شماست بخالت می‌کنند.

19- ﴿يُغۡشَىٰ عَلَيۡهِ مِنَ ٱلۡمَوۡتِ﴾: از سختی‌ مرگ بیهوش می‌شود.

19- ﴿سَلَقُوكُم﴾: به شما طعنه می‌زنند و آزار می‌رسانند.

19- ﴿بِأَلۡسِنَةٍ حِدَاد﴾: با زبان درازی.

19- ﴿أَشِحَّةً عَلَى ٱلۡخَيۡرِ﴾: حریص بر مال و غنیمت.

19- ﴿فَأَحۡبَطَ ٱللَّهُ﴾: خدا باطل کرد.

20- ﴿بَادُونَ فِي ٱلۡأَعۡرَابِ﴾: با اعراب در بادیه بودند.

21- ﴿أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ﴾: سرمشق نیکو در همه امور.

23- ﴿قَضَىٰ نَحۡبَهُ﴾: به پیمان خود وفا کردند یا جام شهادت نوشیدند.

26- ﴿ٱلَّذِينَ ظَٰهَرُوهُم﴾: یهود بنی‌قریظه که به احزاب کمک کردند.

26- ﴿صَيَاصِيهِم﴾: از قلعه‌های مستحکم خود.

26- ﴿ٱلرُّعۡبَ﴾: ترس شدید.

28- ﴿أُمَتِّعۡكُنَّ﴾: به شما متعه طلاق بدهم.

28- ﴿أُسَرِّحۡكُنَّ﴾: طلاقتان نمایم.

28- ﴿سَرَاحٗا جَمِيلٗا﴾: طلاق حسن که ضرر و زیان در آن نیست.

30- ﴿بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖ﴾: گناه کبیره.

31- ﴿مَن يَقۡنُتۡ مِنكُنَّ﴾: هرکه از شما فرمانبرداری کند.

32- ﴿فَلَا تَخۡضَعۡنَ بِٱلۡقَوۡلِ﴾: با مردان به لهجۀ نرم و با آب و تاب سخن نگوييد.

33- ﴿قَرۡنَ فِي بُيُوتِكُنَّ﴾: شما و دیگر زنان در خانه‌های خود بمانید.

33- ﴿لَا تَبَرَّجۡنَ﴾: زینتی را که ستر آن واجب است آشکار نسازید.

33- ﴿ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ ٱلۡأُولَىٰ﴾: جاهلیت پیش از اسلام.

33- ﴿ٱلرِّجۡسَ﴾: گناه یا نقص را.

34- ﴿وَٱلۡحِكۡمَةِ﴾: سیرت پیامبر یا احکام قرآن.

35- ﴿ٱلۡقَٰنِتِينَ﴾: مردانی‌که مطیع فرمان خدا هستند.

36- ﴿ٱلۡخِيَرَةُ﴾: اختیار.

37- ﴿وَطَرٗا﴾: حاجت خود را، کنایه از طلاق است.

37- ﴿حَرَجٞ﴾: هیچ گناهی.

37- ﴿أَدۡعِيَآئِهِمۡ﴾: فرزند خوانده‌هایشان، قبل از نسخ فرزند خواندگی.

38- ﴿فَرَضَ ٱللَّهُ لَهُ﴾: خدا بر او قسمت کرده یا مقدر گردانیده یا بر او حلال کرده.

38- ﴿خَلَوۡاْ مِن قَبۡلُ﴾: پیامبرانی‌که پیش از تو گذشتند.

39- ﴿حَسِيبٗا﴾: محاسب اعمال.

42- ﴿بُكۡرَةٗ وَأَصِيلًا﴾: اول و آخر روز.

49- ﴿سَرَاحٗا جَمِيلٗا﴾: رها کردن نیکو و عاری از آزار و منع واجب.

50- ﴿ءَاتَيۡتَ أُجُورَهُنَّ﴾: مهرهای ایشان را داده‌ای.

50- ﴿أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَيۡكَ﴾: خدا از راه غنیمت به تو داده است.

51- ﴿تُرۡجِي﴾: به تأخیر اندازی و همبستر نشوی.

51- ﴿تُ‍ٔۡوِيٓ إِلَيۡكَ﴾: همدم خود کنی و با او همبستر شوی.

51- ﴿ٱبۡتَغَيۡتَ﴾: خواستی.

51- ﴿عَزَلۡتَ﴾: کنار زده‌ای.

51- ﴿ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن تَقَرَّ أَعۡيُنُهُنَّ﴾: این‌که خودت را در مورد معاشرت با آنها مخیر ساختیم مایه مسرت و رضایت آنهاست چون می‌دانند این کار به دستور خداست.

52- ﴿رَّقِيبٗا﴾: مراقب.

53- ﴿غَيۡرَ نَٰظِرِينَ إِنَىٰهُ﴾: منتظر پختن غذا نباشید.

53- ﴿فَٱنتَشِرُواْ﴾: پراکنده شوید و در نزد او درنگ نکنید.

53- ﴿سَأَلۡتُمُوهُنَّ مَتَٰعٗا﴾: حاجت قابل استفاده را از آنها خواستید.

56- ﴿يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ﴾: بر پیامبر درود می‌فرستند.

58- ﴿بُهۡتَٰنٗا﴾: کاربد یا دروغ بسیار زشت.

59- ﴿يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ﴾: برخود بیندازند.

59- ﴿جَلَٰبِيبِهِنَّ﴾: چادرهای خود را.

60- ﴿وَٱلۡمُرۡجِفُونَ﴾: آنهای‌که خبرهای دروغ را پخش می‌کنند.

60- ﴿لَنُغۡرِيَنَّكَ بِهِمۡ﴾: تو را بر آنها مسلط می‌کنیم.

61- ﴿ثُقِفُوٓا﴾: یافت شوند و به دست آیند.

68- ﴿ضِعۡفَيۡنِ﴾: دو چند.

69- ﴿وَجِيهٗا﴾: با جاه و مقام و مستجاب الدعوه.

70- ﴿قَوۡلٗا سَدِيدٗا﴾: سخن درست یا راست یا پیام‌آور حق.

72- ﴿عَرَضۡنَا ٱلۡأَمَانَةَ﴾: تکالیف، اوامر و نواهی را عرضه کردیم.

72- ﴿فَأَبَيۡنَ﴾: نپذیرفتند.

72- ﴿أَشۡفَقۡنَ مِنۡهَا﴾: از خیانت در آن ترسیدند.

سورۀ سبأ

2- ﴿مَا يَلِجُ فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾: آنچه در زمین فرومی‌رود، باران و غیره.

2- ﴿مَا يَعۡرُجُ﴾: آنچه صعود می‌کند، فرشتگان و اعمال انسان.

3- ﴿لَا يَعۡزُبُ عَنۡهُ﴾: از وی پوشیده و پنهان نمی‌ماند.

3- ﴿مِثۡقَالُ ذَرَّةٖ﴾: به‌ اندازه کوچک‌ترین مورچه یا گرد و غبار.

5- ﴿مُعَٰجِزِينَ﴾: به گمان باطلشان بر ما سبقت گیرند و از عذاب ما نجات یابند.

5- ﴿مِّن رِّجۡزٍ﴾: بدترین و سخت‌ترین عذاب.

7- ﴿مُزِّقۡتُمۡ﴾: پاره پاره شدید و خاک گشتید.

8- ﴿بِهِۦ جِنَّةُۢ﴾: به جنون گرفتار شده سخنان بیهوده می‌گوید.

9- ﴿نَخۡسِفۡ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضَ﴾: آنها را مانند قارون به کام زمین فرومی‌بریم.

9- ﴿كِسَفٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ﴾: پاره‌ای از آسمان مثل اصحاب ایکه.

9- ﴿مُّنِيبٖ﴾: با توبه و طاعت به پرورگارش رجوع نماید.

10- ﴿أَوِّبِي مَعَهُ﴾: با او در تسبیح هم صدا شوید.

11- ﴿ٱعۡمَلۡ سَٰبِغَٰتٖ﴾: زره‌های کامل و فراخ بساز.

11- ﴿وَقَدِّرۡ فِي ٱلسَّرۡدِ﴾: زره‌ها را مستحکم و حلقه‌ها را به اندازه و متناسب به هم بساز.

12- ﴿غُدُوُّهَا شَهۡرٞ﴾: صبحگاه مسیر یکماه را طی می‌کرد.

12- ﴿رَوَاحُهَا شَهۡرٞ﴾: شامگاه نیز مسیر یکماه را می‌پیمود.

12- ﴿عَيۡنَ ٱلۡقِطۡرِ﴾: چشمه مس ذوب شده که مانند آب از زمین می‌جوشید.

12- ﴿يَزِغۡ مِنۡهُمۡ﴾: از آنها سرپیچی می‌کرد.

13- ﴿مِن مَّحَٰرِيبَ﴾: قصرها یا مسجدها.

13- ﴿تَمَٰثِيلَ﴾: مجسمه‌ها از مس و چیزهای دیگر.

13- ﴿جِفَانٖ كَٱلۡجَوَابِ﴾: کاسه‌های بزرگ مانند حوض‌های کلان.

13- ﴿قُدُورٖ رَّاسِيَٰتٍ﴾: دیک‌های بزرگ ثابت در جای خود.

14- ﴿دَآبَّةُ ٱلۡأَرۡضِ﴾: موریانه که چوب را می‌خورد.

14- ﴿تَأۡكُلُ مِنسَأَتَه﴾: عصای او را می‌خورد.

15- ﴿لِسَبَإٖ﴾: برای مردم سبا، قبیله‌ای است به یمن.

15- ﴿ءَايَة﴾: نشانه‌ای بر قدرت ما یا پند و عبرت است.

15- ﴿جَنَّتَانِ﴾: دو باغ یا دو سلسله از باغ‌ها.

15- ﴿بَلۡدَةٞ طَيِّبَةٞ﴾: شهری است پاکیزه و فرحت‌آور.

16- ﴿فَأَعۡرَضُواْ﴾: شکر و سپاس نکردند یا پیامبران خود را تکذیب کردند.

16- ﴿سَيۡلَ ٱلۡعَرِمِ﴾: سیلی‌که از اثر تخریب سد یا از باران شدید جاری شد.

16- ﴿أُكُلٍ خَمۡطٖ﴾: میوه‌های تلخ، ترش و زشت.

16- ﴿أَثۡلٖ﴾: نوعی از درخت گز.

18- ﴿ٱلۡقُرَى﴾: قریه‌های شام.

18- ﴿قُرٗى ظَٰهِرَةٗ﴾: متصل و نزدیک به هم.

18- ﴿قَدَّرۡنَا فِيهَا ٱلسَّيۡرَ﴾: ما در میان این آبادی‌ها مسافت‌های نزدیک به هم تعیین کردیم.

19- ﴿فَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَحَادِيثَ﴾: آنها را اخبار سرگرم کننده و شگفت آور قرار دادیم.

19- ﴿مَزَّقۡنَٰهُمۡ﴾: آنها را در سرزمین‌های مختلف پراکنده ساختیم.

20- ﴿صَدَّقَ عَلَيۡهِمۡ﴾: درباره آنها به اثبات رساند.

21- ﴿سُلۡطَٰن﴾: سلطه و غلبه به وسوسه و فریب.

22- ﴿مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ﴾: به وزن یک ذرَّه از نفع و یا ضرر.

22- ﴿ظَهِيرٖ﴾: یاور در آفرینش و تدبیر.

23- ﴿فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمۡ﴾: از دل‌هایشان ترس و خوف دور شود.

23- ﴿ٱلۡحَقَّ﴾: سخن حق را گفت، اجازه شفاعت.

25- ﴿أَجۡرَمۡنَا﴾: خطاهای‌که ما انجام دادیم.

26- ﴿يَفۡتَحُ بَيۡنَنَا﴾: بین ما داوری و حکم می‌کند.

26- ﴿هُوَ ٱلۡفَتَّاحُ﴾: اوست قاضی و حاکم.

27- ﴿كَلَّا﴾: هرگز چنین نیست، از ادعای مشارکت بتان به خدای یکتا خودداری کنید.

28- ﴿كَآفَّةٗ لِّلنَّاسِ﴾: به همه مردم.

31- ﴿مَوۡقُوفُونَ﴾: در محل حساب نگهداشته می‌‌شوند.

31- ﴿يَرۡجِعُ﴾: رد می‌کند و نسبت خطا می‌دهد.

33- ﴿مَكۡرُ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ﴾: حیله‌های شبانه روزی شما مانع هدایت ما شد.

33- ﴿أَندَادٗا﴾: همتاهای از مخلوقات و عبادتش نماییم.

33- ﴿أَسَرُّواْ ٱلنَّدَامَةَ﴾: ندامت را نهان داشتند یا اظهار کردند.

33- ﴿ٱلۡأَغۡلَٰلَ﴾: زنجیرهای‌که دست‌ها را به گردن‌ می‌بندد.

34- ﴿مُتۡرَفُوهَآ﴾: صاحبان ناز و نعمت و پیشوایان فاسد آنجا.

36- ﴿يَقۡدِرُ﴾: روزی هر کسی را بخواهد به مقتضای حکمت تنگ می‌کند.

37- ﴿زُلۡفَىٰٓ﴾: نزدیکی و تقرب.

37- ﴿لَهُمۡ جَزَآءُ ٱلضِّعۡفِ﴾: ثواب ‌آنها دو چند است.

37- ﴿فِي ٱلۡغُرُفَٰتِ﴾: در منزل‌های عالی بهشت.

38- ﴿مُحۡضَرُونَ﴾: نگهبانان دوزخ آنها را حاضر می‌کنند.

39- ﴿يَقۡدِرُ لَهُ﴾: هرکه را بخواهد کم روزی می‌کند.

41- ﴿أَنتَ وَلِيُّنَا﴾: تو یگانه یاور ماستی.

43- ﴿إِفۡكٞ مُّفۡتَرٗى﴾: دروغ ساختگی.

45- ﴿مِعۡشَارَ مَآ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ﴾: یک دهم نعمت‌های‌که به آنها دادیم.

45- ﴿كَانَ نَكِيرِ﴾: انکار من بر آنها با ویرانی و نابودیشان بود.

46- ﴿مِّن جِنَّةٍ﴾: جنون.

48- ﴿يَقۡذِفُ بِٱلۡحَقِّ﴾: حق را به باطل می‌افکند و نابودش می‌کند.

51- ﴿فَزِعُواْ﴾: هنگام مرگ یا رستاخیز بترسند.

51- ﴿فَلَا فَوۡتَ﴾: جای فرار و نجات از عذاب نیست.

51- ﴿مَّكَانٖ قَرِيبٖ﴾: جای حساب.

52- ﴿ٱلتَّنَاوُشُ﴾: بدست آوردن ایمان و توبه.

52- ﴿مَّكَانِۢ بَعِيدٖ﴾: آخرت.

53- ﴿يَقۡذِفُونَ بِٱلۡغَيۡبِ﴾: به گمان می‌گویند.

54- ﴿بِأَشۡيَاعِهِم﴾: با همتایان کافر آنها.

54- ﴿مُّرِيبِۢ﴾: شک و اضطراب‌آور.

سورۀ فاطر

1- ﴿فَاطِرِ﴾: ایجاد کننده.

2- ﴿مَّا يَفۡتَحِ ٱللَّهُ﴾: آنچه خدا بفرستد.

3- ﴿فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ﴾: پس چگونه از توحید اوتعالی برگردانده می‌شوند.

5- ﴿فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ﴾: آرایش و لذتهای دنیا شما را نفریبد.

5- ﴿ٱلۡغَرُورُ﴾: هر چه بفریبد و حیله کند از قبیل شیطان و غیره.

8- ﴿فَلَا تَذۡهَبۡ نَفۡسُكَ عَلَيۡهِمۡ حَسَرَٰتٍ﴾: از غم و اندوه اینها که چرا در کفر روانند جانت از دست نرود.

9- ﴿فَتُثِيرُ سَحَابٗا﴾: باد ابرها را حرکت می‌دهد.

9- ﴿ٱلنُّشُورُ﴾: زنده شدن مرده‌ها برای جزاء.

10- ﴿يُرِيدُ ٱلۡعِزَّةَ﴾: شرف و قدرت می‌خواهد.

10- ﴿ٱلۡكَلِمُ ٱلطَّيِّبُ﴾: کلمه توحید و تمام عبادت‌های‌که با زبان انجام می‌شود.

10- ﴿ٱلۡعَمَلُ ٱلصَّٰلِحُ يَرۡفَعُهُ﴾: خدا عمل صالح را بالا می‌برد و می‌پذیرد.(**[[5]](#footnote-5)**)

10- ﴿يَبُور﴾: باطل می‌گردد.

11- ﴿أَزۡوَٰجٗا﴾: ذکور و اناث.

11- ﴿مُّعَمَّرٖ﴾: عمر دراز.

12- ﴿عَذۡبٞ فُرَاتٞ﴾: پاکیزه، شیرین و گوارا.

12- ﴿سَآئِغٞ شَرَابُهُ﴾: آبش گوارا و خوشمزه است.

12- ﴿مِلۡحٌ أُجَاجٞ﴾: بسیار شور یا تلخ.

12- ﴿حِلۡيَةٗ﴾: لؤلؤ و مرجان.

12- ﴿مَوَاخِرَ﴾: بوسیله باد جاری هستند.

13- ﴿يُولِجُ﴾: داخل می‌کند.

13- ﴿لِأَجَلٖ مُّسَمّٗى﴾: تا روز معین یعنی روز قیامت.

13- ﴿قِطۡمِيرٍ﴾: پوست نازک هسته خرما.

18- ﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٞ...﴾: هیچ گناه‌کاری بر دوش نمی‌کشد...

18- ﴿مُثۡقَلَة﴾: کسی‌که بار گناهش سنگین است.

18- ﴿حِمۡلِهَا﴾: بار گناهان سنگینش را.

18- ﴿تَزَكَّىٰ﴾: از کفر و گناه پاکی اختیار کند.

21- ﴿ٱلۡحَرُورُ﴾: گرمای شدید به شب مانند ‌باد سوزان.

25- ﴿بِٱلزُّبُرِ﴾: به کتابها مثل صحیفه ابراهیم و تورات موسی‌علیهما السلام.

26- ﴿كَانَ نَكِيرِ﴾: انکار من بر آنها به ویرانی و نابودی‌شان بود.

27- ﴿جُدَدُۢ﴾: راه‌ها با رنگ‌های مختلف.

27- ﴿غَرَابِيبُ سُودٞ﴾: نهايت سياه مانند زاغ.

29- ﴿لَّن تَبُورَ﴾: کساد یا نابود نمی‌گردد.

32- ﴿ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِ﴾: گناهانش بر حسناتش رجحان یابد.

32- ﴿مُّقۡتَصِدٞ﴾: حسنات و گناهانش برابر باشد.

32- ﴿سَابِقُۢ بِٱلۡخَيۡرَٰتِ﴾: حسناتش بر گناهانش رجحان يابد.

34- ﴿ٱلۡحَزَنَ﴾: هر چیز اندوه‌آور.

35- ﴿دَارَ ٱلۡمُقَامَةِ﴾: بهشت.

35- ﴿نَصَبٞ﴾: رنج و مشقت.

35- ﴿لُغُوب﴾: رنج از خستگی و ناتوانی.

37- ﴿هُمۡ يَصۡطَرِخُونَ﴾: آنها به شدت فریاد می‌کنند و کمک می‌خواهند.

39- ﴿جَعَلَكُمۡ خَلَٰٓئِفَ﴾: شما را جانشین گذشتگان قرار داده.

39- ﴿مَقۡتٗا﴾: غضب شدید، خواری و حقارت.

40- ﴿أَرَءَيۡتُمۡ شُرَكَآءَكُمُ﴾: به من از شریک‌های خود خبر دهید.

40- ﴿أَمۡ لَهُمۡ شِرۡكٞ﴾: آيا آنها در آفرينش با خدا شريكند.

40- ﴿غُرُورًا﴾: باطل یا فریب.

42- ﴿جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ﴾: سخت‌ترین سوگند.

42- ﴿نُفُورًا﴾: دوری و فرار از حق.

43- ﴿مَكۡرَ ٱلسَّيِّيِٕ﴾: حیله‌گریهای ناشایست، در برابر پیامبر.

43- ﴿لَا يَحِيقُ﴾: احاطه نمی‌کند یا نازل نمی‌شود.

43- ﴿فَهَلۡ يَنظُرُونَ﴾: انتظار ندارند.

43- ﴿سُنَّتَ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: سنت گذشتکان را، سنت الهی‌که به جرم تکذیب انبیاء به عذاب گرفتار شوند.

سورۀ يس

7- ﴿لَقَدۡ حَقَّ ٱلۡقَوۡلُ﴾: سوگند به خدا که عذاب ثابت و حتمی شد.

8- ﴿أَغۡلَٰلٗا﴾: زنجیرها ‌که دست‌های آنها را به گردنشان می‌بندد.

8- ﴿فَهُم مُّقۡمَحُونَ﴾: سرهاشان را بالا گرفته‌اند و چشمانشان خیره است.

9- ﴿سَدّٗا﴾: حایل و مانعی.

9- ﴿فَأَغۡشَيۡنَٰهُمۡ﴾: چشم‌های آنها را پرده پوشانده‌ایم.

12- ﴿ءَاثَٰرَهُم﴾: آنچه وضع کرده‌اند از نیکویها و زشتی‌ها.

12- ﴿أَحۡصَيۡنَٰهُ﴾: او را ثبت و حفظ نمودیم.

12- ﴿إِمَامٖ مُّبِينٖ﴾: اصل آشکار، لوح محفوظ.

13- ﴿ٱلۡقَرۡيَةِ﴾: انطاکیه.

14- ﴿فَعَزَّزۡنَا بِثَالِثٖ﴾: آن دو را با فرستادن سومی ‌قوت و نیرو بخشیدیم.

18- ﴿تَطَيَّرۡنَا بِكُمۡ﴾: شما را فال ‌بد گرفتیم.

19- ﴿طَٰٓئِرُكُم مَّعَكُمۡ﴾: شومی ‌شما کفرتان است که پیوسته با خود شماست.

19- ﴿أَئِن ذُكِّرۡتُم﴾: آیا اگر به شما پند و اندرز دهیم به فال بد می‌گیرید.

20- ﴿يَسۡعَىٰ﴾ : برای نصیحت قوم خود شتابان راه می‌رفت.

22- ﴿فَطَرَنِي﴾: مرا آفریده است.

23- ﴿لَّا تُغۡنِ عَنِّي﴾: از من دفع نخواهد کرد.

29- ﴿صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ﴾: یک آواز کشنده از جانب آسمان.

29- ﴿خَٰمِدُونَ﴾: مانند آتش خاموش شدند.

30- ﴿يَٰحَسۡرَةً﴾: وا دردا، وا حسرتا.

31- ﴿كَمۡ أَهۡلَكۡنَا﴾: بسیاری را هلاک ساختیم.

31- ﴿ٱلۡقُرُونِ﴾: ملت‌ها.

32- ﴿لَّمَّا جَمِيعٞ﴾: همه بدون استثناء.

32- ﴿مُحۡضَرُونَ﴾: آنها را برای حساب و جزا احضار می‌کنیم.

34- ﴿فَجَّرۡنَا فِيهَا﴾: در زمین جاری ساختیم.

36- ﴿خَلَقَ ٱلۡأَزۡوَٰجَ﴾: گروه‌ها را آفرید.

37- ﴿نَسۡلَخُ مِنۡهُ ٱلنَّهَارَ﴾: روشنی آفتاب را از شب دور می‌کنیم.

39- ﴿كَٱلۡعُرۡجُونِ ٱلۡقَدِيمِ﴾: مانند شاخه خشک و کهن درخت ‌خرما.

40- ﴿لَا ٱلَّيۡلُ﴾: نه آیت شب، ماه.

40- ﴿سَابِقُ ٱلنَّهَارِ﴾: سبقت کننده است از نشانه روز، از آفتاب.

40- ﴿يَسۡبَحُون﴾: گسترده سیر می‌کنند یا می‌چرخند.

41- ﴿ذُرِّيَّتَهُمۡ﴾: فرزندان و ناتوانان آنها را.

41- ﴿ٱلۡمَشۡحُونِ﴾: مملو از انسان و سایر حیوانات.

43- ﴿فَلَا صَرِيخَ لَهُمۡ﴾: هیچ کس نیست که آنها را از غرق نجات دهد.

49- ﴿صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ﴾: نفخه مرگ.

49- ﴿هُمۡ يَخِصِّمُونَ﴾: آنها بی‌خبر و با یکدیگر در خصومت و ستیزند.

51- ﴿نُفِخَ فِي ٱلصُّورِ﴾: نفخه رستاخیز دمیده ‌شود.

51- ﴿ٱلۡأَجۡدَاثِ...﴾: قبرها... ﴿يَنسِلُونَ﴾: در بیرون آمدن می‌شتابند.

53- ﴿صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ﴾: یک آواز، نفخه بعث.

53- ﴿مُحۡضَرُونَ﴾: برای حساب و جزا احضارشان می‌کنیم.

55- ﴿فِي شُغُلٖ﴾: نعمت‌های بزرگ آنها را به خود مشغول و از چیزهای دیگر غافل کرده است.

55- ﴿فَٰكِهُون﴾: با لذت‌های فراوان شادند.

56- ﴿عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ﴾: بر تخت‌ها در حجله‌ها.

57- ﴿لَهُم مَّا يَدَّعُونَ﴾: هر چه آرزو می‌کنند و یا می‌طلبند برای آنها می‌رسد.

59- ﴿ٱمۡتَٰزُوا﴾: از مسلمانان جدا شوید.

60- ﴿أَلَمۡ أَعۡهَدۡ إِلَيۡكُمۡ﴾: آیا به شما امر نکرده بودم یا شما را مکلف نساخته بودم.

62- ﴿جِبِلّٗا﴾: گروهی یا جماعتی بسیاری را.

64- ﴿ٱصۡلَوۡهَا﴾: در آن داخل شوید یا رنج و سختی آن را بکشید.

66- ﴿لَطَمَسۡنَا﴾: محو و ناپدید ‌کنیم.

66- ﴿فَٱسۡتَبَقُواْ ٱلصِّرَٰطَ﴾: بشتابند و از یکدیگر پیشی گیرند.

66- ﴿فَأَنَّىٰ يُبۡصِرُونَ﴾: پس چگونه راه را می‌بینند؟

67- ﴿عَلَىٰ مَكَانَتِهِمۡ﴾: در محل گناه‌‌شان.

68- ﴿مَن نُّعَمِّرۡهُ﴾: هرکه را عمر دراز دهیم.

68- ﴿نُنَكِّسۡهُ فِي ٱلۡخَلۡقِ﴾: او را به ارزل عمر برمی‌گردانیم.

72- ﴿ذَلَّلۡنَٰهَا لَهُمۡ﴾: چارپان را برای انسان رام نمودیم.

75- ﴿وَهُمۡ لَهُمۡ جُندٞ مُّحۡضَرُونَ﴾: بتها سپاه آماده کافران هستند همه را یکجا بخاطر عذاب در جهنم احضار می‌کنیم.

77- ﴿هُوَ خَصِيمٞ﴾: در دشمنی و ستیز کوشاست.

78- ﴿هِيَ رَمِيمٞ﴾: این استخوانها پوسیده‌اند.

81- ﴿بَلَىٰ﴾ : بله، او تواناست که امثال اینها را بیافریند.

83- ﴿مَلَكُوت﴾: پادشاهی کامل.

سورۀ صافات

1- ﴿وَٱلصَّٰٓفَّٰتِ صَفّٗا١﴾: قسم به گروه‌های‌که برای عبادت صف می‌کشند.

2- ﴿فَٱلزَّٰجِرَٰتِ زَجۡرٗا٢﴾: و قسم به آنهای‌که با گفتار و کردار از ارتکاب معاصی منع می‌کنند.

3- ﴿فَٱلتَّٰلِيَٰتِ ذِكۡرًا٣﴾: قرآن را برای آموختن تلاوت می‌کنند.

4- ﴿إِنَّ إِلَٰهَكُمۡ لَوَٰحِدٞ٤﴾: یقیناً خدای شما یکتاست، جواب قسم.

7- ﴿شَيۡطَٰنٖ مَّارِدٖ﴾: شیطان نافرمان و متمرد.

8- ﴿يُقۡذَفُون﴾: تیر باران می‌شوند.

9- ﴿دُحُورٗا﴾: دور کرده می‌شوند.

9- ﴿عَذَابٞ وَاصِبٌ﴾: عذاب دایمی.

10- ﴿خَطِفَ ٱلۡخَطۡفَةَ﴾: سخنی را دزدانه به سرعت بشنود.

10- ﴿شِهَاب﴾: شعله‌ای‌که به نظر می‌رسد، مانند ستاره از آسمان فرود می‌آید. ثَاقِبٌ: روشن کننده یا سوزان.

11- ﴿طِينٖ لَّازِبِۢ﴾: گِل با هم چسبیده.

12- ﴿بَلۡ عَجِبۡتَ﴾: تو از قدرت خدا برآفرینش و انکار اینها به رستاخیز تعجب می‌کنی.

12- ﴿يَسۡخَرُونَ﴾: ولی آنها به تعجب تو تمسخر می‌کنند.

14- ﴿يَسۡتَسۡخِرُون﴾: در تمسخر و استهزاء افراط می‌کنند.

18- ﴿أَنتُمۡ دَٰخِرُون﴾: شما بیچاره و ذلیل باشید.

19- ﴿زَجۡرَةٞ وَٰحِدَةٞ﴾: یک صدا، نفخه رستاخیز.

20- ﴿يَٰوَيۡلَنَا﴾: ای مرگ زودتر بیا.

20- ﴿يَوۡمُ ٱلدِّينِ﴾: روز جزا و حساب.

22- ﴿أَزۡوَٰجَهُمۡ﴾: امثال آنها یا همنشین‌های آنها را.

24- ﴿قِفُوهُمۡ﴾: اینها را در میدان حساب نگهدارید.

30- ﴿قَوۡمٗا طَٰغِينَ﴾: گروه نافرمان.

31- ﴿فَحَقَّ عَلَيۡنَا﴾: بر ما ثابت و حتمی شده است.

32- ﴿فَأَغۡوَيۡنَٰكُمۡ﴾: شما را به گمراهی دعوت کردیم و پذیرفتید.

40- ﴿ٱلۡمُخۡلَصِينَ﴾: کسانی‌که خدا آنها را برای طاعت خود برگزیده است.

45- ﴿بِكَأۡسٖ﴾: شراب یا پیاله شراب.

45- ﴿مِّن مَّعِينِۢ﴾: از شرابی‌که از چشمه‌ها جاری می‌شود.

47- ﴿لَا فِيهَا غَوۡلٞ﴾: ضررهای‌که در شراب دنیاست در آن نیست.

47- ﴿عَنۡهَا يُنزَفُونَ﴾: به سبب آن مست می‌شوند و خردشان زایل می‌گردد.

48- ﴿قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ﴾: زیبا رویان بهشتی‌که غیر از شوهر خود به دیگری نگاه نمی‌کنند.

48- ﴿عِينٞ﴾: چشمان بزرگ در کمال زیبایی.

49- ﴿بَيۡضٞ مَّكۡنُونٞ﴾: تخم مرغ‌های پوشیده، گردی هم بر آنها نرسیده ‌است.

53- ﴿لَمَدِينُون﴾: محاسبه و جزاء داده می‌شویم.

55- ﴿سَوَآءِ ٱلۡجَحِيمِ﴾: میانه دوزخ.

56- ﴿إِن كِدتَّ لَتُرۡدِينِ﴾: نزدیک بود مرا گمراه و نابود کنی.

57- ﴿ٱلۡمُحۡضَرِينَ﴾: از احضار شدگان در دوزخ مانند خودت.

62- ﴿خَيۡرٞ نُّزُلًا﴾: مهمانی، اکرام و لذت است.

62- ﴿شَجَرَةُ ٱلزَّقُّومِ﴾: خبیث‌ترین درختی‌که در دوزخ می‌روید.

63- ﴿فِتۡنَةٗ لِّلظَّٰلِمِينَ﴾: بلا و عذابی است بر ستمگران در آخرت.

64- ﴿أَصۡلِ ٱلۡجَحِيمِ﴾: قعر جهنم.

65- ﴿طَلۡعُهَا﴾: میوه آن که مانند خوشه خرماست.

65- ﴿كَأَنَّهُۥ رُءُوسُ ٱلشَّيَٰطِينِ﴾: مانند سرهای شیاطین، تمثیل است برای نهایت زشتی.

67- ﴿لَشَوۡبٗا﴾: مخلوطی.

67- ﴿مِّنۡ حَمِيمٖ﴾: از آب جوشان.

70- ﴿عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمۡ يُهۡرَعُونَ﴾: به شتاب به دنبال پدرانشان رانده می‌شوند.

83- ﴿مِن شِيعَتِه﴾: از کسانی‌که اندیشه و راه نوح را دنبال کردند.

86- ﴿أَئِفۡكًا﴾: آیا باطل و دروغی؟

88- ﴿فَنَظَرَ﴾: همچو کاملان به دقت نگرست.

89- ﴿إِنِّي سَقِيمٞ﴾: من بیمارم، مرادش این بود که قلبش از مشاهده کفر آنها بیمار است.

91- ﴿فَرَاغَ إِلَىٰٓ الِهَتِهِمۡ﴾: نهانی به سوی بتها رفت تا آنها را بشکند.

93- ﴿ضَرۡبَۢا بِٱلۡيَمِينِ﴾: آنها را به شدت کوبید.

94- ﴿يَزِفُّونَ﴾: به شتاب می‌آمدند.

101- ﴿بِغُلَٰمٍ حَلِيمٖ﴾: به نوجوانی بردبار، بسیاری ‌از عالما ترجیح داده‌اند که اسماعیل ÷ است.

102- ﴿بَلَغَ مَعَهُ ٱلسَّعۡيَ﴾: به مرتبه‌ای رسید که همراه پدر نیازمندی‌های او را انجام دهد.

103- ﴿أَسۡلَمَا﴾: به امر خدا تسلیم شدند.

103- ﴿تَلَّهُۥ لِلۡجَبِينِ﴾: او را خوابانید و جبینش را برخاک نهاد.

106- ﴿ٱلۡبَلَٰٓؤُاْ ٱلۡمُبِينُ﴾: آزمون روشن یا بلای آشکار است.

107- ﴿بِذِبۡح﴾: به قوچی‌که ذبح شود.

125- ﴿أَتَدۡعُونَ بَعۡلٗا﴾: آیا بعل را پرستیش می‌کنید، نام بت است.

127- ﴿لَمُحۡضَرُونَ﴾: آنها را فرشتگان در دوزخ حاضر می‌‌کنند.

130- ﴿إِلۡ يَاسِينَ﴾: الیاس یا او و پیروانش.

135- ﴿فِي ٱلۡغَٰبِرِينَ﴾: از باقی‌ماندگان در عذاب.

136- ﴿دَمَّرۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ﴾: بقیه را هلاک کردیم.

137- ﴿مُّصۡبِحِينَ﴾: صبحگاهان.

140- ﴿أَبَقَ﴾: گریخت. ﴿ٱلۡمَشۡحُونِ﴾: پر.

141- ﴿فَسَاهَمَ﴾: اهل کشتی قرعه زدند.

141- ﴿ٱلۡمُدۡحَضِينَ﴾: از مغلوب شدگان به قرعه.

142- ﴿فَٱلۡتَقَمَهُ ٱلۡحُوتُ﴾: ماهی او را بلعید.

142- ﴿هُوَ مُلِيمٞ﴾: او کار ملامت‌آور انجام داده بود.

143- ﴿ٱلۡمُسَبِّحِينَ﴾: بسیار تسبیح می‌گفت.

145- ﴿فَنَبَذۡنَٰهُ بِٱلۡعَرَآء﴾: او را به سرزمین پهناور افکندیم.

146- ﴿يَقۡطِينٖ﴾: همین کادوی معروف و گفته شده چیز دیگر است.

151- ﴿إِفۡكِهِمۡ﴾: دروغ‌شان بر خدا.

153- ﴿أَصۡطَفَى﴾: اختیار کرده، استفهام توبیخی است.

156- ﴿سُلۡطَٰنٞ﴾: دلیل روشن.

158- ﴿ٱلۡجِنَّةُ﴾: فرشتگان یا شیاطین.

158- ﴿إِنَّهُمۡ لَمُحۡضَرُونَ﴾: بدون شک کافرها به دوزخ حاضر کرده می‌شوند.

162- ﴿عَلَيۡهِ بِفَٰتِنِينَ﴾: هیچ کس را نمی‌توانید فاسد و از خدا دور نمایید.

163- ﴿صَالِ ٱلۡجَحِيمِ﴾: اهل دوزخ.

165- ﴿ٱلصَّآفُّونَ﴾: ما خود در مقام عبادت به صف ایستاده‌ایم.

166- ﴿ٱلۡمُسَبِّحُونَ﴾: خدا را از آنچه سزاوار جلالت او نیست پاکیزه می‌دانیم.

177- ﴿بِسَاحَتِهِمۡ﴾: به ساحت منزل آنها مراد خود آنهاست.

180- ﴿رَبِّ ٱلۡعِزَّةِ﴾: پروردگار توانا.

سورۀ ص

1- ﴿وَٱلۡقُرۡءَان﴾: قسم به قرآن. جواب قسم: واقعیت امر چنانچه شما می‌پندارید نیست.

1- ﴿ذِي ٱلذِّكۡرِ﴾: امور مورد نیاز در دین را بیان می‌کند.

2- ﴿عِزَّةٖ﴾: از پذیرش حق تکبر و سرپیچی می‌کنند.

2- ﴿شِقَاق﴾: در مخالفت و دشمنی با خدا و رسول او هستند.

3- ﴿كَمۡ أَهۡلَكۡنَا﴾: بسیاری را نابود کردیم.

3- ﴿قَرۡنٖ﴾: امتها.

4- ﴿فَنَادَواْ﴾: هنگام مشاهده عذاب فریاد کردند.

4- ﴿لَاتَ حِينَ مَنَاصٖ﴾: آن وقت، مجال خلاصی و فرار نیست.

5- ﴿عُجَابٞ﴾: شگفت انگیز.

6- ﴿ٱلۡمَلَأُ مِنۡهُمۡ﴾: سران کفار قریش.

6- ﴿ٱمۡشُواْ﴾: به دین خود رفتار نمایید.

7- ﴿ٱلۡمِلَّةِ ٱلۡأٓخِرَةِ﴾: آیین قریش.

7- ﴿ٱخۡتِلَٰقٌ﴾: دروغ و افترای خود اوست.

10- ﴿ٱلۡأَسۡبَٰبِ﴾: وسایل رفتن به آسمان.

11- ﴿جُندٞ مَّا﴾: آنها گروه حقیرند «ما» زاید است.

11- ﴿هُنَالِكَ﴾: روز فتح مکه یا بدر.

12- ﴿ذُو ٱلۡأَوۡتَادِ﴾: صاحب لشکرها یا ساختمان‌های مستحکم.

13- ﴿أَصۡحَٰبُ لۡ‍َٔيۡكَة﴾: ساکنان دیار پر درخت و درهم پیچیده، قوم شعیب.

15- ﴿مَا يَنظُرُ﴾: انتظار نمی‌کشند.

15- ﴿صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ﴾: نفخه رستاخیز.

16- ﴿قِطَّنَا﴾: سهم ما را از عذابی‌که وعده داده‌ای.

17- ﴿ذَا ٱلۡأَيۡدِ﴾: دارای نیرو در دین و عبادت.

17- ﴿إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ﴾: به فرمان خدا رجوع می‌کرد.

18- ﴿بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِشۡرَاقِ﴾: شام و چاشت.

20- ﴿شَدَدۡنَا مُلۡكَه﴾: با اسباب قوت و نیرو، پادشاهی و قدرتش را افزودیم.

20- ﴿ءَاتَيۡنَٰهُ ٱلۡحِكۡمَةَ﴾: برای او نبوت، دانش و عمل درست دادیم.

20- ﴿فَصۡلَ ٱلۡخِطَابِ﴾: دانش فیصله خصومت‌ها.

21- ﴿تَسَوَّرُواْ ٱلۡمِحۡرَابَ﴾: از دیوار مسجد بلند شدند و به نزد او آمدند.

22- ﴿بَغَىٰ بَعۡضُنَا﴾: یکی از ما ستم کرده است.

22- ﴿لَا تُشۡطِطۡ﴾: بی‌انصافی نکن.

22- ﴿سَوَآءِ ٱلصِّرَٰطِ﴾: راه راست که حقیقت است.

23- ﴿أَكۡفِلۡنِيهَا﴾: آن را به من بده تا از او سرپرستی کنم.

23- ﴿عَزَّنِي فِي ٱلۡخِطَابِ﴾: در اظهار حجت بر من فشار آورده و سخت گرفته است.

24- ﴿ٱلۡخُلَطَآءِ﴾: شریکها.

24- ﴿فَتَنَّٰهُ﴾: او را آزموده‌ایم.

24- ﴿خَرَّۤ رَاكِعٗاۤ﴾: به خدا سجده کرد.

24- ﴿أَنَابَ﴾: توبه کرد.

25- ﴿لَزُلۡفَىٰ﴾ : قربت و منزلت است.

25- ﴿حُسۡنَ مَ‍َٔاب﴾: درآخرت سرانجام نیکو دارد، بهشت.

27- ﴿بَٰطِلٗا﴾: بیهوده و عبث.

27- ﴿فَوَيۡلٞ﴾: هلاکت یا وادیی است در جهنم.

30- ﴿إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ﴾: به در گاه خدا همواره با توبه رجوع می‌کرد.

31- ﴿بِٱلۡعَشِيِّ﴾: بعد از زوال تا غروب.

31- ﴿ٱلصَّٰفِنَٰتُ﴾: اسب‌های‌که به سه پا و نوک سم چهارم ایستاد شوند.

31- ﴿ٱلۡجِيَادُ﴾: اسبان تیز و سبقت گیرنده بر دشمن.

32- ﴿أَحۡبَبۡتُ حُبَّ ٱلۡخَيۡرِ﴾: علاقه‌مندی به اسبها را ترجیح دادم.

32- ﴿عَن ذِكۡرِ رَبِّي﴾: بر ادای نماز عصر.

32- ﴿تَوَارَتۡ بِٱلۡحِجَابِ﴾: آفتاب غروب کرد یا در تاریکی شب اسبها از نظرش نهان شد.

33- ﴿رُدُّوهَا عَلَيَّ﴾: اسبها را نزد من بیاورید.

33- ﴿فَطَفِقَ مَسۡحَۢا بِٱلسُّوقِ وَٱلۡأَعۡنَاقِ﴾: سپس به منظور تقرب به خدا به بریدن سر و ساق اسبها شروع کرد، این کار در آیین او مشروع بود.

34- ﴿فَتَنَّا سُلَيۡمَٰنَ﴾: سلیمان را آزمودیم و مجازات کردیم.

34- ﴿جَسَدٗا﴾: انسان ناقص خلقت را که همسرش به دنیا آورده بود.

34- ﴿أَنَابَ﴾: توبه کرد.

36- ﴿رُخَآءً حَيۡثُ أَصَابَ﴾: نرم یا فرمانبردار هر جا که بخواهد.

37- ﴿غَوَّاصٖ﴾: برای استخراج نفایس غواصی می‌کردند.

38- ﴿ٱلۡأَصۡفَادِ﴾: غل ‌که دستها را به گردنها می‌بندد.

39- ﴿بِغَيۡرِ حِسَابٖ﴾: در هیچ کدام از این دو امر محاسبه نمی‌شوی.

40- ﴿لَزُلۡفَىٰ﴾: قربت و منزلت است.

40- ﴿حُسۡنَ مَ‍َٔابٖ﴾: سرانجام نیکوست در آخرت.

41- ﴿بِنُصۡبٖ وَعَذَابٍ﴾: به سختی و مشقت، رنج و عذاب.

42- ﴿ٱرۡكُضۡ بِرِجۡلِكَ﴾: پای خود را بر زمین بزن.

42- ﴿هَٰذَا مُغۡتَسَلُۢ﴾: این چشمه‌ است خود را شستشوکن، در آن شفای تو است.

44- ﴿ضِغۡثٗا﴾: یک دسته شاخه درخت یا خوشه خرمای نارس.

45- ﴿أُوْلِي ٱلۡأَيۡدِي﴾: دارای نیرو در طاعت خدا.

45- ﴿وَٱلۡأَبۡصَٰرِ﴾: و بیصرت در دین و دانش.

46- ﴿أَخۡلَصۡنَٰهُم بِخَالِصَةٖ﴾: آنها را به خصلت نیک ویژگی بخشیدیم.

52- ﴿قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ﴾: بجز از شوهران خود به کسی نگاه نمی‌کنند.

52- ﴿أَتۡرَاب﴾: همه جوان و هم سن و سال هستند.

54- ﴿نَّفَادٍ﴾: فنا ناپذیر.

55- ﴿لَشَرَّ مَ‍َٔابٖ﴾: بازگشت بد است.

56- ﴿جَهَنَّمَ يَصۡلَوۡنَهَا﴾: به دوزخ داخل می‌شوند یا سختی آن را می‌کشند.

56- ﴿فَبِئۡسَ ٱلۡمِهَاد﴾: جهنم جای بد است.

57- ﴿حَمِيمٞ﴾: آب جوشان است.

57- ﴿غَسَّاقٞ﴾: ریمی‌که از بدن دوزخیان جاری می‌شود.

58- ﴿ءَاخَرُ﴾: عذاب دیگر.

58- ﴿مِن شَكۡلِهِۦٓ أَزۡوَٰجٌ﴾: مانند این عذابهای دیگر هم است.

59- ﴿هَٰذَا فَوۡجٞ﴾: این جماعت انبوه پیروان گمراه شماست.

59- ﴿مُّقۡتَحِمٞ مَّعَكُمۡ﴾: با شما یکجا وارد دوزخ می‌شوند.

59- ﴿لَا مَرۡحَبَۢا بِهِمۡ﴾: خوش نیامدند و آسایش نبینند.

59- ﴿صَالُواْ ٱلنَّارِ﴾: در دوزخ داخل خواهند شد یا سختی‌های آن را خواهند چشید.

60- ﴿فَبِئۡسَ ٱلۡقَرَارُ﴾: جهنم بر همه آنها جای بسیار بد است.

63- ﴿أَتَّخَذۡنَٰهُمۡ سِخۡرِيًّا﴾: آیا ما آنها را در دنیا به استهزا گرفتیم، کار ما نادرست بوده؟

63- ﴿زَاغَتۡ عَنۡهُمُ ٱلۡأَبۡصَٰرُ﴾: چشم ما به آنها نمی‌افتد و جای آنها را نمی‌بینیم.

69- ﴿بِٱلۡمَلَإِ ٱلۡأَعۡلَىٰٓ﴾: به فرشتگان.

69- ﴿إِذۡ يَخۡتَصِمُونَ﴾: زمانی‌که در مورد آدم و خلقت او اختلاف داشتند.

72- ﴿سَوَّيۡتُهُ﴾: آفرینیش او را به صورت انسان به تمام رساندم.

72- ﴿سَٰجِدِين﴾: سجده تحیت و سلام.

75- ﴿ٱلۡعَالِينَ﴾: مستحق بزرگی، نه هرگز چنین نیست.

77- ﴿رَجِيمٞ﴾: دور از خبر.

79- ﴿فَأَنظِرۡنِيٓ﴾: مهلتم بده و زنده‌ام بمان.

81- ﴿يَوۡمِ ٱلۡوَقۡتِ ٱلۡمَعۡلُومِ﴾: روز نفخه اول.

82﴿فَبِعِزَّتِكَ﴾: قسم به توانایی و قدرتت.

82- ﴿لَأُغۡوِيَنَّهُمۡ﴾: با آراستن گناه به چشم آنها گمراه‌شان می‌کنم.

86- ﴿ٱلۡمُتَكَلِّفِينَ﴾: از تظاهر کنندگان و سخن سازان نسبت به خدا.

88- ﴿نَبَأَهُ﴾: صدق اخبار او را.

سورۀ زمر

2- ﴿مُخۡلِصٗا لَّهُ ٱلدِّينَ﴾: طاعت و عبادت را خالص برای او.

3- ﴿زُلۡفَىٰٓ﴾ : نزدیک گردانیدن.

4- ﴿سُبۡحَٰنَهُ﴾: خدا از اختیار فرزند پاک و منزه است.

5- ﴿يُكَوِّرُ ٱلَّيۡلَ عَلَى ٱلنَّهَارِ﴾: شب را بر روز می‌پیچد مانند لباس بر انسان پس روز نهان و تاریکی ظاهر می‌گردد.

6- ﴿أَنزَلَ لَكُم﴾: برای شما آفرید.

6- ﴿مِّنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.

6- ﴿ظُلُمَٰتٖ ثَلَٰثٖ﴾: سه تاریکی، تاریکی بطن، رحم و مشیمه.

6- ﴿فَأَنَّىٰ تُصۡرَفُونَ﴾: پس چگونه از عبادت او روگردان می‌شوید؟

7- ﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٞ...﴾: هیچ گناه‌کاری بر دوش نمی‌کشد...

8- ﴿مُنِيبًا إِلَيۡهِ﴾: به فریاد و زاری به خدا رجوع می‌کند.

8- ﴿خَوَّلَهُۥ نِعۡمَةٗ﴾: از فضل و احسان به او نعمت بزرگ بدهد.

8- ﴿أَندَادٗا﴾: همتایانی و آنها را عبادت می‌کند.

9- ﴿هُوَ قَٰنِتٌ﴾: وی عابد و مطيع فرمان خداست.

9- ﴿ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ﴾: ساعت‌های از شب.

10- ﴿بِغَيۡرِ حِسَابٖ﴾: بی‌نهایت یا فراوان.

16- ﴿ظُلَلٞ مِّنَ ٱلنَّارِ﴾: طبقه‌های متراکم دوزخ.

17- ﴿ٱجۡتَنَبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ﴾: از بتها و معبودهای باطل اجتناب کردند.

17- ﴿أَنَابُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ﴾: به عبادت خدا رجو ع کردند.

19- ﴿حَقَّ عَلَيۡهِ﴾: بر او واجب و ثابت شد.

20- ﴿لَهُمۡ غُرَفٞ﴾: در جنت برای آنها قصرهای عالی است.

21- ﴿فَسَلَكَهُۥ يَنَٰبِيعَ﴾: پس آن را در چشمه‌ها و مجراها وارد نمود.

21- ﴿يَهِيج﴾: خشک می‌شود.

21- ﴿يَجۡعَلُهُۥ حُطَٰمًا﴾: آن را شکسته و ریزه ریزه می‌کند.

22- ﴿فَوَيۡلٞ﴾: هلاکت یا حسرت یا عذاب شدید.

23- ﴿أَحۡسَنَ ٱلۡحَدِيثِ﴾: رساترین و راست‌ترین سخن را، قرآن.

23- ﴿كِتَٰبٗا مُّتَشَٰبِهٗا﴾: کتابی‌که بعضی از آن مشابه برخی دیگر است در اعجاز، هدایت و خصوصیات دیگر.

23- ﴿مَّثَانِيَ﴾: در آن احکام، موعظه‌ها، قصه‌ها و غیره به تکرار بیان شده است.

23- ﴿تَقۡشَعِرُّ مِنۡهُ﴾: از وعیدهای قرآن می‌لرزد و مضطرب می‌شود.

23- ﴿تَلِينُ جُلُودُهُمۡ﴾: پوست‌های آنها آرامش می‌یابد.

26- ﴿ٱلۡخِزۡيَ﴾: ذلت و خواری را.

28- ﴿عِوَجٖ﴾: اختلافی و اختلالی.

29- ﴿شُرَكَآءُ مُتَشَٰكِسُونَ﴾: شریکان بدخو‌که همواره با هم در نزاع هستند.

29- ﴿سَلَمٗا لِّرَجُلٍ﴾: تنها از یک نفر باشد.

32- ﴿مَثۡوٗى لِّلۡكَٰفِرِينَ﴾: جایگاهی برای کافران.

38- ﴿أَفَرَءَيۡتُم﴾: به من خبر دهيد.

38- ﴿حَسۡبِيَ ٱللَّهُ﴾: در همه امور خدا مرا بس است.

39- ﴿مَكَانَتِكُمۡ﴾: توانایی خود.

40- ﴿يُخۡزِيهِ﴾: ذلیلش گرداند.

40- ﴿يَحِلُّ عَلَيۡهِ﴾: بر او واجب شود.

42- ﴿يَتَوَفَّى ٱلۡأَنفُسَ﴾: جان را قبض می‌کند.

44- ﴿لِّلَّهِ ٱلشَّفَٰعَةُ جَمِيعٗا﴾: هیچ کس در حضور خدا شفاعت نمی‌کند مگر به اجازه او.

45- ﴿ٱشۡمَأَزَّتۡ﴾: از یکتا پرستی متنفر و دلیگر شود.

46- ﴿فَاطِر...﴾: ای آفریدگار...

47- ﴿يَحۡتَسِبُونَ﴾: گمان می‌کردند و انتظارش را داشتند.

48- ﴿حَاقَ بِهِم﴾: آنها را احاطه کند یا بر آنها فرود آید.

49- ﴿خَوَّلۡنَٰهُ نِعۡمَةٗ﴾: از فضل و احسان به او نعمتی بدهیم.

49- ﴿هِيَ فِتۡنَةٞ﴾: آن نعمت آزمایشی است.

51- ﴿بِمُعۡجِزِين﴾: از عذاب الهی نمی‌توانند فرار نمایند.

52- ﴿يَقۡدِرُ﴾: روزی هرکه را بخواهد به روی حکمتی کم می‌کند.

53- ﴿أَسۡرَفُواْ﴾: در ارتکاب معاصی از حد تجاوز کردند.

53- ﴿لَا تَقۡنَطُواْ﴾: نومید نشوید.

53- ﴿ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾: همه گناهان را به جز از شرک.

54- ﴿أَنِيبُوٓاْ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ﴾: با توبه و طاعت به خدای خود رجوع کنید.

54- ﴿أَسۡلِمُواْ لَهُ﴾: او تعالی را به اخلاص عبادت کنید.

55- ﴿بَغۡتَةٗ﴾: ناگهان.

56- ﴿يَٰحَسۡرَتَىٰ﴾: وای اندوه بی‌کران، وای ندامت و پشیمانی.

56- ﴿فَرَّطتُ﴾: کوتاهی کردم.

56- ﴿فِي جَنۢبِ ٱللَّهِ﴾: در طاعت، اجرای دستور و حق او تعالی.

56- ﴿ٱلسَّٰخِرِينَ﴾: اسلام، آقران و مسلمانان را به استهزا می‌گرفتند.

58- ﴿كَرَّةٗ﴾: بازگشت به دنیا.

60- ﴿مَثۡوٗى لِّلۡمُتَكَبِّرِينَ﴾: جای متکبران.

61- ﴿بِمَفَازَتِهِمۡ﴾: به سبب دست یافتن ایشان به مطلوب.

63- ﴿لَّهُۥ مَقَالِيدُ...﴾: کلیدها یا خزانه‌های... از آن اوست.

65- ﴿لَيَحۡبَطَنَّ عَمَلُكَ﴾: عملت باطل می‌گردد.

67- ﴿مَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ...﴾: خدا را نشناختند یا به عظمت او پی‌نبردند...

67- ﴿قَبۡضَتُه﴾: در توان و تصرف اوست.

67- ﴿مَطۡوِيَّٰتُۢ بِيَمِينِهِ﴾: به قدرت خدا در هم پیچیده می‌شوند، مانند پیچاندن نوسینده نامه را.

68- ﴿ٱلصُّورِ﴾: شاخی‌كه اسرافيل در آن می‌دمد، در نفخۀ اول.

68- ﴿فَصَعِقَ﴾: بمیرد.

69- ﴿وُضِعَ ٱلۡكِتَٰبُ﴾: نامه اعمال انسان داده شود.

71- ﴿زُمَرًا﴾: گروه‌های پراکنده و پی‌درپی.

71- ﴿حَقَّتۡ﴾: واجب و ثابت شد.

73- ﴿طِبۡتُمۡ﴾: از لوث گناه پاک شدید.

74- ﴿صَدَقَنَا وَعۡدَهُ﴾: نعمتهای‌که به ما وعده داده بود وفا کرد.

74- ﴿نَتَبَوَّأُ﴾: جای می‌گیریم.

75- ﴿حَآفِّينَ﴾: احاطه کرده‌اند.

سورۀ غافر

3- ﴿غَافِرِ ٱلذَّنۢبِ﴾: گناه مسلمانان را می‌پوشاند.

3- ﴿قَابِلِ ٱلتَّوۡبِ﴾: توبه هر گناه‌کار را می‌پذیرد.

3- ﴿ذِي ٱلطَّوۡلِ﴾: توانگر یا دارای فضل، انعام و احسان.

4- ﴿فَلَا يَغۡرُرۡكَ﴾: تو را نفریبد.

4- ﴿تَقَلُّبُهُمۡ﴾: رفت و آمد پر منفعت آنها زیرا این استدراج است.

5- ﴿لِيُدۡحِضُواْ بِهِ ٱلۡحَقَّ﴾: تا بوسیله باطل حق را نابود کنند.

6- ﴿حَقَّتۡ﴾: واجب و مقرر شد به نابود ساختن.

7- ﴿سَبِيلَكَ﴾: راه هدایت، اسلام.

7- ﴿وَقِهِمۡ عَذَابَ ٱلۡجَحِيمِ﴾: آنها را از عذاب جحیم نگهدار.

9- ﴿وَقِهِمُ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ﴾: آنها را از گناه یا از عذاب آن نگهدار.

10- ﴿لَمَقۡتُ ٱللَّهِ﴾: دشمنی و غضب شدید خدا بر شما.

12- ﴿تُؤۡمِنُواْ﴾: باور می‌کردید.

13- ﴿يُنِيب﴾: با تفکر در آیات رجوع می‌کند.

15- ﴿رَفِيعُ ٱلدَّرَجَٰتِ﴾: آسمانها را برفراز هم افراشته است.

15- ﴿يُلۡقِي ٱلرُّوحَ﴾: وحی یا قرآن یا جبریل را می‌فرستد.

15- ﴿يَوۡمَ ٱلتَّلَاقِ﴾: روز اجتماع در محشر.

16- ﴿بَٰرِزُون﴾: از قبرها آشکار بیرون می‌آیند و هیچ چیز آنها را پنهان نمی‌کند.

18- ﴿يَوۡمَ ٱلۡأٓزِفَةِ﴾: روز نزدیک، روز قیامت.

18- ﴿ٱلۡحَنَاجِرِ﴾: حلقها.

18- ﴿حَمِيمٖ﴾: دوست مشفقی‌که به آنها اهمیت بدهد.

19- ﴿خَآئِنَةَ ٱلۡأَعۡيُنِ﴾: نگاه خائنانه را.

21- ﴿وَاقٖ﴾: مدافعی‌که از آنها عذاب را دور کند.

25- ﴿ٱسۡتَحۡيُواْ نِسَآءَهُمۡ﴾: دختران آنها را برای خدمت زنده بگذارید.

25- ﴿ضَلَٰلٖ﴾: نابودی و بطلان.

27- ﴿عُذۡتُ بِرَبِّي﴾: به خدایم پناه گرفتم.

29- ﴿ظَٰهِرِينَ﴾: پیروز و برترید.

29- ﴿بَأۡسِ ٱللَّهِ﴾: عذاب و انتقام خدا.

29- ﴿مَآ أُرِيكُمۡ﴾: شما را راهنمایی نمی‌کنم.

30- ﴿ٱلۡأَحۡزَابِ﴾: ملت‌های گذشته که علیه انبیاء یاور هم بودند.

31- ﴿دَأۡبِ قَوۡمِ نُوحٖ﴾: عادت آنها در تکذیب پیامبران.

32- ﴿يَوۡمَ ٱلتَّنَادِ﴾: روز قیامت، در آن روز مردم را به محشر می‌خوانند.

33- ﴿عَاصِمٖ﴾: دفاع کننده.

34- ﴿مُّرۡتَابٌ﴾: شک و ترید کننده در دین و یگانگی خدا.

35- ﴿بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ﴾: بدون دلیل.

35- ﴿كَبُرَ مَقۡتًا﴾: جدال بدون دلیل آنها دشمنی بزرگ است.

36- ﴿صَرۡحٗا﴾: قصری یا ساختمان بلند و نمایان.

36- ﴿أَبۡلُغُ ٱلۡأَسۡبَٰبَ﴾: به درها یا به راه‌‌ها برسم.

37- ﴿تَبَاب﴾: تباهی و نابودی.

40- ﴿بِغَيۡرِ حِسَابٖ﴾: اعطای رازق مطلق بی‌‌‌نهایت است.

43- ﴿لَا جَرَمَ﴾: حق و ثابت است یا در حقیقت.

43- ﴿مَرَدَّنَآ إِلَى ٱللَّهِ﴾: باز گشت ما بعد از مرگ به سوی خداست که همه را کیفر و پاداش می‌دهد.

45- ﴿حَاقَ﴾: احاطه کرد یا نازل شد.

46- ﴿غُدُوّٗا وَعَشِيّٗا﴾: صبح و شام یا دایم در برزخ.

47- ﴿مُّغۡنُونَ عَنَّا﴾: از ما دفاع می‌کنید یا به جای ما بر می‌دارید.

51- ﴿يَقُومُ ٱلۡأَشۡهَٰدُ﴾: فرشتگان، پیامبران و مؤمنان به شهادت برخیزند.

52- ﴿مَعۡذِرَتُهُمۡ﴾: بهانه یا عذر خواهی ایشان.

55- ﴿بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ﴾: هر صبح و شام یا دایم.

56- ﴿مَّا هُم بِبَٰلِغِيهِ﴾: هرگز به اسباب کبر و بزرگ‌نمایی نخواهند رسید.

60- ﴿دَاخِرِينَ﴾: باپستی و حقارت.

62- ﴿فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُون﴾: پس چگونه از توحید اوتعالی منحرف می‌شوید؟

63- ﴿يُؤۡفَكُ﴾: از توحید حق منحرف می‌شوند.

64- ﴿ٱلۡأَرۡضَ قَرَارٗا﴾: زمین را محل زندگی و آرامش.

64- ﴿ٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ﴾: آسمان را سقف برافراشته مانند قبه بالای سر شما.

64- ﴿فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ﴾: خدا بزرگ است یا خیرش فراوان است.

66- ﴿أَنۡ أُسۡلِمَ﴾: که فرمانبردار باشم یا دین خود را خالص گردانم.

67- ﴿لِتَبۡلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمۡ﴾: تا به کمال عقل و قوت برسید.

68- ﴿قَضَىٰٓ أَمۡرٗا﴾: اراده ایجاد کاری را بکند.

69- ﴿أَنَّىٰ يُصۡرَفُونَ﴾: چگونه از آیات با همه راستی و وضاحت آنها منحرف ساخته می‌شوند؟

71- ﴿ٱلۡأَغۡلَٰلُ﴾: زنجیرهای‌که دست‌ها و گردن‌ها را با هم می‌بندد.

72- ﴿ٱلۡحَمِيمِ﴾: آب جوشان.

72- ﴿يُسۡجَرُونَ﴾: سوزانده می‌شوند یا دوزخ از آنها پر می‌شود.

75- ﴿تَفۡرَحُون﴾: سرمستی و تکبر می‌نمودید.

75- ﴿تَمۡرَحُون﴾: بسیار کبر می‌کردید.

76- ﴿مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ﴾: جایگاه متکبران.

80- ﴿حَاجَةٗ فِي صُدُورِكُمۡ﴾: به چیزهای مهمی‌که به آن ارزش قایلید.

82- ﴿فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم﴾: از آنها دفع نکرد و به آنها نفع نرسانید.

83- ﴿مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ﴾: از دانش به امور دنیا، دین را مسخره می‌کردند.

83- ﴿حَاقَ بِهِم﴾: آنها را احاطه کرد یا بر آنها فرود آمد.

84- ﴿رَأَوۡاْ بَأۡسَنَا﴾: شدت عذاب ما را در دنیا مشاهده کردند.

85- ﴿خَلَتۡ﴾: گذشته است.

سورۀ فصلت

3- ﴿فُصِّلَتۡ ءَايَٰتُه﴾: آیات آن دسته بندی شده است یا به روشنی بیان شده است.

5- ﴿فِيٓ أَكِنَّةٖ﴾: ازخلقت در پوششی است که مانع فهم و درک می‌شود.

5- ﴿وَقۡرٞ﴾: سنگینی است که مانع شنیدن می‌گردد.

5-﴿حِجَابٞ﴾: پرده‌ای ضخیمی‌است که مانع سازگاری ما با تو می‌شود.

6- ﴿فَٱسۡتَقِيمُوٓاْ إِلَيۡهِ﴾: با طاعت و عبادت متوجه او تعالی باشید.

6- ﴿وَيۡلٞ لِّلۡمُشۡرِكِينَ﴾: بر مشرکین هلاکت یا حسرت یا عذاب شدید باد.

8- ﴿غَيۡرُ مَمۡنُونٖ﴾: جاودانی.

9- ﴿أَندَادٗا﴾: همتایانی از مخلوقات و آنها را پرستش می‌کنید.

10- ﴿رَوَٰسِيَ﴾: کوه‌های استوار که مانع تکان زمین می‌شوند.

10- ﴿بَٰرَكَ فِيهَا﴾: منافع و خیر زمین را بسیار کرد. ﴿أَقۡوَٰتَهَا﴾: مواد غذایی و مصالح زندگی ساکنان زمین را.

10- ﴿فِيٓ أَرۡبَعَةِ أَيَّامٖ﴾: در چهار روز تمام.

11- ﴿ٱسۡتَوَىٰٓ﴾ : قصد ساختن کرد.

11- ﴿هِيَ دُخَانٞ﴾: او از ماده شبیه دود ساخته شده بود.

11- ﴿أَتَيۡنَا﴾: دستورات مرا به جا کنید.

12- ﴿فَقَضَىٰهُنَّ﴾: پس آنها را ساخت.

12- ﴿حِفۡظٗا﴾: آن را از آفات،‌ نیکو حفظ کردیم.

13- ﴿أَنذَرۡتُكُمۡ صَٰعِقَةٗ﴾: شما را از عذاب شدید و کشنده برحذر می‌دارم.

16- ﴿رِيحٗا صَرۡصَرٗا﴾: باد سوزان یا سرد یا آواز شدید.

16- ﴿أَيَّامٖ نَّحِسَاتٖ﴾: روز‌های شوم یا روزهای پر غبار و خاک باد.

16- ﴿أَخۡزَىٰ﴾: ذلت و اهانت شدید.

17- ﴿فَهَدَيۡنَٰهُمۡ﴾: راه‌های گمراهی و هدایت را به آنها نشان دادیم.

17- ﴿ٱلۡعَذَابِ ٱلۡهُونِ﴾: عذاب ذلت‌آور.

19- ﴿فَهُمۡ يُوزَعُونَ﴾: گروه‌های پيشرو را نگه می‌دارند تا گروه‌های دنبال برسند.

22- ﴿وَمَا كُنتُمۡ تَسۡتَتِرُونَ﴾: هنگام ارتکاب گناه خود را نهان نمی‌کردید.

22- ﴿أَن يَشۡهَدَ...﴾: از ترس‌ شهادت دادن...

22- ﴿ظَنَنتُمۡ﴾: هنگام نهان داشتن از مردم باور داشتید.

22- ﴿كَثِيرٗا مِّمَّا تَعۡمَلُونَ﴾: بسیاری از اعمالی را که در نهان انجام می‌دادید.

23- ﴿أَرۡدَىٰكُمۡ﴾: شما را نابود کرد.

24- ﴿مَثۡوٗى لَّهُمۡ﴾: اقامتگاه دایمی آنهاست.

24- ﴿إِن يَسۡتَعۡتِبُواْ﴾: اگر در آن روز رضای پروردگار خود را بجویند.

24- ﴿مِّنَ ٱلۡمُعۡتَبِينَ﴾: از آنهای‌که خواسته‌شان پذیرفته ‌شود.

25- ﴿قَيَّضۡنَا لَهُمۡ﴾: برای آنها گماشتیم و مهیا کردیم.

25- ﴿حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡل﴾: وعید عذاب بر آنها تحقق یافت.

26- ﴿وَٱلۡغَوۡاْ فِيهِ﴾: هنگام قرائت قرآن سخنان بیهوده بگویید.

29- ﴿ٱلۡأَسۡفَلِينَ﴾: در قعر دوزخ.

30- ﴿ٱسۡتَقَٰمُواْ﴾: به اعتقاد، عمل و اخلاص در راه حق پایداری کردند.

31- ﴿مَا تَدَّعُونَ﴾: آنچه در خواست و آرزو کنید.

32- ﴿نُزُلٗا﴾: روزی یا مهمانی یا بخشش.

34- ﴿وَلِيٌّ حَمِيمٞ﴾: دوست نزدیکی است که به تو اهمیت می‌دهد.

35- ﴿مَا يُلَقَّىٰهَآ﴾: به این خصلت نیکو نایل نمی‌شود.

36- ﴿يَنزَغَنَّكَ﴾: به تو برسد یا مانع تو گردد.

36- ﴿نَزۡغٞ﴾: وسوسه‌ای یا مانع شونده‌ای.

38- ﴿لَا يَسۡ‍َٔمُونَ﴾: از تسبیح گفتن به ستوه نمی‌آیند.

39- ﴿ٱلۡأَرۡضَ خَٰشِعَةٗ﴾: زمین را خشک، آرام و بی‌سبزه و گیاه.

39- ﴿ٱهۡتَزَّتۡ﴾: به سبزه و گیاه به جنب و جوش می‌آید.

39- ﴿رَبَتۡ﴾: بالا می‌آید.

40- ﴿يُلۡحِدُونَ﴾: از حق و راستی منحرف می‌شوند.

44- ﴿قُرۡءَانًا أَعۡجَمِيّٗا﴾: قرآن به زبان عجم چنانچه پیشنهاد می‌کنند.

44- ﴿لَوۡلَا فُصِّلَتۡ ءَايَٰتُهُ﴾: چرا این قرآن به زبانی‌که ما آشناستیم بیان نشد.

44- ﴿ءَا۬عۡجَمِيّٞ وَعَرَبِيّٞ﴾: آیا کتابی‌که به زبان عجم است به پیامبری‌که عرب است نازل شد.

44- ﴿فِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٞ﴾: در گوش‌های ایشان کری است که مانع شنیدن قرآن می‌شود.

45- ﴿مُرِيبٖ﴾: شک و اضطراب‌آور.

47- ﴿أَكۡمَامِهَا﴾: پوسته‌اش.

47- ﴿ءَاذَنَّٰكَ﴾: تو را خبر دادیم و آگاه ساختیم.

48- ﴿ظَنُّواْ﴾: یقین دانستن.

48- ﴿مَّحِيصٖ﴾: جای فرار و گریز از عذاب.

49- ﴿لَّا يَسۡ‍َٔمُ ٱلۡإِنسَٰنُ﴾: انسان مانده نمی‌شود.

49- ﴿دُعَآءِ ٱلۡخَيۡرِ﴾: طلب عافیت و فراوانی نعمت.

49- ﴿فَيَ‍ُٔوسٞ قَنُوطٞ﴾: از فضل و رحمت خدا نومید است.

50- ﴿هَٰذَا لِي﴾: این حق من است من به لیاقت خود سزاوارش هستم.

50- ﴿عَذَابٍ غَلِيظٖ﴾: عذاب شدید و دایمی.

51- ﴿نَ‍َٔابِجَانِبِهِ﴾: با تکبر از شکر و سپاس دوری گزیند.

51- ﴿دُعَآءٍ عَرِيضٖ﴾: دعای بسیار و مداوم.

53- ﴿ٱلۡأٓفَاقِ﴾: کرانه‌های آسمان‌ها و زمین.

54- ﴿فِي مِرۡيَةٖ﴾: در شکند.

سورۀ شوری

5- ﴿يَتَفَطَّرۡنَ﴾: از عظمت و جلال خدا پاره پاره شوند.

6- ﴿أَوۡلِيَآءَ﴾: معبودهای‌که به کمک آنها باور دارند.

7- ﴿ٱللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيۡهِمۡ﴾: خدا مراقب اعمال و پاداش دهنده آنهاست.

7- ﴿بِوَكِيلٖ﴾: امور آنها به تو سپرده شده باشد.

7- ﴿أُمَّ ٱلۡقُرَىٰ﴾: مکه یعنی اهالی آنجا را.

7- ﴿يَوۡمَ ٱلۡجَمۡعِ﴾: روز قیامت.

10- ﴿إِلَيۡهِ أُنِيبُ﴾: در همه حال به درگاه او رجوع می‌کنم.

11- ﴿فَاطِرُ...﴾: آفریننده...

11- ﴿مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا﴾: همسرانی از جنس خودتان.

11- ﴿مِنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ أَزۡوَٰجٗا﴾: از چارپایان نر و ماده.

11- ﴿يَذۡرَؤُكُمۡ فِيهِ﴾: به سبب ازدواج تعداد شما را زیاد می‌کند.

12- ﴿لَهُۥ مَقَالِيدُ﴾: کلید‌ها یا خزانه‌ها از آن اوست.

12- ﴿يَقۡدِرُ﴾: به حکمت بالغه روزی هرکه را بخواهد تنگ می‌کند.

13- ﴿شَرَعَ لَكُم﴾: راه روشن را به شما آشکار کرد.

13- ﴿مَا وَصَّىٰ﴾: آیینی‌که امر کرده و موظف ساخته بود.

13- ﴿أَقِيمُواْ ٱلدِّينَ﴾: دین توحید را به پادارید، اسلام.

13- ﴿كَبُرَ...﴾: بزرگ و دشوار است...

13- ﴿يَجۡتَبِيٓ﴾: برمی‌گزیند.

13- ﴿يُنِيبُ﴾: به او رجوع می‌کند و به طاعت او رو می‌آورد.

14- ﴿بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡ﴾: از دشمنی یا از دنیا طلبی.

14- ﴿مُرِيبٖ﴾: شک و اضطراب‌آور.

15- ﴿ٱسۡتَقِمۡ﴾: به راه راست و روشن ادامه بده.

15- ﴿لَا حُجَّةَ﴾: به خصومت و بیان حجت مجال نماند برای این‌‌که حق به ظهور پیوست.

16- ﴿ٱسۡتُجِيبَ لَهُ﴾: مردم دین خدا را پذیرفتند و به آن گردن نهادند.

16- ﴿حُجَّتُهُمۡ دَاحِضَةٌ﴾: دلیل آنها باطل و ناپایدار است.

17- ﴿ٱلۡمِيزَانَ﴾: عدالت و راستی در حقوق را.

18- ﴿مُشۡفِقُونَ مِنۡهَا﴾: با‌ این‌که به آن توجه دارند از آن هراسانند.

18- ﴿يُمَارُونَ فِي ٱلسَّاعَةِ﴾: در وقوع قیامت مجادله می‌کنند یا شک‌ دارند.

19- ﴿لَطِيفُۢ بِعِبَادِه﴾: به بندگان خود مهربان است.

20- ﴿حَرۡثَ ٱلۡأٓخِرَةِ﴾: ثواب آخرت را.

21- ﴿كَلِمَةُ ٱلۡفَصۡلِ﴾: حکم قطعی به تأخیر عذاب تا روز آخرت.

22- ﴿رَوۡضَاتِ ٱلۡجَنَّاتِ﴾: زیبا‌ترین، پاکیزه‌ترین و نزهت افزا‌ترین ساحه بهشت.

23- ﴿يَقۡتَرِفۡ حَسَنَةٗ﴾: طاعت ورزد.

27- ﴿لَبَغَوۡاْ﴾: طغیان یا ستم می‌نمودند.

27- ﴿يُنَزِّلُ بِقَدَرٖ﴾: به اندازه‌ای‌که حکیم توانا بخواهد می‌فرستد.

28- ﴿قَنَطُواْ﴾: از بارش آن نومید شدند.

29- ﴿بَثَّ فِيهِمَا﴾: در آسمان و زمین پراکنده ساخته است.

31- ﴿بِمُعۡجِزِينَ﴾: از عذاب الهی نمی‌توانید فرار نمایید.

32- ﴿ٱلۡجَوَارِ﴾: کشتی‌هاست.

32- ﴿كَٱلۡأَعۡلَٰمِ﴾: مانند کوه‌ها یا کاخ‌های بلند.

33- ﴿فَيَظۡلَلۡنَ رَوَاكِدَ﴾: کشتی‌ها ساکن و بی‌حرکت می‌شوند.

34- ﴿يُوبِقۡهُنَّ﴾: آنها را یا کسانی‌که در آنها هستند غرق می‌کند.

35- ﴿مَّحِيصٖ﴾: جای فرار و نجات از عذاب.

37- ﴿وَٱلۡفَوَٰحِش﴾: زشت‌ترین گناهان.

38- ﴿أَمۡرُهُمۡ شُورَىٰ﴾: در کارهای خود با هم مشوره می‌کنند.

39- ﴿أَصَابَهُمُ ٱلۡبَغۡيُ﴾: ظلم و ستم بر آنها برسد.

39- ﴿يَنتَصِرُونَ﴾: از کسی‌که به آنها ظلم کرده انتقام می‌گیرند و تجاوز نمی‌کنند.

42- ﴿يَبۡغُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾: در زمین فساد یا سرکشی می‌کنند.

45- ﴿خَٰشِعِينَ﴾: کوچک و حقیر.

45- ﴿يَنظُرُونَ مِن طَرۡفٍ خَفِيّٖ﴾: از شدت ترس دزدانه نگاه می‌کنند.

47- ﴿نَّكِيرٖ﴾: از گناهان خود انکار کنید.

48- ﴿فَرِحَ بِهَا﴾: بخاطر آن متکبر و خودپسند می‌شود.

52- ﴿رُوحٗا﴾: قرآن یا نبوت یا جبریل را.

52- ﴿ٱلۡإِيمَٰنُ﴾: قوانین گستره‌ای که تنها به وسیله وحی آن را شناختی.

52- ﴿صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ﴾: دين راست و درست، اسلام.

سورۀ زخرف

4- ﴿أُمِّ ٱلۡكِتَٰبِ﴾: لوح محفوظ یا علم ازلی.

5- ﴿أَفَنَضۡرِبُ عَنكُمُ ٱلذِّكۡرَ﴾: آیا از اتمام حجت و پند و اندرز شما با قرآن صرف نظر کنیم.

5- ﴿صَفۡحًا﴾: به سبب اعراض از شما.

5- ﴿أَن كُنتُمۡ قَوۡمٗا مُّسۡرِفِينَ﴾: به علت اين‌كه شما در جهالت و گمراهی افراط می‌كنيد؟ نه، هرگز ترک نكنيم.

6- ﴿كَمۡ أَرۡسَلۡنَا﴾: بسیار فرستادیم.

6- ﴿فِي ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: به‌سوی ملت‌های گذشته.

8- ﴿بَطۡشٗا﴾: از روی قوت.

8- ﴿مَثَلُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: او صاف یا داستان شگفت انگیز پیشینیان.

10- ﴿ٱلۡأَرۡضَ مَهۡدٗا﴾: زمین را فرش گسترده برای استقرار بر آن.

10- ﴿سُبُلٗا﴾: راه‌های رفت و آمد یا اسباب زندگانی.

11- ﴿مَآءَۢ بِقَدَرٖ﴾: آب را به اندازه ضرورت.

11- ﴿فَأَنشَرۡنَا بِهِ﴾: پس به وسیله آب زنده کردیم.

12- ﴿خَلَقَ ٱلۡأَزۡوَٰجَ﴾: انواع و اقسام مخلوقات را آفرید.

12- ﴿وَٱلۡأَنۡعَٰمِ﴾: و از چارپایان از قبیل شتر.

13- ﴿لِتَسۡتَوُۥاْ﴾: تا قرار بگیرید.

13- ﴿سَخَّرَ﴾: رام کرد.

13- ﴿مُقۡرِنِينَ﴾: توانا و غالب یا نگهدارنده.

16- ﴿أَصۡفَىٰكُم بِٱلۡبَنِينَ﴾: پسران را برای شما برگزیده است.

17- ﴿مَثَلٗا﴾: مثل و مانند.

17- ﴿هُوَ كَظِيمٌ﴾: قلبش پر از خشم و اندوه است.

18- ﴿يُنَشَّؤُاْ فِي ٱلۡحِلۡيَةِ﴾: در زینت و نعمت پرورش می‌یابد، دختران.

18- ﴿فِي ٱلۡخِصَامِ﴾: در خصومت.

20- ﴿يَخۡرُصُونَ﴾: هر چه می‌گویند دروغ می‌گویند.

22- ﴿عَلَىٰٓ أُمَّةٖ﴾: بر آیین و روشی.

23- ﴿قَالَ مُتۡرَفُوهَآ﴾: صاحبان ناز و نعمت و غرق شهوات آن دیار گفتند.

26- ﴿إِنَّنِي بَرَآءٞ﴾: من بیزارم.

27- ﴿فَطَرَنِي﴾: مرا آفریده است.

28- ﴿كَلِمَةَۢ بَاقِيَةٗ﴾: کلمه توحید یا بیزاری از بت پرستی را.

28- ﴿فِي عَقِبِهِ﴾: در نسل خود تا روز قیامت.

31- ﴿مِّنَ ٱلۡقَرۡيَتَيۡنِ﴾: از یکی از این دو قریه، مکه و طایف.

32- ﴿سُخۡرِيّٗا﴾: فرمان‌بردار و خدمتکار.

33- ﴿أُمَّةٗ وَٰحِدَةٗ﴾: یک ملت، از محبت دنیا همه کافر ‌شوند.

33- ﴿مَعَارِجَ﴾: نردبانها و پلگان رفیع از نقره.

33- ﴿يَظۡهَرُون﴾: بالا می‌شدند.

35- ﴿زُخۡرُفٗا﴾: طلا یا آراسته و مزین.

35- ﴿لَمَّا مَتَٰعُ...﴾: مگر متاع...

36- ﴿مَن يَعۡشُ﴾: کسی‌که روی برگرداند و غافل شود.

36- ﴿نُقَيِّضۡ لَهُ﴾: برای او آماده کنیم.

36- ﴿لَهُۥ قَرِينٞ﴾: همنشینی‌که هیچ گاه از او جدا نشود.

44- ﴿إِنَّهُۥ لَذِكۡرٞ﴾: قرآن شرف بزرگ است.

49- ﴿بِمَا عَهِدَ عِندَكَ﴾: به اساس عهدی‌که با تو بسته، دور داشتن راه راست یافتگان از عذاب.

50- ﴿يَنكُثُونَ﴾: پیمان خود را که به راه نیک می‌روند، می‌شکند.

52- ﴿هُوَ مَهِينٞ﴾: او کوچک و حقیر است.

52- ﴿يُبِينُ﴾: از لکنت زبان سخن را روشن بیان کند.

53- ﴿مُقۡتَرِنِينَ﴾: همراه با او که تصدیقش نمایند.

54- ﴿فَٱسۡتَخَفَّ قَوۡمَهُ﴾: قوم خود را سبک عقل یافت.

55- ﴿ءَاسَفُونَا﴾: با این کار‌ها ما را سخت خشمگین ساختند.

56- ﴿سَلَفٗا﴾: سرمشق کافران در استحقاق عذاب.

56- ﴿مَثَلٗا لِّلۡأٓخِرِينَ﴾: پند و عبرت به کافران بعد از آنها.

57- ﴿مِنۡهُ يَصِدُّونَ﴾: بخاطر آن از خوشحالی فریاد می‌کشند.

58- ﴿قَوۡمٌ خَصِمُونَ﴾: گروهی ستیزه‌ گرند.

59- ﴿مَثَلٗا﴾: نشانه و عبرتی شگفت‌انگیز، مانند مَثَل، زبان‌زد همه.

60- ﴿لَجَعَلۡنَا مِنكُم﴾: به جای شما قرار می‌دادیم.

61- ﴿وَإِنَّهُۥ لَعِلۡمٞ لِّلسَّاعَةِ﴾: نزول عیسی ÷ نشانه نزدیکی قیامت است.

61- ﴿فَلَا تَمۡتَرُنَّ بِهَا﴾: در آمدن قیامت شک نکنید.

65- ﴿فَوَيۡلٞ﴾: هلاکت یا حسرت یا عذاب شدید.

66- ﴿هَلۡ يَنظُرُونَ﴾: آیا انتظار خواهند کشید.

66- ﴿بَغۡتَةٗ﴾: ناگهان.

67- ﴿ٱلۡأَخِلَّآءُ﴾: دوستان غیر خدایی.

70- ﴿تُحۡبَرُونَ﴾: شاد و خندان باشید.

71- ﴿أَكۡوَابٖ﴾: صراحی‌ها.

75- ﴿لَا يُفَتَّرُ عَنۡهُمۡ﴾: عذاب آنها تخفیف نمی‌یابد.

75- ﴿مُبۡلِسُونَ﴾: خاموشند یا از نومیدی بسیار اندوهگینند.

77- ﴿لِيَقۡضِ عَلَيۡنَا رَبُّكَ﴾: کاش خدایت ما را بکشد تا از این عذاب خلاص شویم.

79- ﴿أَمۡ أَبۡرَمُوٓاْ أَمۡرٗا﴾: بلکه در برابر پیامبر دست به دسیه قوی زدند.

80- ﴿نَجۡوَىٰهُم﴾: سخنان آسته آنها را که با هم می‌گویند.

83- ﴿يَخُوضُواْ﴾: در باطل فروروند.

84- ﴿فِي ٱلسَّمَآءِ إِلَٰهٞ﴾: او خدای آسمان‌هاست.

85- ﴿تَبَارَكَ ٱلَّذِي﴾: برتر است یا خیر و احسانش فراوان است.

87- ﴿فَأَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ﴾: پس چگونه از عبادت او تعالی منحرف می‌شوند.

88- ﴿قِيلِهِ﴾: خدا از گفتار پیامبر آگاه است.

89- ﴿فَٱصۡفَحۡ عَنۡهُمۡ﴾: از آنها دور شو.

89- ﴿سَلَٰمٞ﴾: کار من متارکه و دوری از شماست.

سورۀ دخان

3- ﴿لَيۡلَةٖ مُّبَٰرَكَةٍ﴾: شب قدر از ماه رمضان.

4- ﴿فِيهَا يُفۡرَقُ﴾: در آن شب فیصله و بیان می‌شود.

4- ﴿أَمۡرٍ حَكِيمٍ﴾: کارهای مهم یا با حکمت.

10- ﴿فَٱرۡتَقِبۡ﴾: پس در انتظار شک کنندگان باش.

10- ﴿بِدُخَانٖ﴾: دودی، کنایه از گرفتاری آنها به خشکسالی و گرسنگی است.

11- ﴿يَغۡشَى ٱلنَّاسَ﴾: مردم را احاطه کند.

13- ﴿أَنَّىٰ لَهُمُ ٱلذِّكۡرَىٰ﴾: چگونه پند بگیرند؟

14- ﴿مُعَلَّمٞ﴾: انسانی به او آموخته است.

16- ﴿يَوۡمَ نَبۡطِشُ﴾: روزی‌که به شدت بگیریم، روز بدر یا قیامت.

17- ﴿فَتَنَّا﴾: آزمودیم.

18- ﴿أَدُّوٓاْ إِلَيَّ عِبَادَ ٱللَّهِ﴾: بنی‌اسرائیل را به من بسپارید.

19- ﴿لَّا تَعۡلُواْ﴾: برتری نجویید یا افترا نکنید.

19- ﴿بِسُلۡطَٰنٖ﴾: دلیل روشن به صدق گفتارم.

20- ﴿إِنِّي عُذۡتُ بِرَبِّي﴾: من به خدای خود پناه گرفتم.

20- ﴿تَرۡجُمُونِ﴾: به من آزار برسانید یا مرا با سنگ بکشید.

23- ﴿فَأَسۡرِ بِعِبَادِي لَيۡلًا﴾: شب هنگام بنی‌اسرائیل را با خود ببر.

23- ﴿إِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ﴾: فرعون و لشکرش دنبال شما می‌آیند.

24- ﴿ٱلۡبَحۡرَ رَهۡوًا﴾: دریا را آرام یا شکافته.

24- ﴿جُندٞ﴾: گروهی.

27- ﴿نَعۡمَةٖ﴾: ناز و نعمت یا زیبایی و لذلت‌های زندگی.

27- ﴿فَٰكِهِينَ﴾: آسوده و مرفه.

29- ﴿مَا كَانُواْ مُنظَرِينَ﴾: عذاب آنها تا وقت دیگر مهلت نمی‌یابد.

31- ﴿كَانَ عَالِيٗا﴾: متکبر و سرکش بود.

32- ﴿ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾: جهانیان دوران خود.

33- ﴿بَلَٰٓؤٞاْ مُّبِينٌ﴾: آزمایش یا نعمت آشکار بود.

35- ﴿بِمُنشَرِينَ﴾: بعد از مرگ زنده نمی‌شویم.

37- ﴿قَوۡمُ تُبَّعٖ﴾: قوم ابوکرِب حمیری پادشاه یمن.

40- ﴿يَوۡمَ ٱلۡفَصۡلِ﴾: روز قیامت و حساب.

41- ﴿لَا يُغۡنِي مَوۡلًى...﴾: هیچ دوست و قریبی نمی‌تواند دفاع کند...

43- ﴿شَجَرَتَ ٱلزَّقُّومِ﴾: خبیث‌ترین درخت که در دوزخ می‌روید.

45- ﴿كَٱلۡمُهۡل﴾: مانند دُرد روغن زیتون یا فلز ذوب شده.

46- ﴿ٱلۡحَمِيمِ﴾: آب جوشان.

47- ﴿فَٱعۡتِلُوهُ﴾: او را به تندی و قهر بکشید.

47- ﴿سَوَآءِ ٱلۡجَحِيمِ﴾: میانه دوزخ.

50- ﴿بِهِۦ تَمۡتَرُونَ﴾: در باره آن شک داشتید و مجادله می‌کردید.

53- ﴿سُندُسٖ﴾: دیبای نازک.

53- ﴿إِسۡتَبۡرَقٖ﴾: دیبای ضخیم.

54- ﴿زَوَّجۡنَٰهُم بِحُورٍ عِينٖ﴾: زنان سفید چهره و زیبا چشم بهشتی را همدم و همراز آنها می‌کنیم.

55- ﴿يَدۡعُونَ فِيهَا﴾: در بهشت طلب می‌کنند.

59- ﴿فَٱرۡتَقِبۡ﴾: منتظر عذاب بر آنها باش.

59- ﴿إِنَّهُم مُّرۡتَقِبُونَ﴾: آنها هم انتظار دارند که به تو چیزی برسد.

سورۀ جاثيه

4- ﴿يَبُثُّ﴾: پخش و پراکنده می‌سازد.

5- ﴿تَصۡرِيفِ ٱلرِّيَٰحِ﴾: تغییر جهت وزش و احوال بادها.

7- ﴿وَيۡلٞ﴾: نابودی یا حسرت یا عذاب شدید.

7- ﴿أَفَّاكٍ أَثِيمٖ﴾: دروغگوی سر تا پا گناه.

9- ﴿ٱتَّخَذَهَا هُزُوًا﴾: او را مسخره می‌کند.

10- ﴿لَا يُغۡنِي عَنۡهُم﴾: از آنها دفاع نمی‌کند.

11- ﴿رِّجۡزٍ﴾: عذاب شدید.

14- ﴿لَا يَرۡجُونَ أَيَّامَ ٱللَّهِ﴾: انتظارآمدن عذاب الهی بر دشمنانش را ندارند.

17- ﴿بَغۡيَۢا بَيۡنَهُمۡ﴾: از حسد و دشمنی با یکدیگر.

18- ﴿شَرِيعَةٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡرِ﴾: راه و روش روشن از امر دین.

19- ﴿لَن يُغۡنُواْ عَنكَ﴾: هرگز از تو دور نخواهند کرد.

20- ﴿بَصَٰٓئِرُ لِلنَّاسِ﴾: دلایل روشنی است که راه نجات را به مردم نشان می‌دهد.

21- ﴿ٱجۡتَرَحُواْ ٱلسَّيِّ‍َٔاتِ﴾: گناه کردند و کفر ورزیدند.

23- ﴿أَفَرَءَيۡتَ﴾: به من خبر بده.

23- ﴿غِشَٰوَةٗ﴾: پرده‌ تا‌ راه درست را نبیند.

28- ﴿جَاثِيَةٗ﴾: از شدت ترس بر زانو در آمده.

28- ﴿كِتَٰبِهَا﴾: نامه اعمالش.

29- ﴿نَسۡتَنسِخُ...﴾: فرشتگان را به نوشتن امر کرده بودیم...

33- ﴿حَاقَ بِهِم﴾: فرود می‌آید یا آنها را احاطه می‌کند.

34- ﴿نَنسَىٰكُمۡ﴾: شما را در عذاب می‌گذاریم.

34- ﴿مَأۡوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ﴾: جایگاه شما دوزخ است.

35- ﴿غَرَّتۡكُمُ...﴾: شما را فریفت...

35- ﴿لَا هُمۡ يُسۡتَعۡتَبُونَ﴾: از آنها خواسته نمی‌شود که برگردند و خوشنودی خدا را بدست آورند.

37- ﴿لَهُ ٱلۡكِبۡرِيَآءُ﴾: جاه و جلال و فرمانروایی مخصوص اوست.

سورۀ احقاف

3- ﴿أَجَلٖ مُّسَمّٗى﴾: زمان معین، روز قیامت.

4- ﴿أَرَءَيۡتُم﴾: به من خبر دهید.

4- ﴿لَهُمۡ شِرۡكٞ﴾: شرکتی با خدا دارند.

4- ﴿أَثَٰرَةٖ مِّنۡ عِلۡمٍ﴾: اثر علمی‌ از گذشتگان نزد شماست.

8- ﴿تُفِيضُونَ فِيهِ﴾: به طعن و تکذیب قرآن می‌پردازید.

9- ﴿مَا كُنتُ بِدۡعٗا﴾: من چیز نوی نیاوردم.

10- ﴿أَرَءَيۡتُمۡ﴾: به من خبر دهید حال شما چه خواهد بود.

11- ﴿إِفۡكٞ قَدِيمٞ﴾: دروغ دیرینه.

15- ﴿وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ﴾: به انسان دستور دادیم.

15- ﴿كُرۡهٗا﴾: به سختی و مشقت.

15- ﴿حَمۡلُهُۥ وَفِصَٰلُهُ﴾: مدت حمل او و از شیر جدا شدنش.

15- ﴿بَلَغَ أَشُدَّهُ﴾: به کمال قوت و عقل خود برسد.

15- ﴿رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ﴾: پرودگارا به من الهام كن و کمکم نما.

17- ﴿أُفّٖ لَّكُمَآ﴾: از شما دلتنگ شدم، سخن دلتنگ کننده و ناپسند، از امری اظهار آزردگی کردن.

17- ﴿أَنۡ أُخۡرَجَ﴾: بعد از مرگ زنده می‌شوم.

17- ﴿خَلَتِ ٱلۡقُرُونُ﴾: ملت‌ها از جهان رفتند و هیچ کدام دو باره زنده نشدند.

17- ﴿وَيۡلَك﴾: وای بر تو تباه شدی، مراد تشويق او به اسلام است.

17- ﴿ءَامِنۡ﴾: به خدا و رستاخيز ايمان بياور.

17- ﴿أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: سخنان باطلي‌كه در كتب آنها نوشته است.

18- ﴿حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلُ﴾: وعده عذاب بر آنها لازم و ثابت شد.

18- ﴿قَدۡ خَلَتۡ﴾: گذشته‌اند.

20- ﴿عَذَابَ ٱلۡهُونِ﴾: عذاب، خواری و ذلت.

21- ﴿أَخَا عَادٍ﴾: برادر قوم عاد، هود را.

21- ﴿بِٱلۡأَحۡقَافِ﴾: به احقاف، وادیی است بین عُمَان و سرزمین مَهْرَه.

22- ﴿لِتَأۡفِكَنَا﴾: تا ما را برگردانی یا با دروغ دور کنی.

24- ﴿عَارِضٗا﴾: ابری گسترده در افق.

25- ﴿تُدَمِّرُ﴾: هلاک می‌کند.

26- ﴿مَكَّنَّٰهُمۡ﴾: ایشان را قوت و شوکت داده بودیم.

26- ﴿فِيمَآ إِن مَّكَّنَّٰكُمۡ﴾: نیروی آنها را به شما ندادیم.

26- ﴿فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُمۡ﴾: پس از آنها دور نکرد.

26- ﴿حَاقَ بِهِم﴾: آنها را احاطه کرد یا بر ایشان فرود آمد.

27- ﴿صَرَّفۡنَا ٱلۡأٓيَٰتِ﴾: به اسلوب‌های مختلف آیات را تکرار کردیم.

28- ﴿قُرۡبَانًا ءَالِهَةَۢ﴾: معبودانی‌که آنها را به خدا نزدیک می‌کنند.

28- ﴿يَفۡتَرُونَ﴾: افتراء می‌کردند.

29- ﴿صَرَفۡنَآ إِلَيۡكَ﴾: به‌سوی تو فرستادیم.

29- ﴿أَنصِتُواْ﴾: خاموش شوید و به دقت بشنوید.

29- ﴿قُضِيَ﴾: تلاوت قرآن تمام شد.

32- ﴿فَلَيۡسَ بِمُعۡجِزٖ﴾: نمی‌تواند از عذاب او فرار نماید.

33- ﴿لَمۡ يَعۡيَ بِخَلۡقِهِنَّ﴾: از آفرینش آنها خسته یا ناتوان نگردید.

33- ﴿بَلَىٰٓ﴾: بله، خدا می‌تواند مرده‌ها را زنده کند.

35- ﴿أُوْلُواْ ٱلۡعَزۡمِ﴾: صاحبان صبر، ثبات و جدیت.

35- ﴿بَلَٰغٞ﴾: این تبلیغ است از جانب پیامبر ما.

سورۀ محمد

1- ﴿أَضَلَّ أَعۡمَٰلَهُمۡ﴾: خدا اعمال آنها را باطل و بی‌فایده کرد.

2- ﴿كَفَّرَ عَنۡهُمۡ﴾: از آنها دور کرد.

2- ﴿أَصۡلَحَ بَالَهُم﴾: حال ایشان را در دین و دنیا به صلاح آورد.

4- ﴿فَضَرۡبَ ٱلرِّقَابِ﴾: پس گردن آنها را بزنید.

4- ﴿أَثۡخَنتُمُوهُمۡ﴾: کشته، زخمی و اسیر فراوان ازآنها گرفتید.

4- ﴿فَشُدُّواْ ٱلۡوَثَاقَ﴾: اسرای آنها را بند و زنجیر کنید.

4- ﴿مَنَّۢا﴾: اسیرها را بدون عوض آزاد و بر آنها منت گزارید.

4- ﴿فِدَآءً﴾: از آنها فدیه بگیرید یا در برابر اسرای مسلمین آزادشان کنید.

4- ﴿حَتَّىٰ تَضَعَ ٱلۡحَرۡبُ أَوۡزَارَهَا﴾: تا‌ این‌که جنگ آلات و بار‌های سنگین خود را بر زمین نهد، پایان جنگ.

4- ﴿لِّيَبۡلُوَ...﴾: تا امتحان کند... و بار گناه مسلمانان را کاهش دهد و کافران را تباه کند.

4- ﴿فَلَن يُضِلَّ أَعۡمَٰلَهُمۡ﴾: هرگز اعمال آنها را باطل نمی‌کند بلکه اجر و پاداش آنها را کامل می‌دهد.

8- ﴿فَتَعۡسٗا لَّهُمۡ﴾: بر آنها مرگ یا شقاوت و بدبختی باد.

9- ﴿فَأَحۡبَطَ أَعۡمَٰلَهُمۡ﴾: خدا اعمال آنها را باطل کرد که از قرآن نفرت داشتند.

10- ﴿دَمَّرَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ﴾: خدا نا بودشان کرد.

11- ﴿مَوۡلَىٰ...﴾: دوست و ناصر...

12- ﴿مَثۡوٗى لَّهُمۡ﴾: محل سکونت آنهاست.

13- ﴿كَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ﴾: بسیار شهرها که.

15- ﴿مَّثَلُ ٱلۡجَنَّةِ﴾: وصف بهشت.

15- ﴿غَيۡرِ ءَاسِنٖ﴾: تغییر نمی‌کند و گنده و بد بوی نمی‌شود.

15- ﴿عَسَلٖ مُّصَفّٗى﴾: عسل پاکیزه و صاف.

15- ﴿مَآءً حَمِيمٗا﴾: آب جوشان.

16- ﴿مَاذَا قَالَ ءَانِفًا﴾: همین حالا یا همین ساعت چه گفت.

18- ﴿جَآءَ أَشۡرَاطُهَا﴾: علایم قیامت آمده است از جمله بعثت رسول خدا.

18- ﴿فَأَنَّىٰ لَهُمۡ﴾: پس چگونه یا از کجا باشد برای ایشان.

19- ﴿يَعۡلَمُ مُتَقَلَّبَكُمۡ﴾: خدا از حرکات شما آگاه است.

19- ﴿مَثۡوَىٰكُم﴾: جای استقرار شما را.

20- ﴿ٱلۡمَغۡشِيِّ عَلَيۡهِ﴾: کسی‌که دچار بی‌هوشی و مستی باشد.

20- ﴿فَأَوۡلَىٰ لَهُمۡ﴾: اسباب نابودی اینها نزدیک است یا سزاوار عذابند، «لام» زاید است.

21- ﴿طَاعَةٞ﴾: فرمانبرداری برای آنان بهتر است یا دستور ما طاعت است.

21- ﴿عَزَمَ ٱلۡأَمۡرُ﴾: فرمان جهاد قطعیت یافت و بر عهده آنان قرار گرفت.

22- ﴿فَهَلۡ عَسَيۡتُمۡ﴾: آیا می‌توان از شما انتظار داشت، یعنی می‌توان.

22- ﴿تَوَلَّيۡتُمۡ﴾: فرمانروای مردم شوید.

24- ﴿أَقۡفَالُهَا﴾: قفل آنهاست که باز نمی‌شود.

25- ﴿سَوَّلَ لَهُمۡ﴾: شیطان خطا‌های آنها را آراست و آسان نشان داد و امیدوارشان ساخت.

25- ﴿أَمۡلَىٰ لَهُمۡ﴾: خدا برآنها با آرزو‌های پوچ‌شان مهلت داد.

26- ﴿يَعۡلَمُ إِسۡرَارَهُمۡ﴾: خدا از تمام زشتی‌های پنهان آنها آگاه است.

29- ﴿أَضۡغَٰنَهُمۡ﴾: کینه‌های شدید و نهان ایشان را.

30- ﴿بِسِيمَٰهُمۡ﴾: از علایم مشخصه چهره‌‌شان.

30- ﴿فِي لَحۡنِ ٱلۡقَوۡلِ﴾: از اسلوب سخن‌شان.

31- ﴿لَنَبۡلُوَنَّكُمۡ﴾: همانا شما را به تکالیف شاقه می‌آزمایم.

31- ﴿نَبۡلُوَاْ أَخۡبَارَكُمۡ﴾: خبر‌های شما را آشکار کنیم.

35- ﴿فَلَا تَهِنُواْ﴾: از جهاد علیه کفار سستی نکنید.

35- ﴿ٱلسَّلۡمِ﴾: صلح و آشتی.

35- ﴿لَن يَتِرَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ﴾: خدا هرگز از اجر اعمال شما نمی‌کاهد.

37- ﴿فَيُحۡفِكُمۡ﴾: و به اصرار اموال شما را بخواهد.

37- ﴿أَضۡغَٰنَكُمۡ﴾: کینه‌های شدید شما را در برابر اسلام.

سورۀ فتح

1- ﴿فَتۡحٗا مُّبِينٗا﴾: پیروزی درخشان، صلح حدیبیه در سال ششم هجری.

4- ﴿ٱلسَّكِينَةَ﴾: آرامش خاطر و ثبات را.

6- ﴿ظَنَّ ٱلسَّوۡءِ﴾: گمان بد.

6- ﴿عَلَيۡهِمۡ دَآئِرَةُ ٱلسَّوۡءِ﴾: دعاء است بر هلاکت و نابودی ایشان.

9- ﴿تُعَزِّرُوهُ﴾: به کمک دین خدا بپردازید.

9- ﴿تُوَقِّرُوهُ﴾: او تعالی را تعظیم کنید و گرامی بدارید.

9- ﴿تُسَبِّحُوهُ﴾: او را از آنچه لایق جلالت او نیست پاک و منزه بدانید.

9- ﴿بُكۡرَةٗ وَأَصِيلًا﴾: بامداد و شام یا تمام روز.

10- ﴿نَّكَثَ﴾: تعهد و بیعت را بشکند.

11- ﴿ٱلۡمُخَلَّفُونَ﴾: تخلف کنندگان از همراهی با تو در غزوه حدیبیه.

12- ﴿لَّن يَنقَلِبَ﴾: هرگز به مدینه برنمی‌گردد.

12- ﴿قَوۡمَۢا بُورٗا﴾: گروهی فاسد یا شایسته هلاکت.

15- ﴿ذَرُونَا نَتَّبِعۡكُمۡ﴾: بگذارید با شما به غزوه خیبر حاضر باشیم.

15- ﴿كَلَٰمَ ٱللَّهِ﴾: فرمان خدا را به اختصاص غنایم برای اهل حدیبیه.

16- ﴿أُوْلِي بَأۡسٖ شَدِيدٖ﴾: دارای قوت و صلابت در جنگ.

17- ﴿حَرَجٞ﴾: گناهی در تخلف از جهاد.

18- ﴿يُبَايِعُونَكَ﴾: با تو در حدیبیه بیعت رضوان را انجام دادند.

18- ﴿فَتۡحٗا قَرِيبٗا﴾: پیروزی نزدیک، فتح خیبر سال هفتم هجرت.

21- ﴿أَحَاطَ ٱللَّهُ﴾: خدا او را به شما آماده کرده یا نگهداشته است.

24- ﴿بِبَطۡنِ مَكَّةَ﴾: به دل مکه، حدیبیه نزدیک مکه.

24- ﴿أَظۡفَرَكُمۡ عَلَيۡهِمۡ﴾: شما را برتری داد و بر آنها پیروز گردانید.

25- ﴿وَٱلۡهَدۡيَ﴾: شترانی‌که رسول خدا آورده بود.

25- ﴿مَعۡكُوفًا﴾: منع و محبوس کردند.

25- ﴿مَحِلَّهُ﴾: به محلی‌که کشتن آن حلال است.

25- ﴿تَطَ‍ُٔوهُمۡ﴾: آنها را یکجا با کفار نا بود و پامال کنید.

25- ﴿مَّعَرَّةُۢ﴾: کار زشتی یا ننگی.

25- ﴿لَوۡ تَزَيَّلُواْ﴾: اگر مسلمانان در مکه از کفار جدا می‌بودند.

26- ﴿ٱلۡحَمِيَّةَ﴾: ننگ و غضب شدید.

26- ﴿سَكِينَتَهُ﴾: اطمینان و آرامش خود را.

26- ﴿كَلِمَةَ ٱلتَّقۡوَىٰ﴾: کلمه توحید و اخلاص.

27- ﴿فَتۡحٗا قَرِيبًا﴾: پیروزی نزدیک، صلح حدیبیه یا فتح خیبر.

28- ﴿لِيُظۡهِرَهُ﴾: تا او را برتری دهد و نیرومندش کند.

29- ﴿سِيمَاهُمۡ﴾: نشانه آنها.

29- ﴿مَثَلُهُمۡ﴾: وصف شگفت انگیز ایشان.

29- ﴿فَ‍َٔازَرَهُ﴾: پس آن جوانه را تقویت کند.

29- ﴿فَٱسۡتَغۡلَظَ﴾: محکم شود.

29- ﴿فَٱسۡتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ﴾: و برساقه خود ایستاد شود.

سورۀ حجرات

1- ﴿لَا تُقَدِّمُواْ﴾: در هیچ کاری تصمیم نگیرید و امری را فیصله نکنید.

2- ﴿أَن تَحۡبَطَ أَعۡمَٰلُكُمۡ﴾: مبادا اعمال شما باطل شود.

3- ﴿يَغُضُّونَ أَصۡوَٰتَهُمۡ﴾: صدای خود را پایین می‌آورند و آهسته سخن می‌گویند.

3- ﴿ٱمۡتَحَنَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمۡ﴾: خدا دلهای آنان را امتحان کرده و برگزيده است.

4- ﴿ٱلۡحُجُرَٰتِ﴾: حجره‌های همسران پیامبر.

7- ﴿لَعَنِتُّمۡ﴾: گرفتار گناه و نابود می‌شود.

9- ﴿بَغَتۡ﴾: تجاوز و سرکشی کرد و صلح را نپذیرفت.

9- ﴿تَفِيٓءَ﴾: رجوع کند.

9- ﴿أَقۡسِطُوٓاْ﴾: در همه امور عدالت را رعایت نمایید.

9- ﴿ٱلۡمُقۡسِطِينَ﴾: عدالت پیشگان را و به آنها پاداش نیکو می‌دهد.

11- ﴿لَا يَسۡخَرۡ﴾: تمسخر و عیب نکند.

11- ﴿لَا تَلۡمِزُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ﴾: یکدیگر را طعن و بدگویی نکنید.

11- ﴿وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلۡأَلۡقَٰبِ﴾: يكديگر را به لقب‌های زشت صدا نکنيد.

12- ﴿كَثِيرٗا مِّنَ ٱلظَّنِّ﴾: بسیاری از گمانها، گمان‌بد به اشخاص نیک.

12- ﴿لَا تَجَسَّسُواْ﴾: در جستجوی راز نهان مسلمانها نباشید.

12- ﴿فَكَرِهۡتُمُوهُ﴾: به یقین از آن بیزارید پس انجامش ندهید.

14- ﴿ءَامَنَّا﴾: به زبان و دل تصدیق کردیم.

14- ﴿لَّمۡ تُؤۡمِنُواْ﴾: به دل تصدیق نکرده‌اید.

14- ﴿أَسۡلَمۡنَا﴾: از ترس و حرص و آز گردان نهادیم.

14- ﴿لَا يَلِتۡكُم﴾: کم نمی‌کند.

16- ﴿أَتُعَلِّمُونَ ٱللَّهَ بِدِينِكُمۡ﴾: آیا خدا را از ایمان خود آگاه می‌سازید.

سورۀ ق

1- ﴿وَٱلۡقُرۡءَانِ﴾: به قرآن قسم است که مبعوث می‌شوید.

3- ﴿رَجۡعُۢ بَعِيدٞ﴾: حیات دوباره غیر ممکن است.

5- ﴿أَمۡرٖ مَّرِيجٍ﴾: کاری پریشان و اضطراب‌آور.

6- ﴿فُرُوجٖ﴾: شکافی.

7- ﴿ٱلۡأَرۡضَ مَدَدۡنَٰهَا﴾: زمین را برای استقرار بر آن گسترش دادیم.

7- ﴿رَوَٰسِيَ﴾: کوه‌های استوار که زمین را از تکان خوردن منع می‌کنند.

7- ﴿زَوۡجِۢ بَهِيجٖ﴾: نوع زیبا و شاداب.

8- ﴿عَبۡدٖ مُّنِيبٖ﴾: بنده‌ای‌که با باورکامل به قدرت ما به ما رجوع کند.

9- ﴿حَبَّ ٱلۡحَصِيدِ﴾: دانه گیاهی‌که درو می‌شود.

10- ﴿وَٱلنَّخۡلَ بَاسِقَٰتٖ﴾: درخت بلند و تناور خرما.

10- ﴿لَّهَا طَلۡعٞ﴾: خرمای‌که هنوز در غلاف است.

10- ﴿نَّضِيدٞ﴾: متراکم یکی بالای دیگری.

11- ﴿كَذَٰلِكَ ٱلۡخُرُوجُ﴾: همینگونه است زنده شدن بعد از مرگ هنگام رستاخیز.

12- ﴿أَصۡحَٰبُ ٱلرَّسِّ﴾: صاحبان چاه، پیامبر خود را در چاه افکندند و نابود شدند.

14- ﴿أَصۡحَٰبُ ٱلۡأَيۡكَةِ﴾: باشندگان ناحیه جنگلزار، دارای درختان انبوه و در هم پیچیده، قوم شعیب.

14- ﴿قَوۡمُ تُبَّعٖ﴾: قوم ابوکرِب حِمْیری شاه یمن.

15- ﴿أَفَعَيِينَا بِٱلۡخَلۡقِ﴾: آیا در آفرینش عاجز شده بودیم، نه هرگز.

15- ﴿فِي لَبۡسٖ﴾: در شک و اشتباه هستند.

16- ﴿حَبۡلِ ٱلۡوَرِيدِ﴾: رگ گردن.

17- ﴿يَتَلَقَّى ٱلۡمُتَلَقِّيَانِ﴾: دو فرشته مراقبند و می‌نویسند.

17- ﴿قَعِيد﴾: فرشته‌ای نشسته است.

18- ﴿رَقِيبٌ عَتِيدٞ﴾: فرشته‌ای حاضر و آماده، مراقب گفتار اوست.

19- ﴿سَكۡرَةُ ٱلۡمَوۡتِ﴾: سختی مرگ که عقل را می‌برد.

19- ﴿تَحِيدُ﴾: از آن فرار می‌کردی.

22- ﴿غِطَآءَكَ﴾: پرده‌ای‌که تو را از آخرت غافل ساخت.

22- ﴿حَدِيدٞ﴾: تیز و نافذ است.

23- ﴿عَتِيدٌ﴾: برای عرضه داشتن آماده است.

24- ﴿عَنِيدٖ﴾: ستیزه‌گر و دور از حق را.

25- ﴿مُعۡتَدٖ﴾: ظالم و متجاوز از حد.

25- ﴿مُّرِيبٍ﴾: شک کننده به خدا و دین.

27- ﴿مَآ أَطۡغَيۡتُهُ﴾: من او را به طغیان و سرکشی مجبور نکردم.

31- ﴿أُزۡلِفَتِ ٱلۡجَنَّةُ﴾: جنت نزدیک آورده شود.

32- ﴿أَوَّابٍ﴾: تایب و رجوع کننده به خدا.

33- ﴿بِقَلۡبٖ مُّنِيبٍ﴾: با قلب مخلص و پذیرای فرمان حق.

36- ﴿كَمۡ أَهۡلَكۡنَا﴾: بسیاری را هلاک کردیم.

36- ﴿قَرۡنٍ﴾: نسلها.

26 - ﴿بَطۡشٗا﴾: از روی قوت.

26 - ﴿فَنَقَّبُواْ فِي ٱلۡبِلَٰدِ﴾: از ترس مرگ روی زمین را گردش کردند.

26 - ﴿مَّحِيصٍ﴾: جای فرار و نجات از عذاب خدا.

38- ﴿لُّغُوبٖ﴾: ماندگی.

39- ﴿سَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ﴾: خدایت را از هر نقص منزه بدان یا حمد و سپاس نما.

40- ﴿َأَدۡبَٰرَ ٱلسُّجُودِ﴾: بعد از نماز.

42- ﴿يَسۡمَعُونَ ٱلصَّيۡحَةَ﴾: نفخه رستاخیز را می‌شنوند.

44- ﴿تَشَقَّقُ ٱلۡأَرۡضُ...﴾: زمین بشکافد...

44- ﴿سِرَاعٗا﴾: به جانب دعوتگر بشتابند.

45- ﴿بِجَبَّارٖ﴾: مسلط که آنها را به اجبار مسلمان کنی.

سورۀ ذَارِيَات

1- ﴿وَٱلذَّٰرِيَٰتِ ذَرۡوٗا١﴾: قسم به بادها که خاک و چیزهای دگر را پراکنده می‌سازند.

2- ﴿فَٱلۡحَٰمِلَٰتِ وِقۡرٗا٢﴾: ابرها که باران را حمل می‌کنند.

3- ﴿فَٱلۡجَٰرِيَٰتِ يُسۡرٗا٣﴾: کشتی‌های‌که بر روی آب به سهولت حرکت می‌کنند.

4- ﴿فَٱلۡمُقَسِّمَٰتِ أَمۡرًا٤﴾: فرشتگانی‌که مقدرات ربانی را تقسیم می‌کنند.

5- ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ﴾: رستاخیز که به شما و عده شده، جواب قسم است.

5- ﴿لَصَادِقٞ﴾: راست و درست است.

6- ﴿إِنَّ ٱلدِّينَ﴾: بی‌شک جزای بعد از حساب.

7- ﴿ذَاتِ ٱلۡحُبُكِ﴾: دارای راه‌ها که مدار ستارگان است.

8- ﴿قَوۡلٖ مُّخۡتَلِفٖ﴾: گفتار ضد و نقیض دارید.

9- ﴿يُؤۡفَكُ عَنۡهُ﴾: از قرآن منحرف می‌شود.

10- ﴿قُتِلَ ٱلۡخَرَّٰصُونَ١٠﴾: دروغ‌گویان از رحمت دور و زشت هستند.

11- ﴿غَمۡرَةٖ﴾: از امور آخرت نمی‌دانند.

11- ﴿سَاهُونَ﴾: از دستورات الهی غافلند.

12- ﴿أَيَّانَ يَوۡمُ ٱلدِّينِ﴾: روز جزاء چه وقت است، از آن منکرند.

13- ﴿يُفۡتَنُونَ﴾: تعذیب و سوزانده می‌شوند.

17- ﴿يَهۡجَعُونَ﴾: می‌خوابیدند.

18- ﴿بِٱلۡأَسۡحَارِ﴾: آخرهای شب.

19- ﴿وَٱلۡمَحۡرُومِ﴾: کسی‌که از صدقه بی‌بهره است برای‌ این‌که با همه نیازمندی از سؤال اجتناب می‌کند.

24- ﴿ضَيۡفِ إِبۡرَٰهِيمَ﴾: مهمانان ابراهیم از فرشته‌ها.

25- ﴿قَوۡمٞ مُّنكَرُونَ﴾: آنها را نشناخت با خود گفت گروه ناشناسند.

26- ﴿فَرَاغَ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِ﴾: پنهان از مهمانان نزد خانواده خود رفت.

28- ﴿فَأَوۡجَسَ مِنۡهُمۡ﴾: در نهاد خود از آنها احساس کرد.

28- ﴿بِغُلَٰمٍ عَلِيمٖ﴾: پسر دانا، اسحاق ÷ در نزد جمهور.

29- ﴿صَرَّةٖ﴾: فریاد.

28- ﴿فَصَكَّتۡ وَجۡهَهَا﴾: از تعجب بر روی خود زد.

31- ﴿فَمَا خَطۡبُكُمۡ﴾: کار مهم شما چیست؟

34- ﴿مُّسَوَّمَةً﴾: نشانی شده که سنگ عذاب است.

38- ﴿فِي مُوسَىٰٓ﴾: در قصه موسی ÷ آیتی قرار دادیم.

39- ﴿فَتَوَلَّىٰ بِرُكۡنِهِ﴾: فرعون به سبب فرمانروايی از ايمان به خدا اعراض كرد.

40- ﴿هُوَ مُلِيمٞ﴾: فرعون طغیان کرده و در خور سرزنش بود.

41- ﴿ٱلرِّيحَ ٱلۡعَقِيمَ﴾: تند باد بی‌‌باران ‌که آنها را نابود و نسل‌شان را منقرض ساخت.

42- ﴿كَٱلرَّمِيمِ﴾: مانند چیزهای پوسیده و ریز ریز شده.

44- ﴿فَعَتَوۡاْ﴾: پس سرکشی کردند.

44- ﴿فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ﴾: پس صدای مهیب یا آتشی از آسمان آنها را نابودکرد.

47- ﴿بَنَيۡنَٰهَا بِأَيۡيْدٖ﴾: آسمان را با قوت و قدرت بنا کردیم.

47- ﴿إِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾: ما تواناستیم.

48- ﴿ٱلۡأَرۡضَ فَرَشۡنَٰهَا﴾: برای استقرار بر روی زمین آن را مانند فرش گستردیم.

48- ﴿فَنِعۡمَ ٱلۡمَٰهِدُونَ﴾: و ما چه نیکو هموار و درسکننده هستیم.

49- ﴿خَلَقۡنَا زَوۡجَيۡنِ﴾: دو نوع آفریدیم.

50- ﴿فَفِرُّوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ﴾: از عذاب خدا به سوی ثواب او بگریزید.

53- ﴿طَاغُونَ﴾: در کفر از حد گذشته‌اند.

56- ﴿لِيَعۡبُدُونِ﴾: برای‌این‌که مرا بشناسند یا فرمانبردار من باشند.

59- ﴿ذَنُوبِ﴾: سهمی از عذاب.

60- ﴿فَوَيۡلٞ﴾: نابودی یا حسرت یا عذاب شدید.

سورۀ طور

1- ﴿وَٱلطُّورِ١﴾: قسم به طور سینا که خدا در آنجا با موسی ÷ سخن گفت.

2- ﴿كِتَٰبٖ مَّسۡطُورٖ﴾: قسم به کتابی‌که به نظام درست نوشته شده است.

3- ﴿فِي رَقّٖ﴾: در صفحه، آنچه در آن بنویسند جلد باشد و یا چیز دیگر.

3- ﴿مَّنشُورٖ﴾: گشوده و مهر نشده.

4- ﴿وَٱلۡبَيۡتِ ٱلۡمَعۡمُورِ٤﴾: قسم به بیت المعمور، خانه است در آسمان یا کعبه.

5- ﴿وَٱلسَّقۡفِ ٱلۡمَرۡفُوعِ٥﴾: قسم به آسمان.

6- ﴿وَٱلۡبَحۡرِ ٱلۡمَسۡجُورِ٦﴾: قسم به دریای شعله‌ور در روز قیامت.

7- ﴿إِنَّ عَذَابَ﴾: که عذاب، جواب قسم‌های است که در بالا آمد.

9- ﴿تَمُورُ ٱلسَّمَآءُ﴾: آسمان به شدت دور می‌خورد، مانند آسیاب .

11- ﴿فَوَيۡلٞ﴾: هلاکت یا حسرت یا شدت عذاب.

12- ﴿خَوۡضٖ﴾: غرق در سخنان بیهوده و دروغ.

13- ﴿يُدَعُّونَ﴾: به تندی و خشونت رانده می‌شوند.

16- ﴿ٱصۡلَوۡهَا﴾: در دوزخ داخل شوید یا سختی آن را بکشید.

18- ﴿فَٰكِهِينَ﴾: متلذد، مرفه و مسرور.

20- ﴿سُرُرٖ مَّصۡفُوفَةٖ﴾: تختهای یکسان کنارهم.

20- ﴿زَوَّجۡنَٰهُم﴾: جفت و همدم گردانیدیم.

20- ﴿بِحُورٍ عِينٖ﴾: با زیبا چشمان سفید پوست بهشتی.

21- ﴿مَآ أَلَتۡنَٰهُم﴾: از پاداش پدران چیزی را کم نمی‌کنیم.

21- ﴿رَهِينٞ﴾: نزد خدا گرو است.

23- ﴿يَتَنَٰزَعُونَ﴾: از یکدیگر می‌گیرند.

23- ﴿كَأۡسٗا﴾: شراب یا جام شراب را.

23- ﴿لَّا لَغۡوٞ فِيهَا وَلَا تَأۡثِيمٞ﴾: هنگام نوشیدن آن بیهوده نمی‌گویند و حرکت موجب گناه انجام نمی‌دهند.

24- ﴿لُؤۡلُؤٞ مَّكۡنُونٞ﴾: مروارید نهان در صدف.

26- ﴿مُشۡفِقِينَ﴾: ترسان از عاقبت.

27- ﴿عَذَابَ ٱلسَّمُومِ﴾: آتش جهنم که وارد مسامات می‌شود.

28- ﴿هُوَ ٱلۡبَرُّ ٱلرَّحِيمُ﴾: او تعالی احسان كننده، مهربان و بسيار بخشنده است.

30- ﴿رَيۡبَ ٱلۡمَنُونِ﴾: حوادث کشنده روزگار.

32- ﴿قَوۡمٞ طَاغُونَ﴾: قومی ستیزه‌گر و متجاوز.

33- ﴿تَقَوَّلَهُ﴾: قرآن را از پیش خود ساخته است.

37- ﴿خَزَآئِنُ رَبِّكَ﴾: خزانه‌های رزق و رحمت یا مقدرات خدایت.

37- ﴿هُمُ ٱلۡمُصَۜيۡطِرُونَ﴾: آنها صاحبان قدرت و سیطره‌اند.

38- ﴿لَهُمۡ سُلَّمٞ﴾: نردبانی دارند که با آن به آسمان می‌روند.

40- ﴿مِّن مَّغۡرَمٖ مُّثۡقَلُونَ﴾: از پرداخت غرامت در رنجند.

42- ﴿هُمُ ٱلۡمَكِيدُونَ﴾: جزای حیله و مکر خود را می‌یابند.

44- ﴿كِسۡفٗا﴾: قطعه بزرگی.

44- ﴿سَحَابٞ مَّرۡكُومٞ﴾: ابر‌ متراکم است که باران می‌بارد.

45- ﴿فِيهِ يُصۡعَقُونَ﴾: روز بدر نابود می‌شوند.

46- ﴿لَا يُغۡنِي عَنۡهُمۡ﴾: از آنها دور نمی‌کند.

47- ﴿عَذَابٗا دُونَ ذَٰلِكَ﴾: عذابی پیش از این، قحطی.

48- ﴿بِأَعۡيُنِنَا﴾: در حفظ و حراست ما.

48- ﴿سَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ﴾: خدایت را پاک و منزه بدان و حمد و سپاس بگو.

49- ﴿إدۡبَٰرَ ٱلنُّجُومِ﴾: وقت نهان شدن ستارگان در روشنی سحر.

سورۀ نجم

1- ﴿وَٱلنَّجۡمِ إِذَا هَوَىٰ١﴾: قسم به ستاره وقتی‌که غروب می‌کند.

2- ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمۡ﴾: پیامبر از حق و هدایت عدول نکرده، جواب قسم است.

2- ﴿مَا غَوَىٰ﴾ : هرگز به باطل اعتقاد نداشته است.

5- ﴿شَدِيدُ ٱلۡقُوَىٰ﴾: بسیار نیرومند، امین وحی جبریل.

6- ﴿ذُو مِرَّةٖ﴾: توانا یا زیبا یا دارای آثار بدیع.

6- ﴿فَٱسۡتَوَىٰ﴾: به صورت اصلی و ملکوتی خود ایستاد.

8- ﴿دَنَا﴾: جبریل به رسول خدا نزدیک شد.

9- ﴿قَابَ قَوۡسَيۡنِ﴾: فاصله او و پیامبر خدا به اندازه دو کمان یا دو ذراع بود.

10- ﴿عَبۡدِهِ﴾: بنده خدا، محمد ج

12- ﴿أَفَتُمَٰرُونَهُ﴾: آیا پیامبر را تکذیب و با او مجادله می‌کنید.

13- ﴿نَزۡلَةً أُخۡرَىٰ﴾: یک بار دیگر به صورت اصلی.

14- ﴿سِدۡرَةِ ٱلۡمُنتَهَىٰ﴾: جایی‌که دانش مخلوقات به انتها می‌رسد.

15- ﴿جَنَّةُ ٱلۡمَأۡوَىٰٓ﴾ : بهشت که آرامگاه ارواح شهداست.

16- ﴿يَغۡشَى ٱلسِّدۡرَةَ﴾: سدره را ‌پوشیده بود.

17- ﴿مَا زَاغَ ٱلۡبَصَرُ﴾: نگاه او از آنچه به دیدنش مأمور بود منحرف نشد.

17- ﴿مَا طَغَىٰ﴾: از آنچه به دیدنش مأمور بود تجاوز نکرد.

18- ﴿لَقَدۡ رَأَىٰ﴾: بی‌شک به شب معراج دید.

19- ﴿أَفَرَءَيۡتُمُ﴾: به من خبر دهید آیا این بتها توانایی دارند.

19- ﴿ٱللَّٰتَ وَٱلۡعُزَّىٰ١٩ وَمَنَوٰةَ﴾: لات، منات و عزا بتهای‌که در جاهلیت پرستش می‌شدند.

22- ﴿قِسۡمَةٞ ضِيزَىٰٓ﴾: قسمت ظالمانه یا نادرست.

24- ﴿أَمۡ لِلۡإِنسَٰنِ مَا تَمَنَّىٰ٢٤﴾: آيا انسان به همه آرزوهای خود می‌رسد. نه، هرگز.

26- ﴿لَا تُغۡنِي شَفَٰعَتُهُمۡ﴾: شفاعت آنها مدافع یا سودمند نیست.

32- ﴿ٱلۡفَوَٰحِشَ﴾: گناهان کبیره و نهایت زشت.

32- ﴿ٱللَّمَمَ﴾: گناهان صغیره.

32- ﴿فَلَا تُزَكُّوٓاْ أَنفُسَكُمۡ﴾: با اعمال نیک خودستایی نکنید.

34- ﴿أَكۡدَىٰٓ﴾ : احسان خود را بخیلانه قطع کرد.

37- ﴿ٱلَّذِي وَفَّىٰٓ﴾: دستورات الهی را کامل انجام داد.

38- ﴿أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٞ...﴾: هیچ مجرمی بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌گیرد.

42- ﴿ٱلۡمُنتَهَىٰ﴾: بازگشت در آخرت برای دریافت پاداش.

46- ﴿تُمۡنَىٰ﴾ : در رَحم می‌ریزد.

47- ﴿ٱلنَّشۡأَةَ ٱلۡأُخۡرَىٰ﴾: زنده کردن مرده‌‌ها چنانچه وعده کرده است.

49- ﴿ٱلشِّعۡرَىٰ﴾: ستاره معروف که در جاهلیت پرستش می‌شد‌‌.

50- ﴿عَادًا ٱلۡأُولَىٰ﴾ : عاد نخستین، قوم هود ÷.

51- ﴿ثَمُودَ﴾: قوم صالح ÷.

53- ﴿وَٱلۡمُؤۡتَفِكَةَ﴾: شهر‌های قوم لوط.

53- ﴿أَهۡوَىٰ﴾ : بلند کرد و بر زمین کوبید.

54- ﴿فَغَشَّىٰهَا﴾: آن را به انواع عذاب گرفتار کرد.

55- ﴿ءَالَآءِ رَبِّكَ﴾: نعمت‌های پروردگارت از جمله دلایل قدرت او.

55- ﴿تَتَمَارَىٰ﴾ : شک می‌کنی.

57- ﴿أَزِفَتِ ٱلۡأٓزِفَةُ﴾: قیامت نزدیک شد.

58- ﴿كَاشِفَةٌ﴾: کسی‌که سختی و هول آن را دفع کند.

61- ﴿أَنتُمۡ سَٰمِدُونَ﴾: شما غافلید.

سورۀ قمر

1- ﴿َٱنشَقَّ ٱلۡقَمَرُ﴾: ماه آسمان به دو نیمه، شقّ شد، معجزه پیامبر است.

2- ﴿سِحۡرٞ مُّسۡتَمِرّٞ﴾: سحر دایمی یا استوار یا ناپایدار است.

3- ﴿مُّسۡتَقِرّٞ﴾: سرانجامی دارد که به آن استقرار می‌یابد.

4- ﴿مُزۡدَجَرٌ﴾: بازداشتن از کفر است.

5- ﴿ٱلنُّذُرُ﴾: پیامبران یا امور هشدار دهنده دیگر.

6- ﴿شَيۡءٖ نُّكُرٍ﴾: چیزی زشت و وحشت انگیز، هول قیامت.

7- ﴿خُشَّعًا أَبۡصَٰرُهُمۡ﴾: چشم‌هایشان از شدت ترس به زیر افتاده است.

7- ﴿ٱلۡأَجۡدَاثِ﴾: قبرها.

8- ﴿مُّهۡطِعِينَ﴾: شتابان.

8- ﴿يَوۡمٌ عَسِرٞ﴾: روز سختی است.

9- ﴿وَٱزۡدُجِرَ﴾: با دشنام و حرکات دیگر از تبلیغ رسالت منع شد.

10- ﴿مَغۡلُوبٞ فَٱنتَصِرۡ﴾: مغلوب شدم انتقام مرا از اینها بگیر.

11- ﴿أَبۡوَٰبَ ٱلسَّمَآءِ﴾: درهای ابر را.

11- ﴿بِمَآءٖ مُّنۡهَمِرٖ﴾: باران تند که به شدت می‌بارید.

12- ﴿فَجَّرۡنَا ٱلۡأَرۡضَ﴾: زمین را شکافتیم.

12- ﴿أَمۡرٖ قَدۡ قُدِرَ﴾: هلاکت ایشان به اثر طوفان مقدر شده بود.

13- ﴿دُسُرٖ﴾: میخ‌های‌که با آنها تخته‌ها را محکم می‌کنند.

14- ﴿تَجۡرِي بِأَعۡيُنِنَا﴾: به محافظت ما یا زیر نظر ما یا به امر ما روان بود.

15- ﴿تَّرَكۡنَٰهَآ ءَايَةٗ﴾: داستان این کشتی را باقی گذاشتیم تا مایه پند و عبرت باشد.

15- ﴿مُّدَّكِرٖ﴾: پند و عبرت گیرنده.

16- ﴿نُذُرِ﴾: هشدارهای من.

19- ﴿رِيحٗا صَرۡصَرٗا﴾: باد سوزان یا سرد یا با آواز شدید.

19- ﴿يَوۡمِ نَحۡسٖ﴾: روزی‌که بر آنها شوم بود.

19- ﴿مُّسۡتَمِرّٖ﴾: شومی آن دائمی یا شدید یا زشت است.

20- ﴿تَنزِعُ ٱلنَّاسَ﴾: مردم را می‌کنَد و پرتاب می‌کند.

20- ﴿أَعۡجَازُ نَخۡلٖ﴾: تنه درخت خرما. مُنقَعِرٍ: ریشه کن شده.

24- ﴿سُعُرٍ﴾: عذاب شدید و آتش یا جنون.

25- ﴿كَذَّابٌ أَشِرٞ﴾: دروغگوی متکبر است.

27- ﴿فِتۡنَةٗ لَّهُمۡ﴾: برای امتحان و ابتلای آنها.

27- ﴿ٱصۡطَبِرۡ﴾: به آزار و اذیت آنها صبور باش و عجله نکن.

28- ﴿قِسۡمَةُۢ بَيۡنَهُمۡ﴾: بین آنها و شتر تقسیم شده است.

28- ﴿كُلُّ شِرۡبٖ﴾: هر سهم از آب.

28- ﴿مُّحۡتَضَرٞ﴾: صاحب نوبت حاضر می‌شود.

29- ﴿فَتَعَاطَىٰ﴾ : شتر را به شمشیر بست.

34- ﴿حَاصِبًا﴾: بادی‌که ریگ‌ها را بر آنها پرتاب می‌کرد.

34- ﴿نَّجَّيۡنَٰهُم بِسَحَرٖ﴾: وقت طلوع فجر آنها را نجات دادیم.

36- ﴿أَنذَرَهُم بَطۡشَتَنَا﴾: لوط آنها را از عذاب شدید ما ترساند.

36- ﴿فَتَمَارَوۡاْ بِٱلنُّذُرِ﴾: ولی آنها در آن هشدارها شک و تکذیب کردند.

37- ﴿رَٰوَدُوهُ عَن ضَيۡفِهِ﴾: آنها از لوط ÷ خواستند مهمان‌های خود را در اختیارشان بگذارد.

37- ﴿فَطَمَسۡنَآ أَعۡيُنَهُمۡ﴾: ما آنها را کور ساختیم یا چشمانشان را محو کردیم.

38- ﴿بُكۡرَةً﴾: اول روز.

43- ﴿فِي ٱلزُّبُرِ﴾: در کتابهای آسمانی.

44- ﴿نَحۡنُ جَمِيعٞ﴾: ما یک گروه هستیم و متحدانه عمل می‌کنیم.

44- ﴿مُّنتَصِرٞ﴾: توانایم و مغلوب نمی‌شویم.

46- ﴿وَٱلسَّاعَةُ أَدۡهَىٰ﴾: و قیامت دشوارتر است.

46- ﴿أَمَرُّ﴾: تلختر از عذاب دنیا.

47- ﴿سُعُرٖ﴾: آتش شعله‌ور یا جنون.

49- ﴿خَلَقۡنَٰهُ بِقَدَرٖ﴾: به تقدیر ازلی یا محکم و به اندازه مقرر.

50- ﴿إِلَّا وَٰحِدَةٞ﴾: مگر یک کلمه، لفظ «کن» است.

51- ﴿أَشۡيَاعَكُمۡ﴾: همتایان شما در کفر را.

52- ﴿ٱلزُّبُرِ﴾: نامه‌های اعمال.

53- ﴿مُّسۡتَطَرٌ﴾: در لوح محفوظ نوشته شده است.

54- ﴿نَهَرٖ﴾: چشمه‌ها.

55- ﴿مَقۡعَدِ صِدۡقٍ﴾: جایگاه شایسته.

سورۀ رحمان

2- ﴿عَلَّمَ ٱلۡقُرۡءَانَ٢﴾: قرآن را به انسان آموخت.

5- ﴿بِحُسۡبَانٖ﴾: به حساب منظم در برج خود در گردش هستند.

6- ﴿ٱلنَّجۡمُ﴾: گیاه بی‌ساقه.

6- ﴿يَسۡجُدَانِ﴾: مطیع فرمان خدا هستند در اموری‌که برای آن آفریده شده‌اند.

7- ﴿وَضَعَ ٱلۡمِيزَانَ﴾: نظام عدل را روشن کرد و مردم را به پیروی از آن دستور داد.

8- ﴿أَلَّا تَطۡغَوۡاْ﴾: تا‌ این‌که از حق و عدالت تجاوز نکنید.

9- ﴿بِٱلۡقِسۡطِ﴾: به عدالت.

9- ﴿لَا تُخۡسِرُواْ ٱلۡمِيزَانَ﴾: در وزن کردن،کم و کاست نکنید.

11- ﴿ذَاتُ ٱلۡأَكۡمَامِ﴾: خوشه‌های نورس و غلاف دار خرما.

12- ﴿ذُو ٱلۡعَصۡفِ﴾: پوسته‌دار یا کاه یا دارای برگ خشک.

12- ﴿ٱلرَّيۡحَانُ﴾: گیاه خوش بو.

13- ﴿ءَالَآءِ رَبِّكُمَا﴾: نعمت‌های خدای خود.

13- ﴿تُكَذِّبَانِ﴾: ای انسان و ای جن ناسپاسی می‌کنید.

14- ﴿صَلۡصَٰلٖ﴾: گِل خشک صدا دهند.

14- ﴿كَٱلۡفَخَّارِ﴾: مانند گلی‌که به اثر سوزاندن مثل سنگ گردد.

15- ﴿مَّارِجٖ﴾: شعله بی‌دود.

19- ﴿مَرَجَ ٱلۡبَحۡرَيۡنِ﴾: دو دریای شیرین و شور را در محل جریاشان روان ساخت.

19- ﴿يَلۡتَقِيَانِ﴾: در جوار هم‌ هستند یا کناره آن دو بهم پیوست است.

20- ﴿بَيۡنَهُمَا بَرۡزَخٞ﴾: میان آن دو پرده است از زمین یا از قدرت الهی.

20- ﴿لَّا يَبۡغِيَانِ﴾: یکی بر حد دیگری تجاوز نمی‌کند.

24- ﴿لَهُ ٱلۡجَوَارِ﴾: کشتی‌های روان از آن اوست.

24- ﴿ٱلۡمُنشَ‍َٔاتُ﴾: بادبان بلند.

24- ﴿كَٱلۡأَعۡلَٰمِ﴾: مانند کوه‌های سر افراشته یا کاخ‌ها.

26- ﴿فَانٖ﴾: هلاک شونده است.

27- ﴿ذُو ٱلۡجَلَٰلِ﴾: دارای جاه وجلال و استغنای مطلق.

27 - ﴿ٱلۡإِكۡرَامِ﴾: احسان کامل.

29- ﴿فِي شَأۡنٖ﴾: درکاری‌است‌،‌ به مقتضای حکمت حالت‌های را ایجاد می‌کند و حالت‌های را از میان می‌برد.

31- ﴿سَنَفۡرُغُ لَكُمۡ﴾: بعد از مهلت دادن به محاسبه شما می‌پردازیم.

31- ﴿أَيُّهَ ٱلثَّقَلَانِ﴾: ای انسان و جن.

33- ﴿تَنفُذُواْ﴾: از ساحه فرمان من بیرون روید.

33- ﴿فَٱنفُذُواْ﴾: پس بروید، امر اعجازی است.

34- ﴿بِسُلۡطَٰنٖ﴾: به نیرو، قهر و غلبه خیلی بعید است...!

35- ﴿شُوَاظٞ﴾: شعله‌های بی‌دود.

35- ﴿نُحَاسٞ﴾: مس گداخته یا دود بدون شعله.

37- ﴿فَكَانَتۡ وَرۡدَةٗ﴾: مانندگل سرخ گردد.

37- ﴿كَٱلدِّهَانِ﴾: مانند روغن زیتون در زوبان.

41- ﴿بِسِيمَٰهُمۡ﴾: از سیاهی روی و کبودی چشم آنها.

41- ﴿فَيُؤۡخَذُ بِٱلنَّوَٰصِي﴾: موی پیشانی آنها را می‌گیرند.

44- ﴿حَمِيمٍ ءَانٖ﴾: آب جوشان.

46- ﴿جَنَّتَانِ﴾: دو بستان یکی داخل و دیگری بیرون قصر.

48- ﴿ذَوَاتَآ أَفۡنَانٖ٤٨﴾: دارای شاخه‌ها یا انواع میوه‌ها.

50- ﴿عَيۡنَانِ﴾: دو چشمه، تسنیم و سلسبیل.

52- ﴿زَوۡجَا﴾: دوگونه یکی مشهور و دیگری ناشناخته.

54- ﴿إِسۡتَبۡرَقٖ﴾: دیبای ضخیم.

54- ﴿وَجَنَى ٱلۡجَنَّتَيۡنِ﴾: میوه‌های رسیده این دو باغ.

54- ﴿دَانٖ﴾: به دسترس تناول کننده است.

56- ﴿قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ﴾: غیر از شوهر خود به دیگری نگاه نمی‌کنند.

56- ﴿لَمۡ يَطۡمِثۡهُنَّ﴾: پیش از شوهر هیچ کس با آنها مقاربت نکرده است.

62- ﴿وَمِن دُونِهِمَا جَنَّتَانِ٦٢﴾: غیر از آن دو باغ، دو باغ دیگر بالاتر یا پایین‌تر نیز است.

64- ﴿مُدۡهَآمَّتَانِ٦٤﴾: هر دو بسیار سرسبزند.

66- ﴿نَضَّاخَتَانِ﴾: دایم در فورانند.

70- ﴿خَيۡرَٰتٌ حِسَانٞ﴾: خوش خلق و خوش صورت.

72- ﴿حُورٞ﴾: زنان سفید چهره و زیبا.

72- ﴿مَّقۡصُورَٰتٞ فِي ٱلۡخِيَامِ﴾: پرده نشینان در خانه‌های از مروارید.

76- ﴿رَفۡرَفٍ﴾: ناز بالشت‌ها یا فرش‌های عالی.

76- ﴿عَبۡقَرِيٍّ﴾: فرش‌های نفیس.

78- ﴿تَبَٰرَكَ﴾: برتر یا خیر و احسانش بسیار است.

78- ﴿ذِي ٱلۡجَلَٰلِ﴾: با شکوه و استغنای مطلق.

78- ﴿ٱلۡإِكۡرَامِ﴾: فضل و احسان کامل.

سورۀ وَاقِعَه

1- ﴿وَقَعَتِ ٱلۡوَاقِعَةُ﴾: با نفخه رستاخیز قیامت برپا شود.

3- ﴿خَافِضَةٞ رَّافِعَةٌ﴾: آن روز گناهکاران را پست و نیکو کاران را سرافراز می‌گرداند.

4- ﴿رُجَّتِ ٱلۡأَرۡضُ﴾: زمین به شدت لرزانده شود.

5- ﴿بُسَّتِ ٱلۡجِبَالُ﴾: کوه‌ها مانند تلخان کوبیده و ریزریز شوند.

6- ﴿هَبَآءٗ مُّنۢبَثّٗا﴾: غبار پراکنده.

7- ﴿كُنتُمۡ أَزۡوَٰجٗا﴾: شما دسته دسته شوید.

8- ﴿فَأَصۡحَٰبُ ٱلۡمَيۡمَنَةِ﴾: اهل سعادت و برکت یا ناحیه راست.

9- ﴿أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَشۡ‍َٔمَةِ﴾: اهل شقاوت یا ناحیه چپ.

13- ﴿ثُلَّةٞ﴾: گروه بیشتر.

15- ﴿سُرُرٖ مَّوۡضُونَةٖ﴾: به تخت‌های‌که به استحکام خاص از طلا بافته شده‌اند.

17- ﴿وِلۡدَٰنٞ مُّخَلَّدُونَ﴾: نوجوانانی‌که همیشه جوان و زیبا باقی می‌مانند.

18- ﴿بِأَكۡوَابٖ﴾: با جام‌ها.

18- ﴿أَبَارِيقَ﴾: ظرف‌ها.

18- ﴿كَأۡسٖ﴾: شراب یا جام شراب.

18- ﴿مِّن مَّعِينٖ﴾: از چشمه‌های شراب.

19- ﴿يُصَدَّعُونَ عَنۡهَا﴾: نوشیدن این شراب‌ها دردسر ندارد.

19- ﴿لَا يُنزِفُونَ﴾: به سبب نوشیدن آن مست نمی‌شود.

22- ﴿حُورٌ عِينٞ﴾: زنان سفید اندام با چشمان فراخ و زیبا.

23- ﴿ٱللُّؤۡلُوِٕ ٱلۡمَكۡنُونِ﴾: مروارید نهان در صدف و مصون از تغییر.

25- ﴿لَغۡوٗا﴾: سخن بی‌خیر یا باطل.

25- ﴿لَا تَأۡثِيمًا﴾: نه سخن گناه آلود یا موجب گناه.

28- ﴿فِي سِدۡرٖ﴾: در سایه درخت نبق در ناز و نعمت زندگی می‌کنند.

28- ﴿مَّخۡضُودٖ﴾: بی‌خار.

29- ﴿طَلۡحٖ﴾: درخت موز یا مانند آن.

29- ﴿مَّنضُودٖ﴾: میوه آن از پایین تا بالا روی هم افتاده است.

30- ﴿ظِلّٖ مَّمۡدُودٖ﴾: سایه دایمی یا گسترده.

31- ﴿مَآءٖ مَّسۡكُوبٖ﴾: آبی‌که از آبشار‌ها می‌ریزد و پیوسته در روی زمین جاری است.

34- ﴿مَّرۡفُوعَةٍ﴾: گرانبها، بر روی تخت‌ها یا چار‌‌‌پایه‌‌ها‌‌‌ی بلند.

37- ﴿عُرُبًا﴾: شوهر دوست.

37- ﴿أَتۡرَابٗا﴾: هم سن و سال.

42- ﴿سَمُومٖ﴾: باد سوزان که در مسامات وارد شود.

42- ﴿حَمِيمٖ﴾: آب جوشان.

43- ﴿يَحۡمُومٖ﴾: دود غلیظ یا آتش.

44- ﴿لَا كَرِيمٍ﴾: در آن گرمی آزار دهنده سودی نمی‌رساند.

45- ﴿مُتۡرَفِينَ﴾: در ناز و نعمت و نفس پرست.

46- ﴿ٱلۡحِنثِ ٱلۡعَظِيمِ﴾: گناه بزرگ، شرک.

52- ﴿زَقُّومٖ﴾: درخت بسیار زشت در دوزخ.

55- ﴿شُرۡبَ ٱلۡهِيمِ﴾: مانند شتر تشنه‌ که سیراب نشود.

56- ﴿هَٰذَا نُزُلُهُمۡ﴾: این کیفری است که به آنها مهیا شده.

56- ﴿يَوۡمَ ٱلدِّينِ﴾: روز قیامت.

58- ﴿أَفَرَءَيۡتُم﴾: به من خبر دهید.

58- ﴿مَّا تُمۡنُونَ﴾: منی‌که در رحم می‌ریزید.

59- ﴿تَخۡلُقُونَهُ﴾: به صورت انسان آفریدید.

60- ﴿بِمَسۡبُوقِينَ﴾: مغلوب و عا‌جز.

63- ﴿مَّا تَحۡرُثُونَ﴾: دانه‌ای‌که در زمین می‌کارید.

64- ﴿تَزۡرَعُونَهُ﴾: او را می‌رویانید تا به کمال برسد.

65- ﴿حُطَٰمٗا﴾: گیاه خشک و بی‌فایده.

65- ﴿تَفَكَّهُونَ﴾: از دگرگونی و حالت بد او تعجب می‌کردید.

66- ﴿إِنَّا لَمُغۡرَمُونَ٦٦﴾: بدون شک، با از بين رفتن خوردنی‌‌ها نابود خواهيم شد.

67- ﴿مَحۡرُومُونَ﴾: همگی از رزق محروم شدیم.

69- ﴿ٱلۡمُنزِلُونَ﴾: ابر یا ابر سفید.

70- ﴿جَعَلۡنَٰهُ أُجَاجٗا﴾: این آب شیرین را نمک یا تلخ می‌گردانیم که نوشیدنش ممکن نباشد.

71- ﴿ٱلنَّارَ ٱلَّتِي تُورُونَ﴾: آتشی را که می‌افروزید.

73- ﴿مَتَٰعٗا لِّلۡمُقۡوِينَ﴾: برای استفاده‌ی مسافران صحراء یا آنهای ‌که به آن نیاز دارند.

75- ﴿فَلَآ أُقۡسِمُ﴾: پس سوگند می‌خورم «لا» زائد و برای تأکید است.

75- ﴿بِمَوَٰقِعِ ٱلنُّجُومِ﴾: به غروب ستارگان یا مدار آنها.

77- ﴿إِنَّهُۥ لَقُرۡءَانٞ كَرِيمٞ٧٧﴾: این کتاب قرآنی است بسیار سودمند یا با ارزش.

78- ﴿كِتَٰبٖ مَّكۡنُونٖ﴾: کتابی است نزد پروردگار در لوح محفوظ نهان و موصون از بدی.

79- ﴿لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلۡمُطَهَّرُونَ٧٩﴾: جز پاکیزگان نمی‌توانند به آن دست زنند صفت دیگر قرآن است.

81- ﴿أَنتُم مُّدۡهِنُونَ﴾: شما اهمیت نمی‌دهید یاتکذیب می‌کنید.

83- ﴿بَلَغَتِ ٱلۡحُلۡقُومَ﴾: هنگام مرگ جان به گلو رسد.

85- ﴿نَحۡنُ أَقۡرَبُ إِلَيۡهِ﴾: ما به علم و قدرت خویش به او نزدیک‌تریم.

86- ﴿غَيۡرَ مَدِينِينَ﴾: مغلوب حکم الهی نبا‌شید.

89- ﴿فَرَوۡحٞ﴾: برای او آسایش یا رحمت است.

89- ﴿رَيۡحَانٞ﴾: رزق نیکو.

93- ﴿فَنُزُلٞ﴾: مهمانی اوست.

93- ﴿حَمِيمٖ﴾: آب جوشان.

94- ﴿تَصۡلِيَةُ جَحِيمٍ﴾: رنج آتش دوزخ را می‌کشد یا به آن انداخته می‌شود.

سورۀ حَدِيد

1- ﴿سَبَّحَ لِلَّهِ﴾: خدا را به پاکی یاد و ستایش کرد.

1- ﴿ٱلۡعَزِيزُ﴾: بر همه چیز توانا و غالب است.

3- ﴿ٱلۡأَوَّلُ﴾: از همه موجودات پیش است.

3- ﴿ٱلۡأٓخِرُ﴾: بعد از نابودی موجودات باقی است.

3- ﴿ٱلظَّٰهِرُ﴾: وجود او با دلایل روشن، آشکار است.

3- ﴿ٱلۡبَاطِنُ﴾: حقیقت ذات او تعالی از عقل و ادراک پنهان است.(**[[6]](#footnote-6)**)

4- ﴿ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِ﴾: استوای‌که شایان کمال او تعالی است.

4- ﴿مَا يَلِجُ﴾: آنچه داخل می‌شود از قبیل باران و غیره.

4- ﴿مَا يَعۡرُجُ فِيهَا﴾: آنچه به سوی آسمان بالا می‌رود از قبیل فرشتگان و اعمال بندگان.

4- ﴿هُوَ مَعَكُمۡ﴾: او از همه چیز اَگاه و با شماست.

6- ﴿يُولِجُ ٱلَّيۡلَ﴾: شب را داخل می‌کند.

10- ﴿قَبۡلِ ٱلۡفَتۡحِ﴾: پیش از فتح مکه یا صلح حدیبیه.

10- ﴿ٱلۡحُسۡنَىٰ﴾: پاداش نیکو، جنت.

11- ﴿قَرۡضًا حَسَنٗا﴾: کار ثوابی را از طیب خاطر انجام بدهد.

13- ﴿ٱنظُرُونَا﴾: منتظر ما بمانید.

13- ﴿نَقۡتَبِسۡ﴾: روشنایی بگیریم.

14- ﴿بِسُورٖ﴾: دیواری بین بهشت و دوزخ، اعراف.

14- ﴿يُنَادُونَهُمۡ﴾: منافقها مسلمانان را صدا می‌کنند.

14- ﴿فَتَنتُمۡ أَنفُسَكُمۡ﴾: با اختیار نفاق خود را نابودکرید.

14- ﴿تَرَبَّصۡتُمۡ﴾: انتظار داشتید به مسلمانان حوادث ناگوار برسد.

14- ﴿غَرَّتۡكُمُ ٱلۡأَمَانِيُّ﴾: آرزو‌های بیهوده شما را فریفت.

14- ﴿ٱلۡغَرُورُ﴾: شیطان و هر فریبنده‌ای.

15- ﴿هِيَ مَوۡلَىٰكُمۡ﴾: دوزخ به شما مناسب است.

16- ﴿أَلَمۡ يَأۡنِ﴾: آیا وقت آن نرسیده. ﴿أَن تَخۡشَعَ﴾: که فروتنی کند.

16- ﴿ٱلۡأَمَدُ﴾: زمان.

20- ﴿تَكَاثُرٞ...﴾: مباهات است به افزونی...

20- ﴿أَعۡجَبَ ٱلۡكُفَّارَ﴾: کشاورزان را به شگفت آورد.

20- ﴿يَهِيجُ﴾: بسیار خشک شود.

20- ﴿يَكُونُ حُطَٰمٗا﴾: بعد از خشک شدن بشکند و ‌پوسیده گردد.

21- ﴿سَابِقُوٓاْ﴾: بشتابید.

22- ﴿نَّبۡرَأَهَآ﴾: این کائنات را خلق نماییم.

23- ﴿لِّكَيۡلَا تَأۡسَوۡاْ﴾: تا حزین و نومید نشوید.

23- ﴿لَا تَفۡرَحُواْ﴾: به غرور و تکبر شادی نکنید.

23- ﴿مُخۡتَالٖ فَخُورٍ﴾: متکبر خودستا را.

25- ﴿ٱلۡمِيزَانَ﴾: عدالت را که به اجرای آن دستور دادیم یا همین ترازوی معروف را.

25- ﴿أَنزَلۡنَا ٱلۡحَدِيدَ﴾: آهن را آفریدیم یا برای مردم مهیا ساختیم.

25- ﴿بَأۡسٞ شَدِيدٞ﴾: نیروی قوی.

27- ﴿قَفَّيۡنَا عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِم﴾: بعد از آنها فرستادیم.

27- ﴿ٱلۡإِنجِيلَ﴾: انجیل را، سپس‌تحریفش نموند.

27- ﴿ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ﴾: کسانی‌که از دین او پیروی کردند.

27- ﴿رَأۡفَةٗ وَرَحۡمَةٗ﴾: نرمی و مهربانی.

27- ﴿رَهۡبَانِيَّةً﴾: زیاده روی در عبادت.

27- ﴿مَا كَتَبۡنَٰهَا عَلَيۡهِمۡ﴾: ما این رهبانیت را برآنها فرض نکرده بودیم بلکه آنها از پیش خود ساختند.

27- ﴿فَمَا رَعَوۡهَا﴾: آن را رعایت نکردند، بلکه جانشین‌های ایشان آن گم و به دین عیسی انکار کردند.

28- ﴿يُؤۡتِكُمۡ كِفۡلَيۡنِ﴾: به شما دو اجر می‌دهد.

29- ﴿لِّئَلَّا يَعۡلَمَ﴾: تا بداند «لا» زاید است.

سورۀ مُجَادَلَه

1- ﴿تُجَٰدِلُكَ﴾: با تو گفتگو می‌کرد و سخن را تکرار می‌نمود.

1- ﴿تَحَاوُرَكُمَآ﴾: گفتگوی شما را.

2- ﴿يُظَٰهِرُون﴾: همسر خود را مانند مادر خود تحریم می‌کنند.

2- ﴿مُنكَرٗا مِّنَ ٱلۡقَوۡلِ﴾: سخن زشت که شایسته شرع و عقل نباشد.

2- ﴿زُورٗا﴾: دروغ، بیهوده و منحرف از حق.

3- ﴿يَتَمَآسَّا﴾: به مقاربت یا انگیزه آن از هم لذت ببرند.

5- ﴿يُحَآدُّونَ﴾: مخالفت و دشمنی می‌کنند.

5- ﴿كُبِتُواْ﴾: خوار یا نابود یا لعنت می‌شوند.

6- ﴿أَحۡصَىٰهُ ٱللَّهُ﴾: خدا از آن کاملاً اَگاه است.

7- ﴿نَّجۡوَىٰ ثَلَٰثَةٍ﴾: سه نفر با هم زار نهانی بگویند.

7- ﴿هُوَ رَابِعُهُمۡ﴾: خدا چهارم آنها و از نجوای آنها آگاه است.

7- ﴿هُوَ مَعَهُم﴾: خدا با آنها و از همه چیز آگاه است.

8- ﴿لَوۡلَا يُعَذِّبُنَا﴾: چرا ما را عذاب نمی‌کند.

8- ﴿حَسۡبُهُمۡ جَهَنَّمُ﴾: برای تعذیب و شکنجه آنان جهنم کافی است.

8- ﴿يَصۡلَوۡنَهَا﴾: به دوزخ داخل می‌شوند یا سختی آن را می‌کشند.

10- ﴿إِنَّمَا ٱلنَّجۡوَىٰ﴾: بدون شک نجوای كه نهی شده.

10- ﴿لِيَحۡزُنَ﴾: تا اندهگين كند.

11- ﴿تَفَسَّحُواْ فِي ٱلۡمَجَٰلِسِ﴾: در مجالس جای را بر دیگران فراخ کنید و پیوست با هم ننشنید.

11- ‌﴿ٱنشُزُواْ﴾: بخاطر فراخ شدن مجلس یا عبادت یا کار خیر دیگر برخیزید.

13- ﴿ءَأَشۡفَقۡتُمۡ﴾: آیا از فقر ترسیدید.

13- ﴿تَابَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمۡ﴾: با نسخ حکم آن بر شما آسان کرد.

14- ﴿إِلَى ٱلَّذِينَ﴾: منافقانی را که.

14- ﴿تَوَلَّوۡاْ قَوۡمًا﴾: با یهود دوستی کردند.

14- ﴿غَضِبَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِم﴾: خدا بر یهود غضب کرده است.

16- ﴿جُنَّةٗ﴾: به جان و مال خود سپر قرار دادند.

17- ﴿لَّن تُغۡنِيَ...﴾: هرگز دفاع نمی‌کند...

19- ﴿ٱسۡتَحۡوَذَ عَلَيۡهِمُ﴾: بر عقل آنها غلبه یافته است.

20- ﴿يُحَآدُّونَ﴾: مخالفت و دشمنی می‌کنند.

20- ﴿فِي ٱلۡأَذَلِّينَ﴾: در میان ذلیل‌ترین مردمانند.

21- ﴿عَزِيزٞ﴾: همواره بر دشمنانش پیروز و شکست ناپذیر است.

22- ﴿بِرُوحٖ مِّنۡهُ﴾: به نوری‌که بر دل آنها می‌افکند یا به قرآن.

سورۀ حَشْر‏

1- ﴿سَبَّحَ لِلَّهِ﴾: خدا را پاک ومنزه می‌داند و ستایش می‌کند.

2- ﴿ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ﴾: یهود بنی‌نضیر را در نزدیک مدینه.

2- ﴿لِأَوَّلِ ٱلۡحَشۡرِ﴾: در اولین اخراج و تبعید به شام.

2- ﴿فَأَتَىٰهُمُ ٱللَّهُ﴾: امر و عذاب خدا برآنها آمد.

2- ﴿لَمۡ يَحۡتَسِبُواْ﴾: گمان نمی‌کردند و به ذهن آنها هم خطور نمی‌کرد.

2- ﴿قَذَف﴾: افکند.

3- ﴿ٱلۡجَلَآءَ﴾: با زن و فرزندان از وطن بیرون شدن.

4- ﴿شَآقُّواْ﴾: دشمنی و نافرمانی کردند.

5- ﴿مِّن لِّينَةٍ﴾: درخت خرما یا درخت شایسته خرما را.

5- ﴿عَلَىٰٓ أُصُولِهَا﴾: بر ساقه‌اش.

6- ﴿مَآ أَفَآءَ ٱللَّهُ﴾: آنچه خدا عاید گردانید.

6- ﴿فَمَآ أَوۡجَفۡتُمۡ عَلَيۡهِ﴾: بخاطر بدست آوردن آن نتاختید.

6- ﴿رِكَابٖ﴾: آنچه سوار شوند خصوصاً شتر.

7- ﴿دُولَةَۢ بَيۡنَ ٱلۡأَغۡنِيَآءِ﴾: این اموال تنها در میان توانگران دست بدست نگردد.

9- ﴿تَبَوَّءُو ٱلدَّارَ وَٱلۡإِيمَٰنَ﴾: مدینه را وطن خود قرار دادند و به خلوص نیت ایمان آوردند.

9- ﴿حَاجَةٗ﴾: سوزش دل و حسد.

9- ﴿خَصَاصَةٞ﴾: فقر و احتیاج.

9- ﴿مَن يُوقَ﴾: کسی‌که دور نگاه ‌داشته شود.

9- ﴿شُحَّ نَفۡسِهِ﴾: از بخل و حرص خویش.

10- ﴿غِلّٗا﴾: هیچ حقد، کینه و خیانتی.

14- ﴿بَأۡسُهُم بَيۡنَهُمۡ شَدِيدٞ﴾: جنگ آنها در میان خودشان سخت‌تر است.

14- ﴿قُلُوبُهُمۡ شَتَّىٰ﴾ : بین خود اختلاف دارند و دلهاشان پراکنده است.

15- ﴿وَبَالَ أَمۡرِهِمۡ﴾: عاقبت بد کفر خود را.

19- ﴿نَسُواْ ٱللَّهَ﴾: اوامر و نواهی خدا را مراعات نکردند.

19- ﴿فَأَنسَىٰهُمۡ أَنفُسَهُمۡ﴾: پس خدا هم خود آنها را از یاد خودشان برد، کار خیری به نفع آخرت خود انجام ندادند.

21- ﴿خَٰشِعٗا﴾: فروتن و فرمان‌بردار.

21- ﴿مُّتَصَدِّعٗا﴾: پاره پاره.

23- ﴿ٱلۡمَلِكُ﴾: مالک و متصرف تمام اشیاء.

23- ﴿ٱلۡقُدُّوسُ﴾: دور ازهمه نقصها و در کمال پاکیزگی است.

23- ﴿ٱلسَّلَٰمُ﴾: سالم از عیب و نقص.

23- ﴿ٱلۡمُؤۡمِنُ﴾: پیامبران خود را با معجزه تأیید و تصدیق می‌کند.

23- ﴿ٱلۡمُهَيۡمِنُ﴾: حافظ و مراقب تمام اشیاء.

23- ﴿ٱلۡعَزِيزُ﴾: قوی و غالب.

23- ﴿ٱلۡجَبَّارُ﴾: قهار یا بلند مرتبه.

23- ﴿ٱلۡمُتَكَبِّرُ﴾: کبریا و با جاه و جلال.

24- ﴿ٱلۡبَارِئُ﴾: ایجاد کننده.

24- ﴿ٱلۡمُصَوِّرُ﴾: خالق صورت‌ها به هر شکل که بخواهد.

24- ﴿ٱلۡأَسۡمَآءُ ٱلۡحُسۡنَىٰ﴾: نام‌های نیکو با معانی نیکو.

سورۀ مُمْتَحِنَه

1- ﴿أَوۡلِيَآءَ﴾: یاورانی‌که با آنها دوستی و خیر خواهی می‌کنید.

1- ﴿أَن تُؤۡمِنُواْ﴾: بخاطر‌ ایمانتان یا نفرتی‌که از دین شما داشتند.

2- ﴿يَثۡقَفُوكُمۡ﴾: به شما دست یابند یا با شما روبرو شوند.

2- ﴿يَبۡسُطُوٓاْ إِلَيۡكُمۡ﴾: به‌سوی شما بکشایند.

4- ﴿أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ﴾: سرمشق خوبی در اظهار بیزاری از گمرا‌هان.

4- ﴿إِنَّا بُرَءَٰٓؤُاْ مِنكُمۡ﴾: ما از شما بیزاریم.

4- ﴿إلَيۡكَ أَنَبۡنَا﴾: توبه‌کنان به درگاه تو رجوع کردیم.

5- ﴿لَا تَجۡعَلۡنَا فِتۡنَةٗ﴾: ما را به دست کافران عذاب نکن.

8- ﴿تَبَرُّوهُمۡ﴾: به آنها احسان و احترام نمایید.

8- ﴿وَتُقۡسِطُوٓاْ إِلَيۡهِمۡ﴾: با آنها به عدل و انصاف رفتار کنید.

9- ﴿ظَٰهَرُواْ﴾: با کسانی‌که با شما پیکار و اخراجتان نمودند، همکاری کردند.

9- ﴿أَن تَوَلَّوۡهُمۡ﴾: که با آنها طرح دوستی بریزید.

10- ﴿فَٱمۡتَحِنُوهُنَّ﴾: آنها را آزمایش نمایید، این حالت در صلح حدیبیه بود.

10- ﴿أُجُورَهُنَّ﴾: مهر آنها را.

10- ﴿بِعِصَمِ ٱلۡكَوَافِرِ﴾: به عقد نکاح زنان مشترک.

11- ﴿فَاتَكُمۡ شَيۡءٞ﴾: یکی مرتد شد و گریخت.

11- ﴿فَعَاقَبۡتُمۡ﴾: با آنها پیکار کردید و غنیمت گرفتید.

12- ﴿بِبُهۡتَٰنٖ﴾: نسبت کودکان یافت شده به شوهر.

12- ﴿يَفۡتَرِينَهُ﴾: او را به دروغ می‌سازند.

13- ﴿لَا تَتَوَلَّوۡاْ﴾: دوست نگیرید.

13- ﴿قَوۡمًا﴾: یهود را یا عامه کفار را.

سورۀ صَف

1- ﴿سَبَّحَ لِلَّهِ...﴾: خدا را به پاکی و بزرگی می‌ستاید و فروتنی می‌کند.

3- ﴿كَبُرَ مَقۡتًا﴾: بسیار خشم آور است.

4- ﴿صَفّٗا﴾: خود صف بسته‌اند یا به صف ایستاد کرده شده‌اند.

4- ﴿بُنۡيَٰنٞ مَّرۡصُوصٞ﴾: عمارتی مستحکم و به هم پیوسته.

5- ﴿زَاغُوٓاْ﴾: به اختیار خود از حق منحرف شدند.

5- ﴿أَزَاغَ ٱللَّهُ قُلُوبَهُمۡ﴾: خدا توفیق‌شان نداد که به راه حق بروند.

8- ﴿نُورَ ٱللَّهِ﴾: حقیقتی را که پیامبر آورده است.

13- ﴿أُخۡرَىٰ﴾: نعمت دیگری هم نصیب شماست.

14- ﴿لِلۡحَوَارِيِّ‍ۧن﴾: خاصان عیسی ÷.

14- ﴿فَأَيَّدۡنَا﴾: مؤمنان را قوت و نیرو دادیم.

14- ﴿ظَٰهِرِينَ﴾: با دلایل آشکار پیروزی یافتند.

سورۀ جُمُعَه

1- ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ﴾: خدا را به پاکی می‌ستاید.

1- ﴿ٱلۡمَلِكِ﴾: مالک تمام اشیاء.

1- ﴿ٱلۡقُدُّوسِ﴾: از همه عیبها پاک است.

1- ﴿ٱلۡعَزِيزِ﴾: قادر، غالب و تواناست.

2- ﴿ٱلۡأُمِّيِّ‍ۧنَ﴾: عرب معاصر پیامبر.

2- ﴿يُزَكِّيهِمۡ﴾: آنها را از آلودگی‌های جاهلیت پاک می‌کند.

3- ﴿ءَاخَرِينَ مِنۡهُمۡ﴾: بر گروه دیگری از عرب.

3- ﴿لَمَّا يَلۡحَقُواْ بِهِمۡ﴾: هنوز به آنها نپیوسته‌اند و به زودی خواهند پیوست.

5- ﴿حُمِّلُواْ ٱلتَّوۡرَىٰةَ﴾: مکلف شدند که به تورات عمل نمایند، یهود.

5- ﴿يَحۡمِلُ أَسۡفَارَۢا﴾: کتابهای بزرگ را بر می‌دارد و از آنها بهره نمی‌گیرد.

6- ﴿هَادُوٓاْ﴾: یهودیت را پذیرفته‌اید.

9- ﴿ذَرُواْ ٱلۡبَيۡعَ﴾: خرید و فروش را رها کنید.

10- ﴿فَٱنتَشِرُواْ﴾: برای بدست آوردن نیازمندی‌های خود پراکنده شوید.

11- ﴿ٱنفَضُّوٓاْ إِلَيۡهَا﴾: از نزد تو پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند.

سورۀ مُنَافِقُون

2- ﴿جُنَّةٗ﴾: سپری برای حفظ جان و مال خود.

3- ﴿امَنُواْ﴾: تنها به زبان ایمان آوردند.

4- ﴿فَطُبِعَ﴾: بخاطر کفرشان مهر نهاده شد.

5- ﴿لَا يَفۡقَهُونَ﴾: حقیقت ایمان را نمی‌دانند.

4- ﴿خُشُبٞ مُّسَنَّدَةٞ﴾: چوب تکیه داده بر دیوارند، اجسام بی‌خردند.

4- ﴿هُمُ ٱلۡعَدُوُّ﴾: دشمنانی سرسختند.

4- ﴿أَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ﴾: چگونه از راه حق منحرف می‌شوند؟

5- ﴿لَوَّوۡاْ رُءُوسَهُمۡ﴾: به استهزاء و تمسخر روی خود را می‌گردانند.

7- ﴿حَتَّىٰ يَنفَضُّواْ﴾: تا از کنار پیامبر پراکنده شوند.

8- ﴿رَّجَعۡنَآ﴾: از غزوه بنی‌مصطلق برگشتیم.

8- ﴿لَيُخۡرِجَنَّ ٱلۡأَعَزُّ﴾: قویترها [خود آنها] بیرون می‌کنند.

8- ﴿ٱلۡأَذَلَّ﴾: ضعیف‌ترها [رسول خدا] را.

8- ﴿لِلَّهِ ٱلۡعِزَّةُ﴾: غلبه و قهر خاصه خداست.

9- ﴿لَا تُلۡهِكُمۡ﴾: شما را مشغول نگرداند.

9- ﴿عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ﴾: از طاعت و عبادت خدا.

10- ﴿لَوۡلَآ أَخَّرۡتَنِيٓ﴾: چرا مهلتم ندادی و مرگم را به تأخیر نینداختی.

سورۀ تَغَابُن

1- ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ...﴾: خدا را به پاکی می‌ستاید و ثنا می‌گوید...

1- ﴿لَهُ ٱلۡمُلۡكُ﴾: در همه امور اختیارکامل دارد.

3- ﴿بِٱلۡحَقِّ﴾: به حکمت بالغه.

3- ﴿فَأَحۡسَنَ صُوَرَكُمۡ﴾: صورت‌های شما را نیکو ساخت.

5- ﴿وَبَالَ أَمۡرِهِمۡ﴾: سرانجام بد کفر خود را در دنیا.

6- ﴿تَوَلَّواْ﴾: از ایمان به پیامبران سرپیچی کردند.

8- ﴿وَٱلنُّورِ﴾: به قرآن.

9- ﴿لِيَوۡمِ ٱلۡجَمۡعِ﴾: در قیامت که خلایق برای حساب و جزاء جمع می‌شوند.

9- ﴿يَوۡمُ ٱلتَّغَابُنِ﴾: روزی‌که زیان کافر به ترک ایمان و غفلت مسلمان به کوتاهی از احسان آشکار گردد.

11- ﴿بِإِذۡنِ ٱللَّهِ﴾: به اراده، قضاء و قدر او.

11- ﴿يَهۡدِ قَلۡبَهُ﴾: خدا دلش را به یقین، صبر و تسلم هدایت می‌کند.

15- ﴿فِتۡنَةٞ﴾: بلاء، محنت و آزمون است.

16- ﴿يُوقَ شُحَّ نَفۡسِهِ﴾: از بخل شدید و حرص خویشتن دور بماند.

17- ﴿قَرۡضًا حَسَنٗا﴾: اعمال را به اخلاص، طيب خاطر و اميد ثواب انجام دهيد.

سورۀ طلاق

1- ﴿فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ﴾: زنها را در زمان پاکی‌که در آن مقاربت نشده باشد طلاق دهید.

1- ﴿أَحۡصُواْ ٱلۡعِدَّةَ﴾: عده را شمار و سه حیض یا سه پاکی را کامل نمایید.

1- ﴿بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖ﴾: گناه کبیره آشکار.

2- ﴿بَلَغۡنَ أَجَلَهُنَّ﴾: زنان طلاق شده به پایان عده خود نزدیک شوند.

2- ﴿مَخۡرَجٗا﴾: راه نجات از تمام سختی‌ها و بلاها.

3- ﴿لَا يَحۡتَسِبُ﴾: به ذهنش خطور نمی‌کند.

3- ﴿فَهُوَ حَسۡبُهُ﴾: خدا در همه امور به او بس است.

3- ﴿قَدۡرٗا﴾: وقت معین یا تقدیر ازلی.

4- ﴿يَئِسۡنَ﴾: زنانی‌که امید بچه دار شدن ندارد.

4- ﴿وَٱلَّٰٓـِٔي لَمۡ يَحِضۡنَ﴾: عده زنان نابالغ سه ماه است.

4- ﴿يُسۡرٗا﴾: آسانی را.

6- ﴿وُجۡدِكُمۡ﴾: وسع و توان خود.

6- ﴿وَأۡتَمِرُواْ بَيۡنَكُم﴾: در باره شیر دادن و اجرت آن با هم مشوره نمایید.

6- ﴿تَعَاسَرۡتُمۡ﴾: در باره شیر دادن و اجرت آن مضایقه کردید.

7- ﴿ذُو سَعَةٖ﴾: غنی و توانگری.

7- ﴿قُدِرَ عَلَيۡهِ﴾: فقیر و تنگدست.

8- ﴿كَأَيِّن مِّن قَرۡيَةٍ﴾: بسیاری از اهالی قریه‌ای.

8- ﴿عَتَتۡ﴾: سر‌کشی کرد.

8- ﴿عَذَابٗا نُّكۡرٗا﴾: عذاب زشت درآخرت.

9- ﴿وَبَالَ أَمۡرِهَا﴾: عاقبت بد نافرمانی خود را.

9- ﴿خُسۡرًا﴾: خسران و هلاکت.

10- ﴿ذِكۡرٗا﴾: قرآن را.

11- ﴿رَّسُولٗا﴾: پیامبری یا جبریل را فرستاده است.

12- ﴿يَتَنَزَّلُ ٱلۡأَمۡرُ﴾: قضا و قدر یا تدییر او تعالی جریان دارد.

سورۀ تَحْرِيم

1- ﴿مَآ أَحَلَّ ٱللَّهُ لَكَ﴾: خدا نوشیدن عسل را برای تو حلال کرده است.

1- ﴿تَبۡتَغِي﴾: طلب می‌کنی.

2- ﴿تَحِلَّةَ أَيۡمَٰنِكُمۡ﴾: کشودن قسمهای شما را با کفاره.

2- ﴿ٱللَّهُ مَوۡلَىٰكُمۡ﴾: خدا ناصر و متولی امور شماست.

3- ﴿نَبَّأَتۡ بِهِ﴾: این راز را به دیگری خبرداد.

3- ﴿أَظۡهَرَهُ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ﴾: خدا پیامبر را از افشا شدن این راز آگاه ساخت.

4- ﴿صَغَتۡ قُلُوبُكُمَاۖ﴾: دل‌های شما از حق پيامبركه بر شماست منحرف شده است.

4- ﴿إِن تَظَٰهَرَا عَلَيۡهِ﴾: اگر شما به رنجاندن و اندوهگين ساختن او ج همدست شويد.

4- ﴿هُوَ مَوۡلَىٰهُ﴾: خدا یار و یاور اوست.

4- ﴿ظَهِيرٌ﴾: پشتیبان او می‌باشند.

5- ﴿قَٰنِتَٰتٖ﴾: مطيع و فرمانبردار خدا.

5- ﴿سَٰٓئِحَٰتٖ﴾: هجرت كنندگان يا روزه داران.

6- ﴿قُوٓاْ أَنفُسَكُم﴾: خود را با طاعت و عبادت دور نگاه‌دارید.

6- ﴿غِلَاظٞ شِدَادٞ﴾: نگاهبانان دوزخ قوی و سنگدل هستند.

8- ﴿تَوۡبَةٗ نَّصُوحًا﴾: توبه خالصانه یا صادقانه یا مقبول.

8- ﴿لَا يُخۡزِي ٱللَّهُ ٱلنَّبِيَّ﴾: خدا پیامبر خود را خوار نمی‌کند بلکه عزت او را می‌افزاید.

9- ﴿ٱغۡلُظۡ عَلَيۡهِمۡ﴾: بر آنها سخت بگیر یا در برابر ایشان سنگدل باش.

10- ﴿فَخَانَتَاهُمَا﴾: به منافقت یا به نمامی به آن دو خیانت کردند.

10- ﴿فَلَمۡ يُغۡنِيَا عَنۡهُمَا﴾: از آن دو دفاع نکردند.

12- ﴿أَحۡصَنَتۡ فَرۡجَهَا﴾: دامان خود را از مردان دور نگاه‌داشت.

12- ﴿مِن رُّوحِنَا﴾: از روحی‌که مخلوق ماست بدون واسطه پدر، عیسی ÷.

12- ﴿مِنَ ٱلۡقَٰنِتِينَ﴾: از بندگان مطیع و فرمانبردار خدا.

سورۀ مُلْک

1- ﴿تَبَٰرَكَ ٱلَّذِي﴾: بلند و با عظمت یا خیرش فراوان است ذاتی‌که.

1- ﴿بِيَدِهِ ٱلۡمُلۡكُ﴾: امر و نهی و فرمانروایی از آن اوست.

2- ﴿خَلَقَ ٱلۡمَوۡتَ﴾: مرگ را آفریده یا از ازل مقدر کرده است.

2- ﴿لِيَبۡلُوَكُمۡ﴾: تا شما را بیازماید.

2- ﴿أَحۡسَنُ عَمَلٗا﴾: نیکو کارتر و مخلصتر یا فرمانبرتر است.

3- ﴿طِبَاقٗا﴾: هر آسمان بر فراز دیگری است.

3- ﴿تَفَٰوُتٖ﴾: اختلاف و عدم تناسب.

3- ﴿فُطُورٖ﴾: شکاف‌ها یا خلل و نابسامانی.

4- ﴿كَرَّتَيۡنِ﴾: دوباره.

4- ﴿خَاسِئٗا﴾: خوار و ذلیل از نیافتن خلل و نابسامانی.

4- ﴿هُوَ حَسِيرٞ﴾: او از کثرت مراجعت خسته و مانده است.

5- ﴿بِمَصَٰبِيحَ﴾: به ستاره‌های درخشان.

5- ﴿رُجُومٗا لِّلشَّيَٰطِينِ﴾: وسیله طرد شیاطین با پرتاب شهاب‌ از ستارگان بر آنها.

7- ﴿شَهِيقٗا﴾: آواز زشت مانند آواز خر.

7- ﴿تَفُورُ﴾: آنها را می‌جوشاند.

8- ﴿تَكَادُ تَمَيَّزُ﴾: نزدیک است بترکد و از هم بپاشد.

8- ﴿فَوۡجٞ﴾: جماعتی از کفار.

11- ﴿فَسُحۡقٗا﴾: از رحمت و بخشش دور باد.

15- ﴿ٱلۡأَرۡضَ ذَلُولٗا﴾: زمین را رام، نرم و هموار کرد که در آن قرار ‌گیرید.

15- ﴿مَنَاكِبِهَا﴾: نواحی آن یا راه‌ها و گزرگاه‌های آن.

15- ﴿إِلَيۡهِ ٱلنُّشُور﴾: از قبرها برانگیخته می‌شوید و پیش او می‌روید.

16- ﴿مَّن فِي ٱلسَّمَآءِ﴾: کسی‌که فرمان‌روای آسمان‌هاست.

16- ﴿يَخۡسِفَ بِكُمُ﴾: شما را فرو برد.

16- ﴿هِيَ تَمُورُ﴾: زمین لرزه کند.

17- ﴿حَاصِبٗا﴾: بادی از سوی آسمان که در آن سنگریزه‌ است.

17- ﴿كَيۡفَ نَذِيرِ﴾: تهدید، هشدار و توانایی من در فرستادن عذاب چگونه است.

18- ﴿كَانَ نَكِيرِ﴾: هلاک ساختن من چگونه بود.

19- ﴿صَٰٓفَّٰتٖ وَيَقۡبِضۡنَ﴾: هنگام پرواز بال‌های خود را می‌گشایند و جمع می‌کنند.

20- ﴿أَمَّنۡ هَٰذَا﴾: آیا این کیست؟

20- ﴿جُندٞ لَّكُمۡ﴾: یار و یاور و پنا‌گاه شماست.

20- ﴿غُرُورٍ﴾: گرفتار فریب شیطان و لشکر او هستند.

21- ﴿لَّجُّواْ فِي عُتُوّٖ﴾: در سرکشی و ستیز ادامه دادند.

21- ﴿نُفُورٍ﴾: فرار و دوری از حق.

22- ﴿مُكِبًّا عَلَىٰ وَجۡهِهِ﴾: به روی افتاده که از لغزش‌ در امان نیست.

22- ﴿يَمۡشِي سَوِيًّا﴾: ایستاده راه می‌رود و نمی‌افتد، مَثَل است برای مشرکین و یکتا پرستان.

24- ﴿ذَرَأَكُمۡ﴾: شما را آفرید و پخش کرد.

27- ﴿رَأَوۡهُ زُلۡفَةٗ﴾: عذاب را نزدیک خود ببینند.

27- ﴿سِيٓ‍َٔتۡ﴾: از ذلت و اندوه‌ سیاه می‌شود.

27- ﴿بِهِۦ تَدَّعُونَ﴾: به تمسخر تقاضا داشتید، هر چه زودتر بیاید.

28- ﴿أَرَءَيۡتُمۡ﴾: به من خبر دهید.

28- ﴿يُجِيرُ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾: کافر‌ها را نجات یا پناه می‌دهد.

30- ﴿غَوۡرٗا﴾: در زمین فرورود و دست رسی به آن ممکن نباشد.

30- ﴿بِمَآءٖ مَّعِينِۢ﴾: آب روان که به سهولت بدست بیاید.

سورۀ قلم

1- ﴿وَٱلۡقَلَم﴾: قسم به قلم.

1- ﴿مَا يَسۡطُرُونَ﴾: قسم به آنچه می‌نویسند.

2- ﴿مَآ أَنتَ﴾: ای محمد تو نیستی، جواب قسم.

3- ﴿غَيۡرَ مَمۡنُونٖ﴾: دایمی.

6- ﴿بِأَييِّكُمُ ٱلۡمَفۡتُونُ٦﴾: کدام یک از شما دیوانه است.

9- ﴿وَدُّواْ لَوۡ تُدۡهِنُ﴾: دوست دارند که با ایشان نرمی و مدارا کنی.

9- ﴿فَيُدۡهِنُونَ﴾: آنها نیز با تو نرمی‌ و مدارا کنند.

10- ﴿حَلَّافٖ﴾: حق و ناحق قسم می‌خورد.

10- ﴿مَّهِينٍ﴾: پست و بی‌تمییز یا دروغ گو.

11- ﴿هَمَّازٖ﴾: عیبجو یا غیبتگر.

11- ﴿مَّشَّآءِۢ بِنَمِيمٖ﴾: برای سخن چینی و فتنه انگیزی بین مردم رفت و آمد دارد.

13- ﴿عُتُلِّۢ﴾: بدخلق و فرومایه یا خشن و بدرفتار.

13- ﴿زَنِيمٍ﴾: حرامزاده، بی‌اصل و نسب یا بدکار.

15- ﴿أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: چیزهای باطل‌که نوشته‌اند.

16- ﴿سَنَسِمُهُۥ عَلَى ٱلۡخُرۡطُومِ١٦﴾: او را گرفتار ننگ دايمی سازيم، مانند داغ بر بينی.

17- ﴿بَلَوۡنَٰهُمۡ﴾: اهل مکه را به قحطی آزمودیم.

17- ﴿ٱلۡجَنَّةِ﴾: باغی بود نزدیک صنعاء.

17- ﴿لَيَصۡرِمُنَّهَا﴾: میوه‌های رسیده باغ را بچینند.

17- ﴿مُصۡبِحِينَ﴾: صبحگاهان.

18- ﴿لَا يَسۡتَثۡنُونَ﴾: برخلاف پدر خود حصه نیازمندان را جدا نکنند.

19- ﴿فَطَافَ عَلَيۡهَا طَآئِفٞ﴾: آتشی در آن باغ افتاد.

20- ﴿كَٱلصَّرِيمِ﴾: مانند خاکستر سیاه و شب تاریک.

21- ﴿فَتَنَادَوۡاْ مُصۡبِحِينَ٢١﴾: هنگام صبح یکدیگر را صدا کردند.

22- ﴿ٱغۡدُواْ عَلَىٰ حَرۡثِكُمۡ﴾: صبح هنگام به سوی کشتزار حرکت کنید.

22- ﴿صَٰرِمِينَ﴾: قصد چیدن میوه‌ها را دارید.

23- ﴿يَتَخَٰفَتُونَ﴾: آهسته به یکدیگر می‌گفتند.

25- ﴿غَدَوۡاْ﴾: صبح هنگام به سوی کشتزار خود رفتند.

25- ﴿عَلَىٰ حَرۡدٖ﴾: به تنهایی و بدون مساکین.

25- ﴿قَٰدِرِينَ﴾: می‌توانند میوه‌ها را بچینند.

26- ﴿إِنَّا لَضَآلُّونَ﴾: ما راه گم کرده‌ایم این باغ ما نیست.

28- ﴿أَوۡسَطُهُمۡ﴾: عاقلتر و با اندیشه‌تر آنها.

28- ﴿لَوۡلَا تُسَبِّحُونَ﴾: چرا از این کار و خبث نیت خود از خدا آمرزش نمی‌خواهید.

30- ﴿يَتَلَٰوَمُونَ﴾: یکدیگر را ملامت می‌کردند.

32- ﴿إِلَىٰ رَبِّنَا رَٰغِبُونَ﴾: از خدای خود خیر و عفو می‌خواهیم.

38- ﴿لَمَا تَخَيَّرُونَ﴾: هر چه را شما انتخاب می‌کنید و مشتاق آن هستید.

39- ﴿لَكُمۡ أَيۡمَٰنٌ عَلَيۡنَا﴾: با ما پیمان‌های مؤکد به سوگند بسته‌اید.

39- ﴿لَمَا تَحۡكُمُونَ﴾: هر چه به نفع خود حکم کنید.

42- ﴿يُكۡشَفُ عَن سَاقٖ﴾: کنایه از شدت هول و وحشت قیامت است.[[7]](#footnote-7)

43- ﴿خَٰشِعَةً أَبۡصَٰرُهُمۡ﴾: چشمانشان به زیر افتاده است.

43- ﴿تَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞ﴾: ذلت و ندامت وجود آنها را فراگیرد.

44- ﴿فَذَرۡنِي﴾: به من بگذار، تهدید شدید است.

44- ﴿سَنَسۡتَدۡرِجُهُم﴾: آنها را زمان می‌دهیم و یکباره گرفتارشان نمی‌کنیم.

45- ﴿أُمۡلِي لَهُمۡ﴾: به آنها مهلت می‌دهم.

46- ﴿مَّغۡرَمٖ﴾: غرامت آن مزد.

46- ﴿مُّثۡقَلُونَ﴾: سنگین بارند.

48- ﴿كَصَاحِبِ ٱلۡحُوتِ﴾: مانند صاحب ماهی، یونس ÷.

48- ﴿مَكۡظُومٞ﴾: از نافرمانی قوم خود دل پر از خشم و اندوه داشت.

49- ﴿لَنُبِذَ بِٱلۡعَرَآءِ﴾: از شکم ماهی به صحرای خالی و مهلک افکنده می‌شد.

50- ﴿فَٱجۡتَبَٰهُ رَبُّهُ﴾: پروردگارش او را برگزید و دو باره به او وحی فرستاد.

51- ﴿لَيُزۡلِقُونَكَ﴾: پایت را بلغزانند و چشم زخمت بزنند.

سورۀ حَاقَّه

1- ﴿ٱلۡحَآقَّةُ١﴾: قیامت، هر چه را انکار کرده‌اند در آن روز تحقق یابد.

2- ﴿مَا ٱلۡحَآقَّةُ٢﴾: قیامت و صحنه‌های هول انگیزش چیست.

4- ﴿بِٱلۡقَارِعَةِ٤﴾: به قیامت که هول و هراسش دلها را می‌کوبد.

5- ﴿بِٱلطَّاغِيَةِ﴾: به آواز بسیار شدید.

6- ﴿بِرِيحٖ صَرۡصَرٍ﴾: به باد سوزان یا سرد یا آواز شدید.

6- ﴿عَاتِيَةٖ﴾: طوفان شدید.

7- ﴿سَخَّرَهَا عَلَيۡهِمۡ﴾: آفریدگار باد را بر آنها مسلط کرد.

7- ﴿حُسُومٗا﴾: پی‌درپی یا شوم.

7- ﴿أَعۡجَازُ نَخۡلٍ﴾: تنه درخت خرما.

7- ﴿خَاوِيَةٖ﴾: بر زمین افتاده یا پوسیده.

9- ﴿وَٱلۡمُؤۡتَفِكَٰتُ﴾: اهالی قریه‌های قوم لوط.

9- ﴿بِٱلۡخَاطِئَةِ﴾: خطای بزرگ.

10- ﴿أَخۡذَةٗ رَّابِيَةً﴾: شدیدتر از عذاب‌های دیگر.

11- ﴿ٱلۡجَارِيَةِ﴾: کشتی نوح.

12- ﴿تَذۡكِرَةٗ﴾: پند و عبرت.

12- ﴿تَعِيَهَآ﴾: او را به خاطر بسپارد.

13- ﴿نَفۡخَةٞ وَٰحِدَةٞ﴾: یک نفخه، نفخه اول برای تخریب عالم.

14- ﴿حُمِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ﴾: زمین به دستور ما از جایش برداشته شود.

14- ﴿فَدُكَّتَا﴾: کوبیده یا هموار شوند.

15- ﴿وَقَعَتِ ٱلۡوَاقِعَة﴾: قیامت قایم ‌شود.

16- ﴿ٱنشَقَّتِ ٱلسَّمَآءُ﴾: آسمان از ترس پاره و پراکنده گردد.

16- ﴿وَاهِيَةٞ﴾: بعد از آن همه استحکام شکسته و ویران است.

17- ﴿عَلَىٰٓ أَرۡجَآئِهَا﴾: کناره‌ها و اطراف آسمان.

18- ﴿يَوۡمَئِذٖ تُعۡرَضُونَ﴾: بعد از نفخۀ دوم برای حساب و جزا پيش خدا می‌آيند.

19- ﴿هَآؤُمُ﴾: بگیرید یا بیایید.

19- ﴿كِتَٰبِيَهۡ﴾: نامه اعمال مرا.

21- ﴿رَّاضِيَةٖ﴾: پسندیده.

23- ﴿قُطُوفُهَا دَانِيَةٞ٢٣﴾: میوه‌های آن در دسترس است.

24- ﴿هَنِيٓ‍َٔۢا﴾: گوارا.

27- ﴿كَانَتِ ٱلۡقَاضِيَةَ﴾: مرگ پایان کارم بود، زنده نمی‌شدم.

28- ﴿مَآ أَغۡنَىٰ عَنِّي﴾: عذاب را از من دفع نکرد.

28- ﴿مَالِيَهۡ﴾: آنچه داشتم، مال و مانند آن.

29- ﴿سُلۡطَٰنِيَهۡ﴾: حجت یا سلطه و قدرت من.

30- ﴿فَغُلُّوهُ﴾: دست و گردنش را با زنجیر ببندید.

31- ﴿ٱلۡجَحِيمَ صَلُّوهُ﴾: او را در جهنم بیفکنید یا بسوزانید.

32- ﴿فَٱسۡلُكُوهُ﴾: داخلش نمایید.

34- ﴿لَا يَحُضُّ﴾: تشویق نمی‌کرد.

35- ﴿حَمِيمٞ﴾: خویشاوند مهربان ‌که از او دفاع کند.

36- ﴿غِسۡلِينٖ﴾: ریم اهل دوزخ.

37- ﴿ٱلۡخَٰطِ‍ُٔونَ﴾: کافرها.

38- ﴿فَلَآ أُقۡسِمُ﴾: قسم می‌خورم و «لا» زاید است.

40- ﴿إِنَّهُۥ لَقَوۡلُ رَسُولٖ كَرِيمٖ٤٠﴾: این قرآن را خدا به رسول کریم وحی کرده و او به مردم می‌رساند.

44- ﴿لَوۡ تَقَوَّلَ عَلَيۡنَا﴾: اگر پیامبر سخنانی را می‌ساخت و به ما نسبت می‌داد.

45- ﴿بِٱلۡيَمِينِ﴾: دست راست او را یا به قوت و قدرت.

46- ﴿ٱلۡوَتِينَ﴾: رگ قلب یا حرام مغز.

47- ﴿عَنۡهُ حَٰجِزِينَ﴾: مانع هلاکت او.

50- ﴿لَحَسۡرَةٌ﴾: مایه ندامت بزرگ است.

52- ﴿فَسَبِّحۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ﴾: پروردگارت را از آنچه سزاوار او نیست پاک و منزّه بشمار.

سورۀ معارج

1- ﴿سَأَلَ سَآئِلُۢ﴾: درخواست کننده‌ای بر خود و قومش در خواست کرد.

3- ﴿ذِي ٱلۡمَعَارِجِ﴾: صاحب آسمانها، جای بالا رفتن فرشتگان.

4- ﴿تَعۡرُجُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ﴾: فرشتگان از این مدارج بالا می‌روند.

4- ﴿وَٱلرُّوحُ﴾: جبریل.

4- ﴿فِي يَوۡمٖ﴾: در روز قیامت.

4- ﴿مِقۡدَارُهُ﴾: مقدار آن در حق کفار.

5- ﴿صَبۡرٗا جَمِيلًا﴾: در برابر رنج و آزار قومت تنها به خدا شکوه کن.

8- ﴿ٱلسَّمَآءُ كَٱلۡمُهۡلِ﴾: آسمان مانند فلز گداخته یا دُرد روغن زیتون.

9- ﴿ٱلۡجِبَالُ كَٱلۡعِهۡنِ﴾: کوه‌ها مانند پشم رنگارنگ.

10- ﴿حَمِيمٌ﴾: خویشاوند مشفق، از شدت ترس.

11- ﴿يُبَصَّرُونَهُمۡ﴾: خویشاوندان یکدیگر را می‌شناسند.

13- ﴿فَصِيلَتِهِ﴾: عشیره نزدیکش را.

13- ﴿تُ‍ٔۡوِيهِ﴾: در نسب یا روز سختی او را به خود پیوست می‌کردند.

15- ﴿إِنَّهَا لَظَىٰ﴾: جهنم یا درک دوم دوزخ شعله‌ور است.

16- ﴿نَزَّاعَةٗ لِّلشَّوَىٰ١٦﴾: دست و پا یا پوست سر مجرم را می‌کَند.

18- ﴿فَأَوۡعَىٰٓ﴾: مال خود را از حرص و آز در ظرفی ذخیره کرد.

19- ﴿هَلُوعًا﴾: ناشکیبا و حریص.

20- ﴿جَزُوعٗا﴾: بسیار نومید می‌شود.

21- ﴿مَنُوعًا﴾: بسیار بخیل است و از احسان منع می‌کند.

25- ﴿وَٱلۡمَحۡرُومِ﴾: محروم از عطا و بخشش که سؤال نمی‌کند.

27- ﴿مُّشۡفِقُونَ﴾: از کبریایی او تعالی ترسانند.

31- ﴿ٱلۡعَادُونَ﴾: متجاوز از حلال به حرام.

36- ﴿مُهۡطِعِينَ﴾: گردنهای خود را دراز کرده به سوی تو می‌شتابند.

37- ﴿عِزِينَ﴾: گروه‌های پراکنده.

39- ﴿مِّمَّا يَعۡلَمُونَ﴾: از آنچه خود می‌دانند، نطفه کوچک.

40- ﴿فَلَآ أُقۡسِمُ﴾: قسم می‌خورم «لا» زاید است.

41- ﴿بِمَسۡبُوقِينَ﴾: مغلوب و ناتوان.

42- ﴿فَذَرۡهُمۡ﴾: آنها را به حال خود بگذار.

42- ﴿يَخُوضُواْ﴾: در باطل غوطه‌ور شوند.

43- ﴿مِنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ﴾: از قبرها.

43- ﴿سِرَاعٗا﴾: شتابان به سوی دعوت کننده.

43- ﴿نُصُبٖ﴾: سنگ‌های‌که در جاهلیت مورد احترام آنها بود.

43- ﴿يُوفِضُونَ﴾: می‌دوند.

44- ﴿خَٰشِعَةً أَبۡصَٰرُهُمۡ﴾: نمی‌توانند بالا نگاه کنند.

44- ﴿تَرۡهَقُهُمۡ ذِلَّةٞ﴾: در ذلت و خواری غرقند.

سورۀ نوح

4- ﴿إِنَّ أَجَلَ ٱللَّهِ﴾: اگر ایمان نیاورید وقت آمدن عذاب الهی.

6- ﴿فِرَارٗا﴾: دوری و رمندگی از ایمان.

7- ﴿وَٱسۡتَغۡشَوۡاْ ثِيَابَهُمۡ﴾: از تنفر زیاد خود را در لباس‌هاشان پنهان کردند.

7- ﴿أَصَرُّواْ﴾: در راه کفر پایداری کردند.

11- ﴿يُرۡسِلِ ٱلسَّمَآءَ﴾: باران را روان می‌کند.

11- ﴿مِّدۡرَارٗا﴾: فراوان و پی‌درپی.

13- ﴿لَا تَرۡجُونَ لِلَّهِ وَقَارٗا﴾: به کبریایی خدا معتقد نیستید یا از جاه و جلالش نمی‌ترسید.

14- ﴿خَلَقَكُمۡ أَطۡوَارًا﴾: شما را به تدریج در حالت‌های مختلف آفرید.

15- ﴿سَمَٰوَٰتٖ طِبَاقٗا﴾: آسمان‌ها را بر فراز هم.

16- ﴿نُورٗا﴾: روشنگر زمین در تاریکی شب.

16- ﴿ٱلشَّمۡسَ سِرَاجٗا﴾: آفتاب را چراغ فروزان که تاریکی را محو می‌کند.

17- ﴿أَنۢبَتَكُم مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ﴾: شما را از خاک آفرید.

19- ﴿ٱلۡأَرۡضَ بِسَاطٗا﴾: زمین را برای استقرار بر روی آن گسترد.

20- ﴿سُبُلٗا فِجَاجٗا﴾: راه‌های وسیع.

21- ﴿خَسَارٗا﴾: گمراهی در دنیا و عذاب در آخرت.

22- ﴿مَكۡرٗا كُبَّارٗا﴾: مکر نهایت بزرگ.

23- ﴿وَدّٗا...﴾: بتهای هستند که قوم نوح پرستش می‌کردند سپس این روش به عرب انتقال یافت، «ود» بت قبیله «کلب»

23- ﴿سُوَاعٗا﴾: سواع بت قبیله هُذَیل.

23- ﴿يَغُوثَ﴾: یغوث بت غطفان.

23- ﴿يَعُوقَ﴾: یعوق بت هَمدان.

23- ﴿نَسۡرٗا﴾: نسر بت آلذی‌کلاع از قبیله حِمیر بود.

25- ﴿مِّمَّا خَطِيٓـَٰٔتِهِمۡ﴾: از سبب گناهانشان و «ما» زاید است.

26- ﴿دَيَّارًا﴾: یکی را که به روی زمین حرکت کند.

28- ﴿تَبَارَۢا﴾: هلاکت و نابودی.

سورۀ جن

1- ﴿قُرۡءَانًا عَجَبٗا﴾: قرآنی شگفت‌انگیز در فصاحت و بلاغت.

2- ﴿ٱلرُّشۡدِ﴾: حق یا توحید و ایمان.

3- ﴿تَعَٰلَىٰ﴾: بلند و با عظمت است.

3- ﴿جَدُّ رَبِّنَا﴾: مقام یا قدرت پروردگار ما.

4- ﴿يَقُولُ سَفِيهُنَا﴾: جاهل ما می‌گفت، ابلیس.

4- ﴿شَطَطٗا﴾: سخنان دروغ و دور از حق.

6- ﴿يَعُوذُونَ﴾: پناه می‌جستند.

6- ﴿فَزَادُوهُمۡ رَهَقٗا﴾‎‏: به گناه یا سرکشی و سفاهت آنان افزودند.

8- ﴿حَرَسٗا شَدِيدٗا﴾: نگاهبان‌های قوی از فرشتگان.

8- ﴿شُهُبٗا﴾: شهاب‌های شعله‌وری‌‌‌که مانند ستاره به سرعت فرود می‌آیند.

9- ﴿شِهَابٗا رَّصَدٗا﴾: شهابی درکمین که او را هدف قرار می‌دهد.

10- ﴿رَشَدٗا﴾: خیر، صلاح و رحمت.

11- ﴿طَرَآئِقَ قِدَدٗا﴾: دارای مذاهب گوناگون.

12- ﴿ظَنَنَّآ﴾: اینک دانستیم و یقین کردیم.

13- ﴿فَلَا يَخَافُ بَخۡسٗا﴾: از نقصان ثواب حسناتش نمی‌ترسد.

13- ﴿لَا رَهَقٗا﴾: از رسیدن ذلت نمی‌ترسد [که گناه دیگری بر او بار شود]

14- ﴿مِنَّا ٱلۡقَٰسِطُونَ﴾: گروهی از ما کافر و از راه حق منحرف شدند.

14- ﴿تَحَرَّوۡاْ رَشَدٗا﴾: به سوی خیر، صلاح و هدایت رفتند.

15- ﴿لِجَهَنَّمَ حَطَبٗا﴾: هیزم دوزخ هستند.

16- ﴿عَلَى ٱلطَّرِيقَةِ﴾: راه هدایت، اسلام.

16- ﴿مَّآءً غَدَقٗا﴾: آب فراوان که با آن زندگانی بهتر می‌شود.

17- ﴿لِّنَفۡتِنَهُمۡ فِيهِ﴾: تا با این نعمت‌ها آنها را بیازمایم.

17- ﴿يَسۡلُكۡهُ﴾: او را داخل می‌کند.

17- ﴿عَذَابٗا صَعَدٗا﴾: عذاب مشقت آور و طاقت فرسا.

19- ﴿عَبۡدُ ٱللَّهِ﴾: نبی‌کریم که خدا را عبادت می‌کند.

19- ﴿عَلَيۡهِ لِبَدٗا﴾: از تعجب اطراف او ازدحام می‌کردند.

21- ﴿رَشَدٗا﴾: نفعی یا هدایتی.

22- ﴿لَن يُجِيرَنِي مِنَ ٱللَّهِ﴾: اگر فرمان خدا را بجا نکنم هیچ کس عذاب او را از من دفع نمی‌کند.

22- ﴿مُلۡتَحَدًا﴾: پناهگاهی یا جای استواری‌که به آن پشت‌گرمی یابم.

25- ﴿أَمَدًا﴾: زمانی دور.

27- ﴿رَصَدٗا﴾: نگاهبانی از فرشتگان که او را حراست می‌کنند.

28- ﴿أَحَاطَ﴾: به تمام و کمال آگاه است.

28- ﴿أَحۡصَىٰ﴾: کاملاً ضبط کرده است.

سورۀ مُزَّمَّل

1- ﴿ٱلۡمُزَّمِّلُ﴾: خود را در جامه پیچنده، نبی‌کریم.

4- ﴿رَتِّلِ ٱلۡقُرۡءَانَ﴾: قرآن را به آهستگی بخوان، حروف را از مخرج ادا کن.

5- ﴿قَوۡلٗا ثَقِيلًا﴾: سخنی‌‌که بر مکلفین مشقت آور است، قرآن.

6- ﴿نَاشِئَةَ ٱلَّيۡلِ﴾: عبادتی‌که در شب انجام می‌شود.

6- ﴿أَشَدُّ وَطۡ‍ٔٗا﴾: ثابت‌تر و استوارتر است.

6- ﴿أَقۡوَمُ قِيلًا﴾: خواندن قرآن ثابت‌‌تر است زیرا در شب حضور قلب بیشتر است.

7- ﴿سَبۡحٗا﴾: مشغولیت ‌و تلاش.

8- ﴿تَبَتَّلۡ إِلَيۡهِ﴾: یکسره به عبادت او بپرداز.

10- ﴿هَجۡرٗا جَمِيلٗا﴾: کناره گیری شایسته با شکیبایی.

11- ﴿ذَرۡنِي وَٱلۡمُكَذِّبِينَ﴾: تکذیب کنندگان را به خود من واگذار من بر آنها بسنده‌ام.

11- ﴿أُوْلِي ٱلنَّعۡمَةِ﴾: صاحبان ناز و نعمت و زندگانی خوش.

11- ﴿مَهِّلۡهُمۡ قَلِيلًا﴾: آنها را اندک زمانی مهلت بده بعد از آن عذاب و عقوبت است.

12- ﴿أَنكَالٗا﴾: زنجیر‌های محکم و سنگین.

13- ﴿طَعَامٗا ذَا غُصَّةٖ﴾: غذای گلوگیر.

14- ﴿يَوۡمَ تَرۡجُفُ ٱلۡأَرۡضُ﴾: روزی‌که زمین به شدت تکان بخورد، روز قیامت.

14- ﴿كَثِيبٗا مَّهِيلًا﴾: توده‌های ریگ روان.

16- ﴿أَخۡذٗا وَبِيلٗا﴾: گرفتن شدید و عاقبت ناگوار.

18- ﴿ٱلسَّمَآءُ مُنفَطِرُۢ بِهِ﴾: آسمان در آن روز از ترس شکافته گردد.

20- ﴿لَّن تُحۡصُوهُ﴾: نمی‌توانید وقت قیام شب را به دقت تعیین کنید.

20- ﴿فَتَابَ عَلَيۡكُمۡ﴾: خدا بر شما رحم کرد و اجازه داد که وقت معین برای قیام شب را ترک نمایید.

20- ﴿فَٱقۡرَءُواْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ ٱلۡقُرۡءَانِ﴾: در شب هر اندازه به شما آسان است نماز بخوانید و در این نماز آنچه آسان است از قرآن قرائت نمایید.

20- ﴿يَضۡرِبُونَ﴾: برای تجارت و مقاصد دیگر سفر می‌کنند.

20- ﴿أَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ﴾: نماز فرض را ادا ‌کنید.

20- ﴿قَرۡضًا حَسَنٗا﴾: به طیب خاطر و برای کسب رضای خدا.

سورۀ مُدَّثِّر

1- ﴿ٱلۡمُدَّثِّرُ﴾: پنهان کننده خود را به لباس‌هایش، نبی‌کریم.

3- ﴿رَبَّكَ فَكَبِّرۡ﴾: تنها پروردگارت را بزرگ بشمار و تعظیم نما.

4- ﴿ثِيَابَكَ فَطَهِّرۡ﴾: لباس‌هايت را پاک كن كنايه از پاكيزگی نفس از بديهاست.

5- ﴿وَٱلرُّجۡزَ فَٱهۡجُرۡ﴾: از گناه‌که موجب عذاب است دوری گزین.

6- ﴿لَا تَمۡنُن تَسۡتَكۡثِرُ﴾: به امید آن نبخش که بیشتر بگیری.

8- ﴿نُقِرَ فِي ٱلنَّاقُورِ﴾: بخاطر رستاخیز در صورت دمیده شود.

11- ﴿ذَرۡنِي﴾: به من واگذار، تهدید و وعید است.

12- ﴿مَالٗا مَّمۡدُودٗا﴾: مال فراوان.

13- ﴿بَنِينَ شُهُودٗا﴾: پسران که همیشه در حضور او هستند و هیچگاه برای کسب و کار از او جدا نمی‌شوند چون نیازی به آن ندارند.

14- ﴿مَهَّدتُّ لَهُ﴾: نعمت، ریاست و مقام او را گسترش دادم.

16- ﴿كَلَّآ﴾: هرگز چنین نخواهد شد.

16- ﴿لِأٓيَٰتِنَا عَنِيدٗا﴾: نسبت به آیات ما دشمنی می‌ورزد یا از حق دوری می‌جوید.

17- ﴿سَأُرۡهِقُهُۥ صَعُودًا١٧﴾: به زودی به عذاب پرمشقت و طاقت فرسا دچارش می‌کنم.

18- ﴿قَدَّرَ﴾: سخن طعنه‌آميزی نسبت به خدا و پيامبر در ذهن خود آماده كرد.

19- ﴿فَقُتِلَ﴾: لعنت و عذاب بر او باد یا از نیکی و خیر دور باد.

21- ﴿نَظَرَ﴾: درباره سخن طعنه‌آمیزی‌که آماده کرده بود تأمل کرد.

22- ﴿عَبَسَ﴾: هنگامی‌که میدان حیله برایش تنگ شد ابرو درهم کشید.

22- ﴿بَسَرَ﴾: در عبوست چهره‌اش افزود.

24- ﴿سِحۡرٞ يُؤۡثَرُ﴾: سحری است که از ساحران می‌آموزد.

26- ﴿سَأُصۡلِيهِ سَقَرَ٢٦﴾: به زودی به جهنم داخلش می‌کنم.

29- ﴿لَوَّاحَةٞ لِّلۡبَشَرِ٢٩﴾: پوست دوزخیان را سیاه می‌کند و می‌سوزاند.

31- ﴿فِتۡنَةٗ﴾: سبب فتنه وگمراهی.

31- ﴿مَا هِيَ﴾: نیست دوزخ.

33- ﴿وَٱلَّيۡلِ إِذۡ أَدۡبَرَ٣٣﴾: قسم به شب وقتی که دور شود.

34- ﴿وَٱلصُّبۡحِ إِذَآ أَسۡفَرَ٣٤﴾: قسم به صبح هنگامی‌که روشن شود.

35- ﴿إِنَّهَا لَإِحۡدَى ٱلۡكُبَرِ٣٥﴾: قطعاً همین جهنم یکی از بلاهای عظیم است، جواب قسم.

37- ﴿أَن يَتَقَدَّمَ﴾: به‌سوی خیر و طاعت پیش رود.

38- ﴿بِمَا كَسَبَتۡ رَهِينَةٌ﴾: نزد او تعالی در گرو اعمال خویش است.

42- ﴿مَا سَلَكَكُمۡ﴾: چه چیز شما را وارد کرد؟

45- ﴿كُنَّا نَخُوضُ﴾: ما غرق در باطل بودیم.

46- ﴿بِيَوۡمِ ٱلدِّينِ﴾: به روز رستاخیز، حساب و جزا.

50- ﴿حُمُرٞ مُّسۡتَنفِرَةٞ﴾: خرهای وحشی و رمنده.

51- ﴿قَسۡوَرَةِۢ﴾: شیر یا تیرانداز.

56- ﴿أَهۡلُ ٱلتَّقۡوَىٰ﴾: سزاوار است که بندگانش از او بترسند.

سورۀ قِيَامَت

1- ﴿لَآ أُقۡسِمُ﴾: قسم می‌خورم «لا» زاید است.

2- ﴿ٱللَّوَّامَةِ﴾: بر آنچه از دست رفته سرزنش و پشیمانی می‌کند.

4- ﴿بَلَىٰ﴾: بله، آن را بعد از پراکنده شدن جمع می‌کنیم.

4- ﴿نُّسَوِّيَ بَنَانَهُ﴾: سرانگشتان او را مرتب کنیم

5- ﴿لِيَفۡجُرَ أَمَامَهُ﴾: به تمام عمر خود به فسق و فجور ادامه دهد.

7- ﴿بَرِقَ ٱلۡبَصَرُ﴾: چشم از آنچه مشاهده می‌کند به دهشت و حیرت افتد.

8- ﴿خَسَفَ ٱلۡقَمَرُ﴾: روشنی ماه برود.

9- ﴿جُمِعَ ٱلشَّمۡسُ وَٱلۡقَمَرُ﴾: آفتاب و مهتاب در حالی‌که تاریکند از مغرب ظاهر شوند.

10- ﴿أَيۡنَ ٱلۡمَفَرُّ﴾: جای فرار از عذاب یا نجات از ترس کجاست؟

11- ﴿لَا وَزَرَ﴾: جای نجات و پناه از عذاب خدا ندارد.

14- ﴿بَصِيرَةٞ﴾: دلیل آشکار یا چشم بینا.

15- ﴿لَوۡ أَلۡقَىٰ مَعَاذِيرَهُ﴾: هر قدر عذر بیاورد برایش سودمند نیست.

17- ﴿جَمۡعَهُ﴾: جمع قرآن در سینه و حفظ تو.

17- ﴿قُرۡءَانَهُ﴾: که هر وقت خواسته باشی آن را بخوانی.

18- ﴿قَرَأۡنَٰهُ﴾: قرائت آن را برای تو به زبان جبریل به اتمام رساندیم.

19- ﴿بَيَانَهُ﴾: تفسیر معانی مشکل آن.

22- ﴿نَّاضِرَةٌ﴾: زیبا، شاد و خندان.

24- ﴿بَاسِرَةٞ﴾: بسیار عبوس و افسرده.

25- ﴿فَاقِرَةٞ﴾: بلای بزرگ‌ کمر شکن.

26- ﴿بَلَغَتِ ٱلتَّرَاقِيَ﴾: جان به گلو رسد.

27- ﴿مَنۡۜ رَاقٖ﴾: او را که مداوا می‌کند و از مرگ نجات می‌دهد؟

29- ﴿وَٱلۡتَفَّتِ ٱلسَّاقُ...﴾: بپیچد یا بچسبد...

30- ﴿ٱلۡمَسَاقُ﴾: روان کردن انسان برای جزا و پاداش.

33- ﴿يَتَمَطَّىٰٓ﴾: به کبر و ناز راه می‌رفت.

34- ﴿أَوۡلَىٰ لَكَ﴾: آنچه مایه نابودی توست به تو نزدیک است.

36- ﴿يُتۡرَكَ سُدًى﴾: سرخور گذاشته می‌شود که نه مورد امر و نهی قرار ‌گیرد و نه ثواب و عقاب ‌شود.

37- ﴿مَّنِيّٖ يُمۡنَىٰ﴾: منی‌که در رَحم می‌ریزد.

38- ﴿فَسَوَّىٰ﴾: درست و کاملش کرد و در او روح دمید.

سورۀ انسان

2- ﴿أَمۡشَاجٖ﴾: مختلط دارای صفات متفاوت.

2- ﴿نَّبۡتَلِيهِ﴾: انسان را با تعیین تکالیف آزمایش می‌کنیم.

3- ﴿هَدَيۡنَٰهُ ٱلسَّبِيلَ﴾: برای او راه هدایت و گمراهی را نشان دادیم.

4- ﴿سَلَٰسِلَاْ﴾: زنجیر‌های‌که با آن بسته و به آتش کشیده می‌شوند.

4- ﴿أَغۡلَٰلٗا﴾: غل‌های‌که دست‌های آنها را به گردنشان می‌‌‌‌‌‌‌‌بندند.

5- ﴿كَأۡسٖ﴾: شراب یا جام شراب.

5- ﴿مِزَاجُهَا﴾: آنچه شراب با آن آمیخته شود.

5- ﴿كَافُورًا﴾: آبی مانند کافور در بهترین حالت.

6- ﴿عَيۡنٗا﴾: آب چشمه‌ یا شراب آن.

6- ﴿يَشۡرَبُ بِهَا﴾: که از آن می‌نوشند.

6- ﴿يُفَجِّرُونَهَا﴾: به هر جای خانه‌ که بخواهند روانش می‌سازند.

7- ﴿مُسۡتَطِيرٗا﴾: گسترده است.

10- ﴿يَوۡمًا عَبُوسٗا﴾: روزی‌که از هول و هراس آن چهره‌ها ترش و عبوس می‌شوند.

10- ﴿قَمۡطَرِيرٗا﴾: عبوست شدید.

11- ﴿لَقَّىٰهُمۡ نَضۡرَةٗ﴾: به آنها چهره شاد و زیبا بخشید.

13- ﴿ٱلۡأَرَآئِكِ﴾: تخت‌ها در حجله‌ها.

13- ﴿زَمۡهَرِيرٗا﴾: سرمای شدید یا ماه.

14- ﴿دَانِيَةً عَلَيۡهِمۡ﴾: درختان آنجا بر آنها سایه افکن است.

14- ﴿ذُلِّلَتۡ قُطُوفُهَا﴾: میوه‌های آن به دسترس تناول کننده است.

15- ﴿أَكۡوَابٖ﴾: صراحی‌ها.

15- ﴿قَوَارِيرَا۠﴾: مانند شیشه صافند.

16- ﴿قَدَّرُوهَا﴾: ساقیان بهشتی به اندازه سیراب شدن در آن شراب می‌ریزند.

17- ﴿كَأۡسٗا﴾: شرابی‌که یا جام شرابی‌که.

17- ﴿مِزَاجُهَا﴾: آمیزه آن.

17- ﴿زَنجَبِيلًا﴾: آبی‌که در خوبی مانند زنجبیل است.

19- ﴿وِلۡدَٰنٞ مُّخَلَّدُونَ﴾: نوجوانانی‌که همیشه جوان و زیبا خواهند ماند.

19- ﴿لُؤۡلُؤٗا مَّنثُورٗا﴾: مروارید پراکنده در زیبایی و صفایی.

21- ﴿ثِيَابُ سُندُسٍ﴾: لباس‌های از حریر نازک.

21- ﴿إِسۡتَبۡرَقٞ﴾: دیبای ضخیم.

25- ﴿بُكۡرَةٗ وَأَصِيلٗا﴾: اول و آخر روز یا مدام.

27- ﴿يَوۡمٗا ثَقِيلٗا﴾: روز بسیار هراس انگیز، روز قیامت.

28- ﴿شَدَدۡنَآ أَسۡرَهُمۡ﴾: خلقت آنها را مستحکم کردیم.

سورۀ مُرْسَلاَت

1- ﴿وَٱلۡمُرۡسَلَٰتِ عُرۡفٗا١﴾: قسم به بادهای عذاب که مانند یال اسب به ردیف قرار دارند.

2- ﴿فَٱلۡعَٰصِفَٰتِ عَصۡفٗا٢﴾: قسم به باد‌های تند و نابودکننده.

3- ﴿وَٱلنَّٰشِرَٰتِ نَشۡرٗا٣﴾: و قسم به فرشتگانی‌که بالهای خود را در فضا هنگام آوردن وحی می‌گسترانند.

4- ﴿فَٱلۡفَٰرِقَٰتِ فَرۡقٗا٤﴾: و قسم به فرشتگان حامل وحی‌که حق و باطل را از هم جدا می‌کند.

5- ﴿فَٱلۡمُلۡقِيَٰتِ ذِكۡرًا٥﴾: و قسم به فرشتگانی‌که به انبیاء وحی می‌رسانند.

6- ﴿عُذۡرًا﴾: برای دفع عذر و بهانه بنده‌ها.

6- ﴿نُذۡرًا﴾: برای انذار و ترسانیدن از عذاب.

7- ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ﴾: آنچه به شما درباره رستاخیز وعده داده‌اند، جواب قسم.

8- ﴿ٱلنُّجُومُ طُمِسَتۡ﴾: ستارگان تاریک شوند.

9- ﴿ٱلسَّمَآءُ فُرِجَتۡ﴾: آسمان بشکافت.

10- ﴿ٱلۡجِبَالُ نُسِفَتۡ﴾: کوه‌ها به سرعت کنده شوند.

11- ﴿ٱلرُّسُلُ أُقِّتَتۡ﴾: پیامبران به وعده‌گاه رسانده شوند، روز قیامت.

12- ﴿لِأَيِّ يَوۡمٍ أُجِّلَتۡ١٢﴾‏‏ْ: گفته می‌شود برای چه روزی به تأخیر افتاده است.

13- ﴿لِيَوۡمِ ٱلۡفَصۡلِ١٣﴾: برای روز جدایی بین خلایق یا حق و باطل.

15- ﴿وَيۡلٞ يَوۡمَئِذٖ﴾: نابودی در آن روز هراس انگیز.

20- ﴿مَّآءٖ مَّهِينٖ﴾: منیی ضعیف و حقیر.

21- ﴿قَرَارٖ مَّكِينٍ﴾: رَحم.

23- ﴿فَقَدَرۡنَا﴾: پس آن را به اندازه مناسب قرار دادیم.

25- ﴿ٱلۡأَرۡضَ كِفَاتًا﴾: زمین را برای اجتماع انسان.

25- ﴿أَحۡيَآءٗ وَأَمۡوَٰتٗا٢٦﴾: زنده‌ها بر روی زمین جمع و مرده‌ها در دل خاک نهان می‌شوند.

27- ﴿رَوَٰسِيَ شَٰمِخَٰتٖ﴾: کوه‌های بلند و استوار.

27- ﴿مَّآءٗ فُرَاتٗا﴾: آب شیرین گوارا.

30- ﴿ظِلّٖ﴾: دود جهنم.

30- ﴿ثَلَٰثِ شُعَبٖ﴾: سه شاخه مانند گیسوان.

31- ﴿لَّا ظَلِيلٖ﴾: سایه‌‌ای که گرمی را دور کند.

31- ﴿لَا يُغۡنِي مِنَ ٱللَّهَبِ﴾: اندکی از گرمای آتش را دفع نمی‌کند.

32- ﴿تَرۡمِي بِشَرَرٖ﴾: شراره پرتاب می‌کند.

32- ﴿كَٱلۡقَصۡرِ﴾: هر شراره مانند کاخ بلند و بزرگ.

33- ﴿كَأَنَّهُۥ جِمَٰلَتٞ صُفۡرٞ٣٣﴾: انگار آن شراره‌ها شتران سیاه‌تاب هستند. عرب شتر سیاه تاب را از سبب کثرت، سرعت حرکت و رنگ آن زرد می‌نامند.

39- ﴿لَكُمۡ كَيۡدٞ﴾: حیله‌ای دارید برای حفظ خود از عذاب.

سورۀ نبأ

1- ﴿عَمَّ﴾: از چه چیز پر اهمیت.

2- ﴿عَنِ ٱلنَّبَإِ ٱلۡعَظِيمِ٢﴾: از قرآن یا از رستاخیز.

4- ﴿كَلَّا﴾: هرگز چنین نیست.

6- ﴿ٱلۡأَرۡضَ مِهَٰدٗا﴾: زمین را محل آرامش و استقرار.

7- ﴿وَٱلۡجِبَالَ أَوۡتَادٗا٧﴾: کوه‌ها را مانند میخ برای زمین تا تکان نخورد.

8- ﴿َخَلَقۡنَٰكُمۡ أَزۡوَٰجٗا﴾: شما را به شکل مذکر و مؤنث آفريديم برای زاد و ولد.

9- ﴿نَوۡمَكُمۡ سُبَاتٗا﴾: خواب را برای فراغت و آرامش جسمی شما.

10- ﴿ٱلَّيۡلَ لِبَاسٗا﴾: شب را پرده‌ای که شما را با تاریکی خود می‌پوشاند.

11- ﴿ٱلنَّهَارَ مَعَاشٗا﴾: روز را برای بدست آوردن وسایل زندگانی.

12- ﴿سَبۡعٗا شِدَادٗا﴾: هفت آسمان محکم و استوار.

13- ﴿سِرَاجٗا وَهَّاجٗا﴾: چراغ درخشان، آفتاب.

14- ﴿ٱلۡمُعۡصِرَٰت﴾: ابرهای بارنده.

14- ﴿مَآءٗ ثَجَّاجٗا﴾: آب فراوان که به وفرت و پیاپی ‌می‌بارد.

16- ﴿جَنَّٰتٍ أَلۡفَافًا﴾: باغ‌های‌که درختانش در هم پیچیده است.

18- ﴿فَتَأۡتُونَ أَفۡوَاجٗا﴾: گروه گروه به حالتهای مختلف می‌آیید.

19- ﴿فَكَانَتۡ أَبۡوَٰبٗا﴾: آسمان دارای درها و راه‌های بسیاری می‌گردد.

20- ﴿فَكَانَتۡ سَرَابًا﴾: کوه‌ها مانند سراب شوند.

21- ﴿كَانَتۡ مِرۡصَادٗا﴾: جهنم در کمین و چشم به راه کافران است.

22- ﴿لِّلطَّٰغِينَ مَ‍َٔابٗا٢٢﴾: جای بازگشت سرکشان است.

23- ﴿أَحۡقَابٗا﴾: روزگار دراز و بی‌نهایت.

24- ﴿بَرۡدٗا﴾: خوابی یا آسایشی از گرمی آتش.

25- ﴿حَمِيمٗا﴾: آب جوشان.

25- َ﴿غَسَّاقٗا﴾: زردابی‌که از بدن اهل دوزخ جاری می‌شود.

26- ﴿جَزَآءٗ وِفَاقًا٢٦﴾: آنها را موافق اعمالشان جزاء دادیم.

28- ﴿كِذَّابٗا﴾: تکذیب شدید.

29- ﴿أَحۡصَيۡنَٰهُ كِتَٰبٗا﴾: به صورت نوشته ضبطش کردیم.

31- ﴿مَفَازًا﴾: پیروزی بر تمام خواهشات.

33- ﴿كَوَاعِبَ﴾: دختران انار پستان، زنان بهشت.

33- ﴿أَتۡرَابٗا﴾: هم سن و سال.

34- ﴿كَأۡسٗا دِهَاقٗا﴾: جام‌های سرشار از شراب بهشت.

35- ﴿لَغۡوٗا﴾: سخنان بیهوده یا زشت.

35- ﴿كِذَّٰبٗا﴾: دروغ.

36- ﴿عَطَآءً حِسَابٗا﴾: احسان به اندازه کفایت یا فراوان.

37- ﴿خِطَابٗا﴾: سخن گفتن مگر به اجازه او تعالی.

38- ﴿ٱلرُّوحُ﴾: جبریل.

39- ﴿مَ‍َٔابًا﴾: راه بازگشت به ایمان و عبادت.

40- ﴿يَٰلَيۡتَنِي كُنتُ تُرَٰبَۢا﴾: ای کاش در این روز خاک بودم و عذاب نمی‌شدم.

سورۀ نَازِعَات

1- ﴿وَٱلنَّٰزِعَٰتِ﴾: قسم به فرشتگانی‌که جان کافرها را می‌گیرند.

1- ﴿غَرۡقٗا﴾: به سختی و درد.

2- ﴿وَٱلنَّٰشِطَٰتِ نَشۡطٗا٢﴾: سوگند به فرشتگانی‌که جان مسلمانان را به آرامی ‌و مهربانی می‌گیرند.

3- ﴿ٱلسَّٰبِحَٰتِ سَبۡحٗا﴾: سوگند به فرشتگانی‌که از آسمان برای اجرای فرمان الهی شتابان و شناکنان فرود می‌آیند.

4- ﴿فَٱلسَّٰبِقَٰتِ سَبۡقٗا٤﴾: و قسم به فرشتگانی‌که ارواح را شتابان به بهشت یا دوزخ می‌برند.

5- ﴿فَٱلۡمُدَبِّرَٰتِ أَمۡرٗا٥﴾: و فرشتگانی‌که برای تدبیر و مأموریت خویش فرود می‌آیند.

6- ﴿يَوۡمَ تَرۡجُفُ ٱلرَّاجِفَةُ٦﴾: روزی‌که نفخه اول با آواز هول انگیزش اجرام را بلرزاند.

7- ﴿تَتۡبَعُهَا ٱلرَّادِفَةُ٧﴾: نفخه رستاخیز به دنبال او می‌آید.

8- ﴿وَاجِفَةٌ﴾: مضطرب یا ترساننده.

9- ﴿أَبۡصَٰرُهَا خَٰشِعَةٞ٩﴾: چشمانشان از ترس به زیر افتاده است.

10- ﴿فِي ٱلۡحَافِرَةِ﴾: به حالت اولی، زندگانی.

11- ﴿كُنَّا عِظَٰمٗا نَّخِرَةٗ﴾: استخوان‌های پوسیده شویم.

12- ﴿كَرَّةٌ خَاسِرَةٞ﴾: بازگشت زیان آوری خواهد بود.

13- ﴿زَجۡرَةٞ وَٰحِدَةٞ﴾: تنها یک صدا، نفخه رستاخیز.

14- ﴿هُم بِٱلسَّاهِرَةِ﴾: همه زنده و بر روی زمین باشند.

16- ﴿طُوًى﴾: نام وادی است.

17- ﴿طَغَىٰ﴾: از حد در گذشته و به خدای یکتا کفر ورزیده است.

18- ﴿تَزَكَّىٰ﴾: از کفر و طغیان پاک شوی.

20- ﴿ٱلۡأٓيَةَ ٱلۡكُبۡرَىٰ﴾: معجزه بزرگ، عصا و ید بیضاء.

22- ﴿يَسۡعَىٰ﴾: در فساد می‌کوشید.

23- ﴿فَحَشَرَ﴾: ساحران و یا سپاه خود را ‌گجمع کرد.

25- ﴿نَكَالَ﴾: به عذاب.

28- ﴿رَفَعَ سَمۡكَهَا﴾: آسمان را بلند و استوار ساخت.

28- ﴿فَسَوَّىٰهَا﴾: آن را برابر و بی‌عیب گردانید.

29- ﴿أَغۡطَشَ لَيۡلَهَا﴾: شب آن را تاریک گردانید.

29- ﴿أَخۡرَجَ ضُحَىٰهَا﴾: روز آن را بوسیله آفتاب روشن گردانید.

30- ﴿دَحَىٰهَآ﴾: زمین را برای سکونت اهلش گسترش داد.

31- ﴿مَرۡعَىٰهَا﴾: غذای انسان و چارپا.

32- ﴿وَٱلۡجِبَالَ أَرۡسَىٰهَا٣٢﴾: کوه‌ها را مانند میخ در زمین ثابت و استوار گردانید.

34- ﴿ٱلطَّآمَّةُ ٱلۡكُبۡرَىٰ﴾: بلای بزرگ، قیامت.

36- ﴿بُرِّزَتِ ٱلۡجَحِيمُ﴾: دوزخ آشکار ساخته می‌شود.

39- ﴿هِيَ ٱلۡمَأۡوَىٰ﴾: تنها جهنم مقام اوست.

42- ﴿أَيَّانَ مُرۡسَىٰهَا﴾: خدا چه وقت قیامت را بر پا می‌کند؟

سورۀ عَبَسَ

1- ﴿عَبَسَ﴾: پیامبر ابرو درهم کشید.

1- ﴿تَوَلَّىٰ﴾: روگرداند.

3- ﴿لَعَلَّهُۥ يَزَّكَّىٰٓ﴾: شاید این نابینا به تعلیم تو از جهل پاک می‌شد.

4- ﴿يَذَّكَّر﴾: پند می‌گرفت.

6- ﴿لَهُۥ تَصَدَّىٰ﴾: تو به او متوجه می‌شوی.

8- ﴿جَآءَكَ يَسۡعَىٰ﴾: نزد تو به شتاب آمد تا بیاموزد.

10- ﴿عَنۡهُ تَلَهَّىٰ﴾: به وی توجه نمی‌کنی و خود را مشغول می‌سازی.

11- ﴿كَلَّآ﴾: هرگز این کار را تکرار نکن.

11- ﴿إِنَّهَا تَذۡكِرَةٞ﴾: آیات قرآن پند و اندرز است.

13- ﴿فِي صُحُفٖ﴾: در صحیفه‌های‌که از لوح محفوظ نوشته شده است.

14- ﴿مَّرۡفُوعَةٖ﴾: نزد خدا قدر و منزلت عالی دارد.

15- ﴿بِأَيۡدِي سَفَرَةٖ١٥﴾: به دست فرشتگانی قرار دارد که آن را از لوح محفوظ می‌نویسند.

16- ﴿بَرَرَةٖ﴾: به فرمان خدا هستند یا صادقند.

17- ﴿قُتِلَ ٱلۡإِنسَٰنُ﴾: کافر دور ساخته یا به عذاب گرفتار شود.

19- ﴿فَقَدَّرَهُۥ﴾: او را از حالتی به حالت دیگر سامان داد تا این‌که خلقتش کامل شد یا او را برای آنچه شایسته آن است آماده کرد.

20- ﴿ٱلسَّبِيلَ يَسَّرَهُۥ﴾: راه‌های هدایت و گمراهی را بر او آسان ساخت.

21- ﴿فَأَقۡبَرَهُۥ﴾: برای گرامی داشت مقام انسان دستور داد به قبر دفن شود.

22- ﴿أَنشَرَهُۥ﴾: بعد از مرگ او را زنده می‌کند.

23- ﴿لَمَّا يَقۡضِ مَآ أَمَرَهُۥ﴾: دستورات او تعالی را به جا نکرده بلکه کوتاهی ورزیده است.

26- ﴿شَقَقۡنَا ٱلۡأَرۡضَ﴾: زمین را با رویاندن گیاه یا کشت شکافتیم.

28- ﴿قَضۡبٗا﴾: علف تازه برای چارپایان، مانند شبدر.

30- ﴿حَدَآئِقَ غُلۡبٗا﴾: باغهای بزرگ پر درخت.

31- ﴿أَبّٗا﴾: علف و گیاه یا کاه.

33- ﴿جَآءَتِ ٱلصَّآخَّةُ﴾: صدای شدید بیاید و گوشها را کر کند، نفخه دوم.

38- ﴿مُّسۡفِرَةٞ﴾: روی مسلمانها درخشان است.

40- ﴿غَبَرَةٞ﴾: غبار وکدورت است، بر روی کفار.

41- ﴿تَرۡهَقُهَا قَتَرَةٌ٤١﴾: تاریکی و سیاهی آن رویها را بپوشاند.

سورۀ تَكْوِيْر

1- ﴿ٱلشَّمۡسُ كُوِّرَتۡ﴾: روشنايی آفتاب از بين برده شود يا درهم پيچيده شود.

2- ﴿ٱلنُّجُومُ ٱنكَدَرَتۡ﴾: ستارگان سقوط کنند.

3- ﴿ٱلۡجِبَالُ سُيِّرَتۡ﴾: کوه‌ها کنده شوند.

4- ﴿ٱلۡعِشَارُ عُطِّلَتۡ﴾: شتران ماده باردار بدون نگاهبان رها کرده شوند.

5- ﴿ٱلۡوُحُوشُ حُشِرَتۡ﴾: جانوران وحشی از هر طرف جمع کرده شوند.

6- ﴿ٱلۡبِحَارُ سُجِّرَتۡ﴾: دریاها آتش شعله‌ور گردند.

7- ﴿ٱلنُّفُوسُ زُوِّجَتۡ﴾: هر کس با همتای خود جفت کرده شود.

8- ﴿ٱلۡمَوۡءُۥدَة﴾: دختر زنده به گور.

10- ﴿ٱلصُّحُفُ نُشِرَتۡ﴾: نامه‌های اعمال پخش شود.

11- ﴿ٱلسَّمَآءُ كُشِطَتۡ﴾: آسمان برکنده شود.

12- ﴿ٱلۡجَحِيمُ سُعِّرَتۡ﴾: دوزخ برای تعذیب کافرها شعله‌ور گردد.

13- ﴿ٱلۡجَنَّةُ أُزۡلِفَتۡ﴾: بهشت را نزدیک پرهیزگاران بیاورند.

14- ﴿عَلِمَتۡ نَفۡسٞ مَّآ أَحۡضَرَتۡ١٤﴾: هر کس به اعمال نیک و بد خود آگاه شود، جواب اِذا است.

15- ﴿فَلَآ أُقۡسِمُ﴾: سوگند می‌خورم «لا» زاید است.

15- ﴿بِٱلۡخُنَّسِ﴾: به ستارگان سیار که روزها به افق پنهان و شب ظاهر می‌شوند.

17- ﴿وَٱلَّيۡلِ إِذَا عَسۡعَسَ١٧﴾: و قسم به شب هنگامی‌که تاریک شود یا تاریکی آن پایان یابد.

18- ﴿وَٱلصُّبۡحِ إِذَا تَنَفَّسَ١٨﴾: و قسم به صبح هنگامی‌که بدرخشد یا جهان را روشن کند.

19- ﴿إِنَّهُۥ لَقَوۡلُ رَسُولٖ﴾: بدون شک قرآن کلام فرستادۀ پروردگار، جبریل است که از سوی خد ا آورده، جواب قسم.

20- ﴿مَكِينٖ﴾: دارای مقام رفیع و بزرگ است.

23- ﴿رَءَاهُ﴾: پیامبر جبریل را به صورت اصلیش دیده است.

24- ﴿ٱلۡغَيۡبِ﴾: وحی و خبر آسمان‌ها.

24- ﴿بِضَنِينٖ﴾: بخیل که به رساندن وحی کوتاهی کند.

سورۀ انفطار

1- ﴿ٱلسَّمَآءُ ٱنفَطَرَتۡ﴾: هنگام وقوع قیامت آسمان شکافته شود.

2- ﴿ٱلۡكَوَاكِبُ ٱنتَثَرَتۡ﴾: ستارگان پراکنده می‌شوند و سقوط می‌کنند.

3- ﴿ٱلۡبِحَارُ فُجِّرَتۡ﴾: کناره بحرها شق شود و همه به یک بحر تبدیل گردند.

4- ﴿ٱلۡقُبُورُ بُعۡثِرَتۡ﴾: خاک قبرها زیر و رو گردد و مرده‌ها بیرون آیند.

6- ﴿مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ﴾: چه تو را فریفت و به عصیان در برابر خدا جسورت ساخت؟

7- ﴿فَسَوَّىٰكَ﴾: و اندامت را برابر و سالم ساخت.

7- ﴿فَعَدَلَكَ﴾: راست و خوش اندامت کرد.

9- ﴿تُكَذِّبُونَ بِٱلدِّينِ﴾: از رستاخیز یا قیامت یا اسلام منکرید.

13- ﴿ٱلۡأَبۡرَارَ﴾: نیکو کاران با ایمان.

15- ﴿يَصۡلَوۡنَهَا﴾: در جهنم داخل می‌شوند یا سختی گرمای آن را می‌کشند.

سورۀ مُطَفِّفِين

1- ﴿وَيۡلٞ﴾: عذاب یا هلاکت باد یا وادیی است در جهنم.

1- ﴿لِّلۡمُطَفِّفِينَ﴾: به کسانی‌که حقوق دیگران را در وزن و پیمانه کم می‌کنند.

2- ﴿ٱكۡتَالُواْ﴾: به پیمانه و وزن بگیرند.

3- ﴿كَالُوهُمۡ﴾: به دیگران با پیمانه بدهند.

3- ﴿وَّزَنُوهُمۡ﴾: به دیگران به وزن بدهند.

3- ﴿يُخۡسِرُونَ﴾: وزن و پیمانه را کم می‌کنند.

6- ﴿لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾: به دستور پروردگار جهان.

7- ﴿كِتَٰبَ ٱلۡفُجَّارِ﴾: نامۀ اعمال بدكاران.

7- ﴿لَفِي سِجِّينٖ﴾: در ديوان شر ثبت است.

9- ﴿كِتَٰبٞ مَّرۡقُومٞ٩﴾: کتابی‌که به وضاحت نوشته شده یا دارای علامت خاص است.

12- ﴿مُعۡتَدٍ﴾: بدکار و متجاوز از راه حق.

13- ﴿أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾: چیزهای باطلی‌که در کتب ‌‌آنها ثبت است.

14- ﴿كَلَّا﴾: چنین نیست.

14- ﴿رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم﴾: بر دل آنها غالب شده یا مهر نهاده است.

16- ﴿لَصَالُواْ ٱلۡجَحِيمِ﴾: یقیناً به دوزخ داخل می‌شوند یا سختی آن را می‌چشند.

18- ﴿كِتَٰبَ ٱلۡأَبۡرَارِ﴾: نامه اعمال نیکو کاران.

18- ﴿لَفِي عِلِّيِّينَ﴾: در دیوان خیر ثبت است.

23- ﴿عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ﴾: تختهای گذاشته شده در حجله‌ها.

24- ﴿نَضۡرَةَ ٱلنَّعِيمِ﴾: شادابی و تازگی نعمت‌ها را.

25- ﴿رَّحِيقٖ﴾: بادۀ ناب.

25- ﴿مَّخۡتُومٍ﴾: در ظرف‌های سر بسته تا نیکوکاران خود آن را باز کنند.

26- ﴿خِتَٰمُهُۥ مِسۡكٞ﴾: مهر ظرف‌های بهشت از مُشک است.

26- ﴿فَلۡيَتَنَافَسِ﴾: پس بشتابند یا بر یکدیگر پیشی گیرند.

27- ﴿مِزَاجُه﴾: ترکیب آن.

27- ﴿تَسۡنِيمٍ﴾: چشمه‌ای‌که شراب آن بهترین شرابهاست.

28- ﴿يَشۡرَبُ بِهَا﴾: از آن می‌نوشند.

30- ﴿يَتَغَامَزُون﴾: به استهزاء به سوی آنها با چشم اشاره می‌کردند.

31- ﴿فَكِهِينَ﴾: از‌ این‌که مسلمان‌ها را ناچیز می‌شمردند لذت می‌بردند.

36- ﴿ثُوِّبَ ٱلۡكُفَّارُ﴾: کافرهای‌که مؤمنان را تمسخر می‌کردند جزا داده شدند.

سورۀ انشقاق

1- ﴿ٱلسَّمَآءُ ٱنشَقَّتۡ﴾: روز قیامت آسمان پاره پاره شود.

2- ﴿أَذِنَتۡ لِرَبِّهَا﴾: آسمان گوش به فرمان خدا سپارد و مطیع باشد.

2- ﴿حُقَّتۡ﴾: شایسته است که فرمان‌بردار باشد.

3- ﴿ٱلۡأَرۡضُ مُدَّتۡ﴾: زمین گسترده و هموار شود.

4- ﴿أَلۡقَتۡ مَا فِيهَا﴾: زمین مردگان را بیرون می‌انداز.

4- ﴿تَخَلَّتۡ﴾: کاملاً خالی می‌شود.

6- ﴿كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ﴾: با تلاش و رنج به ملاقات پروردگارت روانی.

6- ﴿فَمُلَٰقِيهِ﴾: پس ناگزیر جزای عمل خویش را خواهی دید.

11- ﴿يَدۡعُواْ ثُبُورٗا﴾: مرگ می‌خواهد و می‌گوید: ای مرگ به دادم برس.

12- ﴿يَصۡلَىٰ سَعِيرًا﴾: به دوزخ داخل می‌شود یا زحمت آن را می‌کشد.

14- ﴿لَّن يَحُورَ﴾: هرگز به سوی خدا بر نمی‌گردد، به رستاخیز منکر است.

16- ﴿فَلَآ أُقۡسِمُ﴾: سوگند می‌خورم «لا» زاید است.

16- ﴿بِٱلشَّفَقِ﴾: به شفق، سرخی افق بعد از غروب.

17- ﴿مَا وَسَقَ﴾: آنچه جمع می‌کند که در روز پراکنده بود.

18- ﴿ٱتَّسَقَ﴾: فروغش کم کم کامل و بدر ‌گردد.

19- ﴿لَتَرۡكَبُنَّ﴾: ای انسان، می‌رسی، جواب قسم است.

19- ﴿طَبَقًا﴾: به حالت‌های گوناگون که در شدت و سختی مطابق هم هستند.

23- ﴿بِمَا يُوعُونَ﴾: کارهای ناشایست را پنهان یا جمع می‌کنند.

25- ﴿غَيۡرُ مَمۡنُونِۢ﴾: انقطاع ناپذیر.

سورۀ بُرُوج

1- ﴿وَٱلسَّمَآءِ﴾ به آسمان قسم.

1- ﴿ذَاتِ ٱلۡبُرُوجِ﴾: دارای منازل مشهور برای ستارگان.

2- ﴿وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡمَوۡعُودِ٢﴾: روز قیامت.

3- ﴿شَاهِد﴾: کسی‌که در آن روز در بارۀ دیگران گواهی می‌دهد.

3- ﴿مَشۡهُود﴾: کسی‌که در آن روز دیگران درباره‌اش گواهی می‌دهند.

4- ﴿قُتِل﴾: مورد لعنت قرار گرفتند، جواب قسم.

4- ﴿ٱلۡأُخۡدُود﴾: گودال بزرگ مانند خندق.

8- ﴿مَا نَقَمُواْ﴾: هیچ عیبی نگرفتند و زشت و ناپسند نشمردند.

10- ﴿فَتَنُواْ﴾: شکنجه کردند یا سوزاندند.

12- ﴿بَطۡشَ رَبِّكَ﴾: مجازات پروردگارت بر تعذیب ستمگران سرکش.

13- ﴿هُوَ يُبۡدِئُ﴾: او آغازگر آفرینش به قدرت خود است.

13- ﴿يُعِيدُ﴾: مردگان را روز قیامت زنده می‌کند.

14- ﴿ٱلۡوَدُودُ﴾: بزرگوار و دوستدار اولیای خود است.

15- ﴿ٱلۡمَجِيدُ﴾: با جاه و جلال است.

سورۀ طارِق

1- ﴿وَٱلطَّارِقِ﴾: قسم به ستارۀ رخشنده در شب‌ها.

3- ﴿ٱلنَّجۡمُ ٱلثَّاقِبُ٣﴾: ستارۀ درخشان و روشن کننده تاریکی یا عالی و بلند است.

4- ﴿إِن كُلُّ نَفۡسٖ﴾: هیچ کسی نیست، جواب قسم است.

4- ﴿لَّمَّا عَلَيۡهَا﴾: مگر بر او.

4- ﴿حَافِظٞ﴾: نگاهبان است، مراد ذات او تعالی است.

6- ﴿مَّآءٖ﴾: آبی مخلوط از آب مرد و زن.

6- ﴿دَافِق﴾: جهنده که به سرعت در رحم می‌ریزد.

7- ﴿مِنۢ بَيۡنِ ٱلصُّلۡبِ﴾: از پشت مرد و زن.

7- ﴿وَٱلتَّرَآئِبِ﴾: استخوان سينه يا اطراف بدن هر دو، يا از تمام بدن هر دو، پشت و سينه كنايه از تمام بدن است.

8- ﴿رَجۡعِهِۦ﴾: زنده کردن انسان بعد از فنا.

9- ﴿تُبۡلَى ٱلسَّرَآئِرُ﴾: اسرار قلبها آشکار می‌شود.

11- ﴿ذَاتِ ٱلرَّجۡعِ﴾: دارای باران، چون باران بارها به زمین می‌بارد.

12- ﴿ذَاتِ ٱلصَّدۡعِ﴾: دارای شکاف که گیاهان از آن می‌رویند.

13- ﴿لَقَوۡلٞ فَصۡلٞ﴾: یقیناً قرآن جدا کنندۀ حق از باطل است.

16- ﴿أَكِيدُ كَيۡدٗا﴾: من هم برابر اعمالشان آنها را مجازات می‌کنم.

17- ﴿فَمَهِّلِ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾: به تعذیب و نابودی کافران شتاب نکن.

17- ﴿أَمۡهِلۡهُمۡ رُوَيۡدَۢا﴾: اندک زمانی به آنها مهلت بده، تا گرفتار عذاب شوند.

سورۀ اعلی

1- ﴿سَبِّحِ ٱسۡمَ رَبِّك﴾: اسم پروردگارت را از آنچه شایسته او نیست پاک و منزه بدان.([[8]](#footnote-8))

2- ﴿خَلَقَ﴾: تمام اشیا را به قدرت خود آفریده است.

2- ﴿فَسَوَّىٰ﴾: نظام خلقت را منظم و استوار ساخت.

3- ﴿قَدَّرَ﴾: موجودات را به اندازه‌های مخصوص قرار داد.

3- ﴿فَهَدَى﴾: و موجودات را به سوی چیزهای‌که برایشان شایسته است هدایت کرد.

4- ﴿أَخۡرَجَ ٱلۡمَرۡعَىٰ﴾: گیاهان سبز و خرم رویانید.

5- ﴿فَجَعَلَهُۥ غُثَآءً﴾: سپس این گیاه سبز را مانند خاشاک خشک و ریز ریز کرد.

5- ﴿أَحۡوَىٰ﴾: سیاه.

6- ﴿سَنُقۡرِئُك﴾: بزودی قرآن را بر تو قراءت می‌کنیم.

6- ﴿فَلَا تَنسَىٰٓ﴾: هرگز فراموش نخواهی کرد، از قوت حافظه.

8- ﴿نُيَسِّرُكَ لِلۡيُسۡرَىٰ﴾: تو را به راه آسان هدایت می‌کنیم.

12- ﴿يَصۡلَى ٱلنَّارَ ٱلۡكُبۡرَىٰ﴾: به جهنم داخل می‌شود یا سختی آتش سوزان او را می‌چشد.

14- ﴿أَفۡلَحَ﴾: به خواستۀ خود پيروز شد.

14- ﴿تَزَكَّىٰ﴾: از كفر و عصيان پاكی جست.

18- ﴿إِنَّ هَٰذَا﴾: بدون شک حقایقی‌که در چهار آیه قبل ذکر شد.

سورۀ غاشيه

1- ﴿ٱلۡغَٰشِيَةِ﴾: قیامت که حوادث هول انگیزش همه را فرامی‌گیرد.

2- ﴿خَٰشِعَةٌ﴾: از رسوایی حقیر و هراسانند.

3- ﴿عَامِلَةٞ﴾: زنجیرها و غلها را در دوزخ با خود می‌کشند.

3- ﴿نَّاصِبَةٞ﴾: از عذاب و محنت دوزخ خسته و رنجورند.

4- ﴿تَصۡلَىٰ نَارًا حَامِيَةٗ٤﴾: به آتش سوزان داخل می‌شود یا رنج و محنت آن را می‌کشد.

5- ﴿عَيۡنٍ ءَانِيَةٖ﴾: چشمه جوشان.

6- ﴿ضَرِيعٖ﴾: چیزی است درآتش، مانند خار زه‌‌آگین و بد بوی.

7- ﴿لَا يُغۡنِي مِن جُوعٖ﴾: گرسنگی را رفع نمی‌کند.

8- ﴿نَّاعِمَةٞ﴾: شاداب، زیبا و تروتازه‌اند.

11- ﴿لَٰغِيَةٗ﴾: سخن باطل و بیهوده.

13- ﴿سُرُرٞ مَّرۡفُوعَةٞ﴾: تخت‌های بلند یا عالی قدر.

14- ﴿أَكۡوَابٞ مَّوۡضُوعَةٞ﴾: پیش بهشتی‌ها جامها را گذاشته‌اند تا از آن بنوشند.

15- ﴿نَمَارِقُ مَصۡفُوفَةٞ﴾: پشتیها و نازبالشها کنار هم گذاشته شده‌اند.

16- ﴿زَرَابِيُّ مَبۡثُوثَة﴾: در مجالس بهشتی‌ها فرشهای فاخر گسترده است.

17- ﴿أَفَلَا يَنظُرُونَ﴾: آیا به دقت نمی‌اندیشند تا درک نمایند.

22- ﴿بِمُصَيۡطِرٍ﴾: مسلط و اجبار کننده.

25- ﴿إِيَابَهُمۡ﴾: بازگشت آنها، به روز رستاخیز.

سورۀ فجر

1- ﴿وَٱلۡفَجۡرِ١﴾: به سپیده دم قسم.

2- ﴿لَيَالٍ عَشۡرٖ﴾: به ده شب اول ذی‌الحجه قسم.

3- ﴿وَٱلشَّفۡعِ وَٱلۡوَتۡرِ٣﴾: به روز عید قربان و روز عرفه قسم.

4- ﴿وَٱلَّيۡلِ إِذَا يَسۡرِ٤﴾: قسم به شب چون سپری شود یا در آن راه سپرند.

5- ﴿هَلۡ فِي ذَٰلِكَ﴾: آیا در آنچه ذکر شد و ما به او قسم یاد کردیم.

5- ﴿قَسَمٞ لِّذِي حِجۡرٍ﴾: سوگندی است سزاوار تعظیم در نزد خردمندان‑ آری، ما کافران را حتمی عذاب و شکنجه می‌کنیم، جواب قسم است.

6- ﴿بِعَادٍ﴾: با قوم هود، به نام پدر یاد می‌شوند.

7- ﴿إِرَمَ﴾: ارم نام پدر کلان ایشان است این قبیله به این نام یاد می‌شوند.

7- ﴿ذَاتِ ٱلۡعِمَادِ﴾: دارای نیرو و قدرت یا دارای کاخ های بلند و استوار به ستون ها.

9- ﴿جَابُواْ ٱلصَّخۡرَ﴾: سنگ را می‌بریدند و در آن خانه می‌ساختند.

10- ﴿ذِي ٱلۡأَوۡتَادِ﴾: صاحب سپاه بزرگ که سلطنت او را استوار می‌داشتند.

13- ﴿سَوۡطَ عَذَابٍ﴾: تازیانه عذاب، درد آور و دایمی را.

14- ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِٱلۡمِرۡصَادِ١٤﴾: به یقین خدای تو مراقب اعمال آنها و پاداش دهنده است.

15- ﴿ٱبۡتَلَىٰهُ رَبُّهُۥ﴾: پروردگارش او را به نعمت و یا رنج بیازماید.

16- ﴿فَقَدَرَ عَلَيۡهِ رِزۡقَهُۥ﴾: روزیش را کم کند.

17- ﴿كَلَّآ﴾: زجر و تهدید است برای انسان دربارۀ آنچه در این دو حالت گفته است. ﴿بَل﴾: بلکه اعمال شما بدتر از آن است.

18- ﴿لَا تَحَٰٓضُّونَ﴾: یکدیگر را تشویق نمی‌کنید.

19- ﴿تَأۡكُلُونَ ٱلتُّرَاثَ﴾: میراث زنان و کودکان را می‌خورید.

19- ﴿أَكۡلٗا لَّمّٗا﴾: حلال و حرام را یکجا می‌خورید‌.

20- ﴿حُبّٗا جَمّٗا﴾: حرص و آز از حد افزون.

21- ﴿دُكَّتِ ٱلۡأَرۡضُ﴾: زمین با تکان‌های سخت کوبیده و ریز ریز شود.

21- ﴿دَكّٗا دَكّٗا﴾: کوبیدن‌ پیاپی تا این‌که گرد و غبار گردد.

22- ﴿وَٱلۡمَلَك﴾: فرشته‌های آسمان‌ها.

23- ﴿أَنَّىٰ لَهُ ٱلذِّكۡرَىٰ﴾: از كجا اين پند برای او نفع رساند؟ خيلی بعيد است.

26- ﴿لَا يُوثِقُ﴾: به غل و زنجیر بسته نشود.

سورۀ بلد

1- ﴿لَآ أُقۡسِمُ﴾: قسم می‌خورم «لا» زاید است.

1- ﴿بِهَٰذَا ٱلۡبَلَدِ﴾: به این شهر.

3- ﴿وَالِدٖ وَمَا وَلَدَ﴾: قسم به آدم و فرزندانش یا فرزندان صالح او.

4- ﴿لَقَدۡ خَلَقۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ﴾: بدون شک انسان را آفریدیم، جواب قسم.

4- ﴿كَبَدٍ﴾: مشقت و رنج کشیدن.

6- ﴿أَهۡلَكۡتُ مَالٗا لُّبَدًا﴾: من مال فراوانی را برای کسب افتخار و بزرگ منشی نابود کردم.

10- ﴿هَدَيۡنَٰهُ ٱلنَّجۡدَيۡنِ﴾: راه خوب و بد را به او نشان دادیم.

11- ﴿فَلَا ٱقۡتَحَمَ ٱلۡعَقَبَةَ١١﴾: پس چرا در کار خیر تلاش نکرد.

13- ﴿فَكُّ رَقَبَةٍ١٣﴾: آزاد کردن برده‌ای.

14- ﴿ذِي مَسۡغَبَةٖ﴾: قحطی وگرسنگی.

15- ﴿يَتِيمٗا ذَا مَقۡرَبَةٍ١٥﴾: یتیم خویشاوند.

16- ﴿مِسۡكِينٗا ذَا مَتۡرَبَةٖ﴾: بینوای خاکنشین و نیازمند.

17- ﴿بِٱلۡمَرۡحَمَةِ﴾: به مهربانی با یکدیگر.

18- ﴿أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَيۡمَنَةِ﴾: اهل سعادت یا جانب راست.

19- ﴿أَصۡحَٰبُ ٱلۡمَشۡ‍َٔمَةِ﴾: افراد شوم یا ناحیه چپ.

20- ﴿نَارٞ مُّؤۡصَدَةُۢ﴾: آتشی‌که آنها را احاطه کرده و امکان فرار ندارند.

سورۀ شمس

1- ﴿وَٱلشَّمۡسِ\_: به آفتاب قسم.

1- ﴿وَضُحَىٰهَا﴾: به روشنایی آن قسم.

2- ﴿تَلَىٰهَا﴾: بعد از غروب آفتاب ماه پرتو افشاند.

3- ﴿جَلَّىٰهَا﴾: آفتاب را بر بینندگان آشکار کند.

4- ﴿يَغۡشَىٰهَا﴾: هنگام غروب، آفتاب را پنهان کند و کرانه‌های آسمان تاریک گردد.

5- ﴿مَا بَنَىٰهَا﴾: خدای‌که آسمان را آفرید.

6- ﴿مَا طَحَىٰهَا﴾: ذاتی‌که زمین را گسترد و نرم و هموار ساخت.

7- ﴿مَا سَوَّىٰهَا﴾: ذاتی‌که اعضای وی را متناسب ساخت و نیرو بخشید.

8- ﴿فُجُورَهَا وَتَقۡوَىٰهَا﴾: سرکشی، طاعت و خیر و شر او را.

9- ﴿قَدۡ أَفۡلَحَ﴾: به خواسته‌اش دست یافت و رستگار شد، جواب قسم است.

9- ﴿مَن زَكَّىٰهَا﴾: کسی‌که نفس را تزکیه کرد و به پرهیزگاری افزود.

10- ﴿قَدۡ خَابَ﴾: زیانمند شد.

11- ﴿بِطَغۡوَىٰهَآ﴾: به سبب گمراهی و بیدادگری‌های خود.

12- ﴿ٱنۢبَعَثَ أَشۡقَىٰهَا﴾: شقی‌ترين آنها به سرعت بر خاست كه پی شتر را ببرد.

13- ﴿نَاقَةَ ٱللَّهِ وَسُقۡيَٰهَا﴾: از بریدن پی شتر و دست درازی به سهم آب آن برحذر باشید.

14- ﴿فَدَمۡدَمَ عَلَيۡهِمۡ﴾: نابودشان ساخت و همه را دچار عذاب کرد.

14- ﴿فَسَوَّىٰهَا﴾: همه را یکسان هلاک کرد.

15- ﴿عُقۡبَٰهَا﴾: از فرجام این مجازات.

سورۀ ليل

1- ﴿وَٱلَّيۡلِ إِذَا يَغۡشَىٰ١﴾: قسم به شب وقتی‌که همه جا تاریک ‌شود.

2- ﴿وَٱلنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ٢﴾: قسم به روز چون روشن شود.

4- ﴿إِنَّ سَعۡيَكُمۡ لَشَتَّىٰ٤﴾: بدون شک جزای اعمال شما مختلف است، جواب قسم.

6- ﴿صَدَّقَ بِٱلۡحُسۡنَى﴾: به آیین برتر باور داشت، اسلام.

7- ﴿فَسَنُيَسِّرُهُ﴾: پس به زودی راهنمایی و آماده‌اش می‌کنیم.

7- ﴿لِلۡيُسۡرَىٰ﴾: به خوی و عادتی‌که باعث سهولت و راحت است.

10- ﴿لِلۡعُسۡرَىٰ﴾: به خوی و خصلتی‌که موجب سختی و دشواری است.

11- ﴿مَا يُغۡنِي﴾: عذاب را از او دفع نخواهد کرد.

11- ﴿تَرَدَّىٰٓ﴾: هلاک ‌‌شود یا در دوزخ سقوط ‌کند.

12- ﴿إِنَّ عَلَيۡنَا لَلۡهُدَىٰ١٢﴾: به یقین راهنمایی بر عهده ماست.

14- ﴿نَارٗا تَلَظَّىٰ﴾: آتشی‌که شعله‌ور و افروخته می‌گردد.

15- ﴿لَا يَصۡلَىٰهَآ﴾: به آن داخل نمی‌شود یا محنت گرمای او را نمی‌کشد.

17- ﴿سَيُجَنَّبُهَا﴾: به زودی از آن دور داشته می‌شود.

18- ﴿يَتَزَكَّىٰ﴾: به واسطه آن از گناه پاک شود.

19- ﴿تُجۡزَىٰٓ﴾: به او پاداش داده شود، در بارۀ ابوبكر صديق نازل شده است.

سورۀ ضُحَی

1- ﴿وَٱلضُّحَىٰ١﴾: قسم به وقت ارتفاع آفتاب.

2- ﴿سَجَىٰ﴾: آرامش یابد یا بسیار تاریک شود.

3- ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ﴾: پروردگارت از وقتی تو را برگزیده ترکت نکرده جواب قسم است.

3- ﴿مَا قَلَىٰ﴾: از زمانی‌که تو را دوست داشته بر تو خشمگین نشده است.

6- ﴿أَلَمۡ يَجِدۡكَ﴾: آیا خدایت از تو آگاه نبود، بدون شک بود.

6- ﴿يَتِيمٗا﴾: پدرت قبل از به دنیا آمدنت از جهان رفته بود.

6- ﴿فَ‍َٔاوَى﴾: و تو را به کسی ملحق کرد که نگهبان و سرپرستت باشد.

7- ﴿ضَآلّٗا﴾: نا‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌‌آ‌‌‌‌گاه از احکام شرع.

7- ﴿فَهَدَى﴾: به تو وحی فرستاد و به راه روشن هدایتت کرد.

8- ﴿عَآئِلٗا﴾: فقیر و تنگدست.

8- ﴿فَأَغۡنَى﴾: با آنچه برايت بخشيد خوشنودت كرد.

9- ﴿فَلَا تَقۡهَرۡ﴾: مال یتیم را تصاحب و تحقیرش نکن.

10- ﴿فَلَا تَنۡهَرۡ﴾: سائل را زجر و طرد نکن با او مهربان باش.

سورۀ شرح

1- ﴿أَلَمۡ نَشۡرَحۡ﴾: آیا برای حکمت و نبوت فراخ نساختیم‑ به یقین ساختیم.

2- ﴿وَضَعۡنَا عَنكَ﴾: بر تو سبک و آسان کردیم.

2- ﴿وِزۡرَك﴾: بارت را، بار سنگین رسالت.

3- ﴿ٱلَّذِيٓ أَنقَضَ ظَهۡرَكَ٣﴾: باری‌که بر دوشت سنگینی می‌کرد.

7- ﴿فَإِذَا فَرَغۡتَ﴾: پس هنگامی‌که از عبادتی فارغ شدی.

7- ﴿فَٱنصَب﴾: به عبادت دیگری بکوش.

8- ﴿فَٱرۡغَب﴾: در همه احوال متوجه خدا باش.

سورۀ تين

1- ﴿وَٱلتِّينِ وَٱلزَّيۡتُونِ١﴾: قسم به سرزمین‌ مبارکی‌که انجیر و زیتون در آنجا می‌روید.

2- ﴿طُورِ سِينِينَ﴾: قسم به طور سینا، کوه محل مناجات موسی.

3- ﴿ٱلۡبَلَدِ ٱلۡأَمِينِ﴾: مکه مکرمه.

4- ﴿لَقَدۡ خَلَقۡنَا﴾: به یقین انسان را آفریدیم، جواب قسم است به چهار چیز قبلی.

5- ﴿أَحۡسَنِ تَقۡوِيمٖ﴾: اعتدال کامل و صورت زیبا.

5- ﴿رَدَدۡنَٰهُ﴾: کافران یا انسان را بازگردانیدیم.

5- ﴿أَسۡفَلَ سَٰفِلِينَ﴾: به دوزخ یا نهایت سالخوردگی و پست‌ترین دوران عمر.

6- ﴿غَيۡرُ مَمۡنُونٖ﴾: انقطاع ناپذیر.

7- ﴿بِٱلدِّينِ﴾: به روز جزاء بعد از رستاخیز و حساب.

سورۀ عَلَق

2- ﴿عَلَق﴾: خون بسته‌، منی به این حالت تحوُّل یافته است.

4- ﴿عَلَّمَ﴾: به انسان نوشتن با قلم را آموخت.

6- ﴿كَلَّآ﴾: در حقیقت.

6- ﴿لَيَطۡغَىٰٓ﴾: به یقین در نافرمانی از حد تجاوز می‌کند.

8- ﴿ٱلرُّجۡعَىٰٓ﴾: بازگشت در آخرت برای جزاء.

9- ﴿أَرَءَيۡتَ﴾: به من خبر بده.

15- ﴿لَنَسۡفَعَۢا بِٱلنَّاصِيَةِ﴾: از موی پیشانی او گرفته به دوزخ می‌کشانیم.

17- ﴿فَلۡيَدۡعُ نَادِيَهُۥ١٧﴾: اهل مجلس، قوم و قبیله خود را صدا بزند.

18- ﴿سَنَدۡعُ ٱلزَّبَانِيَةَ١٨﴾: ما هم ملائکه عذاب را می‌خواهیم تا او را به دوزخ بکشند.

سورۀ قَدْر

1- ﴿أَنزَلۡنَٰهُ﴾: نزول قراَن کریم را آغاز کردیم.

1- ﴿لَيۡلَةِ ٱلۡقَدۡرِ﴾: شب پر شرف و با عظمت.

4- ﴿ٱلرُّوح﴾: جبریل.

4- ﴿مِّن كُلِّ أَمۡرٖ﴾: برای هر امری از خیر و برکت.

5- ﴿سَلَٰمٌ هِيَ﴾: شبی است سرتاسر سلامت برای اوليای خدا و اهل طاعت.

سورۀ بَيِّنَه

1- ﴿مُنفَكِّينَ﴾: آیین خود را ترک نمی‌کنند.

1- ﴿تَأۡتِيَهُمُ ٱلۡبَيِّنَةُ﴾: دلیل روشن برای آنها بیاید مرادشان رسول خداست.

2- ﴿صُحُفٗا﴾: صحیفه‌های‌که قرآن نوشته است.

2- ﴿مُّطَهَّرَة﴾: منزه از باطل و شک و تردید.

3- ﴿فِيهَا كُتُبٞ﴾: در آن آیات و احکام نوشته است.

3- ﴿قَيِّمَةٞ﴾: راست، درست و محکم.

4- ﴿مَا تَفَرَّقَ﴾: اهل کتاب به مؤمن و کافر متفرق نشدند [بلکه همه یکسان پیامبر آخر زمان را تکذیب کردند].

4- ﴿جَآءَتۡهُمُ ٱلۡبَيِّنَةُ﴾: دلیل آشکار برای هدایت آنها آمد و سزاوار بودکه متفرق نشوند.

5- ﴿ٱلدِّينَ﴾: عبادت را.

5- ﴿حُنَفَآء﴾: از باطل دور و به اسلام مایل باشند.

5- ﴿دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ﴾: دین راست و درست یا کتاب‌های‌که حق را از باطل جدا می‌کنند.

6- ﴿ٱلۡبَرِيَّةِ﴾: مخلوقات یا بنی‌آدم.

سورۀ زَلْزَلَه

1- ﴿زُلۡزِلَتِ ٱلۡأَرۡضُ﴾: زمين هنگام نفخۀ اول به شدت و پياپی تكان داده شود.

2- ﴿أَثۡقَالَهَا﴾: گنج‌ها و مرده‌های بطن خود را در نفخه دوم.

4- ﴿تُحَدِّثُ أَخۡبَارَهَا﴾: هر چه بر روی آن انجام شده بیان نماید.

6- ﴿يَصۡدُرُ ٱلنَّاسُ﴾: انسان از قبرها بیرون و به سوی محشر روان می‌شود.

6- ﴿أَشۡتَاتٗا﴾: پراکنده مطابق احوال خود.

7- ﴿مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ﴾: به وزن کوچک‌ترین مورچه یا ذرَّه.

سورۀ عَادِيات

1- ﴿وَٱلۡعَٰدِيَٰتِ﴾: به اسب‌های دونده در عرصه کارزار قسم.

1- ﴿ضَبۡحٗا﴾: صدای نفس اسب‌هاست هنگام دویدن.

2- ﴿فَٱلۡمُورِيَٰتِ قَدۡحٗا٢﴾: از برخورد تند سم اسب‌‌ها با سنگ‌ها جرقۀ آتش می‌جهد.

3- ﴿فَٱلۡمُغِيرَٰتِ صُبۡحٗا٣﴾: و غافلگیر کنندگان دشمن هنگام صبح.

4- ﴿فَأَثَرۡنَ بِهِۦ نَقۡعٗا٤﴾: هنگام صبح گرد و غبار برانگیختند.

5- ﴿فَوَسَطۡنَ بِهِۦ جَمۡعًا٥﴾: در آن هنگام در قلب دشمن یورش بردند.

6- ﴿ٱلۡإِنسَٰنَ﴾: سرشت انسان مگر آنهای‌که مورد رحمت خدا باشند، جواب قسم است.

6- ﴿لَكَنُود﴾: ناسپاس و منکر حق است.

8- ﴿إِنَّهُۥ لِحُبِّ ٱلۡخَيۡرِ﴾: همانا انسان در مال دوستی.

8- ﴿لَشَدِيدٌ﴾: برای بدست آوردن آن خیلی کوشا و حریص است.

9- ﴿بُعۡثِرَ﴾: بیرون آورده و پراکنده شود.

10- ﴿حُصِّلَ﴾: فاش شود یا متمایز گردد.

سورۀ قَارِعَه

1- ﴿ٱلۡقَارِعَةُ١﴾: قیامت که با صحنه‌های هول انگیزش دلها را می‌کوبد.

4- ﴿كَٱلۡفَرَاشِ﴾: مانند پروانه‌.

4- ﴿ٱلۡمَبۡثُوثِ﴾: پراکنده.

5- ﴿كَٱلۡعِهۡنِ﴾: مانند پشم ‌رنگارنگ.

5- ﴿ٱلۡمَنفُوشِ﴾: پراکنده شده با انگشت و مانند آن.

6- ﴿ثَقُلَتۡ مَوَٰزِينُهُۥ﴾: مقدار حسنات وی رجحان یابد.

8- ﴿خَفَّتۡ مَوَٰزِينُهُۥ﴾: اندازۀ کارهای زشتش رجحان یابد.

9- ﴿فَأُمُّهُۥ هَاوِيَةٞ٩﴾: جای او جهنم است که در آن سقوط می‌کند.

10- ﴿مَا هِيَهۡ﴾: او چیست، «ﻫ» برای سکته است

سورۀ تَكاثُر

1- ﴿أَلۡهَىٰكُمُ﴾: شما را از خدا غافل کرده است.

1- ﴿ٱلتَّكَاثُرُ﴾: افتخار به کثرت اموال دنیا.

2- ﴿زُرۡتُمُ ٱلۡمَقَابِرَ﴾: مردید و به قبر دفن شدید.

5- ﴿لَوۡ تَعۡلَمُونَ عِلۡمَ ٱلۡيَقِينِ﴾: اگر از عاقبت خود به یقین آگاه می‌بودید مباهات به مال دنیا شما را از خدا غافل نمی‌کرد.

6- ﴿لَتَرَوُنَّ ٱلۡجَحِيمَ٦﴾: قطعاً شما جهنم را می‌بینید.

7- ﴿عَيۡنَ ٱلۡيَقِينِ﴾: به مشاهده چشم.

8- ﴿ٱلنَّعِيمِ﴾: نعمت‌های‌که شما را از طاعت خدا غافل کرد.

سورۀ عَصر

1- ﴿وَٱلۡعَصۡرِ١﴾: قسم به زمان یا عصر نبوّت.

2- ﴿إِنَّ ٱلۡإِنسَٰنَ﴾: جنس انسان، جواب قسم است.

2- ﴿لَفِي خُسۡرٍ﴾: در خسران، نقصان و نابودی است.

3- ﴿تَوَاصَوۡاْ بِٱلۡحَقِّ﴾: یکدیگر را به خیر عملی و اعتقادی وصیت کرده‌اند.

3- ﴿تَوَاصَوۡاْ بِٱلصَّبۡرِ﴾: یکدیگر را به خودداری از گناه و شکیبایی در برابر سختیها توصیه کرده‌اند.

سورۀ هُمَزَه

1- ﴿وَيۡلٞ﴾: عذاب یا هلاکت باد یا وادیی است در جهنم.

1- ﴿هُمَزَةٖ لُّمَزَةٍ﴾: بد زبان، غیبت‌گو و عیبجو.

2- ﴿عَدَّدَهُۥ﴾: او را شمار کرده یا برای حوادث و پیش‌‌آمدهای بد مهیا کرده است.

3- ﴿أَخۡلَدَهُۥ﴾: مالش او را در دنیا جاودان می‌کند.

4- ﴿لَيُنۢبَذَنَّ﴾: حتماً انداخته می‌شود.

4- ﴿فِي ٱلۡحُطَمَةِ﴾: در جهنم، برای ‌این‌که هر چه در او پرتاب شود خرد می‌کند.

7- ﴿تَطَّلِعُ عَلَى ٱلۡأَفۡ‍ِٔدَةِ﴾: گرمای آن در قلبها نفوذ می‌کند.

8- ﴿مُّؤۡصَدَةٞ﴾: سرپوشیده و در‌ بسته است.

سورۀ فِيْل

1- ﴿بِأَصۡحَٰبِ ٱلۡفِيلِ﴾: به صاحبان فیل این قصه به سال اول ولادت پیامبر خدا واقع شده است.

2- ﴿أَلَمۡ يَجۡعَلۡ كَيۡدَهُمۡ﴾: آیا تلاش ایشان برای تخریب کعبه را قرار نداد.

2- ﴿تَضۡلِيل﴾: تباهی و بیهودگی.

3- ﴿طَيۡرًا أَبَابِيلَ﴾: پرندگان ابابل را دسته دسته و پی‌درپی.

4- ﴿سِجِّيلٖ﴾: گِل پخته مانند سنگ، خشت پخته.

5- ﴿كَعَصۡفٖ مَّأۡكُولِۢ﴾: مانند کاه که چارپا بخورد و سرگین افگند.

سورۀ قُرَيْش

1- ﴿لِإِيلَٰفِ قُرَيۡشٍ١﴾: شگفت نمایید به اُنس و الفت دادن قریش به سفرهای زمستانی و تابستانی و سر‌پیچی آنها از عبادت پروردگار کعبه.

سورۀ مَاعُون

1- ﴿أَرَءَيۡتَ ٱلَّذِي﴾: مرا آگاه کن کسی‌که تکذیب می‌کند کیست؟

1- ﴿يُكَذِّبُ بِٱلدِّينِ﴾: از رستاخیز منکر است جزای اعمال را تکذیب می‌کند.

2- ﴿يَدُعُّ ٱلۡيَتِيمَ﴾: حق یتیم را به شدت پا مال می‌کند.

3- ﴿لَا يَحُضُّ﴾: کسی را تشویق نمی‌کند.

4- ﴿فَوَيۡل﴾: عذاب یا نابودی یا وادیی است در جهنم.

4- ﴿لِّلۡمُصَلِّينَ﴾: برای نماز گزارانی‌که به منافقت یا ریا نماز می‌خوانند.

5- ﴿سَاهُونَ﴾: غافلند و به آن اهمیت نمی‌دهند.

6- ﴿يُرَآءُون﴾: اعمال خویش را به قصد ریا انجام می‌هند.

7- ﴿يَمۡنَعُونَ ٱلۡمَاعُونَ﴾: از بخیلی اشیای کار آمد معمولی را به همدیگر عاریت نمی‌دهند.

سورۀ كَوثَر

1- ﴿إِنَّآ أَعۡطَيۡنَٰكَ ٱلۡكَوۡثَرَ١﴾: ما برای تو نهری در جنت یا خیر فراوان دادیم.

2- ﴿ٱنۡحَرۡ﴾: برای عبادت و شکر گزاری از او تعالی، قربانی کن.

3- ﴿شَانِئَك﴾: دشمن تو، یکی از مشرکین قریش.

3- ﴿هُوَ ٱلۡأَبۡتَرُ﴾: اوست بی‌اثر یا بی‌خیر.

سورۀ كَافِرُون

6- ﴿لَكُمۡ دِينُكُمۡ﴾: شرک و کفرتان یا جزای آن برای خودتان.

6- ﴿وَلِيَ دِينِ﴾: اخلاص و یکتاپرستی‌ من برای خودم یا جزای آن.

سورۀ نَصْر

1- ﴿جَآءَ نَصۡرُ ٱللَّهِ﴾: نصرت الهی در برابر دشمنان به تو رسد.

1- ﴿ٱلۡفَتۡح﴾: فتح مکه در سال هشتم هجری.

2- ﴿أَفۡوَاجٗا﴾: گروه گروه.

3- ﴿فَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ﴾: پروردگارت را ثنا و ستایش نما و او را پاک و منزه بدان.

3- ﴿كَانَ تَوَّابَۢا﴾: خدا همواره توبه بندگان خویش را می‌پذیرد.

سورۀ مَسَد

1- ﴿تَبَّتۡ﴾: هلاک باد یا زیانمند باد.

1- ﴿تَبَّ﴾: هلاک شد یا زیانمند گردید.

2- ﴿مَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُ﴾: از او دفاع نکرد.

2- ﴿مَا كَسَبَ﴾: آنچه بدست آورده بود.

3- ﴿سَيَصۡلَىٰ نَارٗا﴾: به زودی در دوزخ داخل می‌شود یا سختی آن را می‌کشد.

5- ﴿فِي جِيدِهَا﴾: در گردن او.

5- ﴿مِّن مَّسَدِۢ﴾: از پوست درخت خرما ریسمانی‌که سخت بافته شود.

سورۀ اِخْلاص

2- ﴿ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ٢﴾: خدا بی‌نیاز است، ذاتی‌که همگان حاجت خود را از او می‌خواهند.

4- ﴿كُفُوًا﴾: همتا، مانند و نظیر.

سورۀ فَلَق

1- ﴿أَعُوذُ﴾: پناه می‌گیرم.

1- ﴿بِرَبِّ ٱلۡفَلَقِ﴾: به پروردگار صبح یا همه مخلوقات.

3- ﴿شَرِّ غَاسِقٍ﴾: شر شب.

3- ﴿وَقَبَ﴾: تاریکی او در همه جا برسد.

4- ﴿ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِي ٱلۡعُقَدِ﴾: زنان جادوگری‌که هنگام جادوگری در گره تار می‌دمند.

سورۀ نَاس

1- ﴿أَعُوذُ﴾: پناه می‌برم.

1- ﴿بِرَبِّ ٱلنَّاسِ﴾: به پروردگار مردم و مدبر حال آنها.

2- ﴿مَلِكِ ٱلنَّاسِ٢﴾: فرمان روای کامل مردم.

3- ﴿إِلَٰهِ ٱلنَّاسِ٣﴾: معبود حقیقی و ثابت انسان.

4- ﴿ٱلۡوَسۡوَاس﴾: وسوسه کننده جن باشد یا انسان.

4- ﴿ٱلۡخَنَّاسِ﴾: پنهان شونده.

6- ﴿ٱلۡجِنَّةِ﴾: جن.

منابع مورد استفاده مترجم

1. أحکام القرآن جصاص، جصاص احمد بن علی.
2. أیسر التفاسیر، أبو بکر الجزائری، سعودی، چاپ سوم، سال 1418 ﻫ.
3. برنامه التفسیر وعلوم القرآن.
4. برنامه المکتبة الشاملة.
5. برنامه مکتبة طالب العلم الشرعي 800 مجلد کتاب.
6. برنامه مکتبة الألفیة.
7. برنامه نرم افزار تفاسیر قرآن جامع
8. برنامه نور جامع التفاسیر 1/2، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
9. التبیان في إعراب القرآن، ابو البقاء عکبری، متوفای 616 ﻫ.
10. ترجمه صفوة التفاسیر، محمد علی صابونی، نشر احسان، تهران،1383.
11. ترجمه قرآن کریم نوشته شاه ولی الله دهلوی.
12. تفسیر ابن کثیر، ابن کثیر دمشقی 701‑ 774 ﻫ بیروت، سال 1401.
13. تفسیر انوار القرآن، استاد عبد الروف مخلص، احمد جام، چاپ اول 1381.
14. تفسیر جلالین، محلی جلال الدین و جلال الدین سیوطی.
15. تفسیر حسینی، ملا حسین کاشفی سبزواری.
16. تفسیر روح المعانی، شهاب الدین آلوسی، بیروت، سال چاپ، 1415 هـ .ق.
17. تفسیر فتح القدیر، شوکانی، متوفای 1250 ﻫ
18. تفسیر کشاف، جار الله زمخشری 467 ـ 538 هـ، بیروت، سال 1407ﻫ
19. تفسیر نور، دکتر مصطفی خرم دل، تولد ۱۳۱۵، ناشر نشر احسان.
20. جامع البیان في تأویل آي القرآن، طبری، 224-310 ﻫ، بیروت، سال 1405.
21. الجامع لأحکام القرآن،‌ محمد پسر احمد قرطبی متوفای سال 671 ﻫ.
22. در المنثور، جلال الدین سیوطی 849 - 911 ﻫ، مصر، 1424 ﻫ. .ق.
23. صفوة البیان لمعانی القرآن، حسنین محمد مخلوف، 1307- [1410 ﻫ](file:///C:\wiki\1410_%D9%87%D9%80). .ق.
24. فرهنگ اصطلاحات معاصر عربی به فارسی، نجفعلی میرزایی، قم، 1379.
25. فرهنگ الرائد عربی­ به فارسی، جبران مسعود، آستان قدس، سال 1376.
26. فرهنگ فارسی عمید، سه جلدی حسن عمید، تهران، چاپ اول، سال 1363.
27. فرهنگ لاروس عربی به فارسی، دکتر خلیل جر، مترجم طبیبیان، 1379.
28. فرهنگ معین، دکتر محمد معین، انتشارات امیر کبیر، تهران، سال 1375.
29. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، هشتم، تهران، سال 1378 ﻫ .ش.
30. لغت نامه فارسی، علامه دهخدا.
31. مفردات در غریب قرآن، راغب اصفهانی حسین بن محمد، وفات 425 ق.

1. - اگر منظور او از این سخن، تفویض چگونگی استوا (واگذار کردن بیان کیفیت آن به خداوند) باشد، سخنی حق است؛ زیرا چگونگی و کیفیتی که سزاوار الله سبحانه و تعالی باشد را کسی جز خودش نمی‌داند، همانگونه که امام مالک : گفت: «چگونگی آن مجهول است». اما اگر منظور ایشان این بوده که معنی استواء نامعلوم است این سخن فرار از اثبات صفت علو و استوا بر عرش است، زیرا سلف گفته‌اند که معنای استوا یعنی بلندا و ارتفاع و قرار گرفتن. (نگا: صحیح بخاری 4/387 ، برای آگاهی بیشتر مراجعه کنید به کتاب: «اجتماع الجیوش الإسلامیة» و کتاب «العلو»، نوشته‌ای ابن القیم :).

   عبارت مؤلف مبهم است و هر دو معنی را شامل می‌شود، ولی سلف معنای استواء را نامعلوم نمی‌دانستند، چنانکه امام مالک : و دیگران گفته‌اند: (الاستواء معلوم) یعنی استواء معلوم است. (این اثر را ابن عبدالبر در التمهید (7/138) از طريق عبدالله بن نافع عن مالك بن أنس الصابوني در عقيدة السلف أصحاب الحديث (ص17-18)، و أبونعيم در الحلية (6/325-326) همگی از طريق جعفر بن عبدالله از مالك روایت کرده‌اند و صابوني در عقيدة السلف (ص 17) از طريق جعفر بن ميمون از مالك و بيهقي در الأسماء والصفات (ص 408) از طريق عبدالله بن وهب از مالك روایت کرده‌اند. حافظ ابن حجر در الفتح (103/406- 407) گفته است: سند آن "جيد" است، و ذهبي در کتاب العلو ص103 آن را صحیح دانسته است).

   این مفهوم با الفاظ دیگری نیز وارد شده: (الاستواء غیر مجهول والکیف غیر معقول) یعنی استواء مجهول نیست و چگونگی آن را عقل در نمی‌یابد. (برگرفته از مقاله‌ «التعقيبات المفيدة على كتاب كلمات القرآن تفسير وبيان للشيخ مخلوف»، نوشته‌ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس). [↑](#footnote-ref-1)
2. - حقیقت مکر، برنامه‌ریزی محكم برای مجازات مجرم است به گونه‌ای که او باخبر نشود؛ و از عقوبت و مجازات مطلق،‌ خاص‌تر است زیرا مكر عقوبت ویژه است. (برگرفته از مقاله‌ «التعقيبات المفيدة على كتاب كلمات القرآن تفسير وبيان للشيخ مخلوف»، نوشته‌ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس). [↑](#footnote-ref-2)
3. - این یکی از معانی علو است که برای الله سبحانه به اثبات رسیده است زیرا او با چیرگی و با ذات خویش بالاتر از آفریده‌هایش قرار دارد. (برگرفته از مقاله‌ «التعقيبات المفيدة على كتاب كلمات القرآن تفسير وبيان للشيخ مخلوف»، نوشته‌ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس). [↑](#footnote-ref-3)
4. - شیخ مخلوف می‌گوید: ﴿كَلِمَٰتُ ٱللَّهِ﴾ (مقدوراته وعجائبه أو معلوماته) یعنی: تقدیرها و شگفتی‌ها یا معلوماتش.

   می‌گویم: تفسیر ﴿كَلِمَٰتُ ٱللَّهِ﴾ به تقدیرات و معلومات، مخالف فهم سلف در این زمینه است و همچنین کنار گذاشتن ظاهر لفظ است، بلکه کلمات خداوند -پاک و منزه- همان کلام و سخن او می‌باشد که پایان ندارد؛ زیرا الله اول است بی‌آنکه آغازی داشته باشد و آخر است بی‌آنکه پایانی داشته باشد و پیوسته و همیشه سخن گفته است و هر آنچه که بخواهد و هرگاه که اراده کند می‌گوید و کلام او در گذشته و آینده هیچ حد و مرزی نداشته و ندارد و درختان و دریاهایی که مقدر نموده تا کلمات الله را بنویسند به ناچار تمام می‌شوند و پایان می‌پذیرند اما کلام الله هیچ پایانی ندارد.

   تفسیر ﴿كَلِمَٰتُ ٱللَّهِ﴾ به تقدیرات یا معلومات شامل امور وجودی و امور عدمی می‌شود، در حالی که ویژگی کلمات الله این است که هیچ پایانی ندارد و از امور وجودی است. به نظر می‌رسد تفسیری که مؤلف ذکر نموده بر اساس مذهب اشاعره در مورد کلام الله است، زیرا آنها می‌گویند که کلام الله معنایی واحد درونی و قدیمی است و وصف تعدد شامل آن نمی‌شود. این تعریف مخالف با مذهب اهل سنت و جماعت است که می‌گویند: «خداوند متعال پیوسته و همیشه به هر کلامی که بخواهد و هرگونه که بخواهد سخن می‌گوید و کلامش پایانی ندارد و خداوند این گونه وصف می‌شود که: گفت و می‌‌گوید، ندا داده و ندا می‌دهد، همانگونه خداوند متعال درباره‌ی خودش چنین خبر داده است او از هر کسی به نفس خویش آگاه‌تر است و از آفریده‌هایش صادق‌تر و نیکو سخن‌تر است». (نگا: تفسیر ابن جریر ۲۱/۸۰-۸۲ ، تفسیر بغوی ۶/۲۹۲ و تفسیر سعدی ۶/۱۶۶). (برگرفته از مقاله‌ «التعقيبات المفيدة على كتاب كلمات القرآن تفسير وبيان للشيخ مخلوف»، نوشته‌ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس). [↑](#footnote-ref-4)
5. - این یکی از دو قول در تفسیر این آیه است. و قول دوم این است که کردار نیک، سخن نیک را بالا می‌برد، زیرا کردار، برهانِ راستین بودن انسان در سخن نیکش است. بنابراین، هرگاه کردار شخص سخنش را تصدیق کند و گردارش مطابق گفتارش باشد، شایسته و سزاوار این است که الله آن را بالا برده و بپذیرد. و این آیه یکی از بزرگ‌ترین حجت‌های اهل سنت علیه اهل بدعت در باب اثبات صفت علو الله متعال است. (نگا: تفسیر ابن کثیر ۵/۵۷۲-۵۷۳). (برگرفته از مقاله‌ «التعقيبات المفيدة على كتاب كلمات القرآن تفسير وبيان للشيخ مخلوف»، نوشته‌ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس). [↑](#footnote-ref-5)
6. - بهتر و شایسته‌تر این بود که این دو نام خداوند یعنی ظاهر و باطن را بر اساس همان تفسیری که پیامبر ج تفسیر نموده تفسیر می‌کرد. پیامبر ج می‌فرماید: «وأنت الظاهر فليس فوقك شيء، وأنت الباطن فليس دونك شيء» «تو ظاهر هستی پس هیچ‌ چیزی بالاتر از تو نیست و تو باطن هستی پس هیچ چیزی از تو دور و مخفی نیست». بنابراین اسم ظاهر بیانگر بالا بودن او بر آفریده‌هایش دارد و اسم باطن بیانگر احاطه‌ی علم او است و اینکه هیچ چیز از او پنهان نمی‌ماند، شنوایی‌اش گنجایش تمامی صداها را دارد و بینایی‌اش همه‌‌ی آفریده‌ها را زیر نظر دارد. (برگرفته از مقاله‌ «التعقيبات المفيدة على كتاب كلمات القرآن تفسير وبيان للشيخ مخلوف»، نوشته‌ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس). [↑](#footnote-ref-6)
7. - این یکی از دو قول در تفسیر این آیه است و قول دوم چنین است: منظور این است که الله ساقش را آشکار می‌کند. و حدیثی که صحت آن ثابت است دلیل این قول است. (نگا: صحیح بخاری - كتاب التوحيد باب قول الله تعالى: ﴿وُجُوهٞ يَوۡمَئِذٖ نَّاضِرَةٌ ٢٢ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٞ٢٣﴾ (13/431) حديث شماره (7439) و همچنین امام مسلم این حديث را به شماره (183) از طريق عطاء بن يسار عن أبي سعيد الخدري روایت کرده است).

   همچنین سلف صالح در اثبات صفت ساق همانند صفت پا و دست اختلافی نداشته‌اند و تنها در تفسیر این آیه اختلاف کرده‌اند. برخی از آنها گفته‌اند : «منظور از ساق، ساق الله است، بنابراین الله ساق خویش را آشکار نموده و در این هنگام مؤمنان برایش سجده می‌کنند همانگونه که در صحیحین وارد شده است». (لفظ این حدیث در صحیح بخاری چنین است که از ابو سعید خدری س روایت شده که گفت: به رسول الله ج گفتیم: آیا پروردگارمان را در قیامت می‌بینیم؟ فرمود: آیا در دیدن خورشید و ماه در هوای صاف دچار مشکل می‌شوید؟ گفتیم: نه. فرمود: پس شما در دیدن پروردگارتان در آن هنگام نیز دچار مشکل نمی‌شوید. سپس فرمود: منادی ندا سر می‌دهد که هر قومی به سوی آنچه عبادت می‌کردند بروند. پس اصحاب صلیب با صلیبشان و بت‌پرستان با بت‌هایشان می‌روند و هر کس معبودی را می‌پرستیده با آن می‌رود تا اینکه افرادی می‌مانند که الله را عبادت کرده‌اند چه نیکوکار باشند یا تبهکار و غیره از اهل کتاب. سپس جهنم آورده شده و عرضه می‌شود که گویی سراب است. به یهود گفته می‌شود: شما چه کسی را پرستش می‌کردید؟ می‌گویند: ما عزیر پسر الله را می‌پرستیدیم. گفته می‌شود: دروغ گفتید الله همسر و فرزندی نداشته است (و ندارد) پس چه می‌خواهید؟ می‌گویند: می‌خواهیم ما را بنوشانی. گفته‌ می‌شود: بنوشید پس در جهنم سقوط می‌کنند. سپس به نصاری گفته می‌شود که شما چه را پرستش می‌کردید؟ می‌گویند: ما مسیح پسر الله را پرستش می‌کردیم. گفته می‌شود: دروغ گفتید الله همسر و فرزندی نداشته است (و ندارد) گفته می‌شود: چه می‌خواهید؟ می‌گویند: می‌خواهیم ما را بنوشانی. گفته‌ می‌شود: بنوشید پس در جهنم سقوط می‌کنند تا اینکه کسانی باقی می‌مانند که الله را پرستش می‌کردند چه نیکوکار و چه تبهکار. به آنها گفته می‌شود: اکنون که مردم رفته‌اند چه چیزی شما را نگه داشته است. می‌گویند: ما آن هنگام که بیشتر به آنها نیاز داشتیم از آنها جدا شدیم و ما ندای ندا دهنده‌ای را شنیدیم که ندا سر داده هر کس به آنچه می‌پرستید بپیوندد و ما منتظر پروردگارمان هستیم، می‌گوید‌: خداوند جبار با هیئتی متفاوت از آنچه در ابتدا دیده بودند می‌آید و می‌گوید: من پروردگار شما هستم، می‌گویند: تو پروردگارمان هستی، و جز پیامبران کسی با او سخن نمی‌گوید. می‌گوید: آیا شما نشانه‌ای دارید که او را با آن بشناسید؟ می‌گویند: ساق، پس الله ساقش را آشکار نموده و هر مؤمنی برای او به سجده می‌افتد و کسانی که از روی خودنمایی و ریا و شهرت خدا را سجده می‌کردند باقی می‌مانند پس می‌روند تا سجده کنند اما کمرشان یک پارچه صاف می‌ماند .... الحدیث».

   برخی نیز گفته‌اند: (إن المراد شدة الهول) منظور ترس و هراس بسیار شدید است. در نتیجه آنها این آیه را از آیات صفات به شمار نیاورده‌اند اما صفت ساق که در سنت ثابت است را انکار نکرده‌اند یعنی صفت ساق را با نص قرآن ثابت نمی‌دانند بلکه از طریق سنت آن را به اثبات می‌رسانند. و به هر حال تضادی میان دو قول وجود ندارد زیرا الله در روزی بسیار هراسناک ساق خویش را آشکار می‌گرداند.

   بر خلاف معطله که به صفت ساق ایمان ندارند و نه از قرآن و نه از سنت آن را ثابت نمی‌دانند بلکه آیه و حدیث را به شدتِ عذاب تعبیر می‌کنند و اگر چه این را می‌توان از آیه برداشت کرد ولی در تفسیر حدیث نمی‌توان چنین برداشتی داشت، زیرا در حدیث ساق به ضمیری اضافه شده که به الله متعال باز می‌گردد. (نگا: تفسیر ابن جریر ۲۹-۳۸-۴۲ و تفسیر ابن کثیر ۷/۹۰-۹۱). (برگرفته از مقاله‌ «التعقيبات المفيدة على كتاب كلمات القرآن تفسير وبيان للشيخ مخلوف»، نوشته‌ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس). [↑](#footnote-ref-7)
8. - بقیه آیه، یعنی کلمه «ٱلۡأَعۡلَى» را ذکر نکرده است. معنایش چنین است که خداوند بالاتر از هر چیزی است و از باب «أفعل تفضیل» است و بیانگر این است که خداوند دارای علو است با تمامی مفاهیمی‌ که علو در بر دارد. بنابراین، او بالاتر است از نظر قدر و منزلت، او بالاتر است در چیرگی و غلبه و ذات الله نیز بالاتر از هر چیزی است و ذکر نام أعلی در این بخش از آیه بیانگر علت شایستگی خداوند برای تسبیح و پاک دانسته شدن از کاستی‌ها و نقایص است. (برگرفته از مقاله‌ «التعقيبات المفيدة على كتاب كلمات القرآن تفسير وبيان للشيخ مخلوف»، نوشته‌ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس). [↑](#footnote-ref-8)